



سال پنجم، شماره سوم، تابستان ۹۴

صاحب امتیاز:

بسیج دانشجویی پردیس فارابی دانشگاه تهران

مدیر مسئول:

علی پوربهروزان

سر دبیر:

امین اقبالی مطلق

داوران این شماره:

دکتر عبد الرحیم حسینی، مرتضی معظمی، دکتر احمد حاجی ده آبادی،

دکتر سید محمود میرخلیلی، علی اصغر رشید، محمد هیزجی، دکتر ناصر قاسمی رزوه،

سید مجتبی حسینی فرد، مهدی گل وردی

ویراستار فارسی: ریحانه زارعی

ویراستار انگلیسی: نسرین مقدم

ویراستار عربی: محمد نقده

طراح جلد و صفحه آرا: سید محمد مهدی بابابی

آدرس: قم، کیلو متر ۵ جاده قدیم تهران، پردیس فارابی دانشگاه تهران

رایانامه: Forsatjournal@gmail.com

پایگاه الکترونیک: Farabi.ut.ac.ir

## هیات تحریریه:

### گروه مدیریت

دانشگاه تهران	دانشیار	دکتر علی نقی امیری
دانشگاه تهران	استاد	دکتر حسین خنیفر
دانشگاه تهران	استاد	دکتر حسن زارعی میتن

### گروه حقوق

دانشگاه تهران	استادیار	دکتر عبدالرضا علیزاده
دانشگاه تهران	دانشیار	دکتر سید محمود میر خلیلی

### گروه فلسفه

دانشگاه تهران	دانشیار	دکتر محمد علی عبداللهی
دانشگاه تهران	استاد	دکتر محمد محمد رضایی

## راهنمای نگارش مقالات:

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله باید دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی و انگلیسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مآخذ باشد.
۳. مقالات در برنامه word2007 و با قلم **B Nazanin** و اندازه ۱۳ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم **B Titr** و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حد اکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی و انگلیسی باشد.
۶. چکیده فارسی و انگلیسی بیش از ۲۰۰ کلمه نباشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی و غیر رایج پانوشت شود.
۸. در متن مقاله عبارتی که بیانگر خصوصیتی است و نویسنده توجه بیشتری را از خواننده طلب می‌کند، همانند اسامی خاص، ماده قانون و یا ... با علامت " " آورده شود.
۹. ارجاع به منابع به شیوه درون متنی باشد. بدین صورت که در متن مقاله پس از نقل مطلب در داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود.

مثال: (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۳۳)

۱۰. فهرست منابع و مآخذ به ترتیب الفبایی نام نویسندگان، در انتهای مقاله به شرح زیر آورده شود:

کتاب ها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کامل کتاب (بصورت ایتالیک) ، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر.

مثال: هارت، هربرت، ۱۳۹۰، *مفهوم قانون*، راسخ، محمد، تهران، نشر نی  
مقالات: نام خانوادگی نویسنده/نویسندگان، نام نویسنده/ نویسندگان، سال انتشار، عنوان مقاله (بصورت ایتالیک) ، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله.

مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، *روش توسعه تجربی*، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، صفحات ۱۷۲-۱۸۹.

۱۱. نویسندگان محترم می‌توانند مقالات خود را به آدرس

[JournalForsat@gmail.com](mailto:JournalForsat@gmail.com) ارسال نمایند.

۱۲. مقالات بیانگر آراء و نظرات نویسندگان است.

۱۳. نقل مطالب نشریه با ذکر منبع بلا مانع است.

۱۴. نشریه در ویرایش مقالات آزاد است.



## فهرست مقالات

- ۲ ..... سرمقاله
- ۸ ..... تعلق مال به غیر در جرایم علیه اموال  
جعفر اکبری
- ۳۳ ..... بررسی تطبیقی واقعه کربلا در اَلْفِیَهِ شریف رضی و دوازده بند محتشم کاشانی.....  
حمید رمی، اله شاکری
- ۶۳ ..... تأثیر معیشت حرام بر انحراف و بزهکاری.....  
سید محمد حسین قربی
- ۱۰۱ ..... روش شناسی تأسیل اصول حاکم بر خانواده با تکیه بر روش «اکتشاف» شهید صدر.....  
دکتر صدیقه مهدوی کنی، فاطمه محمدقلی ها
- ۱۳۷ ..... دو اصل عقلانی برای تفکر اخلاقی: از تعمیم پذیری هیر تا قاعده طلایی گنسلر.....  
سید محمد موسوی مطلق، حامد مرآتی
- ۱۷۳ ..... شفافیت اطلاعاتی دولت و تاثیر آن بر افزایش اعتماد عمومی.....  
فاضل نجفی
- ۲۰۹ ..... خروج نخبگان؛ علل و راهکارها.....  
سید مجتبی حسین فرد، علی پوربهروزان
- ۲۳۷ ..... به کارگیری مدل شبکه‌ی عصبی فازی در تعیین زمان خرید اوراق بهادار.....  
طیبه بیات

## سرمقاله

روزگاری برای استفاده از یافته‌های علمی اندیشمندان و پژوهشگران نیاز به اقناع و توضیح و توجیه افراد بود، اما تحولات روزافزون جامعه امروزی، ما را ناچار و ناگزیر به استفاده از این یافته‌ها نموده است. لذا سازمان‌ها و افراد با هر ماهیتی به سمت دانشگاه و نهادهای تولید کننده علم در حرکتند تا خطاهای خود را هر چه بیشتر کاهش دهند و نقاط قوت خود را ابتدا تشخیص و سپس تقویت نمایند. با این اوصاف مقالات علوم انسانی که حاصل تلاش متخصصین این رشته هاست، جایگاه ویژه‌ای را در حل معضلات این حوزه‌ی علمی دارند. برای دستیابی به این مهم ما نیز بر آن شدیم تا یافته‌های پژوهش‌گران این عرصه‌ها را در قالب مقالات ترویجی و پژوهشی جمع‌آوری و در اختیار علاقه‌مندان قرار دهیم. در این مجموعه مقالاتی با عناوین؛ تعلق مال به غیر در جرایم علیه اموال، بررسی تطبیقی واقعه کربلا در آلفیه شریف رضی و دوازده بند محتشم کاشانی، تاثیر معیشت حرام بر انحراف و بزهکاری، روش شناسی تاصیل اصول حاکم بر خانواده با تکیه بر روش «اکتشاف» شهید صدر، دو اصل عقلانی برای تفکر اخلاقی؛ از تعمیم پذیری هیر تا قاعده طلایی گنسلر، شفافیت اطلاعاتی دلت و تاثیر آن بر افزایش اعتماد عمومی، خروج نخبگان؛ علل و راهکارها، بگار گیری مدل شبکه عصبی فازی در تعیین زمان خرید اوراق بهادار که به قلم اساتید و دانشجویان سطوح مختلف دانشگاه‌های کشور نگاشته شده، خدمت عزیزان تقدیم می‌گردد.

علی پوربهروزان



## تعلق مال به غیر در جرائم علیه اموال

جعفر اکبری<sup>۱</sup>

دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۸ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۵

### چکیده:

تعلق مال به غیر، عنصر مشترک همه‌ی جرائم علیه اموال است. قوانین کیفری و حقوقی ایران در مواردی بحث تعلق مال به غیر را مطرح کرده‌اند از جمله مواد قانون مجازات اسلامی در باب سرقت، کلاهبرداری و خیانت‌درامانت و در قانون مدنی نیز مفهوم این تعلق به غیر به‌نوعی در موادی همچون مواد ۳۵ و ۵۸۲ و ۵۸۳ آمده است. با توجه به اینکه تعریف تعلق مال به غیر مفهومی سهل ممتنع است و می‌تواند مالکیت و انواع تصرفات را درگیرد در این مقاله با رجوع به قوانین جمهوری اسلامی ایران و آرای دیوان عالی کشور سعی شده است که مفهوم این موضوع روشن گردد.

**واژگان کلیدی:** تعلق، مالکیت، تصرف، مال، سرقت، کلاهبرداری

## مقدمه:

امروز اموال نقش بسیار مهمی در زندگی اجتماعی افراد دارند. این اهمیت در گذشته هم وجود داشته و به همین خاطر است که پیامبر اعظم (ص) احترام مال مؤمن را با خون وی برابر دانسته است. حال با توجه به این اهمیت روزافزون انتظار تخلفات و جرائم علیه اموال دیگران انتظار گزافی نیست چه اینکه شرایط اجتماعی افراد ایجاد می‌کند که جرائمی این دست زیاد اتفاق افتد که البته این موضوع به سیاست دولت‌ها و میزان حضور اخلاق در جامعه نیز بستگی دارد. چیزی که در جرائم علیه اموال ذهن عامه مردم را کمتر مشغول می‌کند و حال آنکه ذهن پویای دانشمندان حقوق از کنار آن به راحتی نمی‌گذرد این است که تعلق مال به غیر چه معنایی دارد؟ آیا به معنای این است که مال باید در مالکیت شخص باشد یا اینکه تصرف شخص در مال همان‌طور که در قانون مدنی اماره مالکیت قرار گرفته در اینجا هم مشمول تعلق مال قرار می‌گیرد؟ این سؤال زمانی اذهان را مشغول خود می‌کند که به نکات زیر توجه کنیم تا اهمیت قضیه برایمان روشن شود.

آیا شخص می‌تواند سارق مال خود شود یا مثلاً مال خود را تخریب کند؟ اگر بگوییم که منظور از تعلق مال همان مالکیت مال است امکان سرقت مال خود اساساً منتفی خواهد شد ولی اگر این تعلق را تصرف بدانیم این امکان ایجاد می‌شود که شخص مخرب مال خود شود بدین صورت که مالی را که مالک است مثلاً به عنوان عاریه به شخص دیگری می‌دهد و در جای دیگر همان مال را می‌رباید. اگر تعلق به صورت تصرف معنا شود این ربایش یک جرم قانونی خواهد بود و سرقت نام خواهد گرفت ولی اگر تنها مالکیت معنا شود دیگر این عمل سرقت نخواهد بود.

شخصی از خارج از کشور می‌خواهد خودروی خود را از مرز ایران وارد کشور کند که گمرک خودروی وی را به دلیل عدم پرداخت عوارض گمرکی توقیف می‌کند. مالک

تعلق مال به غیر در جرائم علیه اموال ۵

خودرو فیزیکی جعلی ساخته و بدین وسیله خودروی خود را از توقیف خارج می‌کند. آیا اینجا کلاهبرداری اتفاق افتاده است؟! چون شخص با توسل به وسایل متقلبانه مالی را که در تصرف گمرک است را می‌برد.

### اصطلاح‌شناسی:

قبل از ورود به بحث لازم است که مفهوم دو اصطلاح مالکیت و تصرف که اساس بحث این مقاله است تبیین شود:

بخش اول قانون مدنی که از اموال صحبت می‌کند به‌طور ضمنی مالکیت و تصرف را تعریف کرده است:

الف) مالکیت:

ماده ۲۹ ق. م که در مقام بیان انواع حق بر یک مال است می‌گوید: ممکن است اشخاص نسبت به اموال علاقه‌های ذیل را دارا باشند:

۱. مالکیت (اعم از عین و منفعت) ۲. حق انتفاع ۳. حق ارتفاق در ملک غیر

پس قانون مدنی مالکیت را یکی از حقوق بر مال می‌داند که کامل‌ترین حق است بطوریکه طبق ماده ۳۰ همان قانون: هر کس نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد.

ب) تصرف:

تصرف ۳ گونه است:

۱. تصرف به‌عنوان مالکیت: این تصرف از دید مؤلفان حقوق فرانسه دو عنصر دارد: ۱: عنصر مادی که داشتن سلطه مالی بر مال معین اعم از منقول و غیرمنقول است. ۲: عنصر معنوی که عبارت است از قصد تملک با قصد اختصاص مال به خود برای انحاء تصرفات. سارق نیز چنین قصدی را در مورد اموال مسروقه دارد یعنی به‌عنوان مالک در مال تصرف مسروقه تصرف می‌کند.

۲. تصرف به‌عنوان وقف: که دلیل بر وقفیت است (رأی شماره ۶۹۹ مورخ ۱۳۳۴/۴/۱۷ هیات عمومی تمییز)

۳. تصرف از جانب غیر: که یا ید وی امانی و یا ضمانی است.

حال مبنای ماده ۳۵ قانون مدنی که تصرف را اماره مالکیت می‌داند این است که در این ۳ قسم تصرف، غلبه با قسم اول است و آن را دلیل مالکیت دانسته است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰، شماره ۱۹۷ به بعد)

دکترین حقوقی درباره‌ی تعلق:

ابتدا بعضی نظرات حقوقدانان را مورد توجه قرار می‌دهیم تا به کلیات بحث آشنا شویم.

۱. بعضاً اساتید برای بردن مال غیر در تعریف سرقت است آورده‌اند که تعلق مال به دیگری دو جنبه دارد: جنبه‌ی اثباتی یا همان تعلق به دیگری و جنبه‌ی سلبی یا عدم تعلق به سارق. ایشان معتقدند تا زمانی که هردوی این جنبه‌ها موجود نباشند جرم سرقت رخ نداده است اگرچه تصرفات دیگران در اموال مالک بدون اذن و رضایت وی و یا منع و مزاحمت آنان نسبت به تصرفات او که هم موضوع حکم تکلیفی است و هم موضوع حکم وضعی، ممنوع و باعث ضمان و جبران خسارت مدنی است (محقق داماد، ج ۱، ص ۲۳۰)

قبول این نظر با توجه به استدلال آورده شده درست می‌نماید اما در ادامه‌ی مطلب این نکته را نیز خاطر نشان می‌کند که اگرچه دو جنبه‌ی بالا باید موجود باشد ولی اگر مال مسروقه ملک مال‌باخته نباشد، بلکه با اجازه‌ی مالک در اختیار او قرار گرفته باشد ربودن آن عنوان سرقت را دارد. (حبیب زاده، ۱۳۸۸، صص ۳۸-۴۵) پس جرم علیه تصرف مال غیر را پذیرفته‌اند. در اینجا نکته‌ای به نظر می‌رسد و آن اینکه دو جنبه‌ی بالا به نظر می‌رسد که جمعشان افاده‌ی فایده‌ای نکند چراکه قانون مجازات اسلامی از

## تعلق مال به غیر در جرائم علیه اموال ۷

ربودن مال متعلق به دیگری سخن گفته است و این تعلق به غیر صریح ماده‌ی ۲۶۷ ق.م.ا است پس تعلق مال به خود شخص سارق اهمیتی ندارد و منشأ اثری نیست.

۲. جمع زیادی از حقوقدانان تعلق به غیر را مالکیت تفسیر کرده‌اند. گویی بر این نظر اجماع وجود دارد (شامبیاتی، ۱۳۷۹، ۲۱). کسی را که با توسل به وسایل متقلبانه مال خود را از تصرف دیگری خارج می‌کند (حتی در صورت مشروع بودن تصرف متصرف) محکوم به ارتکاب جرم کلاهبرداری نمی‌دانند (میر محمدصادقی، ۱۳۸۳، ۸۱) یا اینکه اگر کسی چیزی را که از آن خودش است ولی در اختیار و تصرف دیگری برآید دزدی نیست. (حبیب زاده، ۱۳۸۸، ۳۳؛ شامبیاتی، ۱۳۷۹، ۴۵)

دیده‌شده که بعضاً به رأی تجدیدنظری استناد می‌کنند که فروش مال را وقتی متهم در آن سهیم باشد از مصادیق کلاهبرداری و مشمول مقررات قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری ندانسته، بلکه آن را به دلیل فقدان سوءنیت مصداق معامله‌ی فضولی دانسته است.<sup>۱</sup>

اگرچه دادنامه این موضوع را مشمول کلاهبرداری ندانسته است ولی باید توجه نمود که دادنامه این پرونده را به دلیل فقدان سوءنیت مصداق معامله‌ی فضولی دانسته است ولی اگر سوءنیت در بین باشد شاید موضوع متفاوت می‌بود. در اینکه ربودن مال از ید مستأجر توسط موجر سرقت نیست دو دلیل آورده‌اند: ۱. در حقوق ما برخلاف حقوق انگلستان منظور از تعلق مال به غیر، تعلق «عین» آن به دیگری است. ۲. منفعت آتی مال مورد اجاره هنوز موجود نمی‌باشد تا بتواند مورد سرقت قرار گیرد. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳، ۲۱۹)

۳. همچنین بحث جالبی هم مطرح شده است بدین صورت که: در سرقت تصرف قانونی کافی است زیرا موجب مالکیت مدنی می‌باشد. ملاک سرقت ربودن مال متعلق به

غیراست و آن اعم است از اینکه مال در ید شخص مالک باشد یا به طریقی از جمله امانت و اجاره در تصرف دیگری باشد. پس اگر شخصی مال مورد اجاره را از ید مستأجر ربود چون مستأجر در حکم مالک است پس عملش سرقت است اما اگر خود صاحب‌ملک، مال را ربود این سرقت نیست چون این عمل ربودن مال متعلق به غیر نیست.

(حبیب زاده، ۱۳۸۸، ۳۸)

در اینجا شاید با پذیرش اینکه منظور از تعلق مال به دیگری همان مالکیت مال است، پذیرش تصرف قانونی یک شخص در مال قابل قبول نباشد؛ مگر اینکه منظور از تعلق مال به دیگری را به‌طور کلی تصرف قانونی یا مالکیت بدانیم.

#### تعلق در اموال مشاع:

مشاع در لغت مالی را گویند که معروض وصف اشاعه باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰، شماره ۳۹۳۷). یعنی دارای وصف اشاعه باشد که توضیح آن در ادامه خواهد آمد.

ابتدا باید شرکت را تعریف کرد. طبق ماده‌ی ۵۷۱ ق.م: «شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه» در این ماده که از فقه شیعه گرفته شده است به ماهیت شرکت توجه شده است نه به اسباب آن که همان عقد شرکت باشد. (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ج ۱، ۳۰۴)

مالی که شرکا به نحو اشاعه در آن شریک می‌گردند، مال مشاع نامیده می‌شود. یکی از مصادیق جرم علیه اموال، جرم علیه مال مشاع است. برای مثال فرض کنید که دو شریک مالک مشاع یک اتومبیل هستند. به خاطر درگیری یکی از شرکا اتومبیل را هنگام خروج از کشور می‌خواهد با خود ببرد. شریک دیگر، بعداً شکایت می‌کند که شخص مزبور مال مشاع را دزدیده است. قدر متیقن این است که شریکی که بدون اذن

## تعلق مال به غیر در جرائم علیه اموال ۹

یا در خارج از حدود اذن تصرف در اموال مشاع نماید ضامن است. ولی تصرفات حقوقی همانند فروش سهم خویش از مال مشاع به وسیله‌ی ماده‌ی ۵۸۳ ق. م اجازه داده شده است. (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۴۱۱؛ امامی، ۱۳۸۰، ۲۸). سؤال اینجاست که آیا می‌توان شریک اول را سارق دانست؟

در اینجا دو نظریه مطرح شده است:

۱. عده‌ای معتقدند که سرقت در مال مشاع رخ نمی‌دهد زیرا جزء جزء مال مشاع تعلق به مرتکب سرقت و شرکای دیگر دارد و شریکی که غیر مأذون است دخالت در مال مشاع دارد. چون مرتکب با شریک، هر دو در جزء جزء مال مشاع شرکت دارند، پس مرتکب مال خود را برمی‌دارد و نتیجتاً عمل او سرقت تلقی نمی‌شود بدان دلیل که طبق قاعده‌ی سلطنت بر اموال اصل در حقوق مالکان این است که آنان حق همه گونه تصرف در مال خود را دارند مگر آنکه خلاف آن به اثبات برسد (محقق داماد، ۱۳۹۲، ج ۱، ۲۳۰). در تأیید این نظر دیوان عالی کشور آرایبی دارد که از جمله آنان به ۳ مورد می‌توان اشاره کرد:

الف. دادنامه‌ی شماره ۵۶۶ مورخ ۷۰/۱۰/۱۴ صادره از شعبه‌ی ۱۶ دیوان عالی کشور که اظهار می‌دارد: «با توجه به محتویات پرونده، متهمان جزء ورثه هستند و فروش ملک مورث را که به‌عنوان ارث به آنها رسیده است بدون جلب نظر اوصیاء فروش مال غیر تلقی نمودن مشکل به نظر می‌رسد زیرا فروش مال غیر علی‌القاعده موقعی مصداق پیدا می‌کند که به‌طور مطلق متعلق به دیگری باشد».

ب. رأی دادنامه شماره ۱۷ شعبه ۳۵ دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۸۲/۸/۴ گوید: «فروش مال غیر، کلاه‌برداری در مانحن فیه (موردی که مال مشترک بین ورثه بوده است) متصور نیست و مصداق ندارد».

ج. دادنامه شماره‌ی ۲۳۳ مورخ ۷۲/۴/۲۶ صادره از شعبه‌ی ۱۶ دیوان عالی کشور: «به لحاظ اینکه متهم به‌عنوان شریک ملک مشاع در زمین مورد شکایت مالک بوده ... سوءنیت متقلبانه‌ی او دائر بر کلاهبرداری و فروش ملک غیر احراز نمی‌شود».

۲. عده‌ای هم در مقابل نظریه‌ی اول معتقدند که هریک از شرکا مالک جزء جزء این مال هستند. پس وقتی توسط یکی از شرکا مال برداشته می‌شود، آن مال متعلق به غیراست و در نتیجه عمل ضمان آور است و در مال مشاع سرقت صورت گرفته است. چیزی که همگی روی آن توافق دارند این است که در صورت اشاعه حق شریک در عالم خارج آمیخته با حق سایر شرکا است. به‌گونه‌ای که در هر جزء این آمیختگی حقوق وجود دارد. بی‌آنکه بتوان مصداق مستقل و جداگانه‌ای برای آن معین کرد. (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ج ۱، ۳۰۴؛ کاشانی، ۱۳۸۸، ۴۴؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰، شماره ۹۲؛ امامی، ۱۳۸۰، ۲۰۵). حال طبق نظر اول سرقت تلقی نشدن عمل ارتكابی به اعتبار مالکیت رباینده است و طبق نظر دوم، سرقت بودن عمل ارتكابی به اعتبار مالکیت غیر می‌باشد که در جزء جزء مال، مالک است و مال مشاع قابل تقسیم نمی‌باشد.

در اینجا به نظر می‌رسد که هرکدام از دو نظر نقاط قوت و ضعفی دارند که با یک دید کلی قابل جمع هستند. اینکه سارق در تک‌تک اجزاء این مال شریک است و حق مالکیت دارد شکی نیست. در برابر آن همین حق برای شرکای دیگر نیز در تک‌تک اجزاء این مال خواهد بود. با نگاه دقیق‌تر می‌توان دو نظر دیگر که دارای نتیجه‌ی یکسان هستند را بر این نظرات افزود که جامع مبنای هر دو باشد:

الف) می‌دانیم که جرم سرقت طبق ماده‌ی ۲۶۷ ق. م. ا عبارت است از: «ربودن مال متعلق به غیر» حال آنکه در اینجا ما ملکیت شرکای دیگر را به همراه ملکیت سارق در جزء جزء مال ربوده‌شده پذیرفته‌ایم. طبق ماده تعلق مال به غیراست که اهمیت دارد نه تعلق نداشتن مال به خود رباینده. باید به خود ماده رجوع کرد و بین تعلق مال به



غیر و عدم تعلق مال به رباینده تفصیل قائل شد. در ربودن مال مشاع همین که می‌دانیم شرکای دیگر در تک‌تک اجزای مال مشاع حق مالکیت دارند، باعث می‌شود که بردن مال مشاع را سرقت تلقی کنیم. این در مورد کلاه‌برداری نیز صادق است. چون طبق ماده‌ی قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاه‌برداری، کلاه‌برداری را توسل به وسایل متقلبانه برای بردن مال دیگری معرفی می‌کند.

ب) در نظریه‌ی دوم باید گفت که اگر دیدی کلی داشته باشیم، هر یک از شرکا درصدی از مال را مالک هستند. چه این درصد یک‌ششم مال باشد چه پنج‌ششم. حال در اینجا در مقابل آن مقدار از مال که رباینده مالک است، بقیه‌ی مال برای دیگر شرکا خواهد بود و چون سارق کل مال را برده است، در سهم دیگر شرکا نیز تصرف کرده است. که این تصرف بدون اجازه‌ی شرکای دیگر بوده است که بازهم می‌توان این عمل را سرقت لحاظ کرد و برایش همان مجازات را قرارداد. البته این در صورتی است که مثلاً یکی از شرکا بدون اطلاع و رضایت سایر شرکا اموال متعلق شرکت را بر باید یا اینکه یکی از وراث مال متعلق به دیگران را بیش از سهم‌الارث خود را بردارد. به این علت که قسمتی از مال به سایر وراث تعلق دارد عمل وی سرقت است.

البته رأی شماره‌ی ۱۲۲ مورخ ۱۳۲۱/۷/۲۵ شعبه‌ی ششم دیوان عالی کشور خلاف نظر مؤلف را می‌گوید: «مداخله احد شرکا در مال مشترک سرقت نمی‌باشد». در مقابل آن رأی وحدت رویه‌ی شماره ۱۰ مورخ ۱۳۵۵/۷/۲۱ اظهار می‌نماید: «به‌طوری‌که از اطلاق و عموم ماده‌ی ۲۶۲ قانون کیفر عمومی (جرم تخریب) مستفاد می‌گردد، ارتکاب اعمال مذکور در آن ماده در صورتی که مقرون به قصد اضرار یا جلب منافع غیرمجاز با سوءنیت باشد قابل تغییر و مجازات است. هر چند مالکیت اموال موضوع جرم مشمول ماده‌ی مذکور به‌طور اشتراک و اشاعه باشد.

از ظاهر ماده می‌توان استنباط نمود که دیوان، عنصر معنوی جرم تخریب (که همانند سرقت جرمی علیه مال دیگران است) سوءنیت و یکی از شرایط تحقق رکن مادی را مالکیت دانسته است. البته نظر اداره حقوقی قوه قضاییه این است که تصرف ملک مشاع بدون اذن شرکا می‌تواند از مصادیق جرم موضوع ماده ۱۳۴ ق. م. ا بخش تعزیرات باشد.

ماده‌ی ۶۸۴ ق. م. ا بخش تعزیرات با یک بازنویسی جزئی از ماده‌ی ۲۶۲ قانون کیفر عمومی نگاشته شده که: «هرکس محصول دیگری را بچراند یا محصول دیگری را قطع و درو نماید یا به واسطه‌ی سرقت یا قطع آبی که متعلق به آن است یا با اقدامات و وسایل دیگر خشک کند، یا باعث تضییع آن بشود یا آسیاب دیگری را از استفاده بیندازد به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود». آرای دیوان عالی کشور در این زمینه بیشتر همان مشهور فقها را در نظر داشته‌اند و تعلق مال به غیر را در مال مشاع شامل تعلق مال به دیگری و عدم تعلق به مرتکب سرقت یا کلاهبرداری یا غیره است به طوری که کمیسیون قضایی مجلس در جلسه‌ای در پاسخ به این سؤال که آیا جرائم علیه اموال در مال مشاع مصداق دارد یا خیر اظهار کرد: «... به نظر می‌رسد وقوع جرائم علیه این‌گونه اموال از طرف شریک مصداق نداشته باشد مگر اینکه به طور استثنا قانون‌گذار مواردی را صریحاً جرم تلقی و تصویب نماید.

#### مفهوم تعلق در مال توقیف‌شده:

به نظر می‌رسد که در مورد اموال توقیف‌شده کمی اوضاع متفاوت است. شخصی مالش به‌عنوان وثیقه‌ی طلبکار توقیف‌شده است. سپس وی برای خلاصی مالش از توقیف مال را می‌دزدد یا آن را از بین می‌برد. تکلیف چیست؟ طبق ماده‌ی ۷۹۱ ق. م. ا اگر عین مرهونه به‌واسطه‌ی عمل خود راهن یا شخص دیگری تلف شود باید تلف‌کننده بدل آن را بدهد.

این ماده را که درباره‌ی رهن است با وحدت ملاک می‌توان در اموال توقیف‌شده نیز به کاربرد اگرچه رهن قراردادی است و وثیقه با حکم دادگاه و درخواست طلبکار؛ ولی چون در هر دو، مبنای حمایت از شخص طلبکار و مرتهن است حکمشان یکسان خواهد بود. پس اگر مال را تلف کرد ضامن بدل مال است و همچنین طبق ماده‌ی ۷۹۳ ق. م راهن نمی‌تواند در رهن تصرفی کند که منافی حق مرتهن باشد مگر به اذن مرتهن. پس با وحدت ملاک به این می‌رسیم که اگر مالک، در مال مورد وثیقه تصرفی کند که منافی حق طلبکار باشد ضامن است و باید جبران کنند. از نظر کیفری نیز قانون مجازات اسلامی سال ۷۵ در ماده‌ی ۶۶۳ اشعار می‌دارد که: «هر کس عالماً در اشیاء و اموالی که توسط مقامات ذیصلاح توقیف‌شده است و بدون اجازه دخالت یا تصرفی نماید که منافی با توقیف باشد ولو مداخله کننده یا متصرف مالک آن باشد، به حبس از ۳ ماه تا یک سال محکوم خواهد شد». پس تصرف در اموال توقیف‌شده اگر منافی حق شخص طلبکار باشد، مسئولیت جزایی هم دارد و آن سه ماه تا یک سال حبس است. بعضی مؤلفان بیان کرده‌اند که این ماده خود نشان از این است که تعلق مال در اصل تعلق مالکیت مال است و سرقت یا کلاهبرداری در مال خود امکان ندارد چون عمل ذکرشده خود عنوان مجرمانه مستقلی دارد و آن جرم مداخله‌ی در اشیاء توقیف‌شده است. (گلدوزیان، ۱۳۸۸، ۱۹۲؛ حبیب زاده، ۱۳۸۸، ۳۵)

در تأیید این نظر حکم شماره ۴۸۰ شعبه ۲ دیوان عالی کشور می‌گوید: «اگر کسی اشیایی را که مأمورین از لحاظ ظن قاچاق از او گرفته بوده‌اند و در نزد او بوده برداشته و پنهان کند این عمل مشمول عنوان سرقت که موضوع آن ربودن مال غیراست نخواهد بود زیرا اشیاء متعلق به خود او بوده که برحسب تشخیص مأمورین از طریق قاچاق تحصیل کرده بوده و ازین لحاظ در حال توقیف درآمده و مداخله مشارالیه در آن مال مشمول ماده ۶۶۳ قانون می‌باشد». (کشاورز، ۱۳۷۵، ۹۲) حال آنکه در نقد این نظریه

می‌توان این‌طور گفت که این ماده صرفاً در باب تصرف منافی درباره‌ی مال توقیف‌شده به‌وسیله مقامات ذی‌صلاح دولتی است نه درباره‌ی تمامی جرائم علیه صرفاً مال مورد تصرف چون عبارت «بدون اجازه دولت» آن را منصرف به مقامات دولتی می‌سازد. (زراعت، ۱۳۸۲، ۵۰۱) همان‌طور که در ماده ۵۴۳ ق.م.ا محو یا شکستن مهر و پلمپ و سرقت نوشته‌ها از اماکن راداریم که برای آن‌ها مجازات حبس از ۳ ماه تا ۲ سال پیش‌بینی شده است و جرمی مستقل می‌باشد. توقیف مال به معنای نگهداری آن در محل معین یا جلوگیری از نقل و انتقال آن می‌باشد و به اعمالی همچون تعطیلی محل توقیف گفته نمی‌شود (زراعت، ۱۳۸۲، ۱۰۴) بنابراین اگر شخص مالی را که در اجاره شخص مستأجر بوده است ربود آیا بازهم همین قاعده را می‌توان استوار ساخت؟ با توجه به اینکه در آنجا آن قاعده به دلیل حق عینی بود که طلبکار در مال توقیف‌شده داشت ولی در اینجا مستأجر تنها حق انتفاع دارد اگرچه حق انتفاع با استیلا بر عین استیفا می‌شود. در این مورد برخی معتقدند ربودن مال از سوی مالک، سرقت به حساب نمی‌آید هرچند قرارداد مالک و صاحب حق پایان نیافته باشد یا ربودن مال از طریق نامشروع باشد مانند اینکه ورود غیرقانونی به محل مال مستأجره صورت گیرد و علتش را این دانسته‌اند که در جرم سرقت، حق مالکیت و تصرفات مجنی علیه، هر دو باید مورد تعرض قرار گیرد حال آنکه در اینجا به نظر می‌آید تنها تصرفات وی مورد تعرض قرار گرفته است. (زراعت، ۱۳۸۵، ۱۲۴) و این تأیید همان نظری است که سرقت را با توجه به تعریف مشهور فقها در سرقت حدی، ربودن عین مال متعلق به دیگری می‌داند. همچنین در موردی که حقی عینی غیر از حق مالکیت مانند حق مرتهن بر مال مرهونه توسط راهن زیر پا گذاشته شده و مال مرهونه توسط راهن ربوده شود به همان دلیل مذکور، آن را سرقت ندانسته‌اند مگر اینکه مثلاً موجر، میوه درختان باغی را که به دیگری اجاره داده است بر باید که مرتکب سرقت شده است (همان، ۱۲۴) روی هم رفته قانون در بحث

اموال توقیف‌شده شخص متجاوز یا کسی که مال را ربوده را دارای مسئولیت مدنی دانسته و باید جبران خسارت کند ولی درباره مسئولیت کیفری وی قانون مجازات تنها بحث اموال توقیف‌شده به دست مقامات صالحه دولتی و همچنین پلمپ محل و فک آن توسط اشخاص را مطرح کرده و به‌طور کلی حکم نکرده است ولی نظرات برخی اساتید حقوق جزا بیشتر بر این تأکید دارد که به‌جز موارد استثناء شده قانونی در باقی موارد اگر مالک مال به سرقت یا کلاهبرداری مال خود روی بیاورد آن جرم سرقت یا کلاهبرداری منظور قانون نخواهد بود.

#### قوانین مربوطه در تعریف تعلق مال به دیگری:

موادی از قوانین مختلف که در رابطه با موضوع مورد بحث است آورده می‌شود تا رویه قانون‌گذار را در تفسیر این عبارت بهتر بفهمیم که آیا قانون‌گذار ما در قوانین کیفری میل به مالکیت مال دارد یا اینکه معنای دیگری چون تصرف را نیز از نظر دور نداشته است. این بحث روح قانون را در تفسیر این اصطلاح روشن‌تر می‌کند.

۱. قانون مجازات اشخاصی که مال غیر را به‌عوض مال خود معرفی می‌نمایند مصوب ۱۳۰۸/۲/۳۱، کمیسیون قوانین عدلیه:

ماده ۱: هرگاه محکوم علیه یا مدیون یا کفیل، مال غیر را مال خود معرفی نماید و همچنین اگر مدعی علیه برای تأمین مدعی به، مال متعلق به غیر را مال خود معرفی کند و برای وصول حق محکوم له یا دائن و با تأمین مدعی به، عملیاتی نسبت به آن مال شود محکوم له یا دائن و یا طرفی که مدعی به او تأمین‌شده، مسئول خسارات وارده بر صاحب‌مال نخواهد بود و صاحب‌مال می‌تواند برای جبران خسارت خود به کسی که مال او را مال خود معرفی کرده است مراجعه کند.

طبق این ماده و با توجه به عبارت «صاحب‌مال» در انتهای ماده این برداشت حاصل می‌شود که تعلق مال به دیگری را تنها مالکیت آن مال دانسته است.

۲. قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر، مصوب ۱۳۰۸/۱/۵ کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی:

ماده ۱: کسی که مال غیر را با علم به اینکه مال غیراست به نحوی از انحاء عیناً یا منفعتاً بدون مجوز قانونی به دیگری منتقل کند کلاه‌بردار محسوب، مطابق ماده‌ی ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم می‌شود و همچنین است انتقال گیرنده‌ای که در حین معامله، عالم به عدم مالکیت انتقال‌دهنده باشد ...

اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی خود به‌جز مجازات کلاه‌برداری، سایر احکام کلاه‌برداری را نیز بر جرم انتقال مال غیر مترتب دانسته است (زراعت، ۱۳۸۵، ۱۰) در این ماده تعلق مال به دیگری به‌صراحت مالکیت مال معرفی شده است و این موضوع از عبارت «عدم مالکیت انتقال‌دهنده» روشن می‌شود.

۳. قانون راجع به اشخاصی که مال غیر را انتقال می‌دهند و یا تملک می‌کنند و مجازات آن‌ها، مصوب دوم جوزا ۱۳۰۲ شمسی کمیسیون قوانین عدلیه:

ماده ۱: اگر کسی اقرار نمود یا محقق شد که مال شخص ثالثی را بدون مجوز قانونی به نحوی از انحاء عیناً و یا منفعتاً نقل به غیر نموده و به تصرف او داده است توقیف و حبس خواهد شد تا اینکه عین و یا عوض مال و همچنین خسارت وارده بر مالک و مشتری را رد نماید.

در این ماده هم از مالکیت شخص که مال متعلق به وی است سخن رانده است. در سه مورد بالا یا به‌صراحت تعلق مال، مالکیت مال قلمداد شده و یا حداقل این‌طور به نظر می‌رسد. در ادامه موادی از قوانین آورده می‌شود که متفاوت از بقیه بوده و قابل‌بحث‌اند.

۴. قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می‌نمایند، مصوب

ماده ۲: اشخاصی که به عنوان شخص ثالث در دعوایی وارد شده یا به عنوان شخص ثالث بر حکمی اعتراض کرده یا بر محکوم به حکمی مستقیماً اقامه دعوا نمایند و این اقدامات آن‌ها ناشی از تبانی با یکی از اصحاب دعوا برای بردن مال یا تزییع حق طرف دیگر دعوی باشد کلاه‌بردار محسوب و علاوه بر تأدیه خسارات وارده به مجازات کلاه‌برداری محکوم خواهند بود، تبانی هر یک از طرفین دعوی اصلی با اشخاص فوق نیز در حکم کلاه‌برداری است و مرتکب به مجازات مذکور محکوم می‌گردد.

این ماده از موادی است که می‌تواند نظری را که تصرف را نیز مشمول تعلق مال به غیر می‌داند تقویت کند زیرا این قانون گفته: «تبانی با یکی از اصحاب دعوا برای بردن مال دیگری یا تزییع حق طرف دیگر کلاه‌برداری محسوب می‌شود و مجازات کلاه‌برداری را دارد». اینکه بیان نموده «بردن مال یا تزییع حق طرف دیگر» معلوم می‌شود که قانون‌گذار به این موضوع توجه داشته که همیشه حق مالکیت نیست که موضوع دعوا قرار می‌گیرد بلکه حق انتفاع یا ارتفاق نیز ممکن است موضوع مورد تنازع باشد و حال آنکه این مورد در دعوی‌ای که بین مالک و دارنده حق انتفاع است نیز امکان وقوع دارد و می‌تواند دلیلی باشد بر اینکه کلاه‌برداری از طرف خود مالک نیز ممکن است رخ دهد.

۵. ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، مصوب ۱۳۷۵:

«هرگاه اموال منقول یا غیرمنقول یا نوشته‌هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا ... به کسی داده شده و بنابراین بوده است که اشیاء مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آن‌ها را به ضرر مالکین یا متصرفین آن‌ها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد.»

این ماده به نظر بعضی اساتید می‌خواهد علاوه بر حفاظت از حق مالکین، حق متصرفین قانونی را نیز به رسمیت بشناسد و حتی از خیانت مالک مال در مالی که متصرف قانونی مال آن را به غیر سپرده است جلوگیری کند. حال آنکه نظر دیگر اساتید این است که با توجه به روح قوانین که از فقه گرفته شده است و خیانت‌درامانت نیز یک جرم معین شرعی است بنا به گفته‌های قبلی حالت ذکرشده را در بر نمی‌گیرد. در فقه خیانت به مال در تملک غیر را خیانت‌درامانت دانسته‌اند و خیانت به مال در تصرف دیگری نیز در این ماده بدین جهت جرم شناخته شده است که طبق قانون مدنی متصرف قانونی در حکم مالک است. پس خیانت مالک در مال خودش را شامل نمی‌شود. تردید نیست که اگر ما بتوانیم برای تصرف متصرف نیز ارزش تصرف مالک را قرار دهیم، به نظم عمومی نزدیک‌تر خواهد بود ولی نباید از قواعد مسلم فقهی نیز چشم‌پوشی کرد.

۵. ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲/۲/۱:

سرقت عبارت است از ربودن مال متعلق به غیر

و در ادامه آن ماده ۲۶۸: «سرقت در صورتی که دارای تمام شرایط زیر باشد موجب

حد است:

ج) سارق پدر یا جد پدری صاحب‌مال نباشد ...

ذ) صاحب‌مال قبل از اثبات سرقت سارق را نبخشد.

ر) مال مسروق قبل از اثبات سرقت تحت ید مالک قرار نگیرد

ز) مال مسروق قبل از اثبات جرم به ملکیت سارق در نیاید.»

اگر به بندهای ماده ۲۶۸ دقت شود در چند جا نام صاحب‌مال را آورده است. و در دوجا هم‌سخن از مالک مال گفته است که اگر مال به ید مالک برسد یا سارق خود قبل از اثبات سرقت مالک مال شود، حد برداشته می‌شود. پس می‌توان فهمید که شارع



مقدس تعلق مال به غیر را در سرقت موجب حد، تنها و تنها مالکیت مال دانسته است و ارزشی برای متصرف مال قائل نشده است.

ماده ۲۷۷ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲/۲/۱: «سرقت در صورت فقدان هر یک از شرایط موجب حد، حسب مورد مشمول یکی از سرقت‌های تعزیری است.» در اینجا قانون‌گذار به تبعیت از شرع این ۱۴ شرط را برای حد الزامی دانسته است و نقض در این شروط را باعث رفع حد دانسته است ولی آن را از سرقت بودن خارج نساخته است. بلکه حسب مورد آن را یک جرم سرقت تعزیری به حساب آورده است و حاکم را مختار کرده که مجازاتش را تعیین کند.

پس می‌توان قائل به این بود که اگر شخصی که مال از یدش خارج شده، مالک هم نباشد بلکه متصرف باشد باز هم سرقت رخ داده است که این دیگر یک حکم قضایی خواهد بود. ولی دستگاه قضایی کشور می‌تواند با دادن آرای موافق با اینکه تصرف مال غیر هم سرقت تعزیری باشد رویه محکم و نوینی ایجاد کند که این امر باعث خواهد شد تا دستگاه عدالت کیفری و علمای علم حقوق با توجه به اقتضائات زمانه نگاهی نو به این مسئله داشته باشند.

قوانین در باب تعلق به دیگری بیشتر نظر به مالکیت شخص دارند اما دیدیم که مواردی نیز وجود دارند که بجای توجه صرف به مالکیت متمایل به تصرف نیز هستند.

### موقعیت تعلق مال به غیر در حقوق کشورهای اروپایی:

حقوق کشورهای اروپایی در این زمینه روشن‌تر و با وضوح بیشتر عمل کرده است و راهی نو و معقول را پذیرفته است. برای مثال دو کشور انگلیس و فرانسه به‌طور خلاصه مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۱. حقوق انگلستان:

در حقوق انگلستان از لحاظ قوانین راجع به سرقت مال متعلق به کسی محسوب می‌شود که از هر منفعت یا حق مالکانه‌ای بر آن برخوردار باشد. (میر محمدصادقی، ۱۳۸۳، ۲۱۹)

بنابراین حق اختراع یا طلب یا حق حبس بایع بر مبیع و نظایر آن‌ها قابل دزدیده شدن می‌باشد و حتی اگر مالک عین مال با ربودن آن دیگری را از حق یا منفعت مشروعی که نسبت به مال دارد محروم سازد از نظر حقوق انگلستان مرتکب سرقت می‌شود. در یک مورد صاحب اتومبیلی که قبل از پرداخت صورت‌حساب تعمیرکار و برای فرار از پرداخت آن اتومبیل خود را شبانه با کلید یدکی از تعمیرگاه خارج کرده بود به دلیل محروم کردن تعمیرکار از آنچه حق حبس تعمیرکار نامیده می‌شود سارق محسوب شد (همان، ۲۲۰)

۲. حقوق فرانسه:

فرانسه نیز در مورد کلاهبرداری با انگلستان هم‌داستان شده است. دادگاه‌های فرانسه با تفسیر عام ماده ۴۰۵ قانون جزای فرانسه موردی را که با توسل به وسایل متقلبانه مال خود را از تصرف دیگری خارج می‌کند مصداق کلاهبرداری دانسته است (میر محمدصادقی، ۱۳۸۳، ۸۱)

پس رویه قضایی فرانسه و انگلیس تعلق مال به غیر را شامل مالکیت غیر و یا تصرف دیگری دانسته‌اند که با وضعیت جامعه منطبق‌تر به نظر می‌رسد.

**نظر نگارنده:**

به نظر می‌رسد که نویسندگان حقوق جزا به پیروی از مشهور فقها که سرقت مال مرهونه توسط راهن و سرقت مال مورد اجاره را توسط موجر مستوجب حد ندانسته‌اند

حکم عامی راجع به عدم جرم بودن ربایش مال توسط مالک داده‌اند. شاهد مثال این ادعا را می‌توان در کتاب‌هایی که در مورد جرائم علیه اموال نگاشته شده یافت. مثلاً در مورد سرقت مال مشاع دو نظر وجود دارد که دلیلش دودسته روایت است: دسته‌ی اول از روایات که بیان می‌کند سرقت شریک از مال مشترک هیچ‌گاه مستوجب حد نیست و در مقابل دسته‌ی دیگری از روایات است که اکثریت فقها آن‌ها را در این زمینه صحیح دانسته‌اند که: هرگاه کسی بیش از حصه خود از مال مشترک یا غنیمت برآید و این اضافه به حدنصاب برسد سرقت وی مستوجب حد است (محمدی گیلانی، ۱۳۷۹، ۲۴۹)

می‌بینیم که فقها این بحث را نه در مورد سرقت به‌طور عام بلکه در مورد مستوجب حد بودن یا نبودن سرقت از مال مشترک یا مال غنیمت مطرح کرده‌اند که بعضی از اساتید دلیل این امر را آن دانسته‌اند که فقها معمولاً اصالتی برای سرقت مستوجب تعزیر قائل نیستند. (میر محمدصادقی، ۱۳۸۳، ۲۲۰)

می‌توان بر ایشان اشکال نمود که اگرچه سرقت مستوجب حد مورد اهمیت برای فقها بوده ولی ما تعزیرات را هم داریم. تعزیرات طبق ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی این‌طور تبیین گشته است: «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به‌موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد.

بنابراین تعزیر مجازاتی است که شرع آن را به اختیار حاکم جامعه‌ی اسلامی گزارده است تا با دوراندیشی خویش و باملاحظه‌ی صلاح جامعه و حکومت اسلامی جرائمی را به‌عنوان جرائم تعزیری تعیین و برایش مجازات تعیین کند. اگرچه یک نظر مهم و قابل دفاع این است که در این مورد باید تفسیر به نفع متهم کرد و تعلق مال به دیگری را در جرائمی چون سرقت، تعلق عین مال به دیگری دانست ولی به نظر می‌رسد که بتوان عوامل دیگری را نیز در اینکه یک عملی به‌عنوان جرم سرقت شناخته شود لحاظ نمود و نباید به روایات و نصوص صرف برای تعیین و تعریف جرم تعزیری توجه و

قانون گذاری کرد. چراکه تنها بخشی از جرائم تعزیری جرائمی است که از محرمات الهی است. حال آنکه بقیه‌ی تعزیرات به دلیل نقض مقررات حکومتی هستند. در صورتی که این نظر مورد توجه قرار گیرد حتی می‌توان معنا و مفهوم تعلق را در تعزیرات برحسب اینکه ضرورت جامعه و تخلفات اقتضا دارد شامل تصرفات هم دانست مگر اینکه شخص مرتکب عمل جرم بتواند تصرف غیرقانونی شخص را اثبات کند.

### نتیجه گیری:

حقوق جزا دانشی است پویا که نمی‌تواند متوقف شود بلکه باید با خواسته‌های روز هماهنگ باشد. امروزه شرایط اجتماعی تغییرات بسیار زیادی کرده است. روزبه‌روز هم بر اطلاعات جهانی افزوده می‌شود که حقوق کیفری نیز برای حفظ نظم در جامعه بشری باید همیشه با این تغییرات همراه باشد. بدیهی است که پیش‌بینی تعزیرات در حقوق اسلام به خاطر شرایط جدیدی بوده که شاید از قبل قابل پیش‌بینی و قانون‌گذاری نبوده است. پس این به اختیار حاکم اسلامی گذارده شده که با توجه به مقتضیات جامعه، احکام مسائل جدید و مستحدثه را از قواعد کلی شرع استخراج کند و برایش قانون‌گذاری نماید. با توجه به مسائلی که در مقاله حاضر در این زمینه مطرح شد و برای استحکام نظم عمومی به نظر می‌رسد که حق با نظریات جدیدی است که جرم علیه مال در تصرف دیگری را نیز در مواردی جرم دانسته‌اند. ایشان در نظریاتشان برآنند که شاید بتوان تصرف را هم مشمول معنای تعلق مال غیر قرارداد البته تصرف قانونی. بعضی پا را ازین هم فراتر نهاده‌اند و به استناد حفظ نظم عمومی ارتکاب عمل خلاف قانون علیه تصرف را چه تصرف قانونی باشد و چه غیرقانونی مستحق مجازات می‌دانند مگر اینکه متهم ثابت کند که مال را با علم به اینکه متعلق به این شخص نیست ربوده یا تخریب کرده است.

علی‌رغم اینکه دانستیم اغلب قوانین کیفری ایران تعلق مال به غیر را صرفاً مالکیت آن مال دانسته‌اند ولی به نظر می‌رسد که باید تجدیدنظر جدی در این زمینه شود. وقتی تصرف در قانون مدنی دلیل مالکیت و در حکم مالکیت دانسته شده است بهتر است که باب تجری بر افراد بسته شود تا به تصرف دیگران هم احترام بگذارند و گرنه جامعه دچار هرج‌ومرج خواهد شد. نظم عمومی اقتضا دارد چاره‌ای اندیشیده شود تا همان‌طور که قانون انگلیس تصرف را معتبر دانسته است در نظام حقوق کیفری ما نیز بازنگری شده و تصرف را در این زمینه دارای ارزش قانونی دانسته و بدان همانند مالکیت ارج نهمیم.

### منابع و مأخذ:

۱. امامی، سید حسن، ۱۳۸۰، حقوق مدنی، جلد ۲، چاپ ۱۵، تهران، کتابفروشی اسلامیة
۲. بازگیر، یدالله، ۱۳۸۲، کلاهبرداری، اختلاس و ارتشا در آرای دیوان عالی کشور، چاپ ۲، تهران، نشر حقوقدان
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۰، وسیط در ترمینولوژی حقوق، چاپ ۴، تهران، گنج دانش
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۰، حقوق اموال، چاپ ۵، تهران، گنج دانش
۵. حبیب زاده، محمدجعفر، ۱۳۸۸، حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه اموال)، تهران، سمت
۶. زراعت، عباس، ۱۳۸۵، حقوق جزای اختصاصی ۲ (جرائم علیه اموال و مالکیت)، جلد ۲، چاپ ۱، تهران، فکر سازان
۷. زراعت، عباس، زمستان ۱۳۸۱، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، چاپ ۳، تهران، ققنوس
۸. زراعت، عباس، ۱۳۸۲، شرح قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، جلد ۳، تهران، ققنوس
۹. شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۷۹، حقوق جزای اختصاصی ۲، تهران، ویستار
۱۰. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۲، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد ۱، چاپ ۱۹، تهران، دادگستر
۱۱. کاتوزیان، ناصر، زمستان ۱۳۹۱، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ ۳۵، تهران، میزان

تعلق مال به غیر در جرائم علیه اموال ۲۵

۱۲. کاشانی، سید محمود، تابستان ۱۳۸۸، حقوق مدنی، چاپ اول، تهران،

میزان

۱۳. کشاورز، بهمن، تابستان ۱۳۷۵، مجموعه محشای قانون تعزیرات،

تهران، گنج دانش

۱۴. گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۸، بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی، تهران،

میزان

۱۵. محقق داماد، مصطفی، ۱۳۹۲، قواعد فقه بخش مدنی، جلد ۱، تهران،

مرکز نشر علوم اسلامی

۱۶. محمدی گیلانی، محمد، ۱۳۷۹، حقوق کیفری در اسلام، چاپ اول،

تهران، سایه

۱۷. معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷، رویه قضایی ایران در ارتباط با

شعب دیوان عالی کشور، چاپ اول، تهران، نشر جنگل

۱۸. میر محمدصادقی، حسین، ۱۳۸۳، جرائم علیه اموال و مالکیت،

تهران، مجد





## بررسی تطبیقی واقعه کربلا در الفیه شریف رضی و محتشم کاشانی

حمید رمی<sup>۱\*\*\*</sup>

الهه شاکری<sup>۲</sup>

دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۰۶ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۴/۱۸

### چکیده :

از مهم‌ترین شاعران شیعی در جهان عرب، ادیب و عالم فاضل، مرحوم شریف رضی مشهور به سید رضی است و در نزد فارسی‌زبانان نیز محتشم کاشانی از شهرت بلامنازعی در این زمینه برخوردار است. پژوهش حاضر، باهدف بررسی وجوه تشابه و تفاوت زاویه نگاه این دو شاعر بزرگ در باب حادثه عظیم عاشورا و بررسی مضامین مشترک در مراثی آنها در الفیه شریف رضی و دوازده بند محتشم کاشانی صورت گرفته است. شریف رضی و محتشم، هر دو واقعه عاشورا را به مثابه‌ی قیامت کبرا می‌دانند و بابیانی البته متفاوت از یکدیگر درصدد هستند تا این مضمون را در شعر خود پیاده کنند. همچنین شریف رضی در بخشی از قصیده خود به انحراف امت پیامبر از دین اشاره می‌کند و محتشم نیز با صراحت بیشتری از جنایتکاران و ستمگران واقعه عاشورا به بدی نام می‌برد. این مقاله، حوادث عظیم و دردناک کربلا را از منظر این دو شعر بیان می‌کند.

**واژگان کلیدی :** شریف رضی، محتشم کاشانی، واقعه کربلا، بررسی تطبیقی

---

<sup>۱\*\*\*</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، پردیس فارابی دانشگاه تهران

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی عربی، پردیس فارابی دانشگاه تهران

**مقدمه :**

هرگاه حادثه‌ای تاریخی در بین ملت‌ی رخ دهد و آنگاه در میان ملت‌ی دیگر انعکاس یافته و آثار خود را در ادبیات آنان بر جای نهد، این حادثه و ادبیات مربوط به آن در حوزه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی خواهد گنجید. از رویدادهای مهم تاریخی جهان عرب، حادثه شهادت امام حسین علیه‌السلام در کربلاست. این حادثه اگرچه در محیطی عربی اتفاق افتاده و شخصیت‌های آن، شخصیت‌های عربی هستند ولی عواطف دیگر ملل از جمله ایرانیان را برانگیخته و بسیاری از شاعران ایرانی را واداشته که در بزرگداشت امام حسین و اهل‌بیت شهید و مظلوم ایشان، و نیز موضوع این واقعه تکان‌دهنده، شعر و مرثیه بسرایند. اشعار شریف رضی و محتشم کاشانی در شناساندن حادثه عظیم عاشورا به نسل‌های آینده سهم بسزایی داشته و دارد. محتشم به‌واسطه دوازده بند عاشورایی خود شهرت منحصربه‌فردی در عرصه مرثیه‌سرایی کسب کرد و شریف رضی با مرثیه جان‌گداز "کربلا لازلت کرب و بلا" به فاجعه‌ی دل‌خراش عاشورا و ظلم‌های روا شده بر خاندان پیامبر اشاره کرده است. از همین منظر در این مقاله بیشتر با زبان عاشورایی این دو شاعر گران‌قدر تشییع آشنا می‌شویم و صحنه‌های غم‌انگیز عاشورا را از نگاه شعری آن‌ها به تصویر می‌کشیم.

**سؤالات اصلی :**

نگاه شریف رضی و محتشم کاشانی به جریان عاشورا با توجه به شرایط عصر خود چگونه است؟ در مرثیه شریف رضی و محتشم چه مضامینی در باب روضه‌ی سیدالشهدا به‌طور مشترک ذکر شده است؟ در شعر شریف رضی و محتشم کاشانی

جنايات و ظلم‌های وارده بر اهل‌بیت چگونه و با چه زبانی بیان شده است؟ دلایل ماندگاری اشعار شریف رضی و محتشم کاشانی در باب عاشورا چیست؟

### پیشینه‌ی پژوهش:

حادثه عظیم عاشورا در ادب فارسی و عربی پیشینه‌ای پر بار و قابل‌بررسی دارد، تاکنون هم در باب اشعار عاشورایی کتاب‌هایی همچون: امام حسین در شعر معاصر عرب از خانم دکتر انسیه خزعلی ۱۳۸۳ و کتاب عاشورا در آیینه‌ی شعر معاصر از خانم دکتر نرگس انصاری ۱۳۹۰ و هم در باب تحقیقات عاشورایی کتاب‌هایی همچون: آیینه داران آفتاب و آینه در کربلاست از محقق توانای عاشورایی دکتر محمدرضا سنگری و کتاب مقتل جامع سیدالشهدا (۲ جلد) از حجت‌الاسلام‌والمسلمین مهدی پیشوایی ۱۳۸۹، به چاپ رسیده است.

در مورد محتشم کاشانی و شریف رضی، اینکه تحقیق یا مقاله یا کتابی که به‌طور جامع و کامل تمام ابعاد این دو شعر را بررسی کند وجود ندارد اما چند مقاله در خصوص مضامین مرثیاتی ایشان وجود دارد مثل: مقایسه مرثیه امام حسین در دیوان شریف رضی و محتشم کاشانی از یوسف لطف ۱۳۸۸ یا شخصیت نمادین امام حسین در شعر شریف رضی از صابره سیاوشی و گلفام واعظی ۱۳۹۲ و جستاری بر مرثیه‌های شریف رضی و محتشم کاشانی از دکتر علیرضا محمدرضایی ۱۳۸۹.

**روش پژوهش :**

در این مقاله از مکتب آمریکایی - یکی از مکاتب ادبی - استفاده شده است. مکتب آمریکایی که رشد آن مرهون فرانسوی‌های تندرو است به دنبال ارتباط تاریخی نیست بلکه تاریخ تکیه‌گاه آن است. یعنی این مکتب در حوزه تطبیق با شرط ارتباط تاریخی مخالف است. همچنین از نظر این مکتب محقق نباید به دنبال شرط تأثیر و تأثر بگردد به عبارتی این میدان، میدان تشخیص زیبایی است نه پژوهش‌های علمی. با توجه به اینکه ارتباط تاریخی بین شریف رضی و محتشم کاشانی وجود ندارد در این مقاله از مکتب آمریکایی استفاده شده است و وجوه تشابه و تفاوت شعر این دو شاعر از نظر شرایط و موقعیت بیان شده و سپس با دقت و جزئی‌نگری به دنبال اشتراکات مضامین شریف رضی و محتشم کاشانی در خصوص واقعه‌ی عظیم کربلا در دو شعر «کربلا لازلت...» و «باز این چه شورش است...» برآمدیم.

**زندگی و جایگاه شعری محتشم کاشانی :**

شمس الشعرا کمال‌الدین محتشم کاشانی پسر خواجه میر احمد از شعرای مدیحه سرای ایران در قرن ۱۰ هجری می‌باشد. او در خانواده‌ای متمکن به دنیا آمد. محتشم ابتدا به بزازی که شغل پدرش بوده است اشتغال داشته زیرا عنوان خواجه در آن روزگار عادتاً برای بازرگانان بکاربرده می‌شده که نشان از اشتغال او به کار درچنین پیشه‌ای می‌دهد که ظاهراً همین بزازی و داشتن کارگاه شعربافی است. (صفا، ۱۳۶۹، ۷۹۲) در فن شعر، شاگرد مولانا صدقی استرآبادی بود. او با شعرای عصر خویش از جمله وحشی بافقی رابطه داشته و با آنان مکاتبه کرده است.

محتشم در ابتدا قصیده سرایی مداح بود و پادشاهان و بزرگانمانند شاه تهماسب را مدح می‌گفت ولی بعد به واسطه تمایلات دینی خودش و شور تشیع دربار شاهان صفوی به سرودن مرثیاتی اهل بیت پرداخت و در این نوع شعر مشهور شد به طوری که می‌توان او را معروف‌ترین شاعر مرثیه‌گوی ایران دانست که برای اولین بار سبک جدیدی در سرودن اشعار مذهبی به وجود آورد. محمدرضا دایی جواد در کتاب تاریخ ادبیات ایران می‌نویسد: «محتشم شاعری بزرگوار و سخن‌سنجی کامل عیارست در سرودن انواع شعر ماهر، و به‌ویژه در فن قصیده و غزل و تاریخ، یگانه عصر خود بوده است و این مدعا را قصاید غرّاً و قطعات شیوای تمام تاریخ و غزلیات دلنشین تواریخ مختلف او مدلل می‌سازد.»

جابر عناصری از اساتید ممتاز دانشگاه تهران درباره محتشم کاشانی می‌گوید: «محتشم کاشانی پدر مرثیه‌سرایی عاشورایی است. این شاعر فرهیخته بهترین منظومه نمایشی اهل بیت را به یادگار گذاشت و با زبان شعر، فرهنگ عاشورا را در بین مردم به‌ویژه مداحان رواج داد.» او می‌افزاید: «شهرت و آوازه بی‌نظیر محتشم کاشانی در ادبیات موجب شد تا شاعران نام‌آوری به پیروی از سبک او اهتمام ورزند، اما تاکنون ادبیات ایران در مرثیه‌سرایی، شاعری همچون محتشم به خود ندیده است.»

عباس مشفق کاشانی بر این عقیده است که: «پاکی، اعتقاد و استواری و محبت محتشم کاشانی به اهل بیت باعث شد که برخی پادشاهان صفوی از جمله شاه تهماسب به اشعار مذهبی روی آورند.»

محتشم در ربیع الاول ۹۹۶ هجری در کاشان درگذشت و آرامگاه وی در این شهر زیارتگاه عموم مردم است. مجموعه آثار این شاعر بزرگ عصر صفوی، پس از وفات او، توسط یکی از شاگردانش در هفت کتاب جمع شد که عبارت‌اند از: رساله‌ی جلالیه و

رساله‌ی نقل عشاق که نظم و نثر می‌باشند، دیوان غزلیات دوران کودکی محتشم که به صباپیه موسوم است، دیوان غزلیات دوران جوانی او که به شبابیه مشهور است، اشعار دوران پیری معروف به شبیبیه، دوازده بند مرثیه‌ی برادرش عبدالغنی، یازده بند مرثیه شاه تهماسب، دیوان قصاید و قطعات و مثنویات و اثر ارزشمند او که **دوازده بند** مرثیه برای واقعه‌ی عاشورا است که در ادامه به بررسی آن خواهیم پرداخت.

### زندگی و جایگاه شعری شریف رضی:

محمدبن الحسین معروف به الشریف الرضی، که در سال ۳۵۹ ه. ق در بغداد متولد شد نَسَبش از جانب پدر و مادر به حسین بن علی (ع) میرسد. او از خاندانی برخاست که همه از بزرگان دین و عالمان و عابدان و زاهدان و پرهیزکاران روزگار بودند. او با برادر بزرگش سید مرتضی از کودکی به فراگیری علوم و فنون متداول عصر پرداخت. علم نحو و دستور زبان عربی را نزد «سیرافی»، علم فقه و احکام دینی را نزد «شیخ مفید»، علم حدیث را نزد «محمد بن عمران مرزبانی» و «ابوموسی تلّکبری» و ابوابی از فقه را نزد «محمد بن خوارزمی» آموخت و در این علوم، براعت یافت.

شعر رضی باعث شگفتی ناقدان و ادیبان قدیم و جدید شده و به خاطر تازگی و زیبایی اش توجه بسیاری از آنان را به خود جلب کرده است. قدما درباره او گفته‌اند: تا کسی هاشمیات کمیت، خمریات ابونواس، زهدیات ابوالعناهیة، تشبیهات ابن معتر، مدایح بحتری و حجازیات شریف رضی را حفظ نکند شایسته‌ی عنوان ادیب نیست (فاخوری، ۱۳۸۰: ۶۶۸). برخی صاحب نظران او را بزرگترین غزل سرای جهان عرب دانسته‌اند (حلاوی، ۱۹۹۹م: ۵۱). ثعالبی بدلیل روان و عمیق بودن شعرش او را بزرگترین شاعر قریش معرفی می‌کند (ثعالبی، بی‌تا: ۱۳۱) و سرانجام باید گفت: «لفظ شریف رضی، لفظی جذاب است، در لغت او متانت و روانی

باهم جمع است. گستره ی دیوان این شاعر، بسیار زیاد و فرورفتن در آن، مانند شناکردن در دریاست. « (شیبانی، ۱۴۱۵: ۳۱۳) .

اما اینکه چرا سید رضی بیشتر به عنوان یک شاعر و ادیب مطرح شد تا یک فقیه، می تواند به چند دلیل باشد:

اول: مناصب اجتماعی و دولتی اشتغالاتی را برای او به وجود آورده بود، لذا فرصت کمتری برای پرداختن به کارهای علمی و تحقیقی و تألیف داشته است. دوم: او در سن ۴۷ سالگی از دنیا رفته که برای مطرح شدن جنبه های علمی مختلف یک عالم، عمر کمی است. سوم: در تمامی تألیفات او قدرت قلم و الفاظ زیبا و نثر عالی هویداست، بطوری که هر قصیده یا غزلی که سروده به سرعت نُقل محافل و نُقل مجالس شده است. چهارم: در زمان حیات سید، علمای بزرگ علم ادبیات عرب می زیسته اند. فضای ادبی شهر بغداد با حضور این بزرگان رونق خاصی داشته است. پنجم: به گفته محدث نوری او نظر به زهدی که داشته و از خودنمایی و شهرت پرستی سخت برکنار بوده است، لذا در اندیشه نسخه برداری از تألیفاتش برنیامده است (دوانی، چاپ دوم: ۱۱۱) .

ولی باید اذعان کنیم که او در علم فقه نیز عالمی فاضل بوده که شاگردی فقیه و سرآمد مثل شیخ مفید شاهد بر این مدعاست. آیه الله استادی در کتاب «من اعلام الشیعه» با بیان ۶ دلیل در صدد اثبات فقاقت این عالم برآمده است. (استادی، ۱۳۸۳: ۸۰)

سیدرضی شخصیتی بسیار دانش دوست و شاگرد پرور بود. در زمان کوتاه عمر خود علاوه بر خدمات علمی، مدرسه ای به نام دارالعلم برای تربیت دانش پژوهان و طلاب در سطح عالی تاسیس نمود که تا آن زمان بی سابقه بود. او در دوران حیات خویش مناصب بزرگ و پرمسئولیتی نظیر نقابت سادات علوی و نظارت بر دیوان مظالم و امارت حاج را از سوی امرای آل بویه و تصویب خلیفه عباسی عهده دار بود. سید رضی

در حقیقت مرد دین و سیاست و علم و ادب بود و آثار بجای مانده از او نیز گواه بر همین ابعاد شخصیت اوست.

تألیفات سیدرضی عبارت‌اند از: خصائص الائمة که در اوایل جوانی تألیف کرده است، مجازات الآثار النبویة، مجازات القرآن، حقائق التأویل و دقائق التنزیل که در تفسیر قرآن مجید نوشته است، و بدون شک گرانبهاترین و ماندگارترین اثر سیدرضی که آن را در سال ۴۰۰ هجری، یعنی شش سال پیش از وفات خود با استفاده از دانش سرشار و گزینش نیکوی ادبی خود تألیف فرموده است نهج البلاغه می‌باشد. سرانجام شریف رضی در سال ۴۰۶ ق در سن ۴۷ سالگی از دنیا رحلت فرمود. بسیاری مورخین از نقل جسد او به کربلا بعد از دفن او در کرخ گفته‌اند (شبر، ۱۴۰۹ق: ۲۲۷). سیدمحمد مهدی بحر العلوم در کتاب مدینه الحسین روایت می‌کند که قبر شریف رضی در بالای سر امام حسین در زاویه غربی حرم در جوار جدش ابراهیم مجاب می‌باشد. همچنین سیدحسن صدر در کتاب نزهة الحرمین فی عمارة المشهدین می‌گوید که قبر شریف رضی پشت سر اباعبدالله در فاصله ی شش متری قرار دارد.

#### شرایط پیرامون محتشم کاشانی و شریف رضی :

عصر زندگانی محتشم در بحبوحه ی رواج تعصبات مذهبی ایران بوده است. همان گونه که نوشته اند: « صفویان شیعیانی متعصب بودند از این رو شعرا را به سرودن اشعاری با گرایش های مذهبی تشویق می کردند. » (طه ندا، ۱۳۸۳: ۲۲۳). به خاطر مقتضیاتی که در عصر او وجود داشته است، دوازده بند مرثیه ی او دیگر آثار گرانبهایش را تحت تأثیر قراردادده است و او را صرفاً شاعری مرثیه سرا شناسانده است (به‌پداروند، چاپ دوم: ۱۱). اما عصر شریف رضی از چند جهت قابل بررسی است: از نظر سیاسی این دوره، دوره آشوب و اغتشاش در بغداد بود که شریف رضی هم از اثرات آن برکنار نماند (فاخوری، ۱۳۸۹: ۴۹۱). چون پدرش را زندانی و املاکش را مصادره کردند این دوره به نام «عصر



دویلات» نیز معروف شد چون قدرت سیاسی عباسیان تقریباً به چند بخش تقسیم شد که هر یک دولتهای کوچکی بودند که در حفظ حاکمیت خود همیشه با یکدیگر در ستیز بودند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بود از: عباسیان در عراق، فاطمیان در شمال آفریقا، آل بویه در عراق و ایران، حمدانیان در حلب و موصل، امویان در اندلس و برخی از قبایل عرب نیز بر اطراف عراق و شام سلطه یافته بودند (ابن جوزی، ۱۹۳۹: ۶۹). اما از نظر فکری به جهت نضج افکار و اعتلاء عقول، یکی از اعصار درخشان عربی است (فاخوری، ۱۳۸۹: ۴۳۲). چون با قدرت یافتن آل بویه و دیلمیان شرایط برای ارائه افکار اندیشمندان بزرگ شیعه و سنی و زیدی و اسماعیلی و حتی دانشمندان سایر ادیان فراهم شد. از نظر ادبی نیز عصر شریف رضی عصر شکوفایی در مشرق و مغرب بود که البته این شکوفایی به تقلید گرایش شدیدی داشت و موجب جمود قریح شد (همان: ۴۳۳).

به دلیل اینکه منظور مقاله ی ما، بحث درباره واقعه عاشورا از نگاه این دو شاعر است و می‌خواهیم دو شعری که در این زمینه سروده اند را بررسی کنیم برای بیان تشابه‌ها و تفاوت‌ها نیز بهتر است از همین منظر، بحث کنیم. یعنی ببینیم شرایط عصر آن‌ها برای سرودن اشعار اهل‌بیت چگونه بوده و حکومت و مردم جامعه، در قبال این اشعار چه عکس‌العملی داشتند یا می‌توانستند داشته باشند.

### تشابه شرایط دو شاعر :

شباهتی که می‌توان از بررسی هر دو شرایط به آن رسید این است که هر دو شاعر با خیال راحت و بدون دغدغه و ترس از اینکه شاید با شعر آن‌ها مقابله شود و اقداماتی علیه آن‌ها صورت بگیرد به سرودن شعر برای اهل‌بیت پرداختند. هرچند القادر - یکی از خلیفه‌های عباسی در عصر رضی - او را به دوستی با علویان متهم کرد اما خلفای عباسی به خاطر حفظ حکومت خود ناچار بودند که با شعرای شیعه و دوستداران

اهلبیت مدارا کنند (زکی مبارک، ۱۹۴۰: ۱۲۸) و به‌طورکلی همانگونه که گفته شد فضای جامعه فضایی شده بود که برای ارائه تمام افکار، شرایط فراهم بود.

### تفاوت شرایط دو شاعر:

اگر بخواهیم به بررسی تفاوت شریف رضی و محتشم کاشانی بپردازیم شاید مهم‌ترین و چشم‌گیرترین تفاوت، شرایط حکومتی و تأثیر آن بر شاعر می‌باشد. همان‌طور که قبلاً اشاره شد در دوره آشوب سیاسی و اغتشاش در بغداد، پدر شریف رضی توسط حکومت به زندان رفت و املاکش نیز مصادره شد. این حادثه بر شاعر جوان که احساسی لطیف و قلبی رقیق داشت و بشدت به پدر عشق می‌ورزید و به او وابسته بود گران آمد که شرح این ماجرا را نیز در ابیاتی لطیف و پر از احساس آورد. در مقابل به محتشم کاشانی هیچ زخمی از حکومت - که رأس جامعه در هر زمانی است - نرسیده بود و هیچ‌گونه فشاری بر او وارد نشده بود بلکه بالعکس با توجه به وجود تعصبات دینی و نیز سروده‌های مذهبی محتشم، او بشدت مورد تشویق و احترام حکومت بود. اما این تفاوت و تأثیر آن بر شعر عاشورایی شریف رضی و محتشم را می‌توان از دو زاویه بررسی کرد:

از نگاه اول می‌توان گفت محتشم کاشانی با فراغ بال بهتر و بیشتری توانسته است به بررسی واقعه عاشورا بپردازد و آن را در ابیات شعر خود پیاده کند. چون او تکیه‌گاه محکم حکومت صفوی را پشت سر خود احساس می‌کند و با آرامش خاطر به سرودن شعر خود می‌پردازد و تمرکز لازم را برای هرچه زیباتر کردن اثر خود دارد. این در حالی است که رضی، زخم خورده حکومت و دنیاست. در مرثیاتی او که برای خویشان و دوستان سروده است از رنج‌ها و شکنجه‌های روزگار یاد می‌کند. چنان از روزگار به بدی یاد می‌کند که گویی جز تلخی مرگ، حاصلی ندارد (مارون عبود، ۱۹۴۶: ۲۸۴).

اما زاویه و نگاه دوم این است که شاید شاعر بایست درزمینه‌ها و مضامین مختلف شعری مثل وصف طبیعت، مدح، عتاب، زهد و سایر اغراض، تمرکز داشته باشد و با آرامش دست به قلم شود اما برای سرودن از روضه‌های اهل بیت بخصوص واقعه کربلا انسانی که رنج و سختی کشیده است بهتر این مصائب را درک می‌کند و با آنها ارتباط برقرار می‌کند. فراق هفت ساله ی رضی از پدر و سختی‌ها و رنج‌های روزگار او سببی است تا بتواند داغ‌های کربلا را بیشتر لمس کند.

#### مختصری در باب دوازده بند محتشم کاشانی :

بهتر است پیش‌ازاینکه وارد در فضای تطبیق دو اثر ماندگار محتشم و شریف رضی بشویم، مختصری درباره این دو شعر توضیحاتی را بیان کنیم تا بهتر بتوان در حیطه ی آنها وارد شد.

ترکیب بند محتشم از نمونه‌های برجسته ی اشعار تعزیت و مرثیت به شمار می‌رود. این مرثیه نام محتشم را در تمام بلاد و ممالک اسلامی به‌اعلی درجه ی شهرت رسانیده است. علت سرودن این ترکیب بند در دیوان محتشم چنین آمده است :

وقتی محتشم در مرثیه برادرش عبدالغنی که در سفر مکه فوت کرده بود نوحه‌گری کرد در عالم رویا امیرالمومنین را دید. حضرت به او فرمود: چرا در مصیبت برادرت مرثیه می‌گویی و برای فرزندم حسین مرثیه نمی‌گویی، عرض کرد یا علی مصیبت حضرت امام حسین خارج از حد بوده و من نمی‌دانم از کدام مصائب او شروع کنم آن وقت حضرت امیرالمومنین فرمود: بگو "باز این چه شورش است که در خلق عالم است" محتشم از خواب بیدار شد و بقیه را گفت تا رسید به این مصرع : هست از ملال گرچه بری ذات ذوالجلال و در مصرع بعد متحیر ماند که چه بگوید که شایسته مقام حضرت ربوبی باشد، باز مدد به او رسید و در خواب حضرت ولی عصر را دید و به او

فرمود: بگو "کو در دل است و هیچ دلی نیست بی ملال" پس بیدار شده و آن بند را به پایان رساند. این مرثیه آنقدر مقبول واقع شده است که مورد متابعت همه شاعران واقع گردید تا آنجا که سید بحرالعلوم، دوازده بندی عربی به نام الإثناعشریات سروده و مضامین دوازده بند محتشم را در آن گنجانده است. مختصری در باب

### قصیده "کربلا" شریف رضی:

سوگنامه هایی که رضی درباره واقعه ی جانسوز کربلا سروده مجموعاً پنج سوگنامه تقریباً طولانی است که با سوز و گداز خاصی همراه است. تاریخ دقیق سرودن قصیده "کربلا لازلت کرب و بلا" که به نسبت قصاید چهارگانه کوتاه تر است مشخص نیست اما بعضی ها معتقدند که این قصیده آخرین شعر او بوده است (دیوان رضی، ۷۱۲: ۱/۱۳۵، ۲/۲۸۶).

اگرچه پنج قصیده در دیوان بزرگ شریف رضی بسیار اندک به حساب می آید ولی می توان گفت که رضی در قصاید اندک خود، واقعاً حق مطلب را ادا کرده و دقیقاً به بیان مظلومیت های اهل بیت و خاندان ضجر کشیده سیدالشهدا (ع) پرداخته و با نگاه ادیبانه ظرایف واقعه ی جان سوز کربلا را بیان کرده و چهره زشت ستمگران بنی امیه را برملا ساخته و برای معرفی آنها به نسلهای بعدی تلاش مبارکی را انجام داده است و در ضمن قصاید و مرثیه هایش برای حفظ نام مکان های جغرافیایی مراقد مطهره ی ائمه ی اطهار از هرگونه تحریف، به ذکر آنها می پردازد که این هوشیاری و تیزبینی او واقعاً قابل تحسین و تمجید است. قصاید پنج گانه ی عاشورایی او به ویژه قصیده ی کربلا شیوع بسیاری در ممالک شیعه پیدا کرد و تا همین امروز هم از آن در مجالس اهل بیت استفاده می شود و مورد توجه مادحین است و شعرا نیز از مضامین شریف رضی در این قصاید بسیار بهره می برند و بسیاری به تبیین این قصاید می پردازند، بعنوان نمونه شاعر آیینی عصرمان محمود شاهرخی، قصیده ی کربلا رضی را بصورت ترجمه شعری

۳۹ بررسی تطبیقی واقعه کربلا در الفیه شریف رضی و محتشم کاشانی

درآورده که در آن دقیقاً از همان وزن و قافیه سیدرضی استفاده کرده است که مطلع آن چنین است :

کربلا ای جای اندوه و بلا وه چها دید از تو آل مصطفی

گشته بر خاک تو از افتادگان سیل خون جاری و اشک از دیده ها

بررسی تطبیقی قصیده کربلا از شریف رضی و دوازده بند محتشم کاشانی:

یک - واقعه عاشورا به مثابه ی قیامت کبری :

نکته‌ای که هم شریف رضی و هم محتشم به آن اشاره می‌کنند این است که جریان کربلا و واقعه ی عظیم و دردناک عاشورا را تعبیر به روز قیامت می‌کنند و با این تعبیر، عظمت آن را به مخاطبان نشان می‌دهند. اما طرز بیان این دوشاعر قابل بررسی است: محتشم ابتدا در چند بیت نشانه هایی از قیامت را ذکر می‌کند. اشاره به دمیدن شیپور در محشر می‌کند:

باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است

(کاشانی، ۱۳۸۷ : ۳۲۳)

یا در بیت دیگر اشاره به طلوع خورشید از مغرب در زمان برپایی قیامت می‌کند:

گویا طلوع می‌کند از مغرب آفتاب کاشوب در تمامی ذرات عالم است

(همان)

در بیت های دیگر نیز نشانه هایی همچون آشفتنگی جهان هستی و آوارگی خلائق در هنگام قیامت را بیان می‌دارد و بعد از گفتن نشانه های قیامت به صراحت اعلام می‌کند که حادثه ی کربلا، قیامت عظمای دنیاست:

گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست این رستخیز عام که نامش محرم است

(همان)

اما گویا شریف رضی با قاطعیت بیشتری این نکته را بیان می‌کند و به‌نوعی با حالت گلایه و شکوه بدنبال جواب سوالی است که مطرح می‌کند. او در قسمتی از شعر خود می‌خواهد بگوید که: اصلاً باید بعد از آن همه فاجعه و جسارت و هتک حرمت و مصیبتی که بر اهل‌بیت پیامبر رسید، زمین و زمان به هم می‌ریخت و قیامت عظمی برپا می‌شد:

کیف لم يستعجل الله لهم بانقلاب الأرض أو رجم السماء

(رضی، ۱۴۰۶، جلد اول: ۴۶)

ترجمه: چگونه خدا به دشمنان امان داد و با دگرگونی زمین و نازل کردن عذاب، انتقام اهل‌بیت را نگرفت؟

### دو - انحراف اسلام و ریشه یابی ظلم:

شریف رضی و محتشم به دنبال تأکید بر این نکته اند که همان امت پیامبر بودند که با نوه ی پیامبر چنین کردند درحالی‌که از فوت پیامبر کمتر از پنجاه سال گذشته بود اما آنقدر اسلام نبوی دستخوش انحراف شد که اهل‌بیت همان پیامبری که پیرو او بودند را خارجی (خارج از دین) خطاب کردند و آن بلایا و مصائب را بر آنها تحمیل داشتند.

محتشم در ضمن این نکته، در بیت خود به‌طور غیرمستقیم به بی‌شرمی این گروه نیز اشاره می‌کند:

باینکه سر زد این عمل از امت نبی روح الامین ز روح نبی گشت شرمسار

(کاشانی، ۱۳۸۷: ۳۲۵)

اما رضی در دوبیت از شعر خود به زیبایی به بررسی انحراف اسلام نبوی و قدرشناسی امت پیامبر می‌پردازد:

غارسٌ لم یأل فی الغرس لهم فأذاقوا أهله مرَّ الجننا

(رضی، ۱۴۰۶، جلد اول : ۴۶)

می‌گوید پیامبر باغبانی بود که به نحو احسن میوه ی اسلام را کاشت و بارور کرد اما اهل بیت او تلخ ترین ثمره این باغ را چشیدند. این عالم و ادیب شیعی چقدر زیبا انحراف اسلام را به تصویر می‌کشد. در بیت دیگر نیز از نکته ی قابل توجه و ریشه یاب دیگری پرده برمی‌دارد :

حملوا رأساً یصلون علی جدّه الأکرم طوعاً و إبا

(همان)

می‌گوید: سری را بر نیزه حمل کردند که چه با میل و چه از سر اجبار بر جد او سلام و صلوات می‌فرستادند.

سید در اینجا می‌خواهد بگوید که اگرچه اینها امت پیامبر بودند و اگرچه دین پیامبر منحرف شد تا جایی که بر اهل بیت او چنین جسارتی کردند اما این نکته نیز قابل توجه است و نباید از آن غفلت شود که بسیاری از همین امت رسول الله از همان ابتدای اسلام گمراه بودند و با زور و اجبار اسلام را پذیرفتند و همچنین در بیت دیگری اشاره می‌کند به این نکته که بسیاری از همین امت، به واسطه ی جنگ هایی که در صدر اسلام اتفاق افتاده بود و بسیاری از خویشان کافر و مشرک آنها با دستان یاران پیامبر به ویژه امیرالمومنین کشته شده بودند کینه هایی از پیامبر و امیرالمومنین در دل پیدا کرده بودند که همواره در صدد انتقام از آنها بودند و تمام این انحرافات، مقدمه ای بود تا انتقام خود را در کربلا بگیرند:

أدرک الکفر بهم ثارته و أدیل الغی منهم فاشتفی

(همان)

ترجمه مفهومی: کفر، انتقامش را از اهل بیت گرفت و ظلم جایگزین آل پیامبر شد و دل دشمنان خنک شد.

**سه - خطاب قراردادادن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:**

در هر دو شعر می‌بینیم که شاعر، پس از بیان بخشی از صحبت های خود در قالب شعر، سمت و سوی شعر خود را به رسول الله مایل می‌کند و ایشان را مورد خطاب قرار می‌دهد.

شریف رضی به‌نوعی می‌خواهد از زبان خود برای رسول خدا، روضه‌ی امام حسین علیه‌السلام را بخواند و چگونگی ظلم و جنایتی را که بر اهل‌بیت پیامبر رسیده است برای ایشان بازگو کند :

یارسول الله لو عاینتهم و هم ما بین قتل و سب

لرأت عیناک منهم منظرأ للحمشا شجواً و للعین قذی

(همان)

ترجمه مفهومی : ای پیامبر! اگر اهل‌بیت خود را می‌دیدی که کشته و اسیر شدند، این منظره همچون استخوانی در گلو و خاری در چشمت می‌شد.

اما محتشم خطاب شعر به رسول الله را از زبان حضرت زینب کبری مطرح می‌کند و این همان تفاوت این خطاب در شعر شریف رضی و محتشم است. محتشم در شعر خود، آن صحنه ای را به تصویر می‌کشد که حضرت زینب پس از مشاهده جسم بی سر



بررسی تطبیقی واقعه کربلا در الفیه شریف رضی و محتشم کاشانی ۴۳

و پاره پاره برادر، رو بسوی مدینه می‌کند و رسول خدا و مادرش زهرا را مورد خطاب قرار می‌دهد. درواقع این روایت شعری محتشم کاملاً مطابق با مقاتل سیدالشهداست:

پس با زبان پر گله آن بضعة الرسول رو بر مدینه کرد که یأیها الرسول  
این کشته ی فتاده به هامون حسین توست این صید دست و پا زده در خون حسین توست.

#### چهار - دادخواهی و تظلم اهل بیت :

بحث دادخواهی اهل‌بیت از روز عاشورا یا همان انتقام، در شعر این دو شاعر بزرگ شیعه و ادبیات آیینی از دو جنبه قابل‌بررسی می‌باشد:

یک - چهار - از طرفی بحث انتقام‌هایی که به اهل‌بیت روا شده همواره برای زمان قیام امام عصر (عج) مطرح‌شده و امام عصر بعنوان منتقم خون اباعبدالله معرفی شده است که شریف رضی در شعر خود وقتی نام ائمه را می‌آورد برای حضرت مهدی چنین می‌گوید:

و علیّ و أبوه و ابنه و الذی ینتظر القوم غدا

(رضی، ۱۴۰۶، جلد اول : ۴۷)

دو - چهار - دادخواهی دیگر اهل‌بیت در روز قیامت و در صحرای محشر و در محضر حضرت باری تعالی می‌باشد که شریف رضی این صحنه را با شکایت رسول خدا از امت ستمگر به درگاه الهی به تصویر می‌کشد:

یوم یغدو وجهه عن معشرٍ معرضاً ممتنعاً عند اللّقا  
شاکياً منهم الی الله وَ هَلْ یفلح الجیل الذی منهم شکا

(همان، ص ۴۷)

ترجمه مفهومی : در قیامت، پیامبر از گروهی رویگردان می‌شود و از آن‌ها نزد خدا شکایت می‌کند. آیا رستگار می‌شوند گروهی که پیامبر از آن‌ها شکایت می‌کند؟  
اما محتشم کاشانی این دوجنبه را به‌طور کلی در تظلم و دادخواهی اهل بیت آورده است و چنین می‌سراید :

آل نبی چو دست تظلم برآورند ارکان عرش را به تلاطم درآورند

(کاشانی، ۱۳۸۷ : ۳۲۴)

از این بیت هم می‌شود جنبه اول یعنی قیام امام عصر را برداشت کرد هم می‌توان روز قیامت را به تصوّر کشید. در جای دیگر نیز در همین شعر محتشم می‌گوید :

دست عتاب حق به در آید ز آستین چون اهل بیت دست در اهل ستم زنند

#### پنج - شکایت از روزگار:

نکته ی دیگری که در باب تطبیق دو شعر شریف رضی و محتشم موردتوجه قرار می‌گیرد این است که هر دو شاعر به خاطر ظلم و ستم وارد شده بر اهل بیت، روزگار را مورد عتاب و سرزنش قرار می‌دهند. شریف رضی در ضمن خطابی که وجود مبارک اباعبدالله دارد، شکایت از روزگار و سرزنش آن را مطرح می‌کند و بعد از آن نیز به نقش هدایتگری امام حسین نیز اشاره می‌کند تا به روزگار یادآوری کند و او را عتاب کند که چه گوهر یگانه ای را از دست داده است :

یا قتیلاً قَوَّضَ الدَّهْرُ به عَمَد الدِّین و أعلام الهدی

(رضی، ۱۴۰۶، جلد اول: ۴۵)

ترجمه: ای کشته ای که روزگار، به‌واسطه ی کشتن تو، ستون های دین و پرچم‌های هدایت را از بین برد.

محتشم نیز در بند آخر دوازده بندی خود خطاب خود را سوی روزگار متمایل می‌کند و اینچنین عتاب و سرزنش خود از روزگار را آغاز می‌کند :

ای چرخ غافلی که چه بیداد کرده‌ای وز کین چها در این ستم آباد کرده‌ای  
(کاشانی، ۱۳۸۷ : ۳۲۷)

#### نکته بسیار مهم و قابل توجه :

نکته‌ای که بسیار قابل اهمیت است و یکی از تفکراتی بوده است که قبل از جریان عاشورا توسط معاویه در جامعه رواج یافته و بعد از عاشورا هم بسیار مورد تأکید یزید و ابن زیاد و یاران آن‌ها بود تا به وسیله‌ی این تفکر بتوانند جنایاتی را که مرتکب شده اند را توجیه کنند این بود که دست به دامان تقدیر الهی و به اصطلاح، دست روزگار شدند. آنچنان‌که ابن زیاد و یزید لعنة الله علیهما خطاب به حضرت زینب گفتند: دیدی خدا با شما چه کرد؟ یا می‌گفتند : تقدیر الهی بوده است که شما به این روز گرفتار شده اید.

این نکته را بسیار زیبا و بجا محتشم کاشانی در شعر خود بیان می‌کند تا مخاطب متوجه باشد که شکایت از روزگار به معنای بی گناه شمردن دشمنان و جلوه ندادن جنایات آن‌ها نیست. محتشم بلافاصله پس از بیان بیت اول، در بیت دوم در عین اینکه از روزگار شکایت می‌کند به بیان دوباره ی ستم دشمن می‌پردازد و می‌گوید:

بر طعنت این بس است که بر عترت رسول بیداد کرده خصم و تو امداد کرده ای

(کاشانی، ۱۳۸۷ : ۳۲۷)

### شش - افشای جنایت های ظالمان بنی امیه:

شریف رضی و محتشم در بخشی از شعر خود به بیان جنایت ظالمان بنی امیه می پردازند که در برخی ابیات نیز از سردمداران پلید آنها چون ابن زیاد و یزید ملعون با صفات رذیله ای نام می برند. آنچنان که محتشم از زبان حضرت زینب خطاب به مادرش فاطمه زهرا سلام الله علیها می سراید:

یا بضعة الرسول ز ابن زیاد، داد کو خاک اهل بیت رسالت به باد داد

(همان)

یا در بخش دیگری خطاب به ابن زیاد می کند و به زیبایی او را مورد عتاب قرار می دهد و در ضمن این عتاب، به مدح اباعبدالله الحسین و ذم یزید ملعون می پردازد و با توبیخ به ابن زیاد می گوید که دل انسان پستی همچون یزید را با کشتن دردانه ای چون حسین شاد کرده ای :

کام یزید داده ای از کشتن حسین بنگر که را به قتل که دلشاد کرده ای

(همان)

شریف رضی نیز بنی امیه را امتی طاغی و ستمگر خطاب می کند که اجر رسالت پیامبر را به بدترین شکل دادند:

لیس هذا لرسول الله یا أمّة الطغیان و الغیّ جزا

(رضی، ۱۴۰۶، جلد اول: ۴۵)

ترجمه مفهومی: ای امت ستمگر! این پاداش رسول خدا نبود.

### هفت - روزه خوانی:

روزه و روزه خوانی سیدالشهدا از زمان حضرت آدم بوده است. روایات مختلف و متعددی از روزه خوانی و ذکر مصیبت سیدالشهدا توسط فرشته ی وحی یا خود وجود اقدس باری تعالی برای پیامبرانی همچون حضرات آدم، نوح، ابراهیم و سایر انبیای الهی وجود دارد که برای بیان آن‌ها در این مقاله مجالی وجود ندارد. این ذکر مصائب کربلا همواره موجب حزن و اندوه انبیا و ائمه اطهار بوده است و چه قبل از کربلا و چه بعد از کربلا همیشه اهل بیت، روزه خوان سیدالشهدا و اصحابش بوده‌اند. به پیروی از حضرات معصومین این سنت در جوامع اسلامی رواج یافت که تا امروز نیز ادامه دارد و روزبه‌روز بر رونق آن افزوده شده است.

بیشترین جلوه ی روزه خوانی کربلا در اشعار شعرای دینی مذهبی پدیدار شده است که ما در این مقاله به بررسی دو قطره شعر از دریای بیکران و گرانبهای اشعار عاشورایی پرداخته ایم.

در این بخش به ذکر نمونه های مشترک از روزه های کربلا در شعر شریف رضی و محتشم می‌پردازیم:

**یک- هفت - بستن آب به روی خیمه های اباعبدالله :** شریف رضی این روزه را با تشبیه زیبایی بیان می‌کند:

و می‌گوید امام را با شمشیر بسوی چشمه ی مرگ بردند تا او را سیراب کنند :

لَمْ يذوقوا الماء حتى اجتمعوا بِحُدَى السيفِ على ورد الردى

(رضی، ۱۴۰۶، جلد اول : ۴۴)

محتشم نیز با کنایه از مهمان نوازی کوفیان می‌گوید که حتی کمترین چیز یعنی آب را هم دریغ داشتند :

از آب هم مضایقه کردند کوفیان وش داشتند حرمت مهمان کربلا

(کاشانی، ۱۳۸۷ : ۳۲۳)

**دو - هفت - غریبی و مظلومیت اباعبدالله:** شریف رضی اوج غربت امام حسین

را اینچنین بیان می‌دارد:

غسلوه بدم الطعن و ما کفّونه غیر بوغاء الثری

(رضی، ۱۴۰۶، جلد اول : ۴۶)

غسل و کفن و دفن کردن اموات یک مسئله رایج و کاملاً طبیعی و مرسوم و لازم است. بنی امیه تمام اجساد مردگان خود را دفن کردند اما اجازه ندادند کسی از خاندان پیامبر را کفن و دفن کنند. شریف رضی اشاره دارد که امام با خون نیزه‌ها، غسل و با خاک بیابان کفن شد که این تصویر اوج غربت فرزند رسول خداست.

یکی دیگر از مظلومیت‌های اباعبدالله، بی‌یاوری در لحظات آخر است که شریف

رضی چنین بیان می‌دارد:

مُرَهَقاً یَدْعُو و لا غوثَ له بَأبٍ بَرٍّ و جدّ مصطفی

(همان)

ترجمه مفهومی : به خاک و خون فتاده ای که پدر و جدش را صدا می‌زد اما هیچ

کس نبود تا او را یاری نماید.

محتشم کاشانی غربت حضرت را از زبان حضرت زینب خطاب به جدش رسول خدا بیان می‌دارد. او نیز همچون سیدرضی به بی‌یاوری و بی‌غسل و کفن بودن سیدالشهدا اشاره می‌نماید:

این شاه کم سپاه که با خیل اشک و آه خرگاه زین جهان زده بیرون حسین تو  
این قالب تپان که چنین مانده بر زمین شاه شهید ناشده مدفون حسین توست  
(کاشانی، ۱۳۸۷: ۳۲۶)

سه - هفت - مصائب حضرت زینب کبری سلام الله علیها: از طرفی انسان می‌ماند که از این شیر زن کربلا چه بنویسد، از طرفی در این مقاله ی چندصفحه‌ای مجال برای پرداختن به این بانو بسیار اندک است و از طرفی هم احساس می‌شود که اگر در موضوعاتی این‌چنینی به عقیده ی سادات نپردازیم جفا کرده ایم.

اما آنچه عیان است این‌که: زینب کبری بانویی است که در اوج مصائب و سختی‌ها اوج عبودیت و بندگی را درس می‌دهد آنجا که بر بالین نعش برادر خطاب به خداوند عرض می‌کند: الهی تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقَلِيلِ و درس صلابت می‌آموزد آنجا که در کاخ ستم، علی وار خطبه می‌خواند و کاخ را بر سر یزیدیان خراب می‌کند.

شریف رضی از لحظه‌ای می‌سراید که حضرت زینب بر بالین بدن پر از خون و بی‌سر برادر آمده و خون از رگ‌های بریده پاک می‌کند و رضی اشاره دارد که حضرت، این کار را با عجله انجام می‌دهد زیرا دشمن با تازیانه جواب‌گو شده است:

تمسح الترب علی إعجالها عن طلی نحرٍ رمیل بالدماء

محتشم نیز روضه خوان مصیبت زینب کبری می‌شود آنگاه که چشم زینب بر بدن برادر در قتلگاه می‌افتد:

ناگاه چشم دختر زهرا در آن میان بر پیکر شریف امام زمان فتاد

(کاشانی، ۱۳۸۷ : ۳۲۶)

و چند بیتی از خطاب زینب کبری به رسول خدا و فاطمه ی زهرا می‌سراید که از آن سخن به میان آمد.

**چهار- هفت- مدح اهل بیت در ضمن رثا:** یکی از صنایع بدیع که به خوبی در

شعر شریف رضی و محتشم

به چشم می‌خورد، افتنان است. افتنان زمانی است که دو فن و غرض شعری با یکدیگر ممزوج شوند که در این دو شعر نیز به خوبی نمایان است که مدح و رثا باهم درآمیخته شده اند و هر دو شاعر در برخی ابیات در عین اینکه برای اهل بیت مرثیه می‌گویند، به مدح نیز می‌پردازند. شریف رضی در بیتی که مرثیه می‌خواند به نقش هدایتگری و جایگاه اباعبدالله اشاره می‌کند:

يا قتيلاً قَوَّضَ الدهر به عمَد الدين و أعلام الهدى

قتلوه بعد علمٍ منهم أَنَّهُ خامس أصحاب الكسا

(رضی، ۱۴۰۶، جلد اول: ۴۵)

این صنعت بدیعی در شعر محتشم جلوه ی زیباتر و واضح تری دارد که در چند جای شعر خود آن را به کار برده است. در جایی به زیبایی وقتی که مرثیه ی سر مبارک حضرت را می‌خواند، در همان بیت عظمت آن را نیز بیان می‌کند:

پس بر سنان کنند سری را که جبرئیل شوید غبار گیسویش از آب سلسبیل

(کاشانی، ۱۳۸۷ : ۳۲۵)

یا در جایی که از مصیبت اسارت اهل بیت می‌سراید در همان حال، به زیبایی آن

مخدرات را مدح می‌کند:



بررسی تطبیقی واقعه کربلا در الفیه شریف رضی و محتشم کاشانی ۵۱

جمعی که پاس محملشان داشت جبرئیل گشتند بی عماری و محمل شترسوار

(همان)

و در جای دیگر باز از زبان حضرت زینب به مادرش زهرا می‌سراید:

آن سر که بود بر سر دوش نبی مدام یک نیزه اش ز دوش مخالف جدا ببین

(همان)

که در عین اینکه روضه‌ی بالارفتن سر مبارک بر نیزه را می‌خواند به جایگاه

اباعبدالله نزد رسول خدا اشاره دارد.

### نتیجه‌گیری:

بر اساس بررسی‌هایی که از دو شعر شریف رضی و محتشم کاشانی درباره حادثه عظیم کربلا انجام گرفت می‌توان به نتایج ذیل رسید و آن‌ها را مورد توجه قرار داد:

در هر دو شعر به بیان مصائب دردناک اباعبدالله و اهل‌بیت ایشان پرداخته شده است و هر دو شاعر بسیاری از جنبه‌ها در بُعد روضه‌ی کربلا را مطرح کرده‌اند و همین یکی از دلایل ماندگاری این دو شعر در مجالس عزاداری شده است.

هر دو شاعر در برخی از ابیات به بیان ظلم و ستم‌هایی که دشمنان بر اهل‌بیت روا داشته‌اند قلم زده‌اند اما به نظر می‌رسد در این زمینه محتشم با صراحت بیشتری سخن به میان آورده است و حتی به ذکر نام جنایتکاران کربلا یعنی یزید و ابن زیاد لعنة الله علیهما پرداخته است.

تشابه و تفاوت دیگری که در مرثی‌ی دو شاعر پیداست در حوزه مضامین و قالب هاست. با وجود تشابه بسیاری که در مضامین وجود دارد اما باید گفت محتشم بسیار بیشتر از رضی به مقام و منزلت امام حسین توجه دارد.

نکته دیگری که در شعر رضی و محتشم مشترک است این است که این دو شاعر بصورت عمقی و ریشه‌ای به بیان واقعه کربلا نپرداخته‌اند و به‌جز بعضی ابیات در سایر موارد بصورت سطحی به صحنه‌های ظاهری این واقعه‌ی بزرگ تاریخ نگاه کرده‌اند.

### منابع و مأخذ:

۱. استادی، رضا، چاپ اول ۱۳۸۳، من أعلام الشیعه، قم، قدس
۲. بهداروند، اکبر، چاپ دوم، دیوان محتشم کاشانی، موسسه انتشارات نگاه
۳. ترکی، محمدرضا، ۱۳۸۴، دوباره کاری و شتاب زدگی، فرهنگستان، شماره ۲۷
۴. دوانی، علی، چاپ دوم، سیدرضی مولف نهج البلاغه
۵. دیوان الشریف الرضی، الجزء الاول، ۷۱۲ ق، منشورات موسسه الأعلى للمطبوعات، بیروت،
۶. رادفر، ابوالقاسم، ۱۳۶۵، شاهکارهای ادبیات فارسی (چندمرثیه از شاعران فارسی)، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر
۷. رضی، شریف، ۱۴۰۶ ق، دیوان اشعار، تهران، وزارت ارشاد اسلامی
۸. شبر، جواد، ۱۴۰۹ هـ ق، الأدب الطف و شعراءالحسین، الجزء الثاني، الطبعة الاولى، بیروت، موسسه البلاغ
۹. شمیسا، سیروس، ۱۳۸۱، شاهدبازی در ادبیات فارسی، تهران، فردوس
۱۰. صفا، ذبیح الله، ۱۳۶۹، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوس
۱۱. الفاخوری، حنا، ۱۳۸۹، تاریخ ادبیات عربی، آیتی، عبدالمحمد، چاپ نهم، چاپ حیدری
۱۲. کاشانی، محتشم، ۱۳۸۷، دیوان اشعار محتشم، مهر گرگانی، چاپ پنجم، تهران سنایی
۱۳. مبارک، زکی، عبقریه الشریف الرضی، الجز الاول، بیروت، المكتبة العصرية للطباعة و النشر
۱۴. ندا، طه، ۱۳۸۳، ادبیات تطبیقی، منظم، هادی نظری، چاپ اول، تهران، نشر



## تأثیر معیشت حرام بر انحراف و بزهکاری

سید محمد حسین قربی<sup>۱</sup>

دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۰۵ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۱۴

### چکیده:

در قوانین و احکام اسلامی، مخدوش کردن یا پایمال کردن حق افراد یا اجتماع یا حق الله، علاوه بر ناهنجاری‌ها و هرج و مرج‌های اجتماعی و نیز به تبع آن مجازاتی که برای مرتکب در پی دارد، آثار تکوینی‌ای نیز از جانب خداوند بر این‌گونه رفتارها مقدر شده است.

این تحقیق در پی آن است که اولاً جایگاه لقمه حرام و مبادی ورود آن را به زندگی تبیین کند؛ و ثانیاً تأثیراتی که لقمه حرام بر انحراف و بزهکاری اشخاص (و به‌طور ویژه کودکان) دارد را بررسی کند. روش مورد استفاده در این تحقیق روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای است. در این تحقیق پس از بررسی مفاهیم مورد تحقیق، به بررسی کسب‌های حرام از دیدگاه آیات و روایات و سپس به بررسی کلیات علل وقوع جرم و پیش‌گیری از آن پرداخته و سپس عوامل مؤثر بر شخصیت کودک و تأثیرات احتمالی لقمه حرام بر انحراف کودکان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در پایان با تأکید بر این نظریه که تأثیرگذاری لقمه حرام در توارث و یا تربیت افراد امری است کیفی و غیرقابل اندازه‌گیری، اشاره شده که از دیدگاه اسلام لقمه حرام در انحراف و جرائم ارتكابی اشخاص، دارای تأثیرات غیرقابل انکاری است و برای کاهش آمار جرائم و انحرافات اجتماعی پیشنهادهایی مطرح شده است.

**کلیدواژه:** مال حرام، انحراف اجتماعی، بزهکاری، پیش‌گیری، توارث و تربیت.

## مقدمه

تاریخ تمدن بشر گواه این است که انسان از آن زمان که مفاهیمی چون آزادی، حق، و مالکیت را به‌عنوان نشانه‌هایی از مدنیت پذیرفته، کوشیده است تا قوانین و احکامی وضع کند که از مخدوش شدن این نشانه‌ها توسط افراد جلوگیری نماید. روشن است که نبودن چنین قوانینی باعث گسترش هرج‌ومرج، ناهنجاری و افزایش جرائم اجتماعی خواهد شد. در جوامع دینی به‌ویژه جوامعی که دارای حاکمیتی دینی هستند، این حساسیت و وضع قوانین اهمیت دوچندان می‌یابد. اسلام نیز به‌عنوان دین پیامبر خاتم (ص) و اکمل ادیان آسمانی، از این قاعده مستثنا نیست. در اسلام این موضوع از چند جنبه اهمیت دارد:

نخست این‌که، اسلام علاوه بر محدودیت‌های عرفی و قانونی بین فردی، حدودی را نیز برای انسان قائل شده است که چه‌بسا چنین احکامی در عرف غیر اسلامی امری مهم تلقی نشوند؛ از جمله ربا، خرید و فروش اجناس دارای کاربرد صرفاً غیر حلال مانند قمار. دوم این‌که، در احکام جوامع اسلامی، علاوه بر این‌که برای تک‌تک افراد، در نسبت با یکدیگر حقوقی در نظر گرفته شده است، در رابطه هر فرد با خدا نیز احکام و قوانینی وجود دارد. از این‌رو هر فرد مسلمان وظیفه دارد که بخشی از درآمد حلال خود را - بر اساس یک الگوی مشخص - به‌عنوان حق خداوند، در راهی که خداوند فرموده است به مصرف برساند. برای نمونه تکالیفی چون خمس و زکات در شرایطی خاص بر مسلمانان واجب گردیده است.

سوم این‌که، در احکام و قوانین اسلامی علاوه بر این جنبه‌ها، جنبه دیگری نیز در نظر گرفته شده است؛ و آن این‌که مخدوش کردن یا پایمال کردن حق افراد، اجتماع، یا حق الله علاوه بر ناهنجاری‌ها و هرج‌ومرج‌های اجتماعی و نیز به‌تبع آن مجازاتی که برای مرتکب در پی دارد، آثار تکوینی‌ای نیز از جانب خداوند برای این‌گونه رفتارها مقدر شده

است. یکی از این آثار تکوینی، تأثیر کسب و معیشت حرام (لقمه حرام) بر گسترش و افزایش بزهکاری و جرم است. این در حالی است که امروزه در جوامع اسلامی که دارای حکومتی اسلامی است، دیده می‌شود که برخی از افراد درآمد خود را بدون توجه به منبع یا وسیله کسب آن به دست می‌آورند، بدون این‌که به عواقب این کار خود و ناهنجاری‌هایی که در جامعه ایجاد می‌کند، بیندیشند. این تحقیق در پی آن است که جایگاه لقمه حرام و یکی از تأثیرات آن - که ایجاد زمینه برای انحراف کودکان و بزهکاری آنان در آینده است - را تبیین کند. به امید این‌که گامی در جهت ارائه راهکاری برای کاهش علل وقوع جرم برداشته باشیم. متأسفانه جامعه شناسان، روانشناسان و جرم شناسان مسلمان، به تأثیرات معیشت حرام در وقوع جرم کم توجهی می‌کنند. افزون بر این، به نظر می‌رسد وقتی انسان میان زندگی حلال و حرام تفاوتی قائل نشد و حدود الهی را درنوردید، نادیده گرفتن حریم‌های انسانی و اجتماعی نیز برایش آسان‌تر خواهد شد. بر اساس دیدگاه‌های تربیتی معاصر، انسان محصول سرشت و تربیت است که تأثیر آن‌ها به صورت متقابل است. در این راستا دکتر الکسیس کارل دانشمند نسج‌شناسی و جنین‌شناسی می‌گوید: «سهم توارث و تربیت برحسب افراد مختلف فرق می‌کند و اغلب نمی‌توانیم ارزش حقیقی هریک از این دو عامل را تعیین کنیم» (فلسفی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۹۱). بنابراین تأثیرگذاری لقمه حرام در توارث و یا تربیت افراد (که امری کیفی است) قابل‌اندازه‌گیری و بررسی در آزمایشگاه‌ها نیست؛ زیرا بررسی و اندازه‌گیری مربوط به امور کمی است. از دیدگاه اسلام، اجتناب نکردن از مال حرام اثرات سوئی بر جان و دل آدمی و خانواده او می‌گذارد و بسیاری از گناهان ریشه در آلودگی روح آدمی دارد.<sup>۱</sup> امروزه این فرضیه مطرح است که آیا بشر می‌تواند با نوع غذا، فرزندانش را با ایمان پرورش دهد یا خیر؟ در اسلام این موضوع ۱۴۰۰ سال پیش به اثبات رسیده است که

۱-ساحت‌های غیرعقیدتی مثل لقمه حرام بر ساحت عقیدتی تأثیر دارند.

انسان می‌تواند با انتخاب غذای حلال و منزه، ویژگی‌های شخصیتی دلخواه را در فرزندان خود ایجاد کند. به‌عنوان مثال امام علی (ع) می‌فرماید: به زن باردار در ماهی که در آن وضع حمل می‌کند، خرما بخورانید؛ زیرا فرزند او بردبار و پرهیزگار خواهد شد (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۶۳: ۱۴۱). هرچند از دید ظاهری فرقی بین غذای حلال و حرام نیست، اما پرسش این است که آیا این بردباری و پرهیزگاری ناشی از خرمایی است که حلال باشد یا با خوراندن خرمایی حرام هم، همین بردباری و پرهیزکاری در فرزند ایجاد می‌شود؟ هم‌چنین آیا غذای حرام بر انحراف کودک مؤثر است؟

در این مقاله پس از بررسی مفاهیم موردتحقیق، به بررسی کسب‌های حرام از دیدگاه آیات و روایات و سپس بررسی کلیات علل وقوع جرم و پیش‌گیری از آن پرداخته و عوامل مؤثر بر شخصیت کودک و تأثیرات لقمه حرام بر انحراف کودک موردبررسی قرار می‌گیرد.

### کلیات و مفاهیم

معاش در فرهنگ عمید این‌چنین تعریف شده است: آنچه به‌وسیله آن زندگی می‌کنند، از خوردنی‌ها و نوشیدن (فرهنگ لغت عمید). هم‌چنین در تعریف حلال گفته‌اند: حلال، آنچه خوردن، نوشیدن و یا انجام دادن آن به‌حکم شرع روا باشد؛ روا یعنی جایز (فرهنگ لغت عمید)، اما حرام بر طبق آنچه در فرهنگ دهخدا تعریف می‌شود، به معنای ممنوع می‌باشد (فرهنگ لغت دهخدا). که در فرهنگ عمید آمده که امری است که به‌جا آوردنش گناه است؛ آنچه خوردنش در اسلام منع شده است. اما اگر بین حلال یا حرام بودن مالی شک وجود داشته باشد به آن «شبهه‌ناک» می‌گویند؛ یعنی، آنچه مورد شک و تردید است. لقمه‌ای که حلال و حرام بودن آن مجهول باشد (فرهنگ لغت دهخدا).



در تعریف پیش‌گیری آمده: بررسی، شناخت و ارزیابی خطر وقوع جرم و انجام اقداماتی برای رفع یا تقلیل آن (کیوانی، ۱۳۸۸: ۴). پیش‌گیری از جرم معادل واژگان «Prevention» در انگلیسی و «وقایه» در عربی است.

واژه انحراف<sup>۱</sup>: در لغت به معنای عملی که به‌دوراز هنجارها می‌باشد، است. انحراف اجتماعی از جمله مسائلی است که در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی بدان پرداخته می‌شود. انحراف اصولاً از حقوق کیفری خارج است. زیرا دارای وصف مجرمانه نیست اما از آنجاکه می‌تواند زمینه‌ای برای رفتار مجرمانه باشد، امروزه مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است (موسوی، ۱۳۹۰: ۲۶). انحراف، صفت منسوب به برخی رفتارها یا اشخاص، نظیر بزهکاری یا بیماران روانی است. این موضوع از آراء متقدم آسیب‌شناسی اجتماعی اخذ شده است (محمدی اصل، ۱۳۸۵: ۱۳). مال حرام و تغذیه حرام، در روایات فراوانی مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است و واژگان مختلفی درباره آن به کار گرفته است: مال حرام، لقمه حرام، کسب حرام، شهوت البطن، سحت و دستیابی به مال حرام (قاسمی، ۱۳۹۱: ۲۶). علمای اخلاق مال را به سه گونه تقسیم می‌کنند: ۱- حلال واضح و معلوم ۲- حرام واضح و معلوم ۳- شبهه‌ناک.

۱- حلال مالی است که از راه‌های مشروع و در چهارچوب قوانین شرع به دست آمده باشد و حق‌الناسی در آن نباشد. مال حلال، درآمد مشروعی است که حقوق خدا که در آن مال است پرداخته‌شده باشد؛ مانند خمس و زکات.

۲- اموال حرام از سه قسم بیرون نیست: (۱) ذات آن حرام است مثل خوک و خون (۲) به جهت صفتی که بر آن عارض شده حرام است مثل طعامی که به زهر یا خون مخلوط شده (۳) به جهت نقص و خللی که در گرفتن و دادن مال به هم رسیده است

حرام است. مثل اموالی که به ظلم و عدوان و غصب و دزدی و خیانت‌درامانت و ... به دست آمده است.

۳- درباره مال شبهه‌ناک به سخنی از امام علی (ع) در تعریف شبهه اکتفا می‌کنیم: امام علی (ع) می‌فرماید: شبهه را برای این شبهه نامیده‌اند که به‌حق شباهت دارد، اما نور هدایت‌کننده دوستان خدا در شبهات یقین است و راهنمای آنان در مسیر الهی است. اما دشمنان خدا دعوت‌کننده‌شان در شبهات، گمراهی است و راهنمای آنان کوری است (دشتی، ۱۳۷۹: ص ۶۳).

### کسب‌های حرام از دیدگاه آیات و روایات

یکی از مسائلی که امروز همه مردم با آن درگیری دارند مسئله اقتصاد است. اقتصاد در اسلام تعریف شده است و روزی هرکس به‌وسیله اقتصاد و شغل حلال تأمین می‌شود. طلب روزی حلال مهم‌ترین جنبه زندگی اقتصادی یک مسلمان است، زیرا در غیر این صورت، تمامی اعمال دیگر او در وجه اقتصادی‌اش زیر سؤال می‌رود. در روایتی از رسول خدا آمده است: در روز قیامت، اقوامی با داشتن حسنات بسیار، به اندازه کوه‌های مکه، می‌آیند و امر می‌شود که به آتش افکنده شوند. برخی عرض کردند: یا نبیّ الله! آیا این افراد نمازگزار بودند؟ حضرت می‌فرماید: آری، نماز می‌خواندند، روزه می‌گرفتند و پاره‌ای از شب را به عبادت مشغول بودند؛ لکن هرگاه بر اینان چیزی از دنیا پیدا می‌شد، خود را بر آن می‌افکندند!! (حلی، ۱۳۷۵: ۳۱۴). در آیات قرآن کریم به‌ضرورت کسب روزی حلال و هم‌بستگی لقمه حلال با کردار نیک اشارات فراوانی شده است. خداوند در قرآن و در سوره مؤمنون آیه ۵۱ می‌فرماید: «ای رسولان ما! از روزی پاک و حلال بخورید و کار شایسته انجام دهید که من به آنچه انجام می‌دهید آگاهم»<sup>۱</sup>.

---

۱. تمامی آیات از ترجمه قرآن کریم استاد مهدی فولادوند ترجمه شده است.

در تفسیر این آیه آورده شده: نباید دو اصل مهم را فراموش کرد: ۱. حلال بودن ۲. طیب و پاکیزه بودن. یعنی توفیق عمل صالح در سایه تغذیه حلال و طیب است (قرائتی، ۱۳۸۸، ذیل آیه ۵۱ مؤمنون). پیامبر اکرم (ص) در ذیل این آیه فرمودند: حضرت عیسی از دستمزد نخ‌ریسی مادرش تغذیه می‌کرد (سیوطی، ۱۳۶۵ ه. ق، ذیل آیه ۵۱ مؤمنون). در حدیث می‌خوانیم کسی که یک لقمه مال حرام خورده باشد، خداوند عبادت او را نمی‌پذیرد (مراغی، ۱۳۶۵ ه. ق، ذیل آیه ۵۱ مؤمنون). بنابراین لازمه توفیق عمل صالح تغذیه حلال است.

هم‌چنین آیه ۶۴ سوره اسراء بیان می‌دارد: «و (ای شیطان) هرکس را می‌توانی از طریق صدای خود بلغزان و نیروهای سواره و پیاده‌ات را بر ضد آنان گسیل دار و در اموال و فرزندان آنان شریک شو و به آنان وعده بده؛ و شیطان جز فریب وعده‌ای به آن‌ها نمی‌دهد». در روایات می‌خوانیم که از موارد شریک شدن شیطان، لقمه حرام، زنا و به وجود آوردن نسلی فاسد و منحرف است (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۱۰۱: ۱۳۶). شرکت ابلیس در مال و فرزندان انسان از آغاز آن شروع می‌شود و تا لقمه مشتبه و حرام و زنا ادامه می‌یابد. در آیه ۲۹ سوره نساء، خداوند متعال چنین می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال همدیگر را به ناروا مخورید، مگر آن‌که دادوستدی با تراضی یکدیگر از شما انجام گرفته باشد و خودتان را مکشید، زیرا خداوند همواره با شما مهربان است». امام باقر (ع) در ذیل این آیه فرمود: ربا، قمار، کم‌فروشی و ظلم از مصادیق باطل است (عروسی حویزی، ۱۴۱۲ ه. ق، ذیل آیه ۲۹ نساء). تفسیر نمونه در ذیل این آیه آورده است که: در حقیقت قرآن با ذکر این دو حکم پشت سر هم (ناروا نخوردن اموال دیگران و خودکشی) به یک نکته مهم اجتماعی اشاره کرده است و آن اینکه اگر روابط مالی مردم بر اساس صحیح استوار نباشد و اقتصاد جامعه به صورت سالم پیش نرود و در اموال یکدیگر به ناحق تصرف کنند، جامعه گرفتار یک نوع خودکشی و

انتحار خواهد شد و علاوه بر این که انتحارهای شخصی افزایش خواهد یافت، انتحار اجتماعی هم از آثار ضمنی آن است.

در آیه ۱۸۸ سوره بقره خداوند می‌فرماید: «و اموال را میان خودتان به ناروا نخورید و به‌عنوان رشوه قسمتی از آن را به قضات مدهید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید درحالی که خودتان هم خوب می‌دانید». رسول اکرم (ص) خطاب به علی ابن ابی‌طالب فرمود: یا علی! درآمد حاصل از فروش مردار، سگ، شراب، زنا و رشوه یکسان و حرام است (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۷۷: ۵۴). در تفسیر نمونه آورده شده که: جالب این است که قرار گرفتن این آیه بعد از آیات روزه (۱۸۲ تا ۱۸۷) نشانه یک نوع هم‌بستگی در میان این دو است. در آنجا نهی از خوردن و آشامیدن به خاطر انجام یک عبادت الهی می‌کند و در اینجا نهی از خوردن اموال مردم به‌ناحق و در واقع هر دوشاخه‌ای از تقوا محسوب می‌شود. در آیه ۴۲ سوره مائده آمده: «پذیرا و شنوای دروغ هستند و بسیار مال حرام می‌خورند». در تفسیر نمونه آمده است؛ قرآن کریم در این آیه یهودیان کارشکن را به «أَكَالُونَ السُّحْتِ»، یعنی بسیار حرام‌خوار یاد کرده است و این تعبیر هشدار می‌دهد که بسیار عمیق برای آنان که غذای حرام می‌خورند، چنین کسانی همانند یهودیان، کارشکنی می‌کنند. در مفردات راغب در ذیل کلمه «سحت» آمده که، کار حرامی است که مایه ننگ صاحبش شود.

در آیات قرآن کریم به‌ضرورت احتراز از مال حرام و لزوم کسب مال حلال اشاره شد. در روایات اسلامی ما هم به لزوم دوری از مال حرام اشاره شده است. محمد ابن سنان در نامه‌ای به حضرت امام رضا (ع) نوشت و در آن نامه پرسش کرده بود در این باره که بعضی از مسلمین گمان می‌کنند که حلال و حرام در اسلام علتی جز تعبد ندارد. حضرت در جواب نوشت: کسی که چنین تصور کند سخت به گمراهی و ضلالت افتاده است (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۱۱۸). رسول خدا (ص) می‌فرمایند: «بیمناک‌ترین چیزی

که بر امت خود از آن می‌ترسم این درآمدهای حرام است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۲۴). و همچنین ایشان درباره این که خوردن معاش شبهه‌ناک مقدمه‌ای برای ورود لقمه حرام به زندگی است می‌فرمایند: «هر که در چیزهای شبهه‌ناک افتد (ناخواسته)، در حرام خواهد افتاد، همانند چوپانی که در اطراف قرق، گوسفند می‌چراند (که) بیم می‌رود که در قرق افتد. بدانید که هر پادشاهی قرقی دارد و قرق خداوند در زمین محرمات اوست» (نوری، ۱۴۰۸ ه. ق، ج ۱۷: ۳۲۳).

از موضوع اموال و درآمدهای حرام به اختصار به موارد ذیل می‌پردازیم. ابتدا بررسی این موارد بسیار مهم سبب مشخص شدن مبادی ورود لقمه حرام به زندگی می‌شود:

#### ۱- استفاده سوء از بیت‌المال:

از موارد روشن لقمه حرام و البته سخت‌تر از موارد دیگر، رعایت نکردن اموال عمومی و بیت‌المال است. امام علی (ع) در نامه‌ای به کارگزاران حکومت خویش فرمود: نوک قلم‌های خویش را تیز کنید، میان سطرهای نوشته زیاد فاصله نیندازید، حرف‌های زیادی را حذف کنید و روی کاغذ نیاورید، به اصل معنا بپردازید، از زیاده‌روی در مصرف پرهیز کنید، زیرا بیت‌المال تحمل این‌گونه ضررها را ندارد. از نمونه‌های تصرف در بیت‌المال که حرام است می‌شود به این موارد اشاره کرد: خراب کردن میز مدرسه و دانشگاه؛ دست‌کاری کنتورها؛ سد معبر؛ نوشتن یادگاری روی درودیوار و پارک‌ها ... (قاسمی، ۱۳۹۱: ۴۳) یا کم‌کاری کارمندان دولتی، اینکه در آمارها اعلام می‌شود میزان کار مفید روزانه کارمندان دولتی از هشت ساعت کار کردن در روز، ۴۰ دقیقه است! در قوانین موضوعه هم به برخی مصادیق تعدی نسبت به بیت‌المال اشاره و ضمانت اجرا مشخص شده است. مانند فصل سیزدهم کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ (تعذیات مأموران دولتی نسبت به دولت). همچنین ماده ۸۴ و ۸۵ و تبصره ۲ ماده

۱۱۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح ۱۳۸۲. یا ماده ۳۲ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰.

### ۲- سرقت:

در سوره مائده آیه ۳۸ حکم سرقت حدی مشخص شده است. در مواد ۲۶۷ تا ۲۷۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و فصل بیست و یکم قانون تعزیرات ۱۳۷۵ هم به بیان احکام انواع سرقت و مجازات آن‌ها پرداخته شده است.

### ۳- غصب:

از نمونه‌های غصب: کپی گرفتن از یک کتاب بدون رضایت صاحبش؛ نشستن در رستوران بدون خوردن غذا؛ زیور و کردن میوه‌های میوه‌فروش بدون اذن او؛ تصرف در مال مشترک بدون رضایت شریک؛ نشستن روی کاپوت ماشین دیگر بدون اجازه صاحب ماشین (قاسمی، ۱۳۹۱: ۴۶). یا مثلاً اگر در تحقیق از منبعی استفاده شده باشد و ذکری از نام آن منبع به میان نیامده باشد (در تمام طول تحقیق باید به جد مراقب بود که خود پژوهش گرفتار این آسیب نشود).

### ۴- خوردن حق یتیم:

در آیات ۲ و ۱۰ سوره نساء، به دادن حق ایتام به خودشان و این‌که حق یتیم را خوردن گناهی بس بزرگ است و آتش شعله‌وری را در باطن فرد روشن می‌کند و در قیامت با آتش شعله‌ور خواهد شد اشاره می‌کند. از نمونه‌های خوردن حق یتیم: خوردن چای و غذای میتی که دارای کودکان صغیر می‌باشد؛ عوض کردن اموال پاکیزه آنان با اموال ناپاک خود؛ برداشتن بیش‌تر از حد معمول به‌عنوان حق‌الزحمه وصی و ... (قاسمی، ۱۳۹۱: ۵۷)

#### ۵- نپرداختن قرض:

نپرداختن بدهی حرام است و تصرف در آن مال بدون رضایت صاحبش از جلوه‌های مال حرام و لقمه حرام است. کسی که قرض نماید ولی قصدش پرداختن نباشد، همانند کسی است که چیزی را دزدیده است (فقه الرضا، ۱۴۰۶ ه. ق: ۲۶۸).

#### ۶- خیانت در امانت:

خدای متعال در آیات ۶۰ سوره انفال و ۲۸۳ بقره و ۱۶۱ و ۱۶۲ آل عمران، به روشنی به خیانت‌کاران وعده آتش می‌دهد و آنان را با تهدید شدید از این عمل زشت باز می‌دارد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «اگر قاتل علی (ع) مرا امین قرار دهد و چیزی به من بسپارد، امانتش را به او بر می‌گردانم» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۱۳۳). در فصل بیست و چهارم قانون تعزیرات ۱۳۷۵ هم خیانت در امانت جرم‌انگاری شده است.

#### ۷- رشوه:

آیات ۱۸۸ بقره و ۹ و ۶۱ نسا و ۴۲ مائده درباره حرمت رشوه در قرآن کریم آمده است. اسم و واژه‌هایی مثل هدیه، ماهیت رشوه را عوض نمی‌کند. از نمونه‌های رشوه؛ پولی که برخی از مأموران راهور می‌گیرند تا جریمه ننویسند یا در آن تخفیف دهند؛ هدایایی که به مسئولی داده می‌شود تا نوبت انسان را جلو بیندازد و ... (قاسمی، ۱۳۹۱: ۹۸). در قوانین موضوعه در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری ۱۳۶۷ و فصل یازدهم قانون تعزیرات ۱۳۷۵ به موضوع رشوه پرداخته است.

#### ۸- قمار:

در سوره مائده آیات ۹۰ و ۹۱ به حرمت و خباثت قمار اشاره شده است. قمار و ساخت آلات قمار و بیع و شرای آلات قمار حرام است. در مواد ۷۰۵ تا ۷۱۰ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، به موضوع قماربازی پرداخته شده است.

### ۹- شراب:

در سوره مائده آیات ۹۰ و ۹۱ درباره حرمت شراب هم خداوند همانند قمار و ازلام و بت‌ها به دوری از آن‌ها دستور داده است. حضرت محمد (ص) می‌فرمایند: چهار چیز است که هرکدام در خانه‌ای رخنه کرد، ویرانش کند و به برکت آباد نگردد: خیانت، دزدی، می‌خواری و زنا (الصدوق، ۱۳۴۹: ۳۹۸). قانون‌گذار از ماده ۷۰۱ تا ۷۰۴ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ به موضوع مشروبات الکلی پرداخته است. همچنین در مواد ۲۶۴ تا ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

### ۱۰. ربا

در قرآن کریم آیات ۱۳۰ و ۱۳۲ و ۱۳۳ سوره آل عمران و ۲۷۵ و ۲۷۹ سوره بقره به نکوهش ربا پرداخته و خداوند آن را آتش، دیوانگی و محاربه در مقابل خدا و رسول او می‌داند. امام صادق (ع) می‌فرمایند: یک‌درهم ربا از سی بار زنا با محارم نزدیک مثل خاله و عمه بدتر است (الصدوق، ۱۳۶۷، ج ۳: ص ۲۷۴). در ماده ۵۹۵ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، ربا جرم انگاری شده است.

### ۱۱- غش در معامله:

حرام است غش در معامله؛ یعنی فروختن جنسی که با چیز دیگری مخلوط است، در صورتی که آن چیز معلوم نباشد و فروشنده هم به خریدار نگوید، مثل روغنی که آن را با بیه مخلوط کرده است (امام خمینی ره، ۱۳۶۷: ۲۷۴).

### ۱۲- کم‌فروشی:

تصریح و تشدید خداوند درباره کم‌فروشی را می‌شود از این‌که در قرآن کریم یک سوره به اسم کم‌فروشان است استنباط کرد. رسول خدا (ص) فرمود: «هرکس در کیل و وزن خیانت کند، روز قیامت او را به قعر دوزخ می‌اندازند و در میان دو کوه آتش جایش



تأثیر معیشت حرام بر انحراف و بزهکاری ۶۷

می‌دهند و به او می‌گویند کوه‌ها را وزن کن، و او پیوسته به این کار مشغول است» (دستغیب شیرازی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۳۸۳-۳۸۴؛ قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۲۰). در ماده ۳ قانون تعزیرات حکومتی ۱۳۶۷ و ماده ۵۸ قانون نظام صنفی کشور ۱۳۸۲ به کم‌فروشی اشاره شده است.

### ۱۳- احتکار:

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «هرکس به‌عنوانی سبب گرانی در بازار مسلمانان گردد، بر خداوند لازم است او را در بزرگ‌ترین جایگاه جهنم سرنگون کند» (الحاکم النیشابوری، ۱۴۱۱ه. ق، ج ۲: ۱۲). ماده ۴ تعزیرات حکومتی ۱۳۶۷ و ماده ۶۰ قانون نظام صنفی کشور ۱۳۸۲ به موضوع احتکار پرداخته است.

### ۱۴- گران‌فروشی:

امام صادق (ع) درباره سود حاصل از گران‌فروشی به غلام خود فرمودند: «ما نیازی به این نوع پول‌ها نداریم و فرمود: ای مصادف، شمشیر زدن در راه خدا، از کسب روزی حلال، آسان‌تر است» (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۴۵: ۵۹). درباره گران‌فروشی ماده ۵۷ قانون نظام صنفی کشور به آن پرداخته است.

وقتی مسلمان درآمدی حلال کسب می‌کند، اسلام درآمد مسلمان را تقسیم می‌کند و بخشی از آن را برای خدمت به محرومان و مستضعفان جامعه اختصاص می‌دهد و اگر بنده مسلمان به این توصیه بی‌توجهی کند، مال حلال او حرام می‌شود. مثل ثروتی که زکات یا خمس آن پرداخت نشده است.

### ۱۵- خمس ندادن:

پرداخت خمس، سبب پاک شدن مال می‌شود و مال پاک مقدمه برای نسل پاک است (حر عاملی، ۱۳۸۷، ج ۹: ۵۴۷). امام خمینی (ره) فرموده: «هرکس درهمی از

خمس را نپردازد، جزء ستمگران بر اهل بیت عصمت (ع) است و از کسانی است که حق آن بزرگواران را غصب کرده است» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۳۳۴). واژه زکات هم ۳۲ بار در قرآن کریم آمده است و بسیار مؤکد است. نپرداختن زکات یعنی تصرف ناروا و حرام در حق فقیران.

حال اگر مسلمان، مالی حلال به دست آورد و خمس و زکات آن را هم داد، در مصرف مال هم باید رعایت حلال و حرام را بکند. جالب است که حلال و حرام را هم در تولید مال و هم در مصرف مال با واژه‌هایی نظیر اسراف و تبذیر داریم.

### علل وقوع جرم

در یک بیان مقایسه‌ای می‌توان جرم و جنایت را با بهداشت جامعه مقایسه کرد. زمانی که ما در کوچه و خیابان و منزل، وجود حیوانات مودی، سگ و گربه و موش و حشرات را زیاد می‌بینیم، متوجه می‌شویم بهداشت محیط رعایت نشده و محیط مساعد برای رشد و تغذیه حیوانات و حشرات مودی است. در صورتی که حیواناتی مثل موش‌ها، بزرگ و جثه‌ای عظیم‌تر از حد معمول داشته باشند یا حشرات مودی خیلی زیاد باشد، پی می‌بریم که در چنین جامعه‌ای مدت‌هاست که به مسائل بهداشتی بی‌توجهی شده است. در جوامع انسانی نظیر جامعه ما نیز، زمانی که آمار جرم و جنایت افزایش می‌یابد، باید دید علت این افزایش چیست. این افزایش آمار، نکته‌ای را بیان می‌کند و آن این است که: توجه به مسائل تربیتی کم شده است. در صورتی که این کم‌توجهی و یا بی‌توجهی مدتی ادامه داشته باشد، در آن صورت باید منتظر باندهای جنایت‌کاری باشیم که در ارتکاب جرم، راه‌ها و روش‌هایی انتخاب کنند که از شناسایی در امان بمانند و هم خوف عمل آن‌ها برای جامعه زیاد و سنگین باشد. در پیش گرفتن روش‌های نادرست تربیتی، اثری کم‌تر از بی‌توجهی به مسائل تربیتی ندارد. تقلیل جرائم در هر جامعه در گرو شناخت عوامل مؤثر در بروز جرائم مربوط به آن جامعه و دست یافتن

به راه حل صحیح مبارزه با عوامل فساد و ریشه کن کردن آنهاست. بدون شناخت این عوامل نمی توان برنامه صحیحی برای سالم سازی یا نوسازی اجتماعی ترسیم یا اجرا نمود (قربان نیا، ۱۳۷۸: ۱۵۶).

جرم یک پدیده اجتماعی است که عوامل و وقایع اجتماعی متعددی در بروز آن ایفای نقش می کند. مجرم محصول علل فردی (بیماری های ژنتیکی، روانی، اجتماعی، وضعیت جسمانی مغز و غدد درون ریز داخلی و ...) و علل اجتماعی (طلاق، فقر، ثروت، بی سواد، بیکاری، جمعیت، فرهنگ، مهاجرت، روابط ناپهنجار خانوادگی، فقر فرهنگی و ...) است. از این رو گفته شده که کافی است با مبارزه با چنین عللی و رفع آنها، از ارتکاب جرم به عنوان معلول، پیش گیری کرد. در مقالات و کتاب های بسیاری به عوامل گوناگونی در باب وقوع انحراف و جرم اشاره شده است اما در هیچ یک به مسئله تأثیر لقمه حلال و حرام به عنوان زمینه و درآمدی بر وقوع یا پیش گیری از وقوع جرم که در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرد اشاره نشده است.

موضوع دیگری که باید مطرح شود این است که مسئله بزهکاری و انحراف اطفال و نوجوانان از دیرباز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان بوده است. کودکان و نوجوانان سرمایه های جامعه هستند و سلامت روح و جسم آنها تضمین کننده سلامت جامعه آینده است. همزمان با توسعه انقلاب صنعتی و وسعت دامنه نیازمندی ها، محرومیت های حاصل از عدم امکان تأمین خواست ها و احتیاجات زندگی به صورت عادی و مشروع، موجب گسترش شدید و دامنه دار فساد، عصیان، دزدی و مانند آنها در اطفال و نوجوانان شده است. اما از قرن نوزدهم به بعد، افزایش بزهکاری نوجوانان و جوانان به ویژه ارتکاب جرائم توأم با خشونت و قساوت، یکی از بزرگ ترین معضلات اجتماعی محسوب شده و افکار عمومی جهان را نیز نگران نموده است. در همین ارتباط، گزارش های سازمان ملل در دهه های اخیر نشان می دهد که همواره بر میزان جرائم در

سطح جهان افزوده شده و روند افزایش بزهکاری بیش از میزان رشد جمعیت است. از این رو، یکی از مسائل پیچیده و در عین حال مهمی که بسیاری از جوامع را تهدید می‌کند و توجه بسیاری از جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، جرم‌شناسان و متخصصان علوم تربیتی را به خود معطوف داشته، بزهکاری، به ویژه در نوجوانان و جوانان می‌باشد (موسوی، ۱۳۹۰: ۴۳). مطالعات کشورهای غربی حاکی از آن است که تجربه رفتارهای بزهکارانه در میان نوجوانان بسیار شایع می‌باشد. برخی ادعا کرده‌اند ۹۰ درصد نوجوانان مرتکب اعمالی شده‌اند که چنانچه به مداخله پلیس می‌انجامد موجب بازداشت آنان می‌گردد. این بررسی‌ها نشان می‌دهند که شیوع رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان بیش از آن است که مردم انتظار دارند (عبقری، ۱۳۸۰). امروزه نوجوانان کشور ما هم با این گونه مسائل مواجه‌اند و آثار مهلک آن‌ها در سیمای جامعه ما آشکار است.

### پیش‌گیری

پیش‌گیری را این‌گونه تعریف می‌کنند که بررسی، شناخت و ارزیابی خطر وقوع جرم و انجام اقداماتی برای رفع یا تقلیل آن (کیوانی، ۱۳۸۸: ۵). پیش‌گیری اجتماعی، یعنی ایجاد تغییرات و اصلاحات فردی و محیطی که منجر به اصلاح جامعه و فرد و جلوگیری از جرم به صورت پایدار و همیشگی است. پیش‌گیری بسته به نوعش در مکان‌های مختلف اجرا می‌شود: خانه، مدرسه، پلیس و ... برخلاف بحث سرکوبی، پیش‌گیری، تنها در حیطه صلاحیت حاکمیت باقی نمی‌ماند و قابل تفویض به بخش خصوصی است. به چند دلیل بحث پیش‌گیری اهمیت دارد:

۱- یکی از بندهای مهم اصل ۱۵۶ قانون اساسی به این امر اختصاص دارد: «قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است»: .... بند پنجم؛ «اقدام مناسب برای پیش‌گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین».

۲- بالا بودن نرخ بزهکاری علیرغم اجرای شدید مجازات در سطح دادگاه‌ها

۳- کمبود فضای زندان و هزینه‌های بالای مادی و معنوی آن به خاطر بالا بودن

نرخ بزهکاری

۴- قهرآمیز بودن طبع دادگاه‌های کیفری؛ سرکوبگری، شأن حقوق کیفری و امری

بسیار پرهزینه است. نیروهای پیرا قضایی مانند کارشناسان و وکلا و ... هم هزینه برند.

این هزینه‌ها از محل جیب مردم است، مانند مالیات‌ها (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۷: ۱۴۵).

رییس مجلس شورای اسلامی در همایش ملی ارتقای سلامت اداری و مبارزه با

فساد که در سال ۱۳۹۳ برگزار شد به موضوعی بسیار مهمی اشاره کرد و گفت: «در

کشورهای موفق در زمینه مبارزه با فساد توان ویژه‌ای برای پیش‌گیری گذاشته‌شده اما

ما در کشور آنچه در گزارش‌ها داریم حدود سالی ۷ تا ۸ میلیون پرونده در دستگاه قضا

با ۷۵ تا ۷۶ میلیون نفر جمعیت داریم؛ درحالی‌که در کشوری مثل ژاپن با توجه به

پیش‌گیری در دوران مدرسه و آموزش‌های ابتدایی و جمعیت حدود ۱۲۰ میلیون نفر،

این پرونده‌ها سالی ۲۰۰ هزار مورد است». رییس قوه مقننه باینکه موضوع پیش-

گیری یک موضوع فرا قوه‌ای است گفت: «در قانون اساسی پیش‌گیری از جرم جزء

وظایف قوه قضاییه است که باید آن را با همکاری سایر بخش‌ها انجام دهیم اما این

سؤال مطرح است که پس چرا این بخش سامان پیدا نمی‌کند که پاسخ روشن است،

چون هر قوه‌ای این موضوع را منحصر به خود می‌داند و چون در ساختار قانون اساسی

آمده است که ۳ قوه مستقل هستند یک توجه فراگیر به این موضوع نمی‌شود و باید

توجه کرد مسئله فساد و جرم در کشور ریشه در مسائل فرهنگی و آموزشی دارد»

. (tabnak. ir)

در جمهوری اسلامی در واقع در عمل، روش مبارزه به سرکوبی منحصر شده است.

در کشور ما نیز اگرچه آمار دقیقی در این خصوص وجود ندارد اما از آمارهایی که به-

صورت پراکنده، توسط برخی از سازمان‌های تابعه قوه قضاییه منتشر می‌شود می‌توان به‌طور کلی وجود نوعی وضعیت هشداردهنده را تصدیق کرد. به‌عنوان نمونه، هر سال ششصد هزار نفر وارد زندان می‌شوند و این ورود سالانه همین تعداد خانواده را بی‌حمایت و آسیب‌پذیر می‌کند (ابراهیمی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۲۹-۳۰). باید توجه داشت که در زمینه بزهکاری اطفال، حتی همین آمار را هم نداریم. قانون مجازات به قبل از وقوع جرم، کاری ندارد و انگار می‌گوید اگر به‌عنوان مثال کودکی جرمی انجام دهد، او را از طریق مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی اصلاح می‌کنم!

بر اساس انواع مرتکبین جرم، مدل‌های پیش‌گیری متناسبی ارائه شده است؛ مثلاً بر اساس این فرض که جرم توسط بیماران اجتماعی جامعه ایجاد می‌شود، مدل پیش‌گیری از جرم و جنایت اجتماعی بر روی گسترش برنامه‌ها و سیاست‌هایی مبتنی بر بهبود بهداشت، زندگی خانوادگی، آموزش و پرورش، مسکن، فرصت‌های شغلی و فعالیت‌های محله‌ای برای مجرمین بالقوه تمرکز می‌کند (Rosenbaum, et al, 1998). یا می‌توان به اقداماتی که در مکتب شیکاگو<sup>۱</sup> پیشنهاد شده است اشاره کرد. در بعضی دیگر از برنامه‌ها، تمرکز برنامه‌های پیش‌گیری از جرم بر روی تغییر شرایط اجتماعی پیشینی در رابطه با کودکان و نوجوانان واقع شده است. مانند بازدید کردن پرستار از خانواده‌های در معرض خطری که نوزادانی دارند، یا خانواده‌های تک‌والدینی، یا فراهم کردن برنامه‌های مفرح، و تمرکز بر آموزش مهارت‌های اجتماعی در مدارس. این برنامه‌ها مشخص کرده است که لااقل اندکی از شمار جرائم کاسته شده است

(international Centre for prevention of crime)

---

۱- سرمایه اجتماعی، تعلق خاطر به محل زندگی و روابط با دیگران از عوامل بازدارنده ارتکاب جرم هستند. برای اطلاعات بیشتر ر. ک ، ویلیامز، فرانکی؛ مک شین، ماری لیندی (۱۳۹۱)، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، نظریه های جرم شناسی، تهران: نشر میزان.

از میان انواع پیش‌گیری، پیش‌گیری اجتماعی، یک پیش‌گیری کنشی فردمدار است. بدین‌صورت که با بهره‌گیری از تدابیر و اقدامات پیشینی، درصدد شخصیت‌سازی و اثرگذاری بر فرآیند شکل‌گیری شخصیت افراد است. پیش‌گیری اجتماعی رشدمدار که به آن پیش‌گیری زود هنگام نیز گفته می‌شود، به دنبال آن است تا با به‌کارگیری اقدامات مناسب روان‌شناختی - اجتماعی از تداوم و استقرار رفتارهای مجرمانه در افراد ممانعت کند (موسوی، ۱۳۹۰: ۱۸۶ و ۱۸۷). بنابراین منطبق که تقلیل جرائم در هر جامعه درگرو شناخت عوامل مؤثر در بروز جرائم مربوط به آن جامعه و دست یافتن به راه‌حل صحیح مبارزه با عوامل فساد و ریشه‌کن کردن آن‌هاست، اگر بزهکاری و جرم و جنایت را به-عنوان معلول در جامعه خود قبول کنیم، ریشه و علت اصلی ارتکاب جرم و جنایت، علتی فرهنگی است. در این زمینه آگاهی‌رسانی به والدین از ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین راهکارهای فرهنگی برای کاهش وقوع جرائم است. در اجرای چنین رویکردی است که راهبرد پیش‌گیری اجتماعی مشروعیت علمی-کاربردی خورد را پیدا می‌کند. این‌گونه پیش‌گیری، آموزش و پرورش محور است.

### عوامل مؤثر در ساخت شخصیت کودک

عوامل بسیاری در تکوین شخصیت کودک دارند. در این مقاله به سه عامل مهم به‌طور خلاصه می‌پردازیم تا به نقش مهم تغذیه در شکل‌گیری شخصیت کودک بپردازیم.

#### ۱- وراثت:

هم چنان‌که می‌دانیم بسیاری از صفات ظاهری انسان‌ها، به‌واسطه وراثت به فرزندان و نسل‌های بعد منتقل می‌شود. فرزند یک انسان آفریقایی در سیاهی پوست و پیچیدگی مو و ساختمان بینی و رنگ چشم مانند پدر و مادر است؛ هم چنان‌که فرزند

یک اروپایی. از مضمون احادیث استنباط می‌شود که علاوه بر صفات طبیعی و ظاهری، سجایای اخلاقی والدین نیز زمینه‌هایی را در فرزندان ایجاد می‌کند. مثلاً در جنگ جمل محمد حنفیه علمدار لشکر بود و چند بار حمله کرد اما ضربات دشمن مانع پیش‌روی او شد. حضرت علی (ع) به او فرمود: «این ضعف و ترس را از مادرت به ارث برده‌ای» (قمی، ۱۳۸۷: ۱۷). طبق این روایت شرایط مادر و رحم مادر، علت عمده زمینه‌ها و ویژگی‌های ظاهری و معنوی برای فرد است. دانشمندان امروزه متوجه شده‌اند موجودات بسیار کوچکی در کروموزوم‌هاست که عامل وراثت است و نامش را ژن گذاردند. کروموزوم‌های آدمی بیش‌ترین تعداد ژن‌ها یعنی ۲۹۶۸ ژن را دارا می‌باشند. و این مطلبی است که در احادیث نیز به نحوی مورد توجه قرار گرفته است. مثلاً مردی از انصار خدمت رسول اکرم (ص) آمد و گفت: زن من، که دختر عموی من است، فردی عقیف می‌باشد، اما برای من بچه‌ای سیاه چهره، با موهای پیچیده و بینی پهن (شبهه افراد حبشی) به دنیا آورده است و در خانواده و اجدادمان شخصی با چنین اوصافی وجود ندارد. رسول اکرم (ص) از زن سؤال کرد و او قسم یاد کرد که جز با همسرش با هیچ‌کس نیامیخته است. حضرت فرمود: هر انسانی ۹۹ عرق دارد که وقتی نطفه در رحم قرار می‌گیرد عرق‌ها به جنب و جوش می‌افتند و فرزند شبیه یکی از آن‌ها می‌شود.

رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) کلمه «عرق» را معرف عامل وراثت قرار داده‌اند و عدد عرق‌ها را ۹۹ گفته که البته شاید فقط بیان کثرت منظور ایشان بوده است. رسول اکرم (ص) فرمودند: «انظر فی ای شیء (نصاب) تضع ولدک فان العرق دساس»؛ المنجد در لغت (دس) می‌گوید: العرق دساس ای أن اخلاق الالباء تتصل الی الابناء؛ بنگر که نطفه- ات را در چه ظرفی قرار می‌دهی، رگ و ریشه ادامه پیدا می‌کند. دقت کن که نطفه خود را در کجا مستقر می‌کنی زیرا خصوصیات اجداد به فرزندان منتقل می‌شود. در این حدیث در کمال صراحت از قانون وراثت سخن گفته شده است (پاینده، ۱۳۳۷، حدیث ۵۶۴).



دانش امروز در بعضی زمینه‌ها توانسته تأثیر وراثت بر ویژگی‌های معنوی و اخلاقی را از نظر علمی اثبات کند (فلسفی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۸۲). یکی از آثار خوردن لقمه حرام که با همین وراثت به نسل بعدی منتقل می‌شود ظهور و بروز آثار وضعی آن در نسل آینده انسان است. حضرت امام صادق (ع) در این باره می‌فرمایند: «کسب الحرام یبین فی الذریه»؛ آثار درآمد حرام در نسل بعد آشکار می‌شود (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۱۲۵؛ حر عاملی، ۱۳۸۷، ج ۱۷: ص ۸۲؛ ری شهری، ۱۳۷۸، ج ۳: ۲۷۰۱). اگر همه عوامل و صفات موجد و مؤثر در تکوین فرزند، خوب و پسندیده و مفید و سودمند باشد، بچه در شکم مادر خوشبخت و سعادتمند است و اگر همه یا بعضی بد و پلید باشد به همان نسبت بچه در شکم مادر شقی و بدبخت ساخته شده است (فلسفی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۸۴).

## ۲- خانواده:

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است. مسئله تربیت کودک از سوی معصومین ما مورد اهتمام و توجه ویژه بوده است و اولین کسانی که در این زمینه این مسئولیت بزرگ به شانه آن‌ها نهاده شده است والدین هستند. در گام نخست خانواده‌ها هستند که نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت فرزندان خود دارند. محیط خانوادگی نامناسب مانع رشد شخصیت انسانی می‌شود. بنابراین علی‌رغم عوامل زیادی که در وقوع جرم و رفتار مجرمانه تأثیر دارد، رفتارهای ناپه‌نجان، ثمره تلخ نهالی است که ریشه‌اش در میان خانواده‌های بی‌ایمان و بی‌اعتقاد و لابلالی و مادران و پدران بی‌توجه به دین و ارزش‌های اخلاقی رشد نموده است. اگر خانواده‌ها که سلول‌های یک جامعه هستند سالم باشند، از اجتماع این سلول‌ها پیکره‌ای سالم ایجاد می‌شود.

## ۳- تغذیه

یکی از عوامل شکل‌دهنده شخصیت انسان، غذاست. قرآن کریم به این حقیقت این‌گونه اشاره کرده است: «فلینظر الانسان الی طعامه<sup>۱</sup>». نوع غذا و ویتامین‌ها و مواد غذایی که در مراحل جنینی و نوزادی و کودکی به کودک می‌رسد در چگونگی رشد کودک و فیزیولوژی مغزی و روانی او بسیار تأثیر دارد. اگر کودک دچار سوءتغذیه باشد یا غذای سالم به او نرسد رشد احشای داخلی او متوقف شده و بافت‌های اساسی جسم او دچار مشکلات جدی زیستی می‌شوند. جدا از این موارد، اگر به کودک غذایی حلال و طیب داده شود، در ساختن شخصیت اجتماعی و علمی و ... او به‌نوعی مؤثر است و اگر غذایی حرام بخورد به نوع دیگری در شخصیت او اثر می‌گذارد. در کلمات بزرگان دین ما به جای غذا به «لقمه» تعبیر شده است که بیانگر این نکته است که اثر هر غذایی با یک لقمه نیز منتقل می‌شود و اثر خود را بر جان و روح انسان منتقل می‌نماید. از آیات و روایات استفاده می‌شود که اگر بخواهیم فرزندان سالم و متدین و نرمالی داشته باشیم، ابتدا باید منبع اقتصادی نیازهای مالی زندگی حلال باشد. بنابراین باید از لقمه حرام پرهیز شود تا تعلیم و تربیت اثر بگذارد.

## تأثیرات لقمه حرام بر انحراف کودک

عناوینی که در موضوع مبادی ورود لقمه حرام به زندگی بحث شد و سایر عناوینی که بحث نشد مانند دروغ گفتن در معامله، قسم خوردن دروغ برای کسب پول بیش‌تر و ... همه گناه و مالی که از آن طرق به دست آید حرام است. حال به این پرسش برمی‌خوریم که اگر کسی لقمه‌ای حرام خورد در آینده خود فرد یا فرزند او چه اثری دارد؟

این تأثیر برای ما محسوس و قابل اندازه‌گیری نیست اما در کلام بزرگان دین ما این تأثیر و تأثر آمده است. هر چیزی که قابل اندازه‌گیری یا محسوس نباشد دال بر آن نیست که وجود ندارد. ما هم چنان که روح (آن ساحت قدسی که خداوند در آیات ابتدایی سوره بقره در توصیف متقین از آن تعبیر به غیب فرموده است: الذین یؤمنون بالغیب ... ) را نمی‌بینیم، به طریق اولی تأثیر لقمه حرام بر روح شخص را هم نمی‌بینیم. از این رو، وظیفه ادیان الهی، بیان همین امور باطنی است که در دسترس بشر نیست. به عنوان مثال غذا می‌تواند در شکل‌گیری رذایل اخلاقی همانند کینه و عداوت مؤثر باشد. در آیه ۹۱ سوره مائده خداوند درباره شراب و قمار می‌فرماید: «شیطان می‌خواهد در میان شما به وسیله شراب و قمار عداوت ایجاد کند». بی شک عداوت و بغضا دو حالت درونی و اخلاقی است. در روایات، لقمه حرام یکی از عوامل اصلی سقوط انسان مطرح شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «ریشه اصلی سقوط، خوردن حرام، غفلت از انجام واجبات، سبک شمردن مستحبات و فرورفتن در ملامی (کارهای لغو و بی‌فایده) است».

یکی از تأثیراتی که خوردن لقمه حرام می‌گذارد این است که زمینه ارتکاب گناه و انحراف را در افراد ایجاد می‌کند؛ البته کشف آن از محدوده علوم ظاهری بشر خارج است. باید تأکید کرد که خوردن لقمه حرام و بزهکاری لازم و ملزوم یکدیگر نیستند، اما تأثیر قاطع حرام‌خواری بر انحراف (انحراف نطفه یا جنین یا کودک و شخص بزرگ‌سالی که از حرام ارتزاق شده) را بر اساس شواهد دینی و مصادیق اجتماعی نمی‌توان نادیده گرفت. در این زمینه مبانی دینی روشن و تحسین‌برانگیزی داریم. در فروع کافی آثار خوردن لقمه حرام بدین صورت آمده است: قساوت قلب؛ گمراهی فرزندان (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۳۶۳). پس دو اثر کلی برای حرام‌خواری ذکر شده که یکی مربوط به خورنده حرام و دیگری مربوط به فرزند اوست. کلی‌ترین اثر خوردن حرام این است که

قساوت قلب می‌آورد که البته به معنای خشن شدن آدمی نیست بلکه مقصود این است که در مقابل حق و حقیقت دیر پذیر می‌شود. خشونت‌طلبی یک معنای دیگری از قساوت است و البته این اثرش هم هست. انسان قسی‌القلب اجحاف به دیگران و حتی کشتن دیگران برایش راحت‌تر است.

### مرحله قبل از تولد

غذایی که والدین به دست می‌آورند و استفاده می‌کنند علاوه بر تأثیر بر جسم و روح خودشان، از قبل از آمیزششان در جسم و روح کودک آینده‌شان تأثیر خود را می‌گذارد. پس ابتدا باید مرحله قبل از تولد را بررسی کرد. امام جواد (ع) درباره تأثیر مال حرام بر کودکی که هنوز به دنیا نیامده می‌فرمایند: هرگاه انسانی مالی از حرام به دست آورد نه حجبی از او پذیرفته می‌شود نه عماره‌ای و نه صله‌رحمی و به واسطه حرام در فرزندان و نطفه وی اثر زشت ظاهر می‌شود (حر عاملی، ۱۳۸۷، ج ۱۷: ۹۱؛ مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۹۶: ۱۲۵؛ طوسی، ۱۳۸۸: ۶۸۰). اثر زشتی که در فرزندان ظاهر می‌شود مربوط به صورت فرزندان نیست، بلکه مربوط به اعمال و رفتار فرزندان است که به عمل زشت مبادرت خواهند کرد. اولین نقشه شیطان برای گمراهی آدم، دعوت به خوردن از درختی بود که از طرف خدا نهی شده بود. این لقمه حرام، باعث شد آدم و حوا از بهشت رانده شوند و به دنبال آن نمایان ساختن و نشان دادن عورت و زشتی اندامشان بود و از اثر همان حرام، ذریه او قابیل به انحراف کشیده شد. در متنی اخلاقی به زیبایی این مطلب بیان شده که: «از قصه پر غصه آدم که گندم بهشت خورد، حکایت قابیل که می‌گویند نطفه وجود او از آن گندم بسته بود، به عبرتی برگیر؛ خاصیت دو دانه گندم منهیّ مباح بهشت که آن باشد، خاصیت چرب و شیرین مهملات حرام و شبهه دار دنیا چه خواهد بود و بدان که تأثیر غذا در نطفه از قبیل تأثیر ساعت و حالت مرد و زن و اثر ترک ذکر حق در زمان جماع خواهد بود که به سر حدّ الجاء و اجبار نرسد و لهذا آن

شخص مکلف می‌باشد و تصحیح نیت و قوت تدبیر خود مناز و با قوت لایموت بساز که ضرر طعام دغدغه دار بدان از آن منفک نمی‌شود». تحقیقات علمی نشان داده است که اگر پدر یا مادر حین آمیزش مست باشند کودکی که نطفه‌اش بسته می‌گردد به علت کمبود ویتامین D دچار نرمی استخوان می‌شود. پس غذایی که پدر و مادر استفاده می‌کنند هم در روح جنین مؤثر است و هم در جسم او. هنوز حد علم به اینجا نرسیده که تأثیر مال حرام بر نطفه را در آزمایشگاه اثبات کند. لابراتوارها و دستگاه‌های آزمایش جهان متمدن می‌توانند مواد غذایی را از نظر عناصر طبیعی و تا مقداری از جهت خاصیت‌های شیمیایی، اندازه‌گیری کنند ولی آثار معنوی و اخلاقی غذاها یا اساساً برای همیشه قابل اندازه‌گیری در لابراتوار نیست یا لاقل وسایل امروز تاکنون موفق به این امر نشده‌اند (فلسفی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۳۹).

### مرحله جنینی

پس از بررسی تأثیر لقمه حرام در مرحله قبل از انعقاد نطفه، به تأثیر لقمه حرام در مرحله جنینی می‌رسیم. جنین حیات مستقل ندارد. درباره رعایت تغذیه قبل از تولد کودک و در دوران جنینی نیز بسیار تأکید شده است. قبل از تولد، تغذیه جنین در رحم مادر به وسیله جفت می‌باشد و هرچه غذای مادر باشد، عملاً غذای نوزاد هم هست و مضغه و علقه و عظام و ... جنین هم از غذایی که مادر می‌خورد قوام می‌یابد. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «الشقی من شقی فی بطن امه و السعید من سعد فی بطن امه؛ بدبخت کسی است که در رحم مادر بدبخت شده و سعادت‌مند کسی است که در رحم مادرش سعید و خوشبخت شده است». از این رو مهم است که مادر در این دوران چه غذایی (حرام، حلال و یا شبه‌ناک) می‌خورد.

### مرحله شیرخوارگی و کودکی

پس از مرحله جنینی به تأثیر تغذیه حرام در دوره کودکی می‌رسیم. کودکانی که با غذای حرام تغذیه می‌شوند و دوره کودکی را به همین صورت سپری می‌کنند، فطرت دینی خود را از دست می‌دهند و به هر خلافتی دست می‌زنند. دلیل بر این مطلب کلامی است از امام حسین (ع) در روز عاشورا. امام حسین (ع) در روز عاشورا بعد از ایراد سخنان پرمحتوا و خیرخواهانه‌اش در برابر لشکریان دشمن، هنگامی که ملاحظه کرد آن‌ها حاضر به سکوت و گوش فرادادن به سخنان وی نیستند فرمود: «وای بر شما! شما را چه شده است که سکوت نمی‌کنید تا گفتارم را بشنوید؛ درحالی که من شما را به راه هدایت می‌خواهم. هر که از من اطاعت کند، از راه‌یافتگان است و هر که با من دشمنی ورزد، هلاک می‌گردد، و همه شما از دستورم سرپیچی کردید و گفتارم را نشنیدید؛ چراکه شکم‌هایتان از حرام پرشده و مهر گمراهی بر قلب‌هایتان خورده است. وای بر شما! چرا سکوت نمی‌کنید؟ چرا توجه نمی‌کنید؟» (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۴۵: ۸؛ متقی هندی، ۱۴۱۳ هـ. ق، ج ۱۰: ۱۹).

کودکی که تا شش ماهگی باید فقط شیر بخورد، مهم است که این شیر از چه راهی درست شده است. علی (ع) در سخنی درباره اهمیت شیر در ساختن شخصیت کودک فرمودند: فردی صالح را برای شیر دادن برگزینید. و فرمودند: «بنگرید کدام زن نونهال شما را شیر می‌دهد، زیرا کودک با اخلاق او رشد می‌کند» (حر عاملی، ۱۳۸۷: باب ۷۸). هم‌چنین در حدیث آمده است که «إن الرضاع یغیر الطباع» (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۱۰۱: ۳۲۳). بهترین نمونه دایه‌ها، دایه‌ای بود که پیامبر (ص) داشت. مادر پیامبر (ص) شیر نداشت و پیامبر هم پستان هیچ زنی را به دهان نمی‌گرفت؛ تا این که تحقیق کردند و فهمیدند حلیمه سعدیه تنها کسی بود که در آن منطقه لبش به مشروبات الکلی آلوده نشده بود. شیر طبیعت کودک را دگرگون می‌سازد. وقتی شیر مادر از حرام درست شده

باشد طبیعت کودک را به بدی‌ها سوق می‌دهد. وقتی فونداسیون خراب باشد دیگر نمی‌توان روی اعتلای این ساختمان حساب باز کرد.

مولانا در مثنوی با تأثیرپذیری از متون دینی به زیبایی تأثیرگذاری لقمه حلال و حرام را به نظم کشیده است:

علم و حکمت زائد از لقمه حلال / عشق و رقت آید از لقمه حلال  
چون ز لقمه تو حسد بینی و دام / جهل و غفلت زائد آن را دان حرام  
هیچ گندم کاری و جو بر دهد؟ / دیده‌ای اسپیی که کره خر دهد؟

(مولوی، ۱۳۷۸، دفتر اول، بخش ۸۸)

اگر لقمه‌ای حرام در شکم مبدل به نطفه شد و آن نطفه تبدیل به بچه شود، زمینه‌های فساد در کودک ایجاد می‌شود و اگر تربیت فوق‌العاده‌ای درباره او به کار گرفته نشود، فاسد می‌شود. متأسفانه غالب جامعه ما نه‌تنها به این امر باور ندارد بلکه به آن اعتقاد هم ندارد. امام جواد (ع) می‌فرماید: «گذشت زمان، پرده‌ها را می‌برد و اسرار نهان را بر تو آشکار می‌کند» (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۱۷: ۲۱۴). بسیار اتفاق می‌افتد که فرزند در رحم مادر دچار عوارض روانی و انحراف‌های معنوی می‌شود که علی‌الظاهر ناپیداست ولی مادر زمینه‌های آن را در فرزند فراهم نموده و پس از ولادت، گذشت زمان تدریجاً آن اسرار نهفته را آشکار می‌کند و استعدادها را جامعه فعلیت می‌بخشد (فلسفی، ۱۳۸۱، ج ۱، ۱۰۶). ما نمونه‌های فراوانی از انسان‌های خوش‌رفتار و یا بدررفتار در تاریخ داریم که خود و یا اطرافیان‌شان اعتراف کرده‌اند که ریشه کردارهایشان در شیر و مادر و نیز تغذیه‌های بعدی بوده است. به‌عنوان نمونه شیخ فضل‌الله نوری پسری داشت که بیش از بقیه اصرار داشت که پدرش را اعدام کنند. یکی از بزرگان گفته بود، من به زندان رفتم و علت را از شیخ فضل‌الله سؤال کردم. ایشان فرمود: خود من هم انتظارش را داشتم که پسر من چنین از کار درآید. چون شیخ شهید، اثر تعجب را در چهره آن مرد دید، اضافه کرد: این بچه در نجف متولد شد. در آن هنگام مادرش بیمار بود، لذا شیر نداشت. مجبور شدیم یک دایه شیرده برای او بگیریم. پس از مدتی که

آن زن به پسر شیر می‌داد، ناگهان متوجه شدیم که وی زن آلوده‌ای است، علاوه بر آن از دشمنان امیرالمؤمنین (ع) نیز بود و ناصبی هم بود ... . کار این پسر به جایی رسید که در هنگام اعدام پدرش، کف می‌زد و پای کوبی می‌کرد. آن پسر فاسد، پسری دیگر تحویل جامعه داد به نام کیانوری که رئیس حزب توده شد! سؤالی اینجا مطرح می‌شود که در شناخت بحث بی‌تأثیر نیست و آن این که اگر غذای حرام زمینه انحراف را فراهم می‌کند، چگونه زن فرعون و یا حضرت موسی (ع) که هنوز به نبوت نرسیده بود از غذای فرعون خوردند اما منحرف نشدند و سعادت‌مند شدند و حتی حضرت موسی (ع) به نبوت هم می‌رسد؟ از بررسی آیات قرآن کریم این نکته به دست می‌آید که تربیت حضرت موسی (ع) به عهده خود خداوند بود. در سوره قصص آیات ۱۲ تا ۱۴ خداوند به این موضوع پرداخته است که غذای حرام را بر موسی تجویز نمی‌کند: و حرمانا علیه المراضع من قبل ... ما همه زنان شیرده را از پیش بر او حرام کردیم تا تنها به آغوش مادر بازگردد. خداوند شیر زنان آل فرعون بلکه شیر تمام زنان دیگر را بر او حرام گردانید تا او از مادری الهی و پاک شیر دریافت کند. بعد از این هم طبق ظاهر آیات، تحت تربیت آسیه (همسر فرعون) که زنی مؤمن و پاک‌دامن بود، قرار گرفت. می‌توان گفت امر تغذیه هم از مسیری پاک تأمین می‌شد؛ مانند این که شاید آسیه اموالی داشت که نیاز زندگی‌اش را مرتفع می‌نمود و از اموال فرعون بی‌نیاز بود. اگر هم از دستگاه فرعون تغذیه می‌شد، دلیل نداریم که تمام اموال وی حرام بود؛ چراکه ممکن است حتی در بین اموال ستمگران، اموالی باشد که از راه زور و ستم اخذ نکرده باشند

(<http://javabsoal.parsiblog.com>)

بنابراین اثر تغذیه که از راه حرام به دست آمده است، ناخواسته در نسل انسان آشکار می‌شود. در نطفه‌ای که از مال حرام پدید می‌آید و جنینی که از راه حرام تغذیه می‌شود، مقتضیات شر ایجاد می‌گردد و زمینه انحراف را در کودک ایجاد می‌کند و ظرفیت‌های شرارت و بزهکاری بالقوه او را در معرض بالفعل شدن قرار می‌دهد. کسی که از راه نامشروع مالی جمع کند، در اثر تغذیه حرام، زمینه گمراهی را در فرزندانش آماده می‌کند و خودش هم نمی‌تواند به راه مستقیم هدایت شود.



### نتیجه‌گیری:

دعوت خانواده‌ها به تلاش برای روزی حلال و آگاه‌سازی بیش‌ازپیش آنان از خطرات مال حرام، نوعی پیش‌گیری اجتماعی ریشه‌ای و زود هنگام محسوب می‌شود؛ چراکه بنیان کودک از گوشت و پوست و خون او از تغذیه حلال تکامل پیدا می‌کند. اگر این گوشت از راه حلال رشد کند طی مسیر تکامل و سعادت برای این کودک آسان‌تر است.

باید توجه داشت که تأثیر لقمه حرام در حد زمینه و شرط است نه علت تامه، لقمه حرام در مورد فرزند اثر وضعی دارد و ظرفیت‌های بالقوه او را در معرض بالفعل شدن قرار می‌دهد، اما نه به حدی که بااراده او قابل معارضه باشد، بلکه فقط در حد زمینه است، یعنی زمینه را برای برخی گرایش‌های ناروا در انسان و نسل او فراهم می‌کند، و این به معنای آن نیست که از او و فرزندانش سلب اختیار کند. در این باره سنت آگوستین معتقد است: «در واقع گناه چنان شر ارادی است که تا ارادی نباشد اصلاً گناه نیست.» (به نظر می‌رسد) آنچه به اعتقاد آگوستین در اصل گناه شمرده می‌شود حضور همین عنصر اراده است. (پورسینا، ۱۳۸۵: ۱۵۰). نکته دیگری که باید اشاره کرد این است که امام حسن عسکری (ع) می‌فرمایند: «معتاد را از عادتش برگرداندن به معجزه شبیه است» (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۱۷: ۲۱۷). کسی که چهل سال حرام خورده، اصلاحش سخت‌تر از بچه سه‌ساله است و می‌توان کودک را حلال‌خوار تربیت کرد. راه راست و درست پیمودن کودک یا مرد چهل‌ساله با پیش‌زمینه‌ای که در گوشت و خون و روح او جریان دارد، کاری بسیار دشوار و سخت است؛ اگر نگوییم غیرممکن است. اصلی منطقی وجود دارد که اگر اصل نیکو شود، قدرت فرع را بد کردن اصل، ضعیف خواهد شد. برای کاهش آمار جرائم و انحرافات اجتماعی باید برنامه‌ای بلندمدت تدوین کرد. بند اول و دوم اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی اشعار می‌دارد: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را برای امور زیر به کاربرد:

۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد .

۲- بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در تمام زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر». نهاد تعلیم و تربیت رسمی می‌تواند کاستی‌ها و نقایص نهادهای دیگر مؤثر بر کاهش میزان جرم به‌ویژه نهاد خانواده را جبران کند (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۰: ۷) . به‌عنوان مثال، دولت در راستای اجرای اصل سوم قانون اساسی به‌عنوان متولی امر، با مشورت با رجال اخلاقی و دینی و اصحاب دانشگاهی؛ توسط یکی از سازمان‌های تابعه خودش به‌وسیله نهاد صداوسیما و مطبوعات حقیقی و مجازی، به شرح این موضوعات برای عموم مردم بپردازد که واقعیت حرام چه چیزی است؛ در دنیای امروزی مصادیق لقمه حرام چیست (مثلاً حق کپی‌رایت) ، آثار لقمه حرام بر فرد و نسل او و خانواده و جامعه چیست؛ و چگونگی رهایی مردم از درآمدهای حرام را شرح و تبیین کند. بی‌تردید بازگشت به فرهنگ اصیل اسلامی و سبک زندگی اسلامی و دوری از اموال حرام در زندگی، به‌مرورزمان آثار خود را در نسل کنونی و بعدی در خانواده‌ها و به‌طریق‌اولی در جامعه آشکار خواهد کرد و شاهد جامعه-ای با درصد وقوع جرائمی پایین‌تر از حال حاضر خواهیم بود. باید به این موضوع توجه داشت که اقدامات پیشگیرانه اگر نتواند جرم را محو و ریشه‌کن کند می‌بایست از شدت آثار و زیان‌های مالی و روحی آن بکاهد. درست مانند یک کار فرهنگی است که اگر ریشه مثلاً بدحجابی را نخشکاند حداقل از نمود آن در جامعه کم می‌کند.

## منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم
۲. ابراهیمی، شهرام، ۱۳۹۱، *جرم‌شناسی پیش‌گیری*، چاپ دوم تهران، نشر میزان.
۳. ابن‌بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی، ۱۳۶۷، *من لا یحضره الفقیه*، محمدجواد غفاری، تهران، صدوق.
۴. امام رضا، علی ابن موسی (ع)، ۱۴۰۶ هـ ق، *فقه الرضا*، مشهد، انتشارات کنگره جهانی امام رضا (ع)، و نرم‌افزار جامع فقه اهل‌البیت نور.
۵. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۳۷، *ترجمه نهج الفصاحه رسول اکرم (ص)*، تهران، اسلامیه.
۶. پورسینا، زهرا (میترا)، ۱۳۸۵، *تأثیر گناه بر معرفت با تکیه بر آرای آگوستین قدیس*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۷. جواب سؤالات دینی (روی خط اینترنت)، قابل دسترسی در :  
<http://javabsoal.parsiblog.com/Category> .
۸. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، ۱۳۹۰، *نهاد تعلیم و تربیت و جرم‌ها مروری بر دیدگاه‌ها و نظریات*، فصلنامه پژوهشی حقوقی دانشگاه قم، دانشکده حقوق، سال سوم شماره سوم، تابستان ۱۳۹۰، صفحه ۷
۹. الحاکم النیشابوری، ابوعبدالله محمد بن عبدالله، ۱۴۱۱ هـ ق، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه
۱۰. حر عاملی، محمد ابن حسین، ۱۳۸۷، *وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، تهران، نشر اسلامیه.

۱۱. حلی، احمدابن فهد، ۱۳۷۵، *عده الداعی*، حسین غفاری، قم، بنیاد معارف اسلامی.
۱۲. دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین، ۱۳۸۸، *گناهان کبیره*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. دشتی، محمد، ۱۳۷۹، *ترجمه نهج البلاغه*، چاپ دوم، قم، نسیم حیات
۱۴. دهخدا، علی اکبر و همکاران، ۱۳۷۳، *لغت نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران
۱۵. سیوطی، جلال الدین، ۱۳۶۵ ه. ق، *تفسیر الدر المنثور*، چاپ اول، بیروت، دارالمعرفه
۱۶. الصدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن موسی ابن بابویه، ۱۳۴۹، *امالی*، آیه الله شیخ محمدباقر کمره ای، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامی
۱۷. طوسی، محمد ابن حسن، ۱۳۸۸، *امالی*، صادق حسن زاده، قم، نشر اندیشه هادی.
۱۸. عبقری، آدینه، ۱۳۸۰، *پیشگیری از جرائم کودکان*، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، تهران، دانشگاه تهران.
۱۹. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۲ ه. ق، *تفسیر نورالثقلین*، چاپ چهارم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۲۰. عمید، حسن، ۱۳۷۱، *فرهنگ فارسی عمید*، چاپ هشتم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۱. فلسفی، محمدتقی، ۱۳۸۱، *کودک از نظر وراثت و تربیت*، ج ۱، چاپ چهاردهم، تهران، نشر معارف اسلامی.
۲۲. فولادوند، محمدمهدی، ۱۳۸۴، *ترجمه قرآن کریم*، چاپ دوم، تهران، انتشارات دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، دارالقرآن کریم.

۲۳. قاسمی، محمدعلی، ۱۳۹۱، *روزی حلال تأثیر مال و لقمه حلال و حرام بر سرنوشت انسان*، قم، نورالزهرا (س).
۲۴. قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۵. قربان نیا، ناصر، ۱۳۸۷، *نگاهی به فقر از منظر جرم‌شناسی*، مجله نامه مفید ۱۳۷۸، شماره ۱۷.
۲۶. قمی، عباس، ۱۳۸۷، *تمه المنتهی فی تاریخ الخلفاء*، ناصر باقری بیدهندی، قم، نشر دلیل ما.
۲۷. کیوانی، اصغر، ۱۳۸۸، *بررسی عوامل وقوع جرم و راهکارهای عملی پیشگیری از وقوع آن* (روی خط اینترنت) قابل دسترسی در:  
<http://amniat-e-omoomi.com/Avamel%20voghoo%20jorm.htm>
۲۸. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۳۶۵، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۳۸۸، *فروع کافی*، محمدحسین رحیمیان، قم، نشر قدس.
۳۰. متقی هندی، علی، ۱۴۱۳ هـ ق، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الرساله.
۳۱. مجلسی، محمدباقر ابن محمدتقی، ۱۳۸۷، *بحارالانوار*، چاپ هفتم، تهران، نشر اسلامیه.
۳۲. محمدی اصل، عباس، ۱۳۸۵، *بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحراف اجتماعی*، چاپ اول، تهران، نشر علم.
۳۳. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۸، *میزان الحکمه*، حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث.
۳۴. مراغی، احمدمصطفی، ۱۳۶۵ هـ ق، *تفسیرمراغی*، قاهره، مکتبه‌المصطفی.

۳۵. معلوف، لويس، ۱۳۸۲، فرهنگ بزرگ جامع نوین (عربی به فارسی) ، ترجمه المنجد (با اضافات) ، احمد سیاح، تهران، انتشارات اسلام.
۳۶. الموسوی الخمينی، سید روح الله، ۱۳۶۷، رساله توضیح المسائل، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۷. الموسوی الخمينی، سید روح الله، ۱۳۷۹، تحریر الوسیله، ج ۳، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) .
۳۸. موسوی، عافیه سادات، ۱۳۹۰، بزهکاری نوجوانان ۱ و ۲، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
۳۹. مولانا جلال الدین محمد، ۱۳۷۸، مثنوی معنوی، بر اساس نسخه تصحیح شده رینولد نیکلسون، با مقدمه استاد بدیع الزمان فروزانفر، تهران، انتشارات امیر مستعان.
۴۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۷، مختصر جرم شناسی جزوه خلاصه مباحث جرم شناسی، تدوین مجتبی جعفری دانشجوی دکتری بهشتی، فروردین ۱۳۸۷.
۴۱. نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ ه. ق، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت.

42. international Centre for the Prevention of Crime (1999) . 100 crime prevention programs to inspire action across the world. Montreal: ICPC

43. Rosenbaum, D. P. , Lurigio, A. J. , & Davis, R. C. (1998) . The Prevention of Crime: Social and Situational Strategies. Belmont, CA: Wadsworth

## روش شناسی تاصیل اصول حاکم بر خانواده با تکیه بر روش اکتشاف شهید صدر

صدیقه مهدوی کنی<sup>۱</sup>

فاطمه محمدقلی‌ها<sup>۲</sup>

دریافت: ۱۳۹۳/۰۹/۰۳ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۱/۱۱

### چکیده

بررسی‌هایی که تاکنون در خصوص اصول حاکم بر خانواده صورت گرفته اغلب پیرامون تبیین مصادیق بوده بدون این‌که مفهوم اصل، حکومت و روش استنباط این اصول از آیات و روایات تبیین گردد. از «آنجا که هر استنباطی نیازمند تبیین روش است، لذا در این پژوهش با استفاده از قواعد و مبانی روش «اکتشاف» شهید صدر در کتاب «اقتصادنا» که نظریه نوینی در ارائه‌ی مکتب اقتصادی محسوب می‌شود به تبیین روش‌ها و سازوکارهای استنباط اصول حاکم بر خانواده از آیات و روایات بپردازیم. مهم‌ترین سازوکارهای روش اکتشاف که در این تحقیق بررسی می‌شوند عبارت‌اند از: تکرار و تأکید شارع، خطابات جمعی در استعمال الفاظ عام، کشف ملاکات احکام و روش استقرا. اعتبار سنجی ابزارهای این استنباط در حوزه خانواده، موجب اعتبار دهی بیش‌تر به اصول مکتشف می‌گردد که این اصول امروزه در سیاست‌گذاری‌ها، قانون‌گذاری و اجرا در مسائل فقهی - حقوق خانواده بسیار مورد توجه‌اند.

**واژگان کلیدی:** اصل، حکومت، اصول حاکم بر خانواده، نظام جامع معرفتی اسلام،

روش اکتشاف، شهید صدر

---

۱ عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خانواده، دانشگاه امام صادق (ع)

## مقدمه

اصول حاکم بر خانواده گزاره‌هایی عام هستند که جهت‌گیری‌های کلان نظام معرفتی اسلام در حوزه خانواده را نشان می‌دهند و بر تمام گزاره‌های فرعی خرده نظام اخلاقی و حقوقی نظارتی بنیادین، پایدار و مبنایی دارند و با هیچ فرعی قابل تقیید یا تخصیص نمی‌باشند. اصل مودت و رحمت، اصل معروف، اصل عدالت و مساوات، اصل تقدم اخلاق بر حقوق، اصل تحکیم خانواده، اصل مصلحت، اصل خصوصی بودن حریم خانواده، اصل کرامت، اصل تعلیم و تربیت، اصل اطاعت و احترام، اصل ثبات و امنیت و عفاف، از جمله‌ی مهم‌ترین این اصول هستند.

از سوی دیگر، تحقیق در هر علمی، باید بر اساس روش تحقیق مناسب با آن علم صورت پذیرد تا نتایج علمی قابل‌قبولی به دست آید. «اصول حاکم بر خانواده» نیز بخشی از فهم دینی ما از نظام معرفتی اسلام به حساب می‌آیند و خود نیازمند روش-شناسی اجتهادی است؛ تاکنون روش‌های اجتهاد سنتی حداکثر متکفل شناخت گزاره-های جزئی- آن‌هم در حوزه‌ی تکالیف و حقوق فردی- بوده است؛ لذا علی‌الاصول در استنباط‌های نظام‌مند مثل استنباط اصول حاکم بر خانواده، طبعاً باید روش‌های مناسب را بر روش اجتهادی کنونی افزود. در پژوهش حاضر، فرآیند شناسایی اصول یادشده، فرآیند «اکتشاف» یا «حرکت از روبنا به زیربنا» نام دارد که منطبق با نظریه نوینی است که در زمینه اقتصاد توسط شهید آیت‌الله صدر معرفی می‌شود. شهید صدر این فرآیند را به‌عنوان مهم‌ترین سیر حرکتی در تحقیق اقتصاد اسلامی و کشف مذهب اقتصادی می‌داند. محقق اقتصاد اسلامی با احکام و قوانین مدنی وضع‌شده در عرصه فعالیت‌های اقتصادی مواجه است. احکام و قانون مدنی در زمینه اقتصاد، چهره روبنایی مذهب اقتصادی است و قانون مدنی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر مذهب اقتصادی است. با توجه به نظر شهید صدر، اگرچه مجموعه گزاره‌های معرفتی اسلام، در «نفس



الامر» دارای ساختاری نظام‌مند و منسجم هستند؛ اما مبانی و بنیان‌هایی که جهت‌گیری‌های کلی این نظام و موضع‌گیری‌ها را نشان می‌دهند، در هیچ‌کدام از متون دینی به صورت طبقه‌بندی‌شده و منظم - همان‌گونه که در کتاب‌های علمی مرسوم است - تبیین نشده‌اند. اما چون احکام الهی اعم از احکام فقهی و اخلاقی‌ای که در چارچوب خرده نظام‌های ارزشی و حقوقی قرار می‌گیرند، «تجسم» این بنیان‌ها و جهت‌گیری‌ها و به عبارت ما «اصول» می‌باشند، می‌توان از طریق این گزاره‌ها به اصولی منسجم در همه‌ی حوزه‌ها، از جمله حوزه خانواده دست یافت. به همین دلیل هم شهید صدر این فرآیند را «اکتشاف» نام‌گذاری می‌کند؛ به عقیده‌ی ما، مسیر حرکت و کلی استنباط اصول حاکم بر خانواده، نیز فرآیند «اکتشاف» یا حرکت از «روینا به زیرینا» است. یعنی با استفاده از آیات و روایات فقهی و اخلاقی و فتوای فقها که «روینای» نظام کلان معرفتی اسلام را در حوزه خانواده تشکیل می‌دهند، به «زیرینا» یعنی اصول حاکم بر خانواده دست یافت. این روش‌ها علاوه بر روش‌های کلی استنباط مثل استفاده از نص، اطلاق، عموم، مفهوم و ظهور آیات و روایات، تنقیح مناط، استناد به دلیل عقلی، اجماع، سیره عقلا و سیره متشرعه به صورت خاص، در حوزه خانواده تکرار و تأکید شارع، خطابات جمعی در استعمال الفاظ عام، کشف ملاکات احکام و روش استقرا هم می‌باشند که در این مقاله درصدد استنباط برخی از اصول حاکم بر خانواده با استفاده از این روش‌های جزئی می‌باشیم.

## ۱- مفاهیم پژوهش

### ۱-۱- روش‌شناسی<sup>۱</sup>

واژه‌ی «روش» از لغت «method» است که از واژه یونانی «متا» به معنای «در طول» و «اودوس» یعنی «راه»، گرفته شده و مفهوم آن در پیش گرفتن راهی برای رسیدن به هدف و مقصودی بانظم و توالی خاص است (کاظمی، ۱۳۷۴: ۲۸-۲۹). در اصطلاح نیز از روش‌شناسی تعاریف مختلفی صورت گرفته است:

الف. روش‌شناسی به معنای شناخت ابزار، فنون و طرق تحصیل معرفت در یک حوزه معین. در اینجا می‌توان روش را به حوزه معین معرفتی نسبت داد؛ مثل روش تاریخ، که اشاره به همین معنا دارد (گلایی، ۱۳۶۹: ۱۱۳).

ب. بررسی پایه‌های نظری مکتب معین فلسفی؛ بررسی پیش‌فرض‌ها، زیرساخت‌ها و مفاهیم اساسی آن مکتب (وزیری، ۱۳۸۷: ۱۲).

ج. علمی است که در آن روش دستیابی به معرفت بررسی می‌شود. در تاریخ معرفت بشر، کشف خطاهای فراوان و گوناگون در شناخت‌های عادی، توجه دانشمندان را به این نکته جلب کرد که برای جلوگیری از این خطاها و دستیابی به معارفی پایدارتر و مطابق با واقع، چاره‌اندیشی کنند و راه‌های نیل به معرفت و لغزشگاه‌های آن و شیوه‌های پیش‌گیری از آن لغزش‌ها را بشناسند. نتیجه این چاره‌اندیشی، توجه آگاهانه به روش‌های شناخت و پدید آمدن اصول و قواعد و روش کسب دانش بود. روش شناخت‌ها را به معرفت عامیانه و معرفت عمیق و نظام‌مند تقسیم می‌کنند. شناخت عامیانه دارای روش نیست و ضوابط و مراحل مشخص را طی نمی‌کند؛ اگرچه ناخودآگاه ممکن است مراحل حل شود. اما در معرفت نظام‌مند، روش دارای قواعد و مراحل مشخصی است که برای دستیابی به دانش هر چه صحیح‌تر و دقیق‌تر باید به آن توجه کرد (<http://www.markazfeqhi.com>).

آنچه در این پژوهش مدنظر است روش‌شناسی به معنای شناخت فنون و راه‌های تحصیل معرفت در یک حوزه معین یعنی «اصل تحکیم خانواده» است و نه روش‌شناسی به معنای بررسی پایه‌های نظری مکتب معین فلسفی و نه به معنای علمی که در آن روش دستیابی به معرفت بررسی می‌شود. لذا روش‌شناسی در این معنا باعث فهم معیارهای صحیح کشف معرفت از منابع مربوطه در هر علمی می‌شود. و در واقع منطق علمی تحقیق است که روش‌های مناسب هر پژوهش را بر اساس موضوع، منابع مربوطه سامان می‌دهد؛ از این‌رو منظور از روش‌شناسی در پژوهش حاضر، تبیین منطق اکتشاف اصول حاکم بر خانواده است.

## ۲-۱- اصل

اصل یک لفظ مترادف است که دارای چندمعنای اصطلاحی می‌باشد:

الف. اصل به معنای یک راهکار عملی در مواضع بن‌بست‌های استنباطی که در اصطلاح خاص فقهی به «اصول عملیه» تعبیر می‌شود. اصول عملیه (که به آن دلیل فقهی هم گفته می‌شود)، اصولی است که شارع مقدس، آن‌ها را برای رهایی مکلف از شک در حکم واقعی شرعی مقرر نموده است (آخوند خراسانی، ۱۴۱۰ق: ۳۸۴؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۱۸). مهم‌ترین این اصول عبارت‌اند از: اصل برائت، احتیاط، تخییر و استصحاب.

ب. اصل به معنای قاعده که خود از فروع فقهیه محسوب می‌شود، اما شمولیت داشته و همچون کبرای قیاسات منطقی، فروعات متعددی را شامل می‌شود (رجحان، ۱۳۹۱: ۲۸).

ج. اصل به معنای قاعده‌ای منطقی در شیوه استنباط و اجتهاد فقهی که در علم اصول فقه مورد استفاده قرار می‌گیرد (همان).

د. اصل به معنای گزاره‌هایی که جهت‌گیری‌های اصلی نظام را توضیح می‌دهد و از چیستی و چرایی احکام آن یا موضع‌گیری‌ها سخن می‌گوید؛ به بیانی دیگر به فلسفه یا حکمت آموزه‌های هر نظام معرفتی می‌پردازد (مهدوی کنی، ۱۳۸۸: ۲۵۱). هر امر نظام‌مندی دارای اصولی است که شناخت آن به آسانی شناخت گزاره‌های داخلی یک نظام نیست؛ ولی امکان شناسایی آن‌ها در صورت تصریح و تأکید یا تکرار مصادیق و گاه از طریق تبیین مجموعه‌ای از گزاره‌های موجود در آن امکان‌پذیر می‌باشد. به عبارتی دیگر، بعضی از اصول، به‌صراحت از مفاهیم موجود در آن نظام قابل استخراج هستند و بعضی دیگر از مجموعه گزاره‌ها و لابه لای مفاهیم قابل فهم می‌باشند که با پذیرفتن آن‌ها می‌توان مجموعه‌ای از گزاره‌های آن نظام را قاعده‌مند کرد (سبحانی، ۱۳۸۲: ۱۰۶-۱۰۸). آنچه در این پژوهش از «اصل» در «اصل تحکیم خانواده»، مد نظر نویسنده است اصل به معنای چهارم می‌باشد.

### ۳-۱- حکومت

حکومت در علم اصول به معنای نظارت یک دلیل بر دلیل دیگر به‌منظور تفسیر آن است، چه دلیل حاکم، موضوع دلیل محکوم، چه متعلق آن و چه حکم آن را تفسیر نماید. این نظارت و تفسیر می‌تواند به‌صورت توسعه یا تضییق باشد (اکبری، ۱۳۹۰: ۴۳۳)؛ مانند این که دلیلی بگوید: خمر حرام است و دلیل دیگر بگوید: هر مسکری خمر است؛ در اینجا دلیل دوم که ناظر به دلیل اول است و برای بیان و تفسیر آن وارد شده، دایره موضوع دلیل اول را توسعه داده است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۵۰۲).

اما آنچه مقصود نویسنده از حکومت، در پژوهش حاضر است به هیچ‌وجه، حکومت به مفهوم اصولی آن نیست، بلکه مقصود از واژه «حکومت» در عبارت «اصول حاکم بر خانواده»، «نظارت بنیادین، مبنایی و پایدار» این اصول نسبت به کلیه گزاره‌های فرعی است؛ لذا حاکم بودن این اصول بر روابط خانوادگی به معنای غیرقابل تخصیص یا تقیید

بودن این اصول توسط فروع می‌باشد. به این ترتیب، جایگاه مبنایی اصول که با عنوان «اصول حاکم» از آن یاد شد، مستلزم این است که چنین جایگاهی در مراحل استنباط، سیاست‌گذاری، اجرا و دادرسی، در حوزه حقوق خانواده مورد توجه قرار گیرد.

#### ۴-۱- نظام جامع معرفتی اسلام

در این اصطلاح خاص، منظور از نظام، یک «سیستم معرفتی» است که متشکل از مجموعه‌ای متناسب از گزاره‌ها می‌باشد که در تعامل با یکدیگر و در پیوندی متقابل و متوازن، به تفسیر هماهنگ مجموعه‌ای از پدیده‌ها می‌پردازند و آدمی را به موضع‌گیری هدفمند دعوت می‌کنند. هر نظامی متشکل از خرده‌نظام‌هایی است که کوچک و محدود هستند، ولی ویژگی‌های یک نظام کلان را دارند. بین این خرده‌نظام‌ها با یکدیگر، و بین هر خرده‌نظام با نظام کلان پیوستگی لازم وجود دارد و همه جهت‌گیری‌ها در نظام کوچک‌تر و در خدمت جهت‌گیری‌های کلان نظام اصلی می‌باشد (سبحانی، ۱۳۸۲: ۶۴-۹۹). با این وصف، نظام معرفتی در این تعریف می‌تواند بر یک ایدئولوژی مادی یا مکتب فلسفی نیز اطلاق شود. لذا به نظر می‌رسد که ادیان و مکاتب الهی به‌ویژه دین اسلام از یک نظام جامع معرفتی برخوردارند. نظام معرفتی مورد بررسی در این پژوهش نظام معرفتی اسلام است که متشکل از سه خرده‌نظام «توصیفی، اخلاقی و حقوقی» است (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۸: ۳۳).

#### ۵-۱- اصول حاکم بر خانواده

نویسندگان حقوق خانواده عموماً تعریفی کلی از اصول حاکم بر خانواده ارائه نکرده‌اند و به ذکر مصادیق، بسنده نموده‌اند: اصل مودت و رحمت، اصل معروف، اصل عدالت و مساوات، اصل تقدم اخلاق بر حقوق، اصل تحکیم خانواده، اصل مصلحت، اصل خصوصی بودن حریم خانواده، اصل کرامت، اصل تعلیم و تربیت، اصل اطاعت و احترام، اصل ثبات و امنیت و عفاف (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۸: ۲۵۵). در پژوهش حاضر، منظور از اصول حاکم

بر خانواده گزاره‌هایی عام هستند که جهت‌گیری‌های کلان نظام معرفتی اسلام را در حوزه خانواده نشان می‌دهند و بر تمام گزاره‌های فرعی خرده‌نظام اخلاقی و حقوقی نظارتی بنیادین، پایدار و مبنایی دارند و با هیچ فرعی قابل تقیید یا تخصیص نمی‌باشند.

## ۲- روش‌های کلی استنباط

علمای اسلام در طی قرن‌ها تلاش خود، سعی در تعمق بیش‌تر در کلام الهی و ارشادات معصومین (ع) داشته و کوشش نموده‌اند تا به روش‌شناسی ویژه و نوینی برای ادراک آن دست یابند تا از طرفی ضریب خطا را کاهش دهند و از طرف دیگر، امکان کشف عمیق‌تر حقایق عالم هستی را از قرآن کریم و سنت فراهم آورند. حاصل این کوشش، عرضه منطقی نوین در عرصه قضایای اعتباری با نام «علم اصول فقه» به بشریت است. همان‌گونه که بیان شد، تحقیق در هر علمی، لازم است بر اساس روش تحقیق مناسب با آن علم صورت پذیرد تا نتایج علمی قابل‌قبولی به دست آید. تحقیق در کلام الهی نیز همین‌گونه است؛ لذا اندیشمندان مسلمان از همان ابتدا با استفاده از تعلیمات پیامبر (ص) و ائمه (ع)، برای تدوین روش تحقیق در قرآن همت گماشتند و قواعدی را تنظیم نمودند که با استفاده از آن بتوانند نظر صحیح را از ناصحیح به‌ویژه در مسائل حقوقی اسلام باز شناسند. این روش‌ها به تفصیل در کتب اصولیین بحث شده که در این مقاله به دلیل پرداختن به حوزه- خانواده و به دلیل تعدد و تکثر آن‌ها حتی مجال توضیح مختصر هم نبوده، لذا با ارجاع به کتب اصولی تنها به بردن نام آن‌ها اکتفا می‌شود: استفاده از نص، اطلاق، عموم، مفهوم و ظهور آیات و روایات، تنقیح مناط، استناد به دلیل عقلی، اجماع، سیره- عقلا و سیره متشرعه.

### ۳- روش‌شناسی استنباط اصول حاکم بر خانواده

سؤال اساسی آن است که چگونه می‌توان یک اصل را از متون دینی استخراج کرد؟ به عبارت دیگر، روش‌شناسی استنباط اصول حاکم بر خانواده چیست؟ در این مبحث به روش کلی و سازوکارهای جزئی این روش می‌پردازیم.

#### ۱-۳- ضرورت روش‌شناسی استنباط اصول و روش‌های کلی این فرآیند

##### ۱-۱-۳- ضرورت روش‌شناسی استنباط اصول

در یک نگرش نظام‌مند، فهم دین قاعده‌مند است و علی‌الاصول با روش اجتهادی صورت می‌پذیرد. «اصول حاکم بر خانواده» نیز بخشی از فهم دینی ما از نظام معرفتی اسلام به حساب می‌آیند و خود نیازمند روش‌شناسی اجتهادی است. اجتهاد در مفهوم آن، همان روشی است که در سنت فقهی شیعه و اصولیین مرسوم بوده است، اما روشن است که اجتهاد در مفهوم سنتی خود با روش‌های یاد شده، برای کشف اصول حاکم بر خانواده که دارای دو جنبه‌ی «کلیت» و «مبنایی» هستند و در ارتباطی معنادار و تنگاتنگ درون خرده‌نظام ارزشی و حقوقی نظام معرفتی اسلام قرار دارند، کافی نیست؛ چراکه تاکنون روش‌های اجتهاد سنتی حداکثر متکفل شناخت گزاره‌های جزئی- آن هم در حوزه تکالیف و حقوق فردی- بوده است؛ لذا علی‌الاصول در استنباط‌های نظام‌مند مثل استنباط اصول حاکم بر خانواده طبعاً باید روش‌های مناسب را بر روش اجتهادی کنونی افزود. هم‌چنین باید به روش‌هایی دست یافت که توان شناخت «نسبت‌ها» و «جهت‌گیری‌ها» را داشته باشد، چراکه برای کشف یک اصل کلان با ویژگی کلیت و بنیادین بودن، باید گذشته از شناخت گزاره‌ها، نسبت میان آن‌ها و شناخت جهت‌گیری را نیز مدنظر قرارداد.

از این رو می‌توان نتیجه گرفت روش اجتهاد اصولیین با سازوکارهایی که بیان شد، با حفظ مبانی و چارچوب سنتی خود باید حداقل از دو جهت توسعه و تکامل یابد: از

یک سو، باید روش‌های استنباط گزاره‌های ارزشی و توصیفی را شناسایی نمود و بر روش‌های موجود افزود؛ از سوی دیگر، اجتهاد سنتی باید به روش «شناخت نظام‌مند» مجهز گردد. اگر بپذیریم که دامنه وحی بسی فراتر از حوزه حقوق و تکالیف فردی است، این روش باید بتواند منطق استناد و حجیت خویش را به گونه‌ای توسعه دهد که همه عرصه‌های وحی را در بعد کلان‌نگری نسبت به خانواده و جامعه را شامل گردد.

بنابراین به نظر نگارنده، علاوه بر روش‌های کلی استنباط، در کشف و استنباط اصول حاکم بر خانواده، نیاز به تبیین روش‌های دیگری است که با توجه به ویژگی‌های یاد شده، کارآمد باشند؛ چراکه، اصول حاکم بر خانواده، «جهت‌گیری‌های کلی نظام معرفتی اسلام در حوزه خانواده هستند و از چیستی و چرایی احکام یا موضع‌گیری‌ها سخن می‌گویند» (مهدوی کنی، ۱۳۸۸: ۲۵۲). لذا به نظر می‌رسد علی‌الاصول با استفاده از نص، ظاهر، مفهوم، اطلاق یا عموم یک گروه آیه یا روایت به‌عنوان گزاره‌ای جزئی از درون یک نظام کلان معرفتی، نمی‌توان به کشف یک اصل حاکم که نمایانگر جهت‌گیری کلی آن نظام معرفتی است، نائل شد. چراکه همان‌گونه که در مفهوم اصل بیان شد، «اصل» حاصل کشف ارتباط میان مجموعه‌ای منسجم و هماهنگ از گزاره‌ها، درون خرده نظام‌های ارزشی و یا حقوقی نظام معرفتی است؛ البته باید اعتراف کرد که شناخت اصول هرگز به سادگی شناخت گزاره‌های داخلی یک نظام مثل گزاره‌های احکام فقهی نیست ولی علاوه بر حاکم بودن روش‌های عام استنباط احکام به‌عنوان قوانین کلی استنباط – که در مبحث اول بیان شد – می‌توان روش‌هایی را ویژه استنباط اصول حاکم بر خانواده معرفی نمود که هرکدام از این روش‌ها خود می‌توانند در چارچوب علم اصول دارای سازوکارهایی جهت اعمال باشند. هر اصل از اصول حاکم بر خانواده مثل هر گزاره شرعی دیگری که در چارچوب نظام کلان معرفتی اسلام قرار می‌گیرد همانند احکام شرعی، اخلاقی یا قواعد فقهی در تکون و پیدایش خود دارای مراحل



ثبوت و اثبات می‌باشد اما از برخی جهات تفاوت‌هایی وجود دارد؛ به‌نظر نگارنده، بر اساس آنچه تاکنون در خصوص نظام کلان معرفتی دین و به هم پیوستگی و ارتباطات خرده نظام‌های فرعی آن بیان شد، ملاکات اصول برخلاف ملاکات احکام، یک مصلحت مستتر در یک گزاره به‌صورت «فرداً و واحداً» نیست، بلکه مصلحتی کلان در قالب نگرشی کل‌گرایانه و نظام‌مند است؛ منتهی در مرحله اعلام، چاره‌ای نبوده جز این که این محتوای کلان (اصول) در قالب‌هایی خرد به‌صورت تک گزاره‌هایی مستقل، بعضاً پراکنده و در طی سالیان<sup>۱</sup> و به‌صورت تدریجی بیان شوند؛ چنان‌که برخی در توجیه این مسئله گفته‌اند: «ادیان الهی به دلیل آن‌که حیات عادی و جریان طبیعی زندگی را مد نظر قرار می‌دهند، بیش‌تر به بیان خود معارف و مقررات الهی در قالب گزاره‌های جداگانه پرداخته‌اند». از این‌رو اصول حاکم بر خانواده یا در لابه‌لای معارف جزئی مطرح‌شده یا به‌صورت مصداقی بیان‌شده‌اند؛ اما طبیعی است هنگامی که بنا باشد دین در عرصه‌های کلان ایفای نقش کند، لازمه‌اش این است که حتی الامکان همه مناسبات در قالب یک نظام کلان مورد شناسایی قرار گیرند؛ لذا محقق در کشف اصول حاکم بر خانواده «به لحاظ روش باید حرکتی معکوس نسبت به حرکت اجتهادی اصطلاحی در فقه موجود، داشته باشد» (رجحان، ۱۳۹۰: ۲۳) تا به‌جای تفریع، اصول حاکم بر روابط خانواده را کشف نماید. بر این اساس، ماهیت این اصول، گزاره‌های اعتباری است که واضع آن «الله» می‌باشد و می‌توان از آن‌ها به «قانون اساسی الهی» در حوزه خانواده تعبیر نمود و قرآن کریم و سنت معصومین (ع) اعلام‌کننده آن‌ها می‌باشند و هرکدام از این اصول باید مبنای اجتهاد و تفریع فروع توسط فقها و سیاست‌گذاری، تقنین، اجرا و قضاوت توسط حکومت اسلامی قرار گیرد.

---

۱ اشاره به مدت زمان صدور کلام مستقیم از ائمه‌ی اطهار علیهم السلام در قالب روایات است.

### ۲-۱-۳- روش‌های کلی استنباط اصول حاکم بر خانواده

شناسایی هر گزاره‌ای اعم از شرعی یا غیر شرعی از منابع مربوطه، مستلزم پیمودن فرآیند یا عملیاتی‌ست که این فرآیند جهت تحقق و اجرایی شدن، نیازمند بهره‌گیری از روش‌هایی به‌عنوان ابزار شناسایی می‌باشد. استنباط اصول حاکم بر خانواده نیز نیازمند تبیین یک فرآیند شناسایی و هم‌چنین روش ابزارهای تحقق این فرآیند می‌باشد. در پژوهش حاضر، فرآیند شناسایی اصول یاد شده، فرآیند «اکتشاف» یا «حرکت از رو بنا به زیربنا» نام دارد که دقیقاً منطبق با نظریه نوینی است که در زمینه اقتصاد توسط شهید آیت‌الله صدر معرفی می‌شود (صدر، ۱۴۱۷ق: ۳۶۱-۳۶۵). شهید صدر در بحث «مذهب اقتصادی» دو فرآیند یا عملیات را بیان می‌کند که پس از معرفی هر یک از این فرآیندها، میان فرآیند کشف مکتب اقتصادی اسلام و سایر مکاتب بشری تفاوت قائل می‌شود. ایشان فرآیند کشف مذهب اقتصادی مکاتب بشری را فرآیند «تکوین و ابداع» یا «حرکت از زیربنا به رو بنا» و فرآیند کشف مذهب اقتصادی اسلام را فرآیند «اکتشاف» یا «حرکت از رو بنا به زیربنا» نام‌گذاری کرده است (همان).

#### ۱-۲-۱-۳- فرآیند تکوین و ابداع (حرکت از زیربنا به رو بنا)

مذهب اقتصادی نتیجه طبیعی نوع نگاه محقق اقتصادی به عالم هستی و مقوله‌های اساسی آن است. یعنی هر محقق اقتصادی بر اساس دیدگاهش درباره عالم هستی و مقوله‌های اساسی آن، تلقی خود را از آن‌ها سامان می‌دهد و بر پایه آن‌ها مذهب اقتصادی خود را استنباط می‌کند و مترتب بر مذهب اقتصادی، احکام و قوانین اقتصادی را برای فعالیت‌های اقتصادی خرد و کلان وضع می‌نماید. بنابراین در روش تکوین و ابداع، حرکت علمی و تحقیقی از بنیان‌ها و زیربنایها به فروع و روبناهاست؛ حرکت از مرحله نظریات و مفاهیم اساسی اخلاقی، فلسفی، علمی و ... به مذهب اقتصادی است (همان: ۳۶۹-۳۷۲). به‌عنوان نمونه، مذهب اقتصادی مارکسیسم بر اساس دیدگاه

روش شناسی تاصیل اصول حاکم بر خانواده با تکیه بر روش اکتشاف شهید صدر ۱۰۱

مارکسیسم درباره ماتریالیسم تاریخی شکل گرفت و مارکسیسم بر اساس این دیدگاه، به الغای مالکیت خصوصی در فعالیتهای اقتصادی معتقد شد و اعلام کرد که هرکس باید برحسب قدرت خودکار خود و به قدر نیاز خود بهره ببرد. بر عکس مارکسیسم، در نظام سرمایه‌داری، مالکیت خصوصی و آزادی اقتصادی دو رکن اساسی مکتب اقتصادی است که بر اساس تفسیری که از انسان یا جامعه دارد شکل گرفته است. بنابراین، محقق در نظام اقتصادی مارکسیسم و سرمایه‌داری لیبرال، باید از فرآیند تکوین و ابداع برای کشف مذهب اقتصادی خود بهره ببرد (همان: ۲۴۶-۲۶۶).

#### ۲-۱-۳- فرآیند اکتشاف (حرکت از روبنا به زیربنا)

شهید صدر، این فرآیند را به‌عنوان مهم‌ترین سیر حرکتی در تحقیق اقتصاد اسلامی و کشف مذهب اقتصادی می‌داند. محقق اقتصاد اسلامی با احکام و قوانین مدنی وضع‌شده در عرصه فعالیتهای اقتصادی مواجه است. احکام و قانون مدنی درزمینه اقتصاد، چهره‌ی روبنایی مذهب اقتصادی است و قانون مدنی در عرصه فعالیتهای اقتصادی مبتنی بر مذهب اقتصادی است (همان: ۳۶۹-۳۷۲). بنابراین محقق اقتصاد اسلامی با جمع‌آوری احکام و قوانین مدنی در عرصه فعالیتهای اقتصادی و تنظیم و تنسيق آنها می‌تواند به قواعد اساسی و طرقي که می‌توان مشکلات اقتصادی را مطابق با اندیشه عدالت حل کرد، دست یابد. البته محقق از این طریق می‌تواند بخش اعظم مذهب اقتصادی را به دست آورد. شهید صدر، فرآیند اکتشاف و تکوین را چنین مقایسه می‌کند:

«حرکت در فرآیند ساختن ساختمان، حرکت طبیعی از پایه به فروع و از زیربنا به رو بنا ست ... اما در فرآیند اکتشاف مذهب اقتصاد اسلامی، حرکت بر عکس و نقطه‌ی شروع برخلاف فرآیند تکوین است»<sup>۱</sup> (همان: ۳۶۹).

با توجه به این که شهید صدر مسیر طبیعی کشف مذهب اقتصادی را فرآیند تکوین یا حرکت از زیربنا می‌داند، چرا فرآیند اکتشاف را برای دستیابی به مذهب اقتصادی اسلام پیشنهاد می‌کند؟ پاسخ این پرسش از نوشته‌های شهید صدر چنین است:

نصوص موجود در کتب روایی منبع اصلی استنباط و استخراج مذهب اقتصادی اسلام‌اند. هنگام مراجعه مستقیم به نصوص برای یافتن پاسخ‌های اساسی درباره مذهب اقتصادی می‌بینیم که نمی‌توان مستقیماً پاسخ‌ها را در نصوص یافت. مثلاً برای پاسخ این پرسش که اسلام مالکیت خصوصی را پذیرفته یا مالکیت عمومی را، یا منشأ مالکیت خصوصی نیاز است یا کار و یا آزادی، نمی‌توان از نصوص موجود پاسخ روشنی یافت. شهید صدر می‌نویسد: «برخی ابعاد مذهب اقتصادی اسلام، به گونه‌ای مستقیم از نصوص ممکن است، اما در بسیاری از نظریات و اندیشه‌های اساسی که مذهب اقتصادی از آن‌ها سامان می‌یابد، به گونه‌ای مستقیم امکان دستیابی به آن‌ها از طریق غیر مستقیم است، یعنی بر پایه سنگ بنای فوقانی در عرصه‌ی اسلامی و با توجه به احکامی که اسلام عقود و حقوق را بر پایه‌ی آن‌ها نظم داده است»<sup>۲</sup> (همان: ۳۷۱-۳۷۲). با توجه به نظر شهید صدر، اگرچه مجموعه گزاره‌های معرفتی اسلام، در «نفس الامر» دارای ساختاری نظام-مند و منسجم هستند؛ اما مبانی و بنیان‌هایی که جهت‌گیری‌های کلی این نظام و

۱ تدرج فی عملیه تکوین البناء، تدرج الطبیعی من الاساس إلى التفریعات، و من القاعده إلى بناء العلوی ... و اما فی عملیه الاکتشاف المذهب الاقتصادي، فقد ینعکس السیر و یختلف المنطلق»

۲ «لأن بعض جوانب المذهب الاقتصادي فی الإسلام، و إن كان بالإمكان استنباطها مباشرة من النصوص، و لكن هناك من النظریات و الأفكار الأساسية، التي يتكون منها المذهب الاقتصادي، ليس من الميسور الحصول عليها فی النصوص مباشرة، و إنما يتعين الحصول عليها بطریق غیر مباشر، أي: علی أساس اللبنة الفوقیة فی الصرح الإسلامي، و علی هدی الأحكام التي نظم بها الإسلام العقود و الحقوق»

موضع‌گیری‌ها را نشان می‌دهند، در هیچ‌کدام از متون دینی به‌صورت طبقه‌بندی شده و منظم - همان‌گونه که در کتاب‌های علمی مرسوم است - تبیین نشده‌اند. اما چون احکام الهی اعم از احکام فقهی و اخلاقی‌ای که در چارچوب خرده نظام‌های ارزشی و حقوقی قرار می‌گیرند، «تجسم» این بنیان‌ها و جهت‌گیری‌ها و به عبارت ما «اصول» می‌باشند، می‌توان از طریق این گزاره‌ها به اصولی منسجم در همه حوزه‌ها، از جمله حوزه خانواده دست یافت. به همین دلیل هم شهید صدر این فرآیند را «اکتشاف» نام‌گذاری می‌کند؛ زیرا از طریق احکام که به تعبیر ایشان روینا هستند به کشف قواعد و اصول منسجم دینی درزمینهٔ اقتصاد می‌رسد. هم‌چنین شهید صدر بر اساس مقدماتی به این نتیجه می‌رسد که اسلام در عالم واقع، دارای تفکری منسجم است که تبلور آن را می‌توان در احکام مشاهده کرد. احکام واقعی چنین ویژگی‌ای دارند اما احکام اجتهادی که از روش اجتهاد به دست می‌آیند، از انسجام برخوردار نیستند. شهید صدر برخی از دلایل بی-انسجامی در احکام اجتهادی را در تفاوت روش فهم نصوص، تفاوت روش در برخورد با ادله معارض و قواعد و روش‌های کلی تفکر مجتهد برمی‌شمرد. همه این‌ها به‌علاوه خطای راوی امین، خطای مجتهد و یا این که عام به مجتهد می‌رسد اما خاص آن به وی نمی‌رسد و ... می‌باشد (همان: ۳۹۴-۳۹۶). امور یاد شده، درجه خطا پذیری اجتهاد را بالا می‌برد و انسجام نداشتن احکام را نیز تعیین می‌کند.<sup>۱</sup> در نتیجه اشکالی که به ذهن

---

۱ شهید صدر به ضرورت تفکر منسجم دینی در عرصه‌های مختلف اجتماعی معتقد است و راه کشف آن‌ها را احکام واقعی می‌داند. سپس ایشان به دلیل دسترسی نداشتن به احکام واقعی، احکام اجتهادی را به‌عنوان بدیل و جایگزین طرح می‌کند. نکته مهم این است که احکام واقعی و احکام اجتهادی باهم تفاوت اساسی دارند. بنا بر تفکر شیعه، احکام الهی ملاک‌های واقعی دارند. لذا اگر فعلی حرام باشد به این دلیل است که مفسده‌ملزمه دارد و اگر فعلی واجب شد، به این دلیل است که این فعل دارای مصلحت ملزمه است. بر این اساس عمل به این احکام، سعادت دنیوی و اخروی را به همراه دارد. زیرا عمل به این احکام باعث می‌شود که ما از مفاسد دور شویم و به مصالح دست یابیم. از این جهت با فرض صحت مبانی معرفت‌شناختی شهید صدر درباره گستره قلمرو دین، اجتماعی سالم شکل می‌گیرد. اما ماهیت احکام اجتهادی، به گونه دیگری است. ما چون خود را مکلف به احکامی می‌دانیم که در روز جزا از آن‌ها پرسیده می‌شود، لذا از طریق اجتهاد تلاش می‌کنیم که به آن احکام دست یابیم.

می‌رسد این است که از آنجا که امکان انسجام احکام اجتهادی که از سوی مجتهد معین به دست آمده وجود ندارد، پس امکان بنای مکتب اقتصادی نیز منتفی می‌شود. همین اشکال می‌تواند در خصوص کشف اصول حاکم بر خانواده نیز وجود داشته باشد؛ با این تعبیر که به فرض اثبات شود که دین در احکام فقهی و اخلاقی خود در عالم واقع، منسجم و نظام‌مند است، اما آیات و روایات فقهی و اخلاقی و احکام شرعی‌ای که مواد خام استنباط اصول حاکم بر خانواده را تشکیل می‌دهند، همه آنچه در عالم واقع است نباشد و به‌عنوان مثال برخی از روایات که هر کدام، یک سنگ بنا از ساختار خرده نظام‌های نظام کلان معرفتی هستند، به دست پژوهش‌گر نرسیده باشد؛ از این رو نمی‌توان به حجیت و اعتبار شرعی آنچه به‌عنوان اصول حاکم بر خانواده، از گزاره‌ها و خرده نظام‌های نظام کلان معرفتی اسلام، اکتشاف می‌شوند، اطمینان داشت. شهید صدر برای حل اشکال فوق در خصوص امکان بنای مکتب اقتصادی اسلامی، به تبیین و تفکیک دو جنبه و حیثیت در پژوهش‌گر می‌پردازد: اولین حیثیت، جنبه اجتهاد است، به دلیل این که در دستیابی به احکام، اجتهاد نیاز است؛ لذا در این جنبه باید موازین معین و مشخصی را رعایت کرد و از روشی ویژه پیروی نمود. از این طریق، گزاره‌هایی استنباط می‌شوند که اگرچه با همدیگر هم‌خوانی لازم را ندارند، اما همه آن‌ها از اعتبار شرعی برخوردارند؛ جنبه‌ی دوم، جنبه‌ی اکتشاف و کشف مکتب است، در این مرحله باید به

←

ما با اجتهاد به احکامی می‌رسیم که حتی در صورت عدم تطابق با واقع، ما را در پیشگاه الهی معذور می‌دارند. اما الزاماً این احکام مصلحت و مفسده ندارند. لذا ممکن است عملی در احکام اجتهادی، به‌عنوان واجب قلمداد شود که نه تنها مصلحت ملزمه نداشته باشد، بلکه حتی فاقد هرگونه مصلحتی است: هم‌چنین ممکن است به حرمت فعلی معتقد شویم که این نیز هیچ مفسده‌ای نداشته باشد. به‌طور خلاصه ما در احکام اجتهادی به‌دنبال حجیت هستیم. به تعبیری می‌توان گفت که احکام اجتهادی وصف منجزیت و معذرت دارند؛ لذا حتی اگر احکام اجتهادی ما را به ارزش‌های منسجم برسانند این ارزش‌ها الزاماً همان ارزش‌های منسجم الهی با وزن مورد تأکید دین نیستند و سعادت دنیوی را در صورت عمل به آن‌ها تضمین نمی‌کنند. زیرا آن‌چه سعادت‌آور است عمل به مکتب واقعی اقتصادی اسلام است. ولی مکتب اجتهادی اقتصادی صرفاً وصف منجزیت و معذرت دارد. برای مطالعه بیشتر ر. ک به: صدر، دروس فی العلم الاصول، ج ۱، صص ۲۸-۲۴.

انسجام احکام برای دستیابی به مکتب اندیشید؛ بر این اساس، هرگاه پژوهش‌گر مجموعه اجتهادات خویش را درباره عامل مالکیت بررسی کند و ملاحظه نماید که همه اجتهادات به این نکته می‌انجامد که کار، عامل مالکیت است، اما در این میان حکمی استثنایی یافته است؛ در این صورت به‌عنوان مکتشف می‌تواند از دیگر فتوایی که سایر فقها دارند، فتوایی مناسب با سایر فتوای خویش برگزیند؛ زیرا در این مرحله، گام را از جنبه عملی احکام فراتر نهاده و به جنبه نظری رسیده است در این مرحله که عملیات کشف مکتب اقتصادی اسلام آغاز شده است، لازم است که احکام مجموعه‌ای به هم پیوسته باشند. اگر از طریق اجتهاد شخصی چنین مجموعه منسجمی یافت نشد، در این صورت نباید از ایمان و اعتقاد به انسجام ارزش‌های دینی دست برداشت. در این صورت، تنها راه دستیابی به مجموعه منسجمی از ارزش‌ها، استعانت از فتوای دیگر مجتهدان است. حداقل این طرحی است که می‌تواند با واقعیت دیدگاه اسلامی نیز مطابقت داشته باشد. این امکان تطبیق با واقعیت احکام، کم‌تر از امکان مطابقت دیگر مجموعه احکام اجتهادی با واقعیت نیست؛ زیرا همه آن‌ها از اجتهادات معتبر دینی به دست آمده‌اند (همان: ۴۰۰-۴۰۱).

اما در خصوص اکتشاف اصول حاکم بر خانواده، مواد خام ما فقط احکام فقهی نیستند، بلکه پژوهش‌گر در این استنباط با مجموعه‌ای از آیات و روایات فقهی و اخلاقی مواجه است که به‌نظر می‌رسد گسترده‌تر از مواد خام شهید صدر در اکتشاف مذهب اقتصادی است؛ چراکه دایره مواد خام در استنباط اصول حاکم بر خانواده شامل گزاره‌های اخلاقی قرآن و روایات نیز می‌باشد. در خصوص احکام فقهی حوزه خانواده، آنچه شهید صدر در خصوص جایگزینی فتوای دیگر فقها برای تکمیل طرحی منسجم پیشنهاد می‌دهد، قابل پذیرش است؛ در خصوص آیات هم با مقدماتی که در علم کلام وجود دارد، بی‌شک تمام آیات قرآن در دسترس ما قرار دارند؛ لذا اشکال طرح شده،

تنها در مورد روایات باقی می‌ماند و آن این‌که یقیناً تمامی روایات حوزه خانواده به دست پژوهش‌گر نرسیده، از این‌رو کشف او لزوماً معتبر نخواهد بود؛ زیرا چه‌بسا روایاتی برخلاف روایات موجود از معصومین صادر شده باشد که در نتیجه، این کشف را ناصحیح و غیر معتبر می‌کند ولی چون به دست ما نرسیده‌اند، کشف مذکور را معتبر بدانیم. در پاسخ باید گفت به نظر می‌رسد همین تعداد از روایات در مواردی دارای تواتر لفظی، معنوی و حتی اجمالی<sup>۱</sup> می‌باشند. با داشتن نگرشی کلان و نظام‌مند و با وجود گزاره‌هایی که مجموعاً یک موضع‌گیری را نشان می‌دهند، لزومی به در دست داشتن تک‌تک گزاره‌ها در فرآیند اکتشاف دیده نمی‌شود؛ چراکه ما در اکتشاف خود، قصد نیل به مجموعه اصولی که جهت‌گیری‌های کلی نظام کلان معرفتی اسلام در حوزه خانواده هستند را داریم. نگرش نظام‌مند به مجموعه این گزاره‌ها، شناسایی «حوزه‌ی خانواده»، به‌مثابه‌ی یک «کل» است و لازمه این نگرش، در دست داشتن یکایک گزاره‌های نفس‌الامری نظام معرفتی اسلام نیست. باید به این نکته توجه نمود که تاکنون، روش متداول اندیشمندان، در مقام حل مسائل و تحقیق و تتبع، شیوه‌ی «تجزیه‌وتحلیل» بوده که با «خُرد» نمودن یک «کل» و آغاز نمودن از یک جزء، مسیر استنباط و یا حل مسائل را می‌پیمودند. مبنای پذیرش این روش، این است که «کل» برابر است با مجموع اجزاء؛ اما این مبنا تنها در مواردی که «کل» از نوع مرکب غیر نظام‌مند می‌باشد، قابل پذیرش

۱ درباره‌ی اصل وجود تواتر اجمالی اختلاف وجود دارد؛ کسانی که تواتر اجمالی را پذیرفته‌اند، آن را چند گونه تعریف کرده‌اند: شهید صدر معتقد است در تواتر لفظی، خبرهای مخبران متعدد در مدلول مطابقی، و در تواتر معنوی، این خبرها در مدلول تحلیلی (تضمنی یا التزامی) اشتراک دارند، ولی در تواتر اجمالی، هیچ نقطه مشترکی میان خبرها وجود ندارد، اما خبرها به گونه‌ای است که به صدق یکی از آن‌ها به طور نامعین، علم اجمالی حاصل می‌شود؛ برای مثال اگر در میان اخبار کتاب وسائل الشیعه نسبت به صد خبر دروغ، علم اجمالی وجود داشته باشد، آن‌گاه به طور اتفاقی و بدون طرح قبلی، صد خبر از ابواب مختلف آن جدا گردد، احتمال این‌که همه‌ی این صد خبر کذب باشد، خیلی ضعیف است. از سوی دیگر، احتمال صدق یکی از آن‌ها، قوی است، به گونه‌ای که نسبت به آن بر اساس حساب احتمالات اطمینان حاصل می‌شود و همین امر موجب تواتر اجمالی و احتیاط در عمل به سایر خبرها می‌شود؛ برای مطالعه‌ی بیشتر در خصوص تواتر و اقسام آن ر. ک به: صدر، دروس فی علم الاصول، ج ۲، صص ۱۳۸-۱۳۵؛ آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسی، صص ۳۳۹ و ۳۴۷.



است، ولی در مواردی که ما قصد داریم کل نظام‌مندی مثل اصول حاکم بر خانواده را استنباط نماییم، به دلیل تفاوت نگرش نظام‌مند و کل‌گرا با نگرش جزء نگر، با مجموع اجزاء به کل اولیه دست نخواهیم یافت؛ زیرا لازمه نگرش نظام‌مند، داشتن همه اجزا به صورت صد در صد نیست، بلکه وجود تعدادی از این اجزاء که در کنار یکدیگر نشانگر جهت‌گیری‌ها و «زیربناها» باشد، برای اکتشاف و استنباط اصول حاکم بر خانواده کافی به نظر می‌رسد. حتی برخی معتقدند، در خصوص روش اکتشاف اصول حاکم بر فقه، هرگاه روایتی با اهداف عالی دین ناهم‌خوانی داشته باشد، روایت کنار گذاشته می‌شود. در هنگام تعارض اخبار، بحث از اهداف دین می‌تواند کارگشا باشد اما فقه امروز، از این زاویه به مسائل نمی‌نگرد و با نگاه جزئی‌نگری به حکمی می‌رسد و آن را حجت می‌داند (یوسفی، ۱۳۴۸: ۱۲۴). از این‌رو با توجه به آنچه گفته شد، اشکال یاد شده مرتفع به نظر می‌رسد. بنابراین مسیر حرکت و کلی استنباط اصول حاکم بر خانواده، فرآیند «اکتشاف» یا حرکت از «روبنا به زیربنا» است. یعنی با استفاده از آیات و روایات فقهی و اخلاقی و فتوهای فقها که «روبنای» نظام کلان معرفتی اسلام را در حوزه خانواده تشکیل می‌دهند، به «زیربنا» یعنی اصول حاکم بر خانواده دست یافت. اما روش تحقق و اجرایی شدن فرآیند اکتشاف، در خصوص اصول حاکم بر خانواده چیست؟ به این پرسش در قسمت بعد پاسخ خواهیم داد.

## ۲-۳- روش‌های جزئی استنباط اصول حاکم بر خانواده (سازوکارهای روش

### اکتشاف)

در این قسمت سعی شده است به چند روش تأسیل اشاره گردد، اما با توجه به این‌که مباحث ذیل تاکنون در کتب اصولی بدین‌صورت مورد بررسی قرار نگرفته و بحث تفصیلی در خصوص شیوه‌های تأسیل در نظام فقهی- اصولی اسلام، از حوصله پژوهش حاضر خارج می‌باشد، مطالب به صورت مختصر تبیین گردیده است:

## ۱-۲-۳- تکرار و تأکید شارح

غرض از تکرار به‌عنوان یکی از فنون فصاحت، تأکید، و نتیجه این دو تلقین می‌باشد. اثر تلقین بر روان آدمی آن غیرقابل‌انکار است. در کلام شارح مقدس نیز، به‌مقتضای حکمت، تکرار و تأکید در بسیاری از موضوعات دیده می‌شود؛ چنان‌که در خصوص بعضی از آیات قرآن همین شیوه قابل‌مشاهده است. مفسران در این باره معتقدند که تکرار در قرآن کریم از آن روست که قرآن، کتاب هدایت است و در مقام هدایت لازم است مطلب واحد، در هر مناسبت با زبانی خاص ادا شود، تا ویژگی موعظه داشته باشد، برخلاف کتب علمی که هر مطلب، تنها در یکجا بیان می‌شود و تکرار آن سودمند نیست. سر لزوم تکرار در کتاب هدایت، آن است که شیطان و نفس اماره، پیوسته به گمراه کردن آدمی مشغول‌اند، از این رو تکرار ارشاد و هدایت نیز ضروری است» (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۵۱-۵۲). از این رو با توجه به ویژگی نسیان در انسان، تکرار و تأکید بر موضوعات مهم، یکی از روش‌های رایج عقلایی در قانون‌گذاری می‌باشد. هم‌چنین اهمیت این مسئله به‌اندازه‌ای است که یکی از اهداف بعثت پیامبران در طول تاریخ بشری، تذکر حقایق فراموش‌شده الهی به انسان معرفی شده است.<sup>۱</sup> به‌علاوه، یکی از اسامی که رسول اکرم (ص) با آن در قرآن مورد خطاب قرار گرفته «مذکر»<sup>۲</sup> می‌باشد که همه این موارد حاکی از بهره‌گیری شارح از روش تأکید در کلام است. در حوزه خانواده نیز شارح با همین روش، درصدد اثبات وجود پاره‌ای از اصول اساسی در زندگی

۱. «... فبعث فیهم رسله و واتر الیهیم انبیاءه لیستادوهم میثاق فطرته و یذکروهم منسی نعمته و یحتجوا علیهم بالتبلیغ و یتیروا لهم دفائن العقول...» خداوند پیامبران خود را مبعوث فرموده و هرچند گاه متناسب با نیازهای انسان‌ها رسولان خود را پی در پی اعزام کرد تا وفاداری به پیمان فطرت را از آنان باز جویند و نعمت‌های فراموش شده را باز جویند و نعمت‌های فراموش شده را به یاد آورند و با ابلاغ احکام الهی حجت را بر آنان تمام نمایند و توانایی‌های پنهان شده عقل‌ها را آشکار نمایند (نهج البلاغه/خطبه ۱).

۲. «فذكر آتانا مذکر» یادآوری نما همانا که تو تنها یاد آورنده‌ای (الغاشیه/۲۱).

روش شناسی تاصیل اصول حاکم بر خانواده با تکیه بر روش اکتشاف شهید صدر ۱۰۹

خانوادگی است. به عنوان مثال، عمل بر اساس «معروف»، اصلی است که از مرحله خواستگاری پایان زندگی مشترک همواره مورد تأکید خداوند متعال است:

#### ۱-۱-۲-۳- در خواستگاری:

«وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِيمَ اللَّهِ أَنْكُمْ سَتَدْرُونَهُنَّ وَ لَكِنَّ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا» و درباره آنچه به شما به طور سربسته، از زنان در عده وفات خواستگاری کرده، یا در دل پوشیده داشتید، بر شما گناهی نیست. خدا می دانست که شما زود به یاد آن‌ها خواهید افتاد، ولی با آنان قول و قرار پنهانی نگذارید، مگر آن که سخنی پسندیده بگویید (البقره / ۲۳۵).

#### ۲-۱-۲-۳- در زندگی مشترک:

«وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» و با آنان به شایستگی رفتار کنید (النساء / ۱۹)  
«... وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» و خوراک و پوشاک آنان، به-  
طور شایسته، بر عهده پدر است (بقره / ۲۳۳).

#### ۳-۱-۲-۳- در جدایی و طلاق:

«وَلِلْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» و فرض است بر مردان پرهیزگار که زنان طلاق داده شده را به شایستگی چیزی دهند (البقره / ۲۴۱).  
«الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ» طلاق رجعی دو بار است، پس از آن یا به خوبی نگه داشتن یا به شایستگی رها کردن (البقره / ۲۲۹).

#### ۴-۱-۲-۳- پس از مرگ همسر:

«فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» در آنچه آنان به نحو پسندیده درباره خود انجام دهند، گناهی بر شما نیست (البقره / ۲۳۴).

### ۵-۱-۲-۳- در رابطه با والدین:

« ... وَ صَاحِبَهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا ... » در دنیا به خوبی با آنان معاشرت کن (لقمان/۱۵).

بعضی از نویسندگان ضمن اشاره به فتوای شیخ طوسی در موردی خاص و استدلال ایشان در مورد فتوای خود، به آیه مبارکه «الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ» می‌گویند: «از اینجا معلوم می‌شود که از قدیم، فقها، این آیه را به صورت یک اصل پذیرفته‌اند». فقهای ما به معروف، به عنوان یک اصل استناد کرده و فتوا داده‌اند؛ به عنوان مثال، در مورد نیاز زوجه به خادم و نفقه خادم گفته‌اند: «نفقه خادم بر عهده زوج است؛ زیرا لازمه‌ی معروف است» (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۶: ۴).

بنابراین از تکرار و تأکید شارع بر عمل بر اساس معروف، می‌توان اصلی به نام معروف را اکتشاف نمود که اساس و زیربنای عمل زوجین در تمام مراحل زندگی زناشویی و حتی هنگام جدایی است.

### ۲-۲-۳- خطاب جمعی در استعمال الفاظ عام

در حوزه فقه اسلامی، متون جایگاه ویژه‌ای دارند و فهم آن‌ها در مسائل اعتقادی، احکام و ... به درک متون بستگی دارد و اختلاف در فهم مراد شارع و محدود کردن واژگان در قرآن و حدیث، ناشی از چنین امری است. به همین جهت علمای علم اصول به مسائل الفاظ و دلالت آن‌ها توجه بسیار نموده و درباره عام و خاص و حقیقت و مجاز و اشتراک و ترادف تأمل می‌نمایند. از آنجاکه خداوند متعال تمام احکام و مضامین دینی را در قالب الفاظ نازل کرده است و پیامبر (ص) و ائمه (ع) نیز عمده تعالیم خود را با استفاده از زبان محاوره یا کتابت بیان فرموده‌اند، بنابراین یکی از شروط اساسی کشف مراد شارع، برداشت صحیح از الفاظ مورد استعمال او می‌باشد. به همین جهت مباحث الفاظ، یکی از سرفصل‌های مهم علم اصول به شمار می‌رود. یکی از موضوعات مباحث

الفاظ «عام و خاص» و «مطلق و مقید» است. برای این‌که بتوانیم آیه یا روایتی را تعمیم بدهیم و از آن استنباط یک اصل کلی را بنماییم، لازم است ثابت کنیم که خطاب به‌کاررفته در آن خطاب جمعی، یا الفاظ آن، از الفاظ عام یا مطلق می‌باشد که بر مصادیق متعدد صدق می‌کند. بنابراین یکی از روش‌های تاصیل در نظام قانون‌گذاری اسلام از جمله در حوزه خانواده، توجه به خطابات جمعی شارع در آیات و روایاتی است که روبنای نظام معرفتی اسلام است و با بهره‌گیری از آن‌ها می‌توان به یک اصل ثبوتی رسید. شکی نیست که برای افاده معنای عموم الفاظ خاصی وجود دارد که دلالت بر عموم می‌کند و این دلالت یا از طریق «وضع» است، یعنی واضع برخی از الفاظ را برای دلالت کردن بر عمومیت وضع کرده است، یا از طریق «اطلاق» و به مقتضای مقدمات حکمت است. هم‌چنین گاهی عام بودن کلام شارع، از دلالت سیاقی کلام فهمیده می‌شود، بدین معنی که ممکن است شارع الفاظ عموم را به کار نگرفته باشد اما سیاق کلام افاده‌ی عموم را بنماید؛ یا این‌که از طریق فحوای خطاب و قرینه‌سازی، اطلاق کلام به دست آید.<sup>۱</sup> الفاظ عامی که بر شمردیم جزء منطوق صریح کلام محسوب می‌شوند و خود لفظ مستقیماً بر آن دلالت می‌کند؛ اما گاهی عام بودن خطاب از منطوق غیرصریح که مدلول آن از لوازم کلام می‌باشد، فهمیده می‌شود. قرینه‌سازی برای اطلاق کلام نیز به

---

۱ دلالت سیاقی، از اقسام دلالت منطوقی و مقابل دلالت صریحی بوده و عبارت است از دلالتی که به‌طور مستقیم از کلام استفاده نمی‌شود، بلکه عقل آن دلالت را استنباط و برای کلام اثبات می‌کند، چه معنای مدلول مقصود گوینده باشد و چه نباشد؛ به این بیان که گاهی کلام متکلم، به ملازمه دلالت می‌کند بر این‌که از این کلام، لفظ مفردی حذف شده و در تقدیر است، به گونه‌ای که بدون آن، مقصود گوینده ناقص است، یا این‌که کلام، به ملازمه بر مفاد جمله‌ای دلالت می‌کند، ولی لزومش، لزوم بین به معنای اخص نیست تا در مفهوم داخل باشد. و به عبارت دیگر، دلالت سیاقی آن است که سیاق کلام بر لفظ یا معنای مقدر مفرد یا جمله دلالت کند. ر. ک به: شهابی،

این صورت انجام می‌گیرد که شارع مقدس در مقام بیان مسئله‌ای خاص بوده و باوجود امکان تقييد، هيچ کلامي مبني بر تقييد وجود نداشته باشد.<sup>۱</sup>

به‌عنوان مثال، در حوزه خانواده، به نظر می‌رسد به کمک خطابات جمعی به‌کاررفته در بسیاری از آیات و روایات مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده، می‌توان به اصل کلی «تقدس بنیان خانواده» دست‌یافت. نمونه‌هایی از این آیات و روایات:

«سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا» منزه است کسی که همگی زوجها را خلق کرد

(یس/۳۶).

«وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» از هر چیزی زوج خلق کردیم

شاید شما متذکر شوید (الذاریات/۴۹).

- قال رسول الله (ص): «كلما ازداد العبد إيماناً ازداد حباً للنساء» هرگاه ایمان

بنده‌ای زیاد شود، محبتش نسبت به زنش زیاد می‌شود.

روی عن النبي (ص) أنه قال: «أَيُّمَا إمْرَأَةً سَأَلْتَ زَوْجَهَا الطَّلَاقَ مِنْ غَيْرِ بَأَى لِمَ تَرَحَّ

رائحة الجنة» هر زنی که بدون دلیل از همسرش طلاق بخواهد، بوی بهشت به او نمی-

رسد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۲: ۲۳۸؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵: ۳۰۶).

قال رسول الله (ص): «المتزوج النائم افضل عند الله من الصائم القائم العزب» زن

یا مرد متأهل خوابیده، نزد خداوند از دختر و پسر مجردی که روزه‌دار و در حال عبادت

باشند، بهتر است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۳: ۲۲۱؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴: ۱۵۵).

---

۱ به‌عنوان مثال خداوند در قرآن می‌فرماید: «ضرب الله مثلاً للذين آمنوا إمْرَأَةً فرعون. .» و برای کسانی که ایمان آورده‌اند خداوند همسر فرعون را مثال آورده است (تحریم/۱۱)؛ خداوند در این‌جا در مقام بیان است و فرمایش خود را به گونه‌ای بیان می‌کند که قرینه است بر این که منظور او الگو بودن همسر فرعون برای مطلق مومنان است نه فقط زنان مومن.

قال رسول الله (ص): «الکاد علی عیاله من حلال کالمجاهد فی سبیل الله» کسی که برای روزی حلال خانواده‌اش تلاش کند مانند کسی است که در راه خدا جهاد کرده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳: ۱۰۳).

- قال ابو عبدالله (ع): «و خلق للرجال النساء لیأنسوا و یسکنوا الیهنّ و یکنّ موضع شهواتهم و امهات اولادهم» «ثمره خلقت زنان، برای مردان آن است که مردان به واسطه‌ی زنان انس می‌گیرند و با آنان آرامش می‌یابند و نیاز جنسی خود را برآورده می‌سازند و آن همسران مادران فرزندانشان می‌شوند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰: ۳۵۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰: ۱۸۱).

- قال رسول الله (ص): «من أحبّ أن یلقى الله طاهراً مطهراً فیلقه بزوجه» هر کس دوست داشته باشد خدا را پاک ملاقات کند، باید از دواج کند (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴: ۱۴۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۳: ۲۲۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰: ۱۸ و ۴۳).

بنابراین هر جایی که از الفاظ عام یا مطلق (با وجود مقدمات حکمت) استفاده شده، می‌توان یک حکم کلی یا یک اصل کلی را استنباط نمود که قابلیت انطباق بر تمام افرادی که شامل آن می‌شوند، دارند.

### ۳-۲-۳- کشف ملاکات احکام

یکی از مبانی فقه شیعه، تبعیت احکام از مصالح و مفسد واقعی است. مصالح و مفسد، واقعیاتی در اشیاء، افعال، روابط انسانی و امور متفاوت هستند که باعث می‌شوند احکام با پیوندی منطقی به آنها متصل گردند. به بیان دیگر، این مصالح و مفسد عللی هستند که بر اساس آنها شارع، احکام را جعل کرده و حکم خود را از حالت گزارف و باطل خارج ساخته است. بنابراین رابطه مصالح و مفسد با احکام، رابطه‌ی علی و معلولی است (علیدوست، ۱۳۹۰: ۱۵۴-۱۶۸)؛ در نتیجه الزاماً مصالح و مفسد از جهت علت غایی در رتبه مقدم بر احکام قرار دارند. از دیدگاه بسیاری از فقهای شیعه، عقل بشری

توانایی درک مصالح و مفسدات واقعی را ندارد و نمی‌تواند به‌طور جزمی و یقینی به ملاکات احکام دست یابد.<sup>۱</sup> با این وجود، راه‌هایی برای کشف ملاک حکم وجود دارد که عقل با استفاده از احکام و کشف روابط میان آن‌ها و حجیت ظواهر و قطع، قادر به درک آن‌ها است. این راه‌ها عبارت‌اند از قیاس منصوص العله، قیاس اولویت و تنقیح مناط قطعی:

### ۱-۳-۲-۳- قیاس منصوص العله

قیاس منصوص العله، به قیاسی گفته می‌شود که علت «اصل حکم» آن از طریق نص معتبر بیان شده است. به بیان دیگر، هرگاه حکمی از راه نص معتبر در اختیار مجتهد قرار گیرد و در آن نص، علت حکم نیز به‌صراحت یا به اشاره بیان شده باشد و مجتهد با تشکیل قیاس درصدد تسری حکم اصل به فرع دیگر برآید، به چنین قیاسی، قیاس منصوص العله می‌گویند؛ برای مثال، اگر شارع بگوید: «لا تشرب الخمر لانه مسکر»، یعنی علت تحریم خمر را به‌طور صریح «اسکار» معرفی نماید، و مجتهدی از راه قیاس نبیذ به خمر، حکم حرمت را به نبیذ نیز سرایت دهد، یک قیاس منصوص العله تشکیل داده است در خصوص حجیت نیز، بیش‌تر فقهای امامیه به‌جز سید مرتضی، قیاس منصوص العله را حجت دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۵۱۹؛ مظفر، ۱۳۸۰: ج ۲: ۱۸۲).

---

۱ به عنوان مثال مرحوم مظفر در این باره می‌نویسد: «عقل به‌گونه‌ای مستقل و ابتدایی نمی‌تواند احکام و ملاکات آن را درک کند. یعنی برای آن ممکن نیست بدون استماع از شارع یا ملازمه عقلیه، به آن‌ها دست یابد. ملاکات احکام از این حیث، به مثابه امور مجعول از قبیل لغت‌ها اشاره‌ها و علامت‌ها است که دانستن آن‌ها از راه عقلی محض چه بدیهی و چه نظری امری است بی معنا. اگر خرد آدمی برخوردار از این توان بود، دیگر نیازی به بر-انگیختن پیامبران و نصب امامان نبود، زیرا در این صورت هر انسان عاقلی خود می‌توانست احکام خدا را بشناسد و با این فرض هر مجتهدی پیامبر یا امام بود. برای مطالعه بیشتر ر. ک: مظفر، محمدرضا، ۱۳۸۰، اصول فقه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ج ۲، ص ۲۰۵.



### ۲-۳-۲-۳- قیاس اولویت

قیاس اولویت، قیاسی است که در آن از راه اقوی بودن وجود علت (مناط حکم اصل) در فرع، حکم اصل به فرع سرایت داده می‌شود و حکم آن استنباط می‌گردد. بنابراین، در مواردی که علت حکم اصل در فرع به صورتی قوی‌تر از اصل موجود باشد، حکم اصل نیز به طریق اولی بر فرع بار شده و به آن سرایت می‌کند. برای مثال در آیهی «لا تقل لهما افت»، از اف گفتن پدر و مادر نهی شده، و از آنجا که ملاک و علت این نهی، بی‌احترامی است که در اف گفتن وجود دارد، دلالت آن بر زدن آن‌ها قوی‌تر است، زیرا در زدن، ایذای بیش‌تری است؛ یعنی زدن آن‌ها قوی‌تر است، زیرا علت حکم که همان ایذا باشد در زدن به صورت قوی‌تر وجود دارد، اما بیش‌تر فقها آن را حجت دانسته و از قیاس باطل استثنا کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۰۱۶ق، ج ۲: ۵۱۹؛ مظفر، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۸۴ و ۱۸۵؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۷۰۲). قیاس اولویت که مفهوم موافق نیز نامیده می‌شود دارای دو شرط زیر است: الف- حکم در اصل و فرع از یک سنخ باشد؛ برای مثال اگر حکم در اصل، وجوب است، در فرع نیز وجوب باشد و از نظر ایجاب و سلب نیز یکسان باشند؛ ب- ملاک حکم در فرع از ملاک حکم در اصل قوی‌تر باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۰۱۶ق، ج ۲: ۵۱۹).

### ۲-۳-۲-۳- تنقیح مناط قطعی

تنقیح مناط، یکی از قواعد اصول فقه است که در فرآیند استنباط به منظور دستیابی به مناط به کار می‌رود و به‌طور کلی، گونه‌ای از تعمیم احکامی است که برای وقایع و موارد خاص صادر شده است و با این روش، خصوصیات از آن واقعه یا فرد خاص شناسایی می‌شود که در حکم تأثیرگذار نیست؛ آنگاه این خصوصیات کنار زده می‌شود و حکم به همه موارد مشابه تسری پیدا می‌کند و چنانچه به صورت قطعی باشد حجت و معتبر است. از نظر امامیه استناد به تنقیح مناط، شبیه استناد به عام یا مطلق است و از

نمونه‌های بارز استناد به مدلول لفظی است و در این صورت مناسب‌ترین جایگاه برای آن، مبحث الفاظ است و عمل به آن مانند عمل به ظاهر است و حجیت و اعتبار آن هم، به همین‌گونه است و شاید به همین دلیل، نام استظهار بر آن نهاده‌اند (عظیمی گرکانی، ۱۳۹۱: ۱۲۷).

#### ۱-۳-۳-۳- تعریف تنقیح مناط

تنقیح در لغت به معنی پیراستن (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴: ۲۵۳) و در اصطلاح به معنای تراشیدن اوصافی است که در وجود حکم دخالتی ندارند و فقیه در استنباط، با یافتن وصف مؤثر، حکم را به موضوع غیر منصوص نیز تسری می‌دهد. شهید ثانی نیز چنین تعریفی را تأیید می‌کند: «تنقیح مناط عبارت است از راه‌یابی به متعلق حقیقی حکم و استخراج آن از درون نصوص و تعابیر ظاهری به کمک قرائن». برای مثال نماز در مقابل در گشوده، مکروه است. با تنقیح مناط، می‌توان حکم کراهت را تعمیم داد تا دربرگیرنده هر مشغول‌کننده‌ای به هنگام نماز باشد (شهید ثانی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۲۴).

#### ۲-۳-۳-۳- حجیت تنقیح مناط

حجیت تنقیح مناط، برحسب این‌که تنقیح مناط ظنی باشد یا قطعی متفاوت است. تنقیح مناط ظنی که نزد امامیه حجت نمی‌باشد، نوعی تنقیح مناط بوده که در آن، مجتهد از راه الغای بعضی خصوصیات و اوصاف موجود در مناط حکم شارع که او نسبت به عدم تأثیر آن‌ها در حکم شارع ظن دارد، حکم وی را منقح و از اوصاف زائد تهذیب می‌کند و به این وسیله مناط حکم را به صورت ظنی به دست می‌آورد (جناتی، ۱۳۷۰: ۳۰۰). تنقیح مناط قطعی، این است که در آن مجتهد، از راه الغای برخی خصوصیات که همراه مناط حکم شارع وجود دارد و او به عدم تأثیر آن‌ها در حکم شارع یقین دارد، مناط حکم را از اوصاف زائد منقح نموده و آن را به طور قطعی به دست می‌آورد (جناتی، ۱۳۷۰: ۳۰۱). لذا به دلیل حجیت ذاتی قطع، تنقیح مناط قطعی برخلاف

تنقیح مناط ظنی حجت است (حکمت نیا، ۱۳۸۶، ج ۲: ۳۲۲). برای مثال، اسلام برای برقراری رابطه زناشویی شرایطی گذاشته است که یکی از آنها هم‌کیش بودن زوجین است: «و لا تنکحوا المشرکات حتی یومنن ... اولئک یدعون إلی النار و الله یدعوا إلی الجنة ...<sup>۱</sup>». صاحب جواهر، جمله «اولئک یدعون إلی النار» را دلیل تحریم ازواج با غیر مسلمان می‌داند و معتقد است که اگرچه در آیه مشرک و مشرکه آمده است ولی تحریم اختصاصی به آن دو ندارد، بلکه همه غیرمسلمانان را در برمی‌گیرد، زیرا علت حکم تحریمی در همه اقسام کفر جاری است (نجفی، ۱۴۱۴ق، ج ۳۰: ۲۸). برای دستیابی به مناط، روش‌های زیر پیش‌بینی می‌شود:

#### الف. شم الفقاهه

به نظر می‌رسد گستره فکری فقیه و احاطه او به مبانی فقهی و نیز پیشینه او در استنباط، قدرتی علمی به او ارزانی می‌دارد که می‌تواند مناط حکم را به دست آورد. میرزای نائینی، ضمن تأیید این مطلب مقرر می‌دارد: نمی‌توان از بیع به سایر عقود معاوضی، تعدی نمود؛ زیرا الغای خصوصیت و استظهار این که مناط حکم معاوضه است، به شم فقیه وابسته است (نائینی، ۱۴۱۸ق، ج ۳: ۳۵۸).

#### ب. تناسب حکم و موضوع

ممکن است فقیه در پاره‌ای موارد، با توجه به تناسب حکم و موضوع به مناط حکم پی ببرد. مرحوم بروجردی در مورد نماز کسی که شغلش سفر است، می‌فرماید: حرفه خصوصیتی ندارد که نماز تمام باشد، بلکه از راه مناسبت حکم و موضوع، می‌توان استظهار نمود که علت تمام بودن نماز، تکرار سفر است بدون این که حیثیت شغلی دلالتی در حکم داشته باشد (بروجردی، بی‌تا: ۱۶۶).

---

<sup>۱</sup> با زنان مشرک ازدواج نکنید ... مشرکان شما را از جهل و ضلالت به آتش دوزخ خوانند و خدا از راه لطف و مرحمت به بهشت و مغفرت دعوت می‌کند ... (بقره/۲۲۱).

## ج. فهم عرفی

منظور از این عرف، عرف دقیق و بدون مسامحه است؛ هرچند ملاحظات عقلی در آن لازم نیست؛ زیرا عرف عادی به هیچ وجه توانایی درک مناسبات احکام را ندارد. می‌توان برای فهم عرفی به تبادر اشاره کرد (عظیمی گرگانی، ۱۳۸۰: ۱۴۴). در این روش، عنصر عرف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به همین دلیل میرزای نائینی عدم استناد به تنقیح مناسبات را در یکی از مباحث نماز، فقدان فهم عرفی می‌داند و می‌گوید: نسبت به این حکم، فهم عرفی بر الغای خصوصیت، مساعد نیست. برای اکتشاف برخی از اصول حاکم بر خانواده نیز می‌توان با بهره‌گیری از راه‌های معتبر یاد شده، از نصوص موجود به برخی اصول دست یافت (نائینی، ۱۴۱۸ق: ۴۱۹). به‌عنوان مثال، آیه ۱۲۸ سوره نساء<sup>۱</sup>، صلح را در صورت نشوز زوج توصیه نموده، اما با توجه به این که پایداری خانواده، ایجاد انس و الفت و جلوگیری از طلاق مطلوب شارع است، می‌توان با استفاده از تنقیح مناسبات، توصیه نص قرآن به صلح و سازش را به مواردی که نشوز و اعراض از جانب زن صورت می‌گیرد هم گسترش داد؛ چراکه وصف جنسیت در این آیه، به‌طور قطع، وصف غیر مؤثر است و بدین ترتیب می‌توان به اصل کلی «صلح و سازش» در حریم خانواده دست یافت.

## ۴-۲-۳. استقرا

مقصود از استقرا، پی‌جویی فقیه از موارد فراوانی از ادله و احکام شرعی است تا از طریق آن به ملاکی واحد و مشترک از مصلحتی عام و معیار یا قانونی فراگیر، دست یابد، تا بر اساس آن در موارد جزئی داورى کند (علیدوست، ۱۳۹۰: ۴۰۸). تفاوت این

۱ «وَإِنَّ امْرَأَةً خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُخْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» و اگر زنی از شوهر خویش بیم ناسازگاری یا رویگردانی داشته باشد، بر آن دو گناهی نیست که از راه صلح با یکدیگر، به آشتی بگرایند که سازش بهتر است و بخل، در نفوس، حضور دارد و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه کنید، قطعاً خدا به آن چه انجام می‌دهید آگاه است (النساء/۱۲۸).

روش با روش کشف ملاکات قطعی در این است که در روش کشف ملاک، اکتشاف ملاک موردنظر شارع از طریق تأمل در یک یا چند نص و سند نقلی ملحوظ-بدون استقرا- و با هدایت عقل بود؛ درحالی که در روش استقرا، اکتشاف مصلحت یا قانون عام بر بنیان استقرا و پی‌جویی از موارد خرد است. اهمیت استقرا در کشف اصول و قوانین عام، تا حدی است که فقیهی اخبار گرا چون صاحب حدائق، اکثر قواعد شرعی را حاصل از استقرا می‌داند (بحرانی، ۱۳۷۶ق، ج ۱۲: ۳۲) و شهید صدر آن را یکی از دو راه عقلی برای اکتشاف مناسبات احکام برمی‌شمرد (صدر، ۱۴۱۸ق: ۳۰۴ و ۳۰۵). در اصول فقه شیعه، برای نخستین بار شهید صدر در کتاب الم عالم‌الجدیده به طرح منظم و مدون استقرا پرداخت و برای آن مدخلی ویژه در اعداد سایر عناوین اصولی قرارداد (صدر، ۱۴۱۲ق: ۱۶۵-۱۶۱). وی سپس در جلد دوم از حلقات، از استقرا به‌عنوان یکی از دو راه عقلی برای اکتشاف مناسبات احکام یادکرد و آن را مورد ارزیابی قرارداد (صدر، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ۵۴۴). ایشان پس از تعریف دلیل استقرایی به دلیلی که بر مبنای قرائن ناقص بوده و قوت خود را از اجتماع این قرائن به دست آورد، تواتر را نیز از اقسام آن برشمرده‌اند. چراکه در آن افزایش مخبرین -که به‌منزله‌ی قرینه‌اند- موجب افزایش اطمینان فرد به خبر آن‌ها می‌شود تا به درجه‌ی علم برسد. ایشان سپس مبنای استقرا در احکام را در دو زمینه برآورد می‌کند که یکی استقرای مستقیم است و دیگری غیرمستقیم. استقرای مستقیم (استقرای در احکام)، که به بحث ما مربوط است عبارت است از این که موارد فراوانی از احکام شرعی را بررسی کرده و آن‌ها را در جهت‌گیری و ملاک واحدی مشترک می‌یابیم و بنابراین قاعده‌ای کلی در شریعت اسلامی را از این طریق کشف می‌کنیم (صدر، ۱۴۱۲ق: ۱۶۲). مثالی که ایشان برای این‌گونه استقرا ذکر کرده‌اند، استفاده صاحب حدائق در احکام مختلف برای استنتاج «قاعده معذوریت جاهل» در شرع است. بدین‌صورت که ایشان از حالات جزئی مختلفی که در ابوابی نظیر صلاة،

صوم، نکاح، حدود و ... یافته به آن قاعده جزئی رسیده است. پس باینکه هر حالتی از حالات جزئی به تنهایی قرینه‌ای ناقص است، اما با تجمع آن‌ها در ضمیر فقیه، احتمال قاعده عام افزایش یافته و مورد وثوق او می‌گردد. از این امر دانسته می‌شود که استقرا حجت بالعرض است؛ مانند شهرت و اجماع، و فی حد نفسه حجت نیست (صدر، ۱۴۱۲ق: ۱۶۳). اما آیا اگر استقرا مفید ظن اطمینانی شد نیز حجیت دارد؟ شهید صدر طی بحثی، ظن اطمینانی را نیز مانند قطع حجیت دانسته، بدین بیان که از بین وسایل احراز وجدانی اگر بخواهیم درجه‌ی وثوق دلیل عقلی را بررسی کنیم، به سه درجه برخورد خواهیم کرد: ۱. قطع که حجیت آن بالذات است. ۲. ظن که مطلق آن حجیتی ندارد. ۳. ظن اطمینانی که اگر آن را به منزله‌ی قطع بدانیم (دارای حجیت ذاتی عقلی تنجیزی و تعذیری)، مشکلی در میان نخواهد بود، وگرنه برای حجیت آن محتاج دلیل خواهیم بود و در این صورت دلیل ما سیره عقلایی است که با تقریر معصوم امضا شده است؛ چراکه سیره عقلا چنین بوده است که با ظن اطمینانی معامله قطع می‌کرده‌اند (صدر، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ۴۶۴). اعمال این روش، علاوه بر داشتن خبریت و احاطه به ابواب مختلف فقهی، محتاج دید کل‌نگر به فقه است.

در حوزه خانواده نیز به نظر می‌رسد، روش اکتشاف برخی از اصول حاکم بر خانواده، نظیر اصل «تقدم مصالح خانواده بر منافع فردی» و هم‌چنین اصل «تحکیم خانواده»، روش استقرا است. به‌عنوان مثال در خصوص اصل تقدم مصالح خانواده بر منافع فردی، باید گفت در نظام خانواده، شارع مقدس، اصل ورود خیرات را به این کانون، رعایت مصالح عام نسبت به مصالح فرد می‌شمارد. تأمل در راهکارهای اصولی در برخی ناملايمات در زندگی مشترک، موجب سرازیر شدن خیرات و عنایات پروردگار است که لازمه آن چشم‌پوشی زن و مرد از منافع و مصالح شخصی است. اصل مذکور را

می‌توان با استقرا در بسیاری از آیات و روایات حوزه خانواده که تنها به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود، اکتشاف نمود:

- «فان کرهتُموهنّ فعسی ان تکرهوا شیئاً و یجعلُ الله فیهِ خیراً کثیراً» و اگر آن‌ها را خوش ندارید، چه بسا چیزی را که خوش نمی‌دارید، و خداوند در آن خیر بسیار مقدر کرده باشد (النساء/۱۹).

- مردی نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: «من خانواده‌ای دارم که به آنان نیکی می‌کنم و آن‌ها به من بدی می‌کنند. با آنان ارتباط برقرار می‌کنم ولی آن‌ها از من دوری می‌کنند. رسول خدا فرمود: به بهترین وجه رفتار آنان را پاسخ ده، تا دشمنی بین تو و آنان به دوستی تبدیل گردد و این دفع به احسن را نمی‌پذیرند مگر صابران و کسانی که ارزش عظیم دارند» (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۷۱: ۴۱۵).

- از امام رضا (ع) در مورد مردی سؤال کردند که در سفر است و کنیزش نیز با اوست و گروهی می‌خواهند کنیزش را از او بگیرند. آیا او از گرفته شدن کنیزش جلوگیری کند باینکه از کشته شدن خود هراس دارد؟ حضرت فرمود: بله. راوی می‌گوید پرسیدم: و هم‌چنین اگر زنی با او بود؟ حضرت فرمود: بله. پرسیدم: و هم‌چنین اگر مادر و دختر و دخترعمو و نزدیکانش با او بودند، باید از آن‌ها محافظت کند، حتی اگر از کشته شدن خود بترسد؟ فرمود: بله. بار دیگر عرض کردم: و هم‌چنین اگر مالی با او باشد که بخواهند از او بگیرند، آیا باز باید جلوگیری کند باینکه از کشته شدن می‌ترسد؟ فرمود: بله (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵: ۱۲۲).

- پیامبر اکرم (ص) فرمود: «کسی که بر بدخلقی زنش صبر کند، خداوند پاداشی مانند آنچه به داود (ع) به خاطر گرفتاری‌هایش داد به او می‌دهد» (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰۳: ۲۴۷).

- امام رضا (ع) فرمودند: «زنان چند گروهند ... پس هر مردی که همسر صالح نصیبش شود سعادت‌مند گردیده و هر کس صاحب زن بدی شود همانا آزمایش شده و نباید انتقام بگیرد» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴: ۱۶۱؛ مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰۳: ۲۳۴).

- پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «خداوند به زنی که بر بداخلاقی شوهرش صبر کند، مانند ثواب آسیه همسر فرعون، عطا می‌کند» (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰۳: ۲۴۷).

- مالک بن اعین می‌گوید: «روزی نزد امام باقر (ع) رفتم و ایشان را ملاقات کردم، درحالی که پوششی به رنگ قرمز تند بر تن داشت. هنگام ورود خنده‌ام گرفت. حضرت فرمود: «گمان می‌کنی نمی‌دانم چرا می‌خندی؟ تو از این لباسی که بر تن دارم خنده‌ات گرفته است. همانا همسر من از من تقاضا کرده آن را بپوشم و من به دلیل آنکه همسر من را دوست دارم علی‌رغم میل خود آن را پوشیده‌ام» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۴: ۴۶۰).

با استقرا در نصوص حوزه‌ی خانواده - که نصوص فوق تنها نمونه‌هایی از آنهاست - می‌توان دریافت که اصل عام و فراگیر حاکم بر همه آنها، این است که در نگاه شارع مقدس، مصلحت عام حفاظت از بنیان خانواده و بقای آن بر منافع و خواسته‌های فردی اعضای خانواده مقدم است؛ از این رو شارع برای تقدم مصالح خانواده بر منافع فردی، گاه وعده خیر بسیار می‌دهد؛ گاه دعوت به رفتار احسن می‌نماید؛ گاه توصیه به صبر و پرهیز از انتقام می‌کند و در همه این موارد وعده پاداش الهی می‌دهد. تقدم مصالح خانواده بر فرد بدین سبب است که به دلیل نقش خانواده در سعادت بشری، خانواده دارای شخصیتی مستقل و فراتر از اعضای آن است که بقا و حفاظت از بنیان آن از دیدگاه شارع دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است و اعضای خانواده مانند «اجزای ترکیب کننده یک ماده شیمیایی هستند که روی خاصیت طبیعی خود وحدتی را به وجود آورده‌اند» (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۵: ۳۶).



### ۵-۲-۳- تشخیص و تفکیک قضایای حقیقی از قضایای خارجی<sup>۱</sup>

در بررسی برخی نصوص از جمله در حوزه خانواده، در بسیاری موارد از مصادیق به ظاهر فردی و جزئی‌ای بحث شده که در نگاه نخست، به نظر می‌رسد مخاطب این آیه یا روایت، خاص بوده و نص به صورت یک قضیه خارجی در خصوص رویداد یا پرسش خاصی می‌باشد؛ لکن در این‌گونه موارد نباید به اتکای ظاهر جزئی و خاص آن، نص مذکور را در اکتشاف یک اصل کلی یا حکم عام، کنار گذاشت و تنها به ظاهر قضیه توجه نمود؛ چراکه ممکن است در عین جزئی بودن، پرسش یا شأن نزول آن، یک قانون کلی بیان شود که قابلیت انطباق بر افراد متعددی را داشته باشد. این نوع قانون‌گذاری‌ها زمانی رخ می‌دهد که شارع نسبت به مورد جزئی الغا خصوصیت کند و فقط به روح آن توجه نماید و بر اساس این روح کلی یک کبرای کلی - که قضیه حقیقیه نام دارد - صادر نماید که از هر نوع هویت شخصی به دور بوده و تمام مصادیق جزئی را که در آن روح کلی شریک باشند، شامل شود. با کشف قضایای حقیقیه در متون دینی به‌خوبی بعضی از اصول و ملاکات قانون‌گذاری الهی مشخص می‌شود؛ زیرا بابیان قانون کلی بعد از نقل مورد جزئی، معلوم می‌شود که کدام جنبه قضیه خارجی اساس صدور حکم کلی قرار گرفته است؛ یعنی شارع علاوه بر پاسخ به آن شخص یا واقعه خاص به ما نشان می‌دهد که مبنای حکم او چه بوده است و چه عاملی باعث شده است که این‌گونه قضاوت نماید و بدین ترتیب ما را قادر می‌سازد که با استفاده از این قضایای کلی، روح و اصول قوانین اسلامی را درک کنیم و بتوانیم اصول و قوانین کلی را اکتشاف نماییم.

---

۱ هرگاه در قضیه‌ای، افراد موجود در خارج، موضوع حکم قرار داده شوند، اصطلاحاً به آن قضیه خارجی می‌گویند. مانند این‌که گفته شود تمام افراد سپاه کشته شدند: «کل من فی العسکر قُتل». حکم در این قضیه که عبارت است از همان کشته شدن، مترتب است بر افرادی از سربازان، که در جنگ شرکت داشته‌اند و به‌طور عینی در آن صحنه پیکار، حضور خود را حفظ کرده‌اند. ر. ک: ابراهیمی دینانی، محمد ابراهیم، ۱۳۸۰، قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ سوم، ج ۲، ص ۴۹۷.

به‌عنوان مثال در آیات اول و دوم سوره‌ی مجادله<sup>۱</sup> نخست مشکل زنی مطرح می‌شود که از همسر خود نزد پیامبر (ص) شکایت می‌کند؛ لذا در ظاهر با یک قضیه خارجی روبه‌رو هستیم؛ اما زمانی که آیه نازل شده و رفتار همسر او را رد می‌کند، از صیغه جمع استفاده می‌شود و بدین ترتیب تمام مردان ظهار کننده مورد خطاب واقع می‌شوند و قضیه کلی «... إِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَ زُورًا ...» نشان می‌دهد که هر نوع سخن زشت در مقابل همسر، چه ظهار باشد یا نباشد، از نظر خداوند مردود است. قضیه فوق از نوع قضایای حقیقیه است که دارای مصادیق متعدد می‌باشد و شامل هر نوع ناسزاگویی می‌شود. در پایان شایان ذکر است که شاید با تأمل بیش‌تر بتوان به برخی روش‌های دیگر نیز در ارتباط با اکتشاف اصول کلی حاکم بر خانواده رسید، لکن در این مختصر مجالی بیش از این در این باره نیست.

---

۱ « قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَ تَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَ اللَّهُ يَسْمَعُ تَخَاوُرُكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُم مِّنْ نِّسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَ إِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَ زُورًا وَ إِنْ اللَّهُ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ» ای پیامبر، خداوند درخواست آن زنی را که با تو درباره شوهرش جدال می‌کند، و از اندوه خود به خدا پناه می‌برد شنید و اجابت کرد و خدا گفت و گوی شما دو نفر را می‌شنود، زیرا خدا شنوا و بینا ست. کسانی از شما که همسرانشان را با ظهار چون مادران خویش می‌شمردند، آنان مادرانشان نیستند. مادرانشان تنها کسانی هستند که آنان را زاده‌اند، و اینان با ظهار سخنی زشت و باطل می‌گویند و مرتکب گناه می‌شوند، و البته خداوند از لغزش آنان می‌گذرد و گناهانشان را می‌آمرزد (مجادله/۱ و ۲) .

### نتیجه‌گیری:

شناسایی هر گزاره‌ای اعم از شرعی یا غیرشرعی از منابع مربوطه، مستلزم پیمودن فرآیند یا عملیاتی است که این فرآیند جهت تحقق و اجرایی شدن، نیازمند بهره‌گیری از روش‌هایی به‌عنوان ابزار شناسایی می‌باشد. استنباط اصول حاکم بر خانواده نیز نیازمند تبیین یک فرآیند شناسایی و هم‌چنین روش ابزارهای تحقق این فرآیند می‌باشد در این پژوهش با کمک مبانی شهید صدر در فرآیند اکتشاف یا حرکت از روبنا به زیرنا در استنباط مکتب اقتصادی اسلام، به بررسی سازوکارهای این روش در استنباط اصول حاکم بر خانواده پرداختیم، امری که تاکنون به‌صورت مدون و منقح کم‌تر مورد توجه نویسندگان حوزه خانواده قرار گرفته است. عالمان اسلام سعی در تعمق بیش‌تر در آیات و روایات داشته و کوشش نموده‌اند تا به روش‌شناسی ویژه و نوینی برای ادراک دین دست یابند، اما این روش‌ها که در قالب کتب اصول فقه جمع‌آوری شده به‌طور خاص در حوزه خانواده مورد بررسی قرار نگرفته است. با توجه به نظر شهید صدر، اگرچه مجموعه گزاره‌های معرفتی اسلام، در «نفس الامر» دارای ساختاری نظام‌مند و منسجم هستند؛ اما مبانی و بنیان‌هایی که جهت‌گیری‌های کلی این نظام و موضع‌گیری‌ها را نشان می‌دهند، در هیچ‌کدام از متون دینی به‌صورت طبقه‌بندی‌شده و منظم تبیین نشده‌اند. اما چون احکام الهی اعم از احکام فقهی و اخلاقی‌ای که در چارچوب خرده نظام‌های ارزشی و حقوقی قرار می‌گیرند، «تجسم» این بنیان‌ها و جهت‌گیری‌ها می‌باشند، می‌توان از طریق این گزاره‌ها به اصولی منسجم در همه حوزه‌ها، از جمله حوزه خانواده دست یافت. در این مقال، برای نمونه به کمک ابزار خطاب جمعی در استعمال الفاظ عام، به استنباط اصل تقدس بنیان خانواده، با استفاده از تنقیح مناط به اصل مصلحت در حوزه خانواده دست یافته و با عنایت به روش استقرا به استخراج اصل تحکیم خانواده پرداختیم. اصول حاکم بر خانواده که در این پژوهش به دلیل محدودیت، تنها به بخشی از آن‌ها اشاره شد بر تمام روابط حق و تکلیفی اعضای خانواده حاکم‌اند و قابل تقیید و تخصیص نیستند.

### منابع و مأخذ:

۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، ۱۴۱۵ق، *کفایه الاصول*، قم، دفترانتشارات اسلامی، چاپ سوم
۲. ابراهیمی دینانی، محمدابراهیم، ۱۳۸۰، *قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ سوم، ج ۲
۳. اکبری، حمزه و همکاران، ۱۳۹۰، *فرهنگ نامه اصول فقه*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ سوم
۴. بروجردی، سید حسین، بی تا، *البدر الزهر فی صلوٰه الجمهه و المسافر*، تقریر حسینعلی منتظری، بیجا
۵. البحرانی، الشیخ یوسف، ۱۳۷۶ق، *الحدائق الناظره*، قم، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۲
۶. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۰، *تفسیر تسنیم*، قم اسراء، چاپ دوم، ج ۱
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۹۰۴ق، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، موسسه آل البیت علیه السلام
۸. رجحان، سعید، ۱۳۹۱، *اصول علم فقه*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول
۹. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۰، *مبانی استنباط احکام در حقوق اسلامی و حقوق موضوعه*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ دوم، ج ۱
۸. الزحیلی، وهبه، ۱۴۱۸ق، *الفقه الاسلامی و ادلته*، دمشق، دارالفکر، چاپ چهارم، ج ۲
۹. سبحانی، محمدتقی، ۱۳۸۲، *الگوی جامع شخصیت زن مسلمان*، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، چاپ اول
۱۰. صدر، محمدباقر، ۱۴۱۷ق، *اقتصادنا*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول
۱۱. \_\_\_\_\_، ۱۴۱۸ق، *دروس فی علم اصول*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی،

روش شناسی تاصیل اصول حاکم بر خانواده با تکیه بر روش اکتشاف شهید صدر ۱۲۷

۱۲. \_\_\_\_\_ ، ۱۴۱۲ق، *المعالم الجدیدة*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات،

چاپ اول

۱۳. \_\_\_\_\_ ، ۱۴۱۹ق، *مجموعه آثار*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۳

۱۴. طوسی، ابی جعفر محمدبن الحسن، ۱۳۸۷، *المبسوط فی الفقه الامامیه*،

تهران، المكتبه المرتضویه، ج ۶

۱۵. عظیمی گرکانی، هادی، ۱۳۹۱، « *معناشناسی تنقیح مناط؛ مقارنه با مفاهیم*

*مشابه و روش شناسی آن*»، مطالعات اسلامی، سال چهل و چهارم، ش ۹۰

۱۶. علیدوست، ابوالقاسم، ۱۳۹۰، *فقه و مصلحت*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و

اندیشه اسلامی، چاپ دوم

۱۷. کاظمی، علی اصغر، ۱۳۷۴، *روش و بینش در سیاست*، تهران، دفتر مطالعات

سیاسی و بین المللی، چ اول

۱۸. گلابی، سیاوش، ۱۳۶۹، *توسعه منابع انسانی در ایران جامعه شناسی توسعه*

*ایران*. تهران، نشر فردوس

۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۱۶ق، *انوار الاصول*، قم، نسل جوان، چاپ اول، ج ۳

۲۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۰، *یادداشت‌ها*، تهران، صدرا، چاپ اول، ج ۵

۲۱. مظفر، محمدرضا، ۱۳۸۰، *اصول فقه*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی

۲۲. مهدوی کنی، صدیقه، ۱۳۸۸، *ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن (رویکردی*

*معناشناختی)*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ دوم

۲۳. نائینی، محمدحسین، ۱۴۱۸ق، *منیة الطالب فی شرح المکاسب*، قم، موسسه‌ی

نشر اسلامی، ج ۳

۲۴. نجفی محمدحسن، ۱۴۱۴ق، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، قم، دایره

المعارف فقه اسلامی

۲۵. وزیری، مجید، ۱۳۸۷، « روش‌شناسی کشف قواعد فقهی در فقه امامیه،

فصلنامه‌ی فقه و مبانی حقوق»، سال چهارم، ش ۱۲

۲۶. یوسفی، محمدرضا، ۱۳۷۸، « بررسی روش شهید آیت‌الله صدر در کشف

مکتب اقتصادی/اسلام»، فصلنامه‌ی پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۱۱ و ۱۲

27. <http://www.markazfeqhi.com>

## دو اصل عقلانی برای تفکر اخلاقی؛ از تعمیم‌پذیری هیر تا

### قاعده طلایی گنسلر

سید محمد موسوی مطلق<sup>۱\*\*\*</sup>

حامد مرآتی<sup>۲</sup>

دریافت: ۱۳۹۳/۰۸/۱۲ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۲۴

#### چکیده

همواره رابطه‌ی میان عقلانیت و اخلاق مورد مناقشه فلاسفه بوده است. در این میان می‌توان قواعدی را برگزید که هم مورد قبول اخلاق است و هم سازگار با عقل باشد. از جمله این قواعد عقلی، قاعده طلایی است که جایگاه ویژه‌ای در اخلاق و هم‌چنین در دین داشته است؛ چنان‌که دست‌کم ادیان ابراهیمی بدان اذعان داشته و سعی کرده‌اند همواره این قاعده را به دین‌داران گوشزد کنند. در عصر حاضر هری ج. گنسلر به قاعده طلایی توجه شایانی داشته و هم خود را بر تشریح و تبیین عقلانی این قاعده گذاشته است. بر اساس رویکرد وی، قاعده طلایی مدلی از سازگاری منطقی می‌باشد. هم‌چنین اصل تعمیم‌پذیری نیز از جمله این قواعد عقلانی است. گرچه کانت در «امر مطلق» خود این اصل را به کار برده است؛ با این حال، فیلسوف معاصر آر. ام. هیر نیز به این اصل توجه ویژه‌ای کرده است. در این گفتار ما پس از بیان مقدمه‌ای در باب قاعده طلایی و خلاصه‌ای از رویکرد هیر، به ترجمه دو مدخل از فرهنگ تاریخی فلسفه اخلاق، یعنی مدخل آر. ام. هیر و مدخل قاعده طلایی می‌پردازیم.

**واژگان کلیدی:** اصل تعمیم‌پذیری، قاعده طلایی، آر. ام. هیر، هری ج. گنسلر،

قاعده عقلانی

۱\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه اخلاق، دانشگاه قم

۲ دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه اخلاق، دانشگاه قم

## مقدمه

هرچه انسان‌ها در اندیشه و نظر، جهان‌بینی و دین خود با یکدیگر متفاوت باشند، اما در پذیرش قواعد عقلانی به یکسان عمل می‌کنند. قواعد عقلی در حوزه‌های مختلفی، خود را بروز می‌دهند. خصیصه اصلی این قواعد، عمومیت و شمول آن‌هاست. از جمله این قواعد در حوزه اخلاق می‌توان به «امر مطلق<sup>۱</sup>» در اندیشه کانت، «اصل تعمیم‌پذیری» در اندیشه آر. ام هیر<sup>۲</sup> و «قاعده طلایی» اشاره نمود. همچنین قواعدی چون «پیرو وجدانتان باشید» یا «در موارد مشابه ارزش‌گذاری مشابه‌ای کنید» نیز جزو این قواعد محسوب می‌شوند. در ادوار اخیر، هری ج. گنسلر<sup>۳</sup> به بسط و توسعه قاعده طلایی پرداخته است و دغدغه خویش را بر این نهاده که این قاعده باید مورد پذیرش همگان باشد چراکه اصلی صوری و مدلی از سازگاری منطقی<sup>۴</sup> می‌باشد. همچنین شرایطی که برای قاعده طلایی نام می‌برد، می‌تواند برای اصل تعمیم‌پذیری نیز به کار رود. پیش از ورود به مدخل‌ها، ما به توضیح مختصری در باب نظریه اخلاقی هیر و قاعده طلایی می‌پردازیم.

## نظریه اخلاقی هیر

نظریه اخلاقی هیر شامل سه مرحله است. نخست وی به توصیه‌گرایی نظر دارد. در وهله دوم وی به تعمیم‌پذیری و در وهله سوم به سودگرایی می‌پردازد. در مرحله اول وی معتقد است احکام اخلاقی، احکامی توصیه‌ای، تجویزی و امری‌اند. در واقع احکام اخلاقی جزئی از افعال گفتاری محسوب می‌گردند. به‌طور مثال، «دروغ بد است» به جمله‌ای امری و توصیه‌ای مانند «دروغ نگو» اشاره دارد. به‌طور دقیق‌تر، در فضای فرا -

---

1 . Categorical Imperative  
 2 . R. M. Hare (Richard Mervin Hare)  
 3 . Harry J. Gensler  
 4 . Logical Consistency



دو اصل عقلانی برای تفکر اخلاقی؛ از تعمیم‌پذیری هیر تا قاعده طلایی گنسلر ۱۳۱

اخلاق<sup>۱</sup> وی، یک نا شناخت انگار<sup>۲</sup> است. بدین معنی که احکام اخلاقی را شناختاری و قابل صدق و کذب نمی‌داند.<sup>۳</sup>

به نظر می‌رسد هیر در وهله اول، بر این معتقد است که در ارائه احکام اخلاقی، انسان آزادانه می‌تواند تصمیم بگیرد. او بر عنصر تصمیم و اصل آزادی تأکید بسیار دارد و در واقع بر این ادعا که تفکر اخلاقی می‌تواند هم آزادانه و هم عقلانی باشد، پا می‌فشارد. این رویکرد مربوط به کتاب اولش - زبان اخلاق - است. بر این رویکرد این انتقاد وارد است که تصمیمات آزادانه، می‌تواند به مواردی غیر اخلاقی بیانجامد. مثلاً می‌توان آزادانه تصمیم گرفت که «سیاه‌پوستان را باید کشت».

برای جواب به این نقد، هیر در رویکرد دوم و در کتاب دوم - آزادی و عقل - اصل تعمیم‌پذیری و عقلانیت وابسته بر آن را مطرح می‌کند. لذا او بر این معتقد می‌شود که حکمی اخلاقی است که قابلیت تعمیم‌پذیر بودن را داشته باشد. کانت نیز این اصل را در گذشته مطرح کرده بود و آن را «امر مطلق» نامید. امر مطلق سه صورت دارد؛ اما صورت اول آن که به ادعای خود او اصلی کاملاً صوری است در اینجا بیش‌تر مورد نظر است. او می‌گوید: «فقط یک بایسته وجود دارد و آن این است که: تنها بر پایه آن آیینی رفتار کن که در عین حال بخواهی که [آن آیین] قانونی عام باشد» (کانت، ۱۳۶۷: ۶۰). این اصل را اصل «تعمیم‌پذیری» می‌نامند. در اصل تعمیم‌پذیری مانند قاعده طلایی، سازگاری منطقی مطرح می‌گردد. برای مثال اگر فردی می‌خواهد ببیند دزدی امری ناپسند و غیر اخلاقی است، باید آن را به سنجه تعمیم‌پذیری بگذارد: آیا دزدی می‌تواند قانونی عام در میان انسان‌ها شود؟! یعنی: همه انسان‌ها به دزدی روی بیاورند؟! پاسخ

---

1 . Meta- Ethics

2 . Non- Cognitivist

۳. جملات توصیه‌ای و امری قابل صدق و کذب نیستند. ما جمله ی «در را ببند» را نمی‌توانیم در عالم خارج، متصف به صدق و کذب کنیم. اما جملاتی که اشاره به واقعیتی در خارج دارند مانند «در باز است» می‌تواند مورد صدق و کذب واقع شوند.

خیر است چراکه اگر من صلاح بدانم که می‌توانم از دیگران دزدی بکنم باید بر اساس اصل تعمیم‌پذیری قبول بکنم که دیگران هم مجازند از من دزدی کنند؛ و این با ناسازگاری مواجه می‌گردد.

در وهله سوم و در کتاب «تفکر اخلاقی» هیر استدلال می‌کند که روشی از قاعده طلایی و اصل تعمیم‌پذیری به‌نوعی به سودگرایی می‌انجامد. یعنی تا حد امکان برآورده شدن تمایلات همگان را بیشینه کنیم<sup>۱</sup>. به باور هیر، اگر ما در اخلاق بخواهیم عقلانی عمل کنیم، به سودگرایی مطلوب روی خواهیم آورد. منتقدان به این رویکرد هیر، این انتقاد را آورده‌اند که در بعضی مواقع سودگرایی مطلوب با شهودات اخلاقی ما نمی‌سازد. مثلاً من سیاه‌پوستی را بکشم حتی اگر این کار باعث بیشینه کردن رضایت همه افراد جامعه [جامعه سفیدان] شود.

هیر برای پاسخ به این انتقاد، دو سطح برای استدلال اخلاقی در نظر می‌گیرد. طبق نظر او، انسان‌ها گاهی مانند ناظرهای آرمانی، با قدرت تفکر زیاد و بدون ضعف‌های انسانی به استدلال اخلاقی می‌پردازند؛ و گاهی در مقام زندگی روزمره و مانند عوام، یعنی با ضعف‌های درونی و کمبود وقت‌ها و ... اگر ما با سطح ناظر آرمانی و با عقلانیت کامل به استدلال اخلاقی بپردازیم به سودگرایی مطلوب دست می‌یابیم. این سطح، جایی برای شهودات اخلاقی باقی نمی‌گذارد. اما سطح شهودی تفکر اخلاقی به‌جای تفکر درباره امور، شهودات را دنبال می‌کند. مثلاً در برخی مواقع به علت کمبود وقت در تصمیم‌گیری، ما به شهودات رجوع می‌کنیم؛ چراکه وقتی برای تفکر در سطح ناظر آرمانی نداریم. بنابراین هیر در پاسخ به منتقدان می‌گوید که اگر ما سطح ناظر آرمانی را با سطح عامیانه خلط کنیم، دچار مغالطه شده‌ایم. به‌طور کلی، در تفکر هیر آنچه برای ما

---

۱. بیشینه کردن یا اصل سود در این‌جا بدین معنی است: کاری عقلانی و اخلاقی است که بیش‌ترین تمایلات را برای بیش‌ترین افراد جامعه به ارمغان آورد.

دو اصل عقلانی برای تفکر اخلاقی؛ از تعمیم‌پذیری هیر تا قاعده طلایی گنسلر ۱۳۳

بیش‌تر موردنظر است، اصل تعمیم‌پذیری وی می‌باشد. اصل تعمیم‌پذیری مانند قاعده طلایی به یک‌سری شرایط مانند تخیل اخلاقی محتاج است. حال به‌طور خلاصه به‌قاعده طلایی می‌پردازیم.

### قاعده طلایی<sup>۱</sup> و آشکال آن

«این قاعده را از آن‌رو زرین [طلایی] خوانده‌اند که معتقدند ارزش بی‌حدوحصر دارد و غالباً اصل نخستین کردار محسوب می‌شود» (علیا، ۱۳۹۱: ۴۷). گنسلر بر این اعتقاد است که GR منطقی‌اً از دو شرط «باوجدان بودن» و «بی‌طرفی» نتیجه می‌شود. همچنین به کار بستن GR، مستلزم مؤلفه‌هایی چون «آگاهی» و «قدرت تخیل» می‌باشد. قاعده طلایی یا قاعده زرین، یک اصل اخلاقی است.

این قاعده می‌تواند به دو شکل مثبت و منفی بروز پیدا کند. شکل مثبت قاعده به این شکل است که: «شخص باید به‌گونه‌ای با دیگران رفتار کند که دوست دارد دیگران در شرایط مشابه با او آن‌گونه رفتار کنند».

شکل منفی قاعده نیز بدین ترتیب می‌آید که: «شخص نباید به‌گونه‌ای با دیگران رفتار کند که دوست ندارد آن‌گونه با او رفتار شود».

برای تفکیک این دو صورت، گاه به شکل منفی قاعده طلایی، «قاعده نقره‌ای» یا «قاعده سیمین»<sup>۲</sup> نیز گفته می‌شود. همچنین گاه شکل مثبت قاعده را شکل فعال و شکل منفی قاعده را شکل انفعالی گویند؛ زیرا شکل مثبت قاعده، باعث می‌شود شخص کار خوب را انجام دهد، ولی شکل منفی باعث می‌گردد فرد کار بد را انجام ندهد. «برخی بر این نظر هستند که شکل منفی این قاعده، مؤثرتر و عملی‌تر از شکل مثبت آن است؛ زیرا خودداری از انجام عملی، آسان‌تر از انجام دادن عملی خاص است»

---

1. Golden Rule

2. Silver Rule

Encyclopedia of Judaism, Sara E. Karesh and Mitchell M. Hurvitz, p. )

212- به نقل از اسلامی، ۱۳۸۶: ۲۵). «برخی دیگر، برعکس، شکل مثبت آن را نیرومندتر از شکل منفی می‌دانند و بر آن‌اند که شکل منفی قاعده، تنها قدرت بازدارندگی دارد؛ حال آنکه شکل مثبت آن با وضع آرمانی برای عمل شخص را به پیش می‌راند» (اسلامی، ۱۳۸۶: ۲۵). گنسلر در تعریف عقلانیت اخلاقی می‌گوید: «عقلانیت اخلاقی، ناظر است به این که چگونه باید احکام اخلاقی را صادر کنیم؛ به عبارت دیگر، به عقل عملی (یا حکمت) یا خصلت‌های یک داور آرمانی - اخلاقی مربوط می‌شود. عقلانیت هم مشتمل بر جنبه‌های صوری نظیر سازگاری منطقی و بی‌طرفی است و هم جنبه‌های نیمه صوری مانند آگاهی از واقعیت‌ها و به‌کارگیری قدرت تخیل را در برمی‌گیرد» (گنسلر، ۱۳۹۱: ۲۱۱). وی سه بعد اصلی عقلانیت عملی را از هم تفکیک می‌کند: آگاهی از واقعیات، به‌کارگیری قوه تخیل (برای تصور نقش معکوس) و سازگاری. باورهای اخلاقی ما به میزانی که شرایط عقلانیت را رعایت کنیم کمابیش معقول هستند. وی در کتاب خود علاوه بر سه شرط مذکور، شرط [پاره‌ای] خصلت‌های شخصی را نیز دخیل می‌داند (اسلامی، ۱۳۸۶: ۲۵).

### شرایط اصل تعمیم‌پذیری و قاعده طلایی

برای اینکه بتوانیم قاعده طلایی و یا اصل تعمیم‌پذیری را به کار ببریم باید دارای یک‌سری شرایط باشیم. این شرایط عبارت‌اند از:

#### ۱. تخیل اخلاقی

درواقع، اخلاقی رفتار کردن، مستلزم نوع خاصی از تخیل است و کسی که فاقد آن باشد، نمی‌تواند به‌گونه‌ای آگاهانه، رفتاری اخلاقی داشته باشد و اگر هم بر اساس قواعد اخلاقی عمل کند، این کار به‌گونه‌ای مکانیکی و صوری خواهد بود. رفتار اخلاقی در قبال دیگران هنگامی آغاز می‌شود که شخص فاعل بتواند به پیامدهای رفتار خود، بر پیرامون

دو اصل عقلانی برای تفکر اخلاقی؛ از تعمیم‌پذیری هیر تا قاعده طلایی گنسلر ۱۳۵

خویش توجه کند و چون این پیامدها هنوز فعلیت نیافته‌اند، باید بتواند آن‌ها را تخیل کند و در ذهن خود بیافریند. به همین سبب، غالباً نقطه عزیمت تفکر اخلاقی، همین تخیل است. بسیاری از ردایل، به این دلیل رخ می‌دهند که شخص اساساً تصویری از پیامد رفتار خود ندارد و نمی‌تواند در ذهن خود تصویری از لوازم رفتار خود را تخیل کند (اسلامی، ۱۳۸۶: ۲۱).

## ۲. آگاهی از واقعیات و عدم جهل و بی‌خبری

در قاعده طلایی باید شرایط و احساسات طرف مقابل را به‌درستی درک کنیم (عدم جهل و بی‌خبری). مثالی که خود گنسلر در مدخل نیز بدان اشاره می‌کند این است که: فرض کنید ما مالک یک معدن پرسود زغال‌سنگ هستیم، ولی به کارگران مان روزانه یک دلار بیش‌تر حقوق نمی‌دهیم. شاید اگر از ما پرسیده شود «اگر به جای کارگران بودی، دوست داشتی یک دلار در روز به تو داده شود؟» پاسخ‌مان مثبت باشد، زیرا گمان کرده‌ایم کارگران با حقوق ناچیز می‌توانند زندگی کنند. اگر از حقیقت امر آگاه شویم و بدانیم که این حقوق برای یک زندگی آبرومندانه کفایت نمی‌کند، پاسخ مثبت نمی‌دهیم. ما باید به این توجه داشته باشیم که عمل ما چه تأثیری بر دیگران خواهد گذاشت. آگاهی از واقعیات «مستلزم آن است که درباره مطلب موردنظر خود، از واقعیات آگاه باشیم که شامل [آگاهی از] اوضاع و احوال، گزینه‌ها، عواقب و پیامدها و چند مورد دیگر می‌شود» (گنسلر، نقد و نظر: ۲۸۴). «این‌ها را عمدتاً از تجربه شخصی و آراء صاحبان نظر می‌آموزیم» (گنسلر، ۱۳۹۱، ۲۱۲). «به میزانی که آگاهی ما نادرست بوده یا در جهل باشیم، به همان میزان تفکر اخلاقی‌مان نیز معیوب و ناقص است ... هم‌چنین لازم است از خودمان و نحوه شکل‌گیری احساسات و عواطف اخلاقی‌مان آگاه باشیم. این امر از آن جهت اهمیت دارد که اگر خاستگاه عواطف و باورهای اخلاقی‌مان را بشناسیم، می‌توانیم تا اندازه بسیاری، تعصبات خود را از بین ببریم» (گنسلر، نقد و نظر: ۲۸۴ و ۲۸۵).

## ۳. وجدان اخلاقی

آنچه «وجدان» را به یک موضوع محوری در بحث از قاعده زرین تبدیل می‌نماید، این نکته است که این قاعده بدون وجدان اخلاقی، معنادار نیست. در اینجا مقصود ما از وجدان اخلاقی این است که رفتارها و خواسته‌های شخص با باورهای اخلاقی صحیح او هماهنگ باشد و وی مطابق آن عمل کند. به‌عنوان مثال، فرض می‌کنیم که تمایل داریم تا ماشین دوست‌مان را بدزدیم و درعین حال انسان باوجدانی هستیم، اگر این‌طور باشد یعنی اگر انسان باوجدانی باشیم ماشین او را نمی‌دزدیم مگر آن‌که بخواهیم اگر در همان شرایط باشیم او هم ماشین ما را بدزدد. در این مثال باور اخلاقی ما این است که دزدیدن ماشین دوست خطاست؛ از این‌رو اگر ماشین او را بدزدیم آدم بی‌وجدانی هستیم. بنابراین می‌توانیم بگوییم قاعده زرین، از دل وجدان اخلاقی بیرون می‌آید (گنسلر، ۱۳۹۰: ۱۹۴).

## ۴. بی‌طرفی

به‌طور خلاصه «بی‌طرفی، مستلزم آن است که در مورد اعمال مشابه ارزش‌گذاری‌های مشابهی کنیم» (گنسلر، ۲۱۶: ۱۳۹۱)؛ یعنی قضاوت‌های ما این‌طور نباشد که بدون هیچ دلیلی موردی را بر مورد دیگر ارجحیت دهیم.

## سازگاری و قاعده طلایی

طبق رویکرد گنسلر، قاعده طلایی نوعی از سازگاری است. «لازم است سازگاری را به معنایی موسع رعایت کنیم که شامل سازگاری در باورها، سازگاری هدف-وسيله، باوجدان بودن، بی‌طرفی، قاعده طلایی و ضابطه جهان‌شمول بشود» (گنسلر، ۲۱۱: ۱۳۹۱). در واقع باید میان باورهای ما، میان هدف و وسیله ما و میان احکام اخلاقی و نحوه زیست اخلاقی ما هماهنگی وجود داشته باشد. «افزون بر این، به عقیده من متضمن سازگاری مربوط به قاعده طلایی است (که بر طبق آن نباید در قبال دیگری

دو اصل عقلانی برای تفکر اخلاقی؛ از تعمیم‌پذیری هیر تا قاعده طلایی گنسلر ۱۳۷

طوری عمل کنیم که نخواهیم در موقعیتی مشابه، با ما آن‌گونه رفتار شود) « (گنسلر، نقد و نظر: ۲۸۵). «باید به یاد داشته باشیم که اگر بخواهیم کاملاً در تفکر ناظر به عمل خود معقول و منطقی باشیم به همکاری همه این ابعاد نیاز داریم» (گنسلر، نقد و نظر: ۲۸۵).

حال به دو مدخل آرام هیر و قاعده طلایی از دانش‌نامه تاریخی فلسفه اخلاق<sup>۱</sup> می‌پردازیم:

آر. ام. هیر ۲ (۲۰۰۲-۱۹۱۹)

فیلسوف انگلیسی ریچارد مروین هیر، یکی از مهم‌ترین اخلاق‌پژوهان پنجاه سال اخیر است. سه مرحله تفکر او به سه کتاب کلیدی‌اش بازمی‌گردد [یعنی کتاب‌های زبان اخلاق (۱۹۵۲)، آزادی و عقل (۱۹۶۳)، تفکر اخلاقی (۱۹۸۱)]. او در کتاب زبان اخلاق<sup>۳</sup> (۱۹۵۲) مدعی است که احکام اخلاقی احکامی تجویزی<sup>۴</sup> و امری‌اند<sup>۵</sup>، نظریه‌ای که توصیه‌گرایی<sup>۶</sup> نامیده می‌شود. این دو جمله را با یکدیگر مقایسه کنید:

درب باز است (خبری)

درب را ببند (امری)

جمله خبری<sup>۷</sup> قصد دارد حقیقتی درباره جهان را بیان کند. چنین جمله‌ای یا درست و یا خطاست؛ پذیرش آن برابر با داشتن یک باور است. درحالی‌که جمله امری، بیان‌کننده یک حقیقت نبوده و درست یا خطا نمی‌باشد؛ بلکه می‌گوید چه کاری را باید انجام داد. جمله امری<sup>۷</sup> فوق بیان‌کننده خواست یا تمایل ماست به این‌که کسی درب را

- 
1. Historical Dictionary of Ethics
  2. R. M. Hare
  3. the language of morals
  4. prescriptive
  5. imperative
  6. prescriptivism
  7. indicative

بیند. احکام اخلاقی مانند جملات امری‌اند. آن‌ها بیان‌کننده حقایق نبوده و درست یا خطا نمی‌باشند؛ در عوض، احکام اخلاقی بیان‌کننده خواست یا تمایل ما در مورد چگونه زندگی کردن ما و دیگران است.

لازم نیست جملات امری عاطفی باشند. بسیاری از فرآورده‌های عقل انسان در قالبی امری بیان می‌شوند، مثلاً یک کتاب دستورالعمل آشپزی، مجموعه‌ای از قوانین حقوقی، قوانین شطرنج، و دستورالعمل‌های استفاده از یک اتومبیل، جملات امری دارای ویژگی‌های منطقی می‌باشند؛ آن‌ها می‌توانند به لحاظ منطقی با دیگر جملات امری ناسازگار بوده و یا به لحاظ منطقی شامل جملات امری دیگر باشند، مانند استدلال امری زیر:

۱. همه این جعبه‌ها را به آنجا ببر.

۲. این جعبه یکی از آن جعبه‌هاست.

نتیجه: این جعبه را به آنجا ببر.

آبا این مثال، هیر می‌خواهد بگوید که لازمه استدلال و بررسی عقلانی، خبری بودن احکام نیست، بلکه می‌توان جملات و احکام امری را نیز مورد بررسی عقلانی قرار داد.

در مقابل، نام-آواها<sup>۱</sup> (مانند «هورا!») صداهایی ابتدایی‌اند و نمی‌توانند منطقاً با یکدیگر سازگار یا ناسازگار باشند.

صرف‌نظر از عاطفی‌انگاری<sup>۲</sup>، احکام اخلاقی در صحبت‌های روزمره بیشتر به جملات امری نزدیک‌اند تا نام-آواها. در بحث‌های اخلاقی ما غالباً بین جملات امری) "کسی را نکش" (و احکام حاوی باید<sup>۳</sup>) (تو نباید کسی را بکشی" (در نوسانیم؛ این دو

---

1 . exclamations

2 . emotivism

3 . ought



جمله شبیه هم به نظر می‌رسند. عجیب خواهد بود اگر این جملات را با نام-آوای "آه" "آه" [که برای ابراز «ناخوشایند بودن» به کار می‌رود] یکسان بگیریم.

احکام اخلاقی در رابطه با اعمال محسوس، اصول کلی را مفروض می‌گیرند. ما یک حکم اخلاقی را با ارجاع به اصول و حقایق اخلاقی توجیه می‌کنیم. درنهایت، این که کدام اصول اخلاقی را می‌پذیریم، مسئله‌ای مربوط به تصمیم<sup>۱</sup> است.

کتاب *آزادی و عقل*<sup>۲</sup> (۱۹۶۳) با این ادعا آغاز می‌شود که یک تئوری اخلاقی باید به ما نشان دهد که چگونه تفکر اخلاقی<sup>۳</sup> می‌تواند هم آزادانه و هم عقلانی باشد. ما آزادیم باورهای اخلاقی‌مان را شکل دهیم، زیرا این باورها نشان‌دهنده تمایلات ما بوده و صرفاً با استفاده از فکت‌ها، قابل اثبات نیستند. از سوی دیگر، تفکر اخلاقی بایستی عقل را برای اعمال برخی محدودیت‌ها به کار گیرد تا هر چیزی رخ ندهد. این انتقاد به نظرات اولیه هیر وارد می‌شد که در رابطه با عقلانیت دچار اشکالاتی است. اگر اصول اخلاقی صرفاً مسئله‌ای مربوط به تصمیم‌گیری است، ممکن است ما یک اصل "نازی" مانند این اصل را انتخاب کنیم: "ما باید یهودیان را در اردوگاه‌های کار اجباری نگه-داریم".

هیر پیش‌ازاین، راه خوب و مستحکمی برای انتقاد به چنین اصولی - یعنی اصول نازی - نداشت؛ اما او در کتاب اخیرش راه را برای چنین انتقادی باز می‌کند. پاسخ جدید او وابسته به دو ویژگی زبان اخلاق است که در کتاب اولش - زبان اخلاق - مطرح کرد: تعمیم‌پذیری<sup>۴</sup> و تجویزی بودن<sup>۵</sup>.

- 
1. decision
  2. Freedom and reason
  3. moral thinking
  4. universalizability
  5. prescriptivity

از آنجاکه احکام ارزش گذارانه تعمیم پذیرند، ما را مجبور می‌کنند که در مورد نمونه‌های مشابه، ارزیابی‌های یکسانی داشته باشیم. فرض کنید من بگویم: «من باید شخص X را مورد اذیت و آزار قرار دهم چون او یک افغان است». در آن صورت من باید بر این باور باشم که در موقعیتی معکوس و مشابه - یعنی موقعیتی که خودم را به یک افغان تصور کنم - مورد اذیت و آزار قرار گیرم. از آنجاکه احکام ارزش گذارانه تجویزی‌اند، این احکام باید بیان‌کننده خواست ما باشند. بنابراین در این صورت باید به این تمایل داشته باشم که اگر در شرایط معکوس و مشابه قرار می‌داشتم، آنگاه باید مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتم. اگر نمی‌توانم چنین خواسته و تمایلی داشته باشم، نمی‌توانم به نحوی سازگار به باور اولیه‌ام معتقد باشم که «من باید X را مورد اذیت و آزار قرار دهم چون او یک افغان است». یک اصل اخلاقی باید به‌عنوان یک قانون عام و کلی مطلوب و خواستنی باشد، حتی برای نمونه‌های تخیلی‌ای که اثر نهایی عمل، به من منتقل می‌شود.

بنابراین، نوعی از قاعده طلایی ۱ در قالب شرط سازگاری ۲ پدیدار می‌شود: اگر من بر این باور باشم که باید عمل الف را در قبال فرد ب انجام دهم، اما رضایت نداشته باشم که عمل الف در موقعیت فرضی مشابه در مورد خودم اعمال شود، در آن صورت من دچار ناسازگاری خواهم بود. تفکر اخلاقی عقلانی ۳ شامل این مراحل است: فهم و درک واقعیت‌ها) مخصوصاً این‌که یک عمل چه تأثیری بر دیگران خواهد گذاشت (، تصور کردن خود به نحوی دقیق و روشن در موقعیت و جایگاه فرد دیگر [که از عمل ما تأثیر می‌پذیرد]، و نهایتاً تعیین این‌که آیا می‌توانیم باورهای سازگاری داشته باشیم یا خیر)

- 
1. golden rule
  2. consistency
  3. rational moral thinking

دو اصل عقلانی برای تفکر اخلاقی؛ از تعمیم‌پذیری هیر تا قاعده طلایی گنسلر ۱۴۱

که شامل قاعده طلایی نیز می‌شود). چنین تفکر اخلاقی عقلانی‌ای تقریباً هرکسی را به رد و انکار اصول "نازی" ها سوق می‌دهد.

نازی‌ها در شرایط زیر می‌توانند از پاسخ به استدلال‌های هیر شانه خالی کنند: [۱] در صورتی که از صدور احکام اخلاقی (مثلاً این که «باید این کار را انجام دهیم» در مورد اعمالشان خودداری کنند، [۲] اگر چنین احکامی داشته باشند اما به طریقی که چنین احکامی تعمیم‌پذیر و تجویزی نباشند، [۳] اگر آن‌ها نسبت به واقعیات بی‌خبر باشند، و [۴] اگر آن‌ها نتوانند خودشان را در جایگاه قربانیانشان قرار دهند. حتی برخی نازی‌های متعصب، ممکن است واقعاً به این تمایل داشته باشند که اگر یهودی می‌بودند، باید در اردوگاه کار اجباری نگهداری می‌شدند. هیر در این مواقع می‌گوید: «ما در مورد چنین فردی دیگر حرفی برای گفتن نداریم!» شاید بتوان با استفاده از شناخت درمانی<sup>۱</sup> ریچارد برنت<sup>۲</sup> چنین افراد متعصبی را نقد و نکوهش کرد. یک نازی متعصب مجبور خواهد بود به شدت از یهودی بودن نفرت داشته باشد. ما باید تلاش کنیم منشأ این نفرت را به شخص نازی بفهمانیم (که ممکن است ناشی از شرایط اجتماعی، باورهای غلط، تصورات غالب کلیشه‌ای و ... باشد (و آگاهی و تجربیات شخصی او از یهودیان را بسط دهیم. احتمالاً در چنین شرایطی نفرت او از یهودیان کاهش یافته و یا از بین خواهد رفت. اما به هر ترتیب در چنین شرایطی دشمنی‌های نژادی او را می‌توان به صورت عقلانی مورد انتقاد قرارداد.

تفکر اخلاقی<sup>۳</sup> (۱۹۸۱) استدلال می‌کند که روش قاعده طلایی منجر به یک سودگرایی<sup>۴</sup> مطلوب می‌شود: باید تا حد امکان برآورده شدن تمایلات همگان را بیشینه

- 
1. cognitive therapy
  2. Richard Brandt
  3. Moral thinking
  4. utilitarianism

کنیم. هیر معتقد است که ما یک سودگرای مطلوب خواهیم بود اگر در تفکر اخلاقی مان عقلانی باشیم.

هیر می‌پذیرد که سودگرایی مطلوب، بعضاً با شهودات اخلاقی ما ناسازگار است. اغلب افراد احساس می‌کنند این خطاست که یک افغان را مورد اذیت و آزار قرار دهیم، حتی اگر این کار باعث پیشینه شدن رضایت همه افراد جامعه شود. هیر تلاش می‌کند که این انتقاد را با توسل به عقیده دوسطحی بودن استدلال اخلاقی، برطرف کند. در نظر هیر، انسان‌ها گاهی اوقات مانند فرشتگان مقرب‌اند<sup>۱</sup> (ناظرهای آرمانی<sup>۲</sup> با قدرت تفکر بسیار زیاد و بدون ضعف‌های انسانی)، و گاهی مانند عوام<sup>۳</sup> با بسیاری از ضعف‌ها و توانایی و وقت کم برای تفکر درباره امور). سطح انتقادی<sup>۴</sup> تفکر اخلاقی، سعی دارد مانند فرشتگان مقرب از دریچه عقلانیت درباره امور فکر کند؛ این سطح بر اساس تفکر انتقادی است نه شهودات اخلاقی، و منجر به سودگرایی مطلوب می‌شود. یکی از وظایف تفکر انتقادی، دستیابی به قوانین و قواعدی است که در شهودات عوام و دیگر انسان‌ها به کار می‌رود؛ این قواعد و قوانین احتمالاً مانند اخلاقیات عرفی و مرسوم بوده و شامل مواردی مانند «به دیگران آزار نرسان» می‌باشد. سطح شهودی<sup>۵</sup> تفکر اخلاقی به جای تفکر درباره امور، شهودات را دنبال می‌کند. همان‌طور که معمولاً این‌گونه است، ما هنگامی که برای تفکر انتقادی و عقلانی درباره یک مسئله اخلاقی با کمبود وقت یا انرژی مواجهیم، از این شهودات استفاده کرده و آن‌ها را دنبال می‌کنیم. بنابراین شهودات اخلاقی جایگاهی مشروع و قانونی در تفکر اخلاقی ما دارند، اما نه [مشروعیتی]

- 
1. Archangels : an angel of the highest rank
  2. Ideal Observers
  3. proles : a person who has low social status : a member of working class : PROLETARIAN
  4. critical level
  5. intuitive level

دو اصل عقلانی برای تفکر اخلاقی؛ از تعمیم‌پذیری هیر تا قاعده طلایی گنسلر ۱۴۳

در سطح تفکر انتقادی. این نامشروع است که از شهودات در سطح انتقادی استفاده کرد و به‌عنوان مثال این شهودات را علیه سودگرایی مطلوب به‌کاربرد.

منتقدان هیر درباره توجیه او از سودگرایی مطلوب به‌وسیله تجویز گرایی فراگیر دچار شک‌اند و برخی منتقدان نیز می‌گویند که علیه سودگرایی مطلوب مدنظر هیر، یک استدلال سازگاری قاعده طلایی استاندارد وجود دارد. اگر ما معتقد باشیم که: «من باید شخص افغان X را آزار دهم، اگر این کار رضایت خاطر همگان را برآورده کند»، آنگاه ما باید این را نیز بخواهیم که در شرایط و موقعیتی معکوس، خودمان مورد آزار و اذیت قرار گیریم. اما ما احتمالاً چنین چیزی را طلب نمی‌کنیم. این استدلال از سازگاری استفاده می‌کند، نه شهودات اخلاقی.

هیر کارهای زیادی در اخلاق کاربردی انجام داده است. مثلاً او علیه شاگردش پیتر سینگر<sup>۱</sup> (که ساختار اخلاقی هیر را می‌پذیرد اما به نحوی جزمی‌تر آن را به کار می‌گیرد) استدلال می‌کند که تفکر اخلاقی منجر به گیاه‌خواری جزمی / سختگیرانه<sup>۲</sup> نمی‌شود، بلکه باعث پذیرش رویه گیاه‌خواری معتدل<sup>۳</sup> می‌شود؛ یعنی کم‌گوشت خوردن و انتخاب با دقت آن. هیر استدلال می‌کند که گیاه‌خواری معتدل در قیاس با گیاه‌خواری جزمی این مزیت‌ها را دارد: به تندرستی یکسانی با گیاه‌خواری جزمی منجر می‌شود، برای [معضل] قحطی و گرسنگی جهانی مفیدتر است) زیرا برخی مناطق تپه‌ماهوری و خشک، بیش از کشاورزی برای دامداری مناسب‌اند، و در نهایت به سود حیوانات پرورشی است که به طریقی مناسب رشد یافته‌اند (زیرا در غیر این صورت زنده نمی‌ماندند).

- 
1. Peter Singer
  2. strict vegetarianism
  3. demi-vegetarian

هیر به دلیل رد طبیعت‌گرایی<sup>۱</sup>، پذیرش رویکردی نا شناخت‌گرایانه، استدلال قاعده‌طلایی و سودگرایی‌اش منشأ بسیاری از مباحثات و مناقشات بوده است. به دلیل دقت و ظرافت رویکرد او، نظراتش غالباً دچار بدفهمی و سوء تفسیر شده‌اند.

### قاعده طلایی ۲

«با دیگران آن‌گونه رفتار کن که خوش داری با تو رفتار شود». با کمی تغییر در کلمات، این [قاعده] اصل یکسانی است که در گستره وسیعی از ادیان و فرهنگ‌های مختلف مطرح شده است. کنفوسیوس، خاخام هیلل و مسیح، همگی [این] قاعده را برای خلاصه آموزه‌هایشان استفاده می‌کنند. هم‌چنان‌که بودیسم، تائویسم، هندوئیسم، اسلام و آئین زرتشت از این قاعده پیروی می‌کنند، متفکران سکولار نیز از فرهنگ‌های گوناگون پیرو آن هستند. بسیاری از [ادیان و متفکرین] این قاعده را محور تفکر اخلاقی خود قرار می‌دهند. قاعده طلایی تقریباً به یک اصل کلی [و قانونی جهان‌شمول] تبدیل شده - یعنی هنجاری که برای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها مشترک است.

قاعده طلایی برای مردم فرهنگ خود ما<sup>۳</sup> [نیز] مهم است. برای مثال، خیلی از اهل جرّف و متخصصان اغلب این قاعده را برای توضیح مسئولیت‌هایشان در قبال دیگران استفاده می‌کنند. به این ترتیب یک پرستار با فکر، ممکن است بگوید: «من سعی می‌کنم طوری با بیمارانم رفتار کنم که می‌خواستم در جایگاه آنان آن‌گونه با من رفتار شود». بسیاری در آموزش، تجارت، یا وظایف حکومتی چیزی مشابه این را می‌گویند.

رئیس‌جمهور جان کندی در ۱۹۶۳م در یک سخنرانی ضد نژادپرستی، هنگامی که اولین سپاه‌پوست در دانشگاه آلاباما ثبت‌نام کرد به قاعده طلایی توسل جست. وی از سفیدپوستان خواست تصور کنند اگر با آن‌ها به علت رنگ پوستشان به‌عنوان شهروندان

- 
1. naturalism
  2. Golden Rule

۳. منظور نویسنده، آمریکایی‌هاست.

دو اصل عقلانی برای تفکر اخلاقی؛ از تعمیم‌پذیری هیر تا قاعده طلایی گنسلر ۱۴۵

درجه دوم رفتار می‌شد چه حالی داشتند؟ سفیدپوستان باید خودشان را به‌جای سیاه-پوستان تصور می‌کردند که به آن‌ها گفته می‌شد نمی‌توانند رأی بدهند، به بهترین مدارس دولتی بروند، در رستوران‌های عمومی نمی‌توانند غذا بخورند، یا در جلوی اتوبوس نمی‌توانند بنشینند. آیا سفیدپوستان ظرفیت این را داشتند که این‌گونه با آنان رفتار شود؟ او مطمئن بود که آنان [این را] نمی‌خواهند- و با این حال چگونه می‌خواهند با دیگران رفتار کنند. وی گفت: «سؤال اصلی این است ... آیا می‌خواهیم با هم‌وطنان آمریکایی‌مان طوری رفتار کنیم که می‌خواهیم با ما رفتار شود؟!»

بسیاری از فلاسفه، قاعده طلایی را عمدتاً به این دلیل که اگر به معنای تحت‌اللفظی<sup>۱</sup> آن اخذ شود منجر به مهملات می‌انجامد، نفی می‌کنند و یا نمی‌پذیرند: «اگر شما از X می‌خواهید که کاری را برایتان انجام دهد، پس چیز مشابهی را برای X انجام دهید». بسیاری از مهملات، وقتی پدید می‌آید که شرایطی که شما در آن قرار دارید نسبت به X متفاوت است؛ برای مثال [اگر معنای تحت‌اللفظی قاعده طلایی را به کار ببریم]:

۱. خطاب به پسری (با شنوایی خوب) که با پدری پیر (با شنوایی ضعیف) سخن می‌گوید: اگر می‌خواهید پدرتان با صدای بلند با شما حرف نزند، پس با صدای بلند با او صحبت نکنید.

## 1. Literal Golden Rule

تفاوت GR و LR

- قاعده طلایی (GR) به ما می‌گوید: «با دیگران چنان رفتار کنید که دوست دارید در موقعیت مشابه با شما آن‌گونه رفتار شود».
  - قاعده طلایی در تعبیر ظاهری آن (LR) به ما می‌گوید: «با دیگران چنان رفتار کنید که دوست دارید با شما آن‌گونه رفتار شود».
- قاعده طلایی در تعبیر ظاهری آن [LR] در واقع چنین بیان می‌دارد: «اگر می‌خواهید X، کاری در قبال شما انجام دهد، در این‌صورت باید همین کار را در قبال X انجام دهید» (گنسلر، ۱۳۹۰، ۲۴۳). در واقع LR عبارت «موقعیت مشابه» که در GR به کار برده می‌شود را ندارد.

۲. به یکی از والدین: اگر می‌خواهید دخترتان شما را تنبیه نکند، پس او را تنبیه نکنید.

قاعده طلایی در شکل تحت‌اللفظی آن (LR) به‌طور غیرموجه می‌گوید: «اگر از دیگران می‌خواهی که به نحوی خاص در موقعیت کنونی شما با شما رفتار کنند، در آن صورت این همان کاری است که شما باید در قبال آن‌ها انجام دهید- حتی اگر شرایطشان خیلی متفاوت باشد». در مثال شماره ۱، روش بهتر برای به‌کاربردن قاعده طلایی این است که خودتان را به‌جای پدرتان (کسی که شنوایی‌اش ضعیف است) تصور کنید، و بپرسید چگونه با شما در این موقعیت می‌خواهید رفتار شود؛ شما به احتمال قوی مایلید که اگر در آن شرایط قرار گرفتید در آن صورت مردم با صدای بلند با شما صحبت کنند. در مثال شماره ۲، اگر تنبیه معقول و به مصلحت دختر باشد، پدر و مادر باید بتوانند بگویند: «من می‌خواهم که اگر به‌جای دخترم بودم تنبیه شوم».

هری گنسلر این روش را برای صورت‌بندی قاعده طلایی پیشنهاد می‌کند تا به لوازم نامعقول دچار نشود:

قاعده طلایی :  
با دیگران طوری رفتار کن که خوش داری در  
موقعیتی مشابه با تو آن‌گونه رفتار شود.

جمع این باورها مجاز نیست:

- من کاری را در قبال دیگری انجام می‌دهم.
- من نمی‌خواهم این کار در همان موقعیت در قبال من انجام گیرد.



این صورت‌بندی، یک شکل «ترکیب نکن» است و از شما می‌خواهد که موقعیت دقیقاً معکوسی را تصور کنید. برای به‌کاربردن قاعده، خودتان را به‌جای شخص دیگری در رسیدن به انجام کار تصور می‌کنید. اگر شما به روشی نسبت به دیگران عمل کنید و نمی‌خواهید که با شما به این روش در شرایط مشابه رفتار بشود، شما از قاعده خارج شده‌اید.

بر اساس این نگرش، قاعده طلایی یک اصل سازگاری<sup>۱</sup> است. این قاعده جایگزین هیچ هنجار اخلاقی معینی نمی‌باشد. این قاعده یک راهنمای مصون از خطا، که بر اساس آن بگوید کدام عمل درست و کدام نادرست است، نیست. این قاعده صرفاً سازگاری را توصیه می‌کند؛ بدین معنی که نباید اعمالمان در قبال دیگران را، با میلمان در قبال فعلی در موقعیتی معکوس، ناهماهنگ باشد. به‌کاربردن قاعده طلایی به‌طور کافی و تام و تمام به معرفت و تخیل نیاز دارد. ما نیاز داریم بدانیم که عملکردهایمان بر روی زندگی دیگران چه تأثیری دارد و ما نیاز داریم تا قادر باشیم که خودمان را، به وضوح و دقیق، به‌جای شخصی که در معرض این عمل قرار دارد، تصور کنیم.

ممکن است سازگاری قاعده طلایی را رعایت کنیم و باز در عین حال مرتکب اشتباه شویم، خصوصاً اگر درباره نحوه رفتاری که باید با ما شود میل‌های معیوبی داشته باشیم. تصور کنید که صاحب یک معدن ذغال سنگ به کارگزارانش با خساست یک دلار در روز پرداخت می‌کند. او اشتباهش بر این باور است که یک فرد می‌تواند به‌خوبی با یک دلار در روز زندگی کند، و تمایل بسیاری دارد که اگر به‌جای کارگزارانش باشد همان قدر پول دریافت کند. او با کارگزارانش طوری رفتار می‌کند که می‌خواهد با او رفتار کنند. اشتباه او [بر سر مسئله‌ی] ناسازگاری نیست، بلکه بر اساس جهل و بی‌خبری<sup>۲</sup> او است. ما نیاز

---

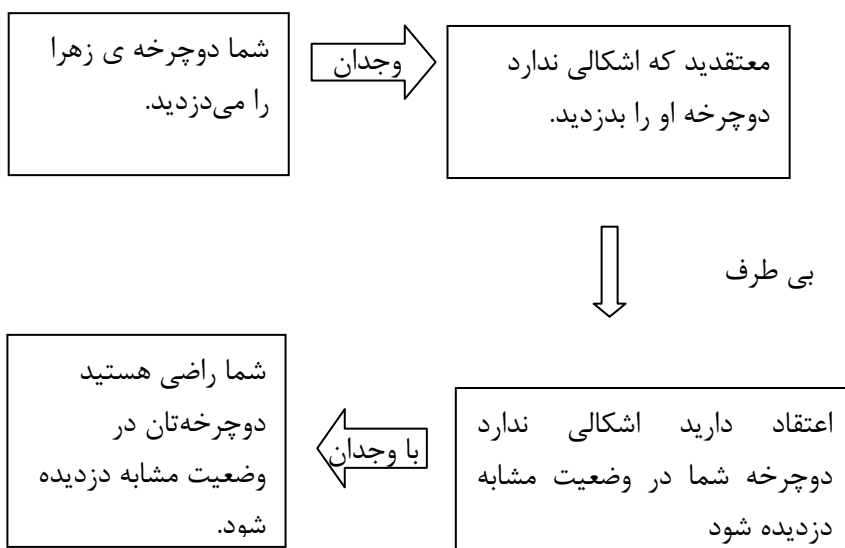
1 . consistency

2 . ignorance

داریم دیدگاه وی را درباره واقعیت‌ها تصحیح کنیم؛ و تنها در این صورت است که قاعده طلابی می‌تواند سنجه‌ای در باب نحوه پرداخت او به کارگزارانش باشد.

یک متعصب نازی را تصور کنید که یهودیان را شکنجه می‌دهد، اما سازگاری قاعده طلابی را نیز رعایت می‌کند؛ او آن قدر از یهودیان متنفر است که می‌خواهد اگر یهودی نیز باشد با وی رفتار شکنجه‌گونه شود. این فرد نازی امیال معیوبی دارد که از تنفر از یهودیان نشأت گرفته است. ما باید سعی کنیم تا به آن‌ها منشأ این تنفر را بفهمانیم (ممکن است ریشه نفرت او از شرایط جامعه، باورهای غلط، تصورات غالب، و قس علی‌هذا به وجود آید) تا معرفت و تجربیات شخصی خود را در قبال یهودیان به طریقی آزاد و بدون تعصب<sup>۱</sup> بسط و توسعه دهند. احتمالاً اگر او این عمل را انجام دهد تنفر وی از یهودیان کم یا [حتی] از بین می‌رود، و [پس‌از آن است که] استدلال مبتنی بر قاعده طلابی به یک شیوه متعارف به کار می‌رود.

قاعده طلابی از دو هنجار سازگار دیگر [نیز] تبعیت می‌کند: این‌که، ما باید با وجدان و بی‌طرف باشیم. فرض کنید می‌خواهید دوچرخه زهرا را بدزدید و فرض کنید که شما با وجدان هستید (یعنی: اعمال و امیالتان را در سازگاری با باورهای اخلاقی‌تان نگه می‌دارید) و بی‌طرف هستید (یعنی: ارزشیابی یکسانی درباره اعمال یکسان دارید). پس شما دوچرخه او را نخواهید دزدید، مگر این‌که بخواهید دوچرخه شما در شرایط مشابه دزدیده شود. این نمودار مراحل را در استنتاج نشان می‌دهد:



اگر شما بی‌طرف و با وجدان هستید پس از قاعده طلایی تبعیت می‌کنید: ما نمی‌خواهیم چیزی را برای فرد دیگری انجام دهیم مگر این‌که بخواهیم آن کار در شرایط مشابه برای ما انجام شود.

مردم از قاعده طلایی در جنبه‌های فکری متفاوتی دفاع کرده‌اند. برای مثال: به‌عنوان یک امر الهی (در اخلاق کتاب مقدس)، به‌عنوان یک هنجار فرهنگی (در نسیب‌گرایی اخلاقی)، به‌عنوان بیان احساسات خیر اندیشانه (در عاطفی‌انگاری و شخصی‌انگاری)، به‌عنوان داشتن نتایج اجتماعی خوب (در سودگرایی)، به‌عنوان این‌که به ما کمک کند تا با مردم مشارکت کرده و بدین‌جهت نفع شخصی خودمان را برآورده کنیم (مثلاً در هابز و بحث کارما)، به‌عنوان این‌که معنی اصطلاحات اخلاقی بر آن مبتنی هستند (مثلاً در نظریه هیر)، یا به‌عنوان خواسته سازگار با عقل محض (در ضابطه جهان‌شمول کانت).

**نتیجه‌گیری:**

آنچه به نظر رسید، ترجمه دو مدخل از دانش‌نامه تاریخی فلسفه اخلاق یعنی مدخل آر. ام. هیر و قاعده طلایی بود. همچنان که گذشت دو اصل عقلانی که در اخلاق به کار می‌رود اصل تعمیم‌پذیری که مورد تأکید هیر است، و قاعده طلایی است. به نظر می‌رسد این دو اصل در شرایط به‌کارگیری آن‌ها یعنی ۱. قدرت تخیل؛ ۲. وجدان؛ ۳. بی‌طرفی؛ ۴. آگاهی و عدم جهل و بی‌خبری به یکسان عمل می‌کنند. هم‌چنین طبق رویکرد گنسلر، قاعده طلایی نوعی از سازگاری محسوب می‌گردد و انسان را به‌سوی بی‌طرفی سوق می‌دهد. البته این نتیجه را می‌توان مدنظر داشت که اصل تعمیم‌پذیری در این نقطه نیز مانند قاعده طلایی است. اینکه قاعده طلایی – با دیگران طوری رفتار کن که خوش داری در همان موقعیت با تو آن‌گونه رفتار شود- با اصل تعمیم‌پذیری – چنان رفتار کن که بتوانی این رفتار را قانونی عام در جهان بدانی- یکی باشد جای بحث و مناقشه است. اما به نظر می‌رسد این دو اصل عقلانی بسیار به هم نزدیک‌اند. هم‌چنین می‌توان امر مطلق کانت را هم با این اصول سنجید؛ که این البته نیاز به جستاری جداگانه دارد.

دو اصل عقلانی برای تفکر اخلاقی؛ از تعمیم‌پذیری هیر تا قاعده طلایی گنسلر ۱۵۱

### منابع و مأخذ:

۱. اسلامی، سید حسن، ۱۳۸۶، قاعده زرین در حدیث و اخلاق، نشریه علوم قرآن و حدیث، شماره ۴۵ و ۴۶.
۲. علیا، مسعود، ۱۳۹۱، فرهنگ توصیفی فلسفه اخلاق، تهران، انتشارات هرمس.
۳. کانت، امانوئل، ۱۳۶۷، بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق / گفتاری در حکمت کردار، حمید عنایت و علی قیصری، تهران، انتشارات خوارزمی.
۴. گنسلر، هری جی، ۱۳۹۱، اخلاق صوری، مهدی اخوان، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۵. گنسلر، هری جی، یک نظریه صوری شده اخلاقی، مهدی اخوان، مجله نقد و نظر، سال دوازدهم، شماره اول و دوم، صفحات ۲۸۳ - ۳۱۹.
۶. گنسلر؛ هری ج، ۱۳۹۰، درآمدی بر فلسفه اخلاق معاصر، مهدی اخوان، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۷. نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی؛ قم، انتشارات مشهور.
8. Gensler; Harry J. and Spurgin; Earl W. 2008, *Historical Dictionary of Ethics*, the Scarecrow Press, UK



## شفافیت اطلاعاتی دولت و تأثیر آن بر افزایش اعتماد عمومی

فاضل نجفی<sup>۱</sup>

دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۲۸ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۵/۲۵

### چکیده

در تحقیق حاضر با توجه به اهمیت مؤلفه اعتماد در جامعه و بسیاری از حوزه‌ها از جمله افزایش سرمایه اجتماعی، تأثیر شفافیت اطلاعات بر افزایش این مؤلفه با توجه به تحقیقاتی که در سال‌های اخیر در کشورهای مختلف انجام شده مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها حاکی از این واقعیت است که صرفاً افزایش شفافیت در اطلاعات باعث افزایش اعتماد نمی‌شود و متغیرهای مختلفی مانند: فرهنگ جامعه، ادراک از اطلاعات، نحوه ارائه اطلاعات و ... در این رابطه می‌توانند تأثیرگذار باشند.

واژگان کلیدی: اعتماد<sup>۲</sup>، شفافیت<sup>۳</sup>، دولت<sup>۴</sup>، اطلاعات

---

۱- دانشجوی کارشناسی مدیریت دولتی، پردیس فارابی دانشگاه تهران

2 Trust  
3 Transparency  
4 Government

**مقدمه و بیان مسئله :**

جوامع امروزی با گسترش اطلاعات و ارتباطات به صورت دهکده جهانی در آمده که ساختارهای گذشته و روابط بین فردی، و بین فرد و جامعه تغییر یافته است. در فضای کنونی مهم‌ترین مؤلفه‌ای که می‌تواند باعث موفقیت در روابط پیچیده شود اعتماد بین فردی و اعتماد اجتماعی است (Welch, Hinnant, & Moon, 2005, pp. 371-391). اعتماد باعث ایجاد روابط سالم می‌شود، پذیرش و درک دیگران را میسر می‌کند، باعث افزایش مشروعیت حکومت و افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود و رشد اقتصادی و اجتماعی را در پی دارد.

(Zak & Knack, 2001, pp. 295-321)

در یک جامعه دموکراتیک مردم مهم‌ترین تصمیم‌گیرندگان و تعیین‌کنندگان سرنوشت کشور محسوب می‌شوند، برای تصمیم‌گیری و تعیین سرنوشت نیاز به یک سری اطلاعات است. وظیفه دولت‌ها فراهم کردن اطلاعات برای مردم است. دولت‌ها با افشای اطلاعات درباره مسائل مهم جامعه و فعالیت‌های دولت، مردم را در جریان نحوه فعالیت‌های خود قرار می‌دهند. به‌طور کلی شفافیت در اطلاعات یکی از مؤلفه‌های مهم حکمرانی خوب و نشان‌دهنده پاسخگویی دولت‌ها می‌باشد. دستاوردهای بسیاری در رابطه با تأثیرگذاری شفافیت بر اعتماد به دولت وجود دارد،

(Tolbert & Karen, 2006, p. 69)

(Cook, Jacobs, & Kim, 2010, pp. 397-412)

(Nye, Zelikow, & King, 1997, pp. 2-39)

(Grimmelikhuijsen & Meijer, 2012, p. mus048)

(De Fine Licht, 2011, pp. 183-201)

(Grimmelikhuijsen, Porumbescu, Hong, & Im, 2013, pp. 575-586)

(Chong, De La, Ana, Karlan, & Wantchekon, 2011)



در برخی از این تحقیقات فرض بر این بوده که رابطه علت و معلولی بین شفافیت و اعتماد وجود دارد، به گونه‌ای که شفافیت یک عامل کلیدی برای جلب اعتماد مردم به دولت فرض شده است و اگر دولت اطلاعات مربوط به فرآیند اتخاذ تصمیمات، مانند چگونگی تصمیم‌گیری، ساختار تصمیمات و نتایج آن‌ها را در اختیار مردم قرار دهد آن‌ها به‌طور خودکار اعتماد بیشتری به دولت خواهند داشت.

اما سؤال ما در تحقیق حاضر این است :

- آیا شفافیت در اطلاعات واقعاً منجر به اعتماد می‌شود؟

- آیا عدم وجود شفافیت منجر به عدم اعتماد می‌شود؟

### اعتماد

اعتماد در جامعه به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم در افزایش سرمایه اجتماعی شناخته شده است، همچنین اعتماد بالا منجر به رشد اقتصادی، موفقیت‌های اقتصادی (Arrow, 1972, pp. 343-362)

(Zak & Knack, 2001, pp. ) (Zakaria & Yusof, 2015, pp. 253-268)  
(295-321

و مشارکت‌های مدنی می‌شود (Putnam, 2000, pp. 136-137) (Ma & Yang, 2014, pp. 323-341).

اعتماد می‌تواند باعث تسهیل در تعاملات اجتماعی و اقتصادی شود و در نبود آن جامعه مانند تله یا زندانی می‌شود که همکاری در آن بسیار دشوار خواهد شد (Buchan, Croson, & Dawes, 2002, pp. 168-206). بر اساس مفروضات اقتصاددانان سنتی و بر اساس عقلانیت ابزاری تکرار در تعاملات اجتماعی و در نظر گرفتن مجازات برای تقلب و تخطی از قوانین می‌تواند باعث افزایش اعتماد شود. (Fudenberg, Levine, & Maskin, 1994, pp. 997-1039) بنابراین اعتماد

می‌تواند هزینه‌های معاملات و فعالیت‌های اقتصادی را کاهش و همچنین باعث افزایش رفاه اجتماعی شود.

### تعریف اعتماد بر اساس فرهنگ آکسفورد:

۱- اطمینان و یا اتکا به برخی از ویژگی‌ها یا خصایص یک شخص یا

سازمان

۲- پذیرفتن یا اعتبار دادن به شخص یا سازمان بدون بررسی و دریافت

شواهد و قرائن

۳- باور یا اعتقاد یا اتکا به صداقت یک فرد یا سازمان

۴- داشتن انتظارات مطمئن نسبت به فرد یا سازمان

۵- صداقت، درستی و وفاداری (الوانی & دانایی فرد، ۱۳۸۰، ص. ۵-۲۷)

اولین تحقیقات در زمینهٔ اعتماد در حوزه‌های روانشناسی و جامعه‌شناسی انجام شده است. علاقه محققان مدیریت به مفهوم اعتماد با بررسی تأثیرگذاری این مؤلفه بر روابط بین خریداران و فروشندگان شروع شد. اما آثار منتشر شده در زمینهٔ اعتماد به کم‌تر از ۵ مقاله در سال هم نمی‌رسید. این وضعیت با انتشار آثار موران و همکاران<sup>۱</sup> (۱۹۹۲ و ۱۹۹۳) در زمینه رابطه اعتماد با کسب‌وکار و سازمان‌های تحقیقات بازاریابی و ارائه مدل اعتماد-تعهد<sup>۲</sup> توسط مورگان و هانت<sup>۳</sup> (۱۹۹۴) در بازاریابی رابطه‌ای و تعیین دو بعد شناختی<sup>۴</sup> و عاطفی<sup>۵</sup> توسط مک آلیسر<sup>۶</sup> (۱۹۹۵) تغییر یافت. این سه اثر به‌عنوان به‌عنوان آثار بنیادین در زمینهٔ اعتماد در نظر گرفته می‌شوند.

---

1 Moorman et al  
2 commitment-trust  
3 Morgan and Hunt  
4 Cognitive  
5 Affective  
6 McAllister

آیا اعتماد یک مفهوم ساده است؟ بر اساس مقالات منتشر شده و مطالعات انجام شده در این زمینه می توان گفت اعتماد هم مانند مفاهیم اجتماعی دیگر یک مفهوم پیچیده و چندبعدی است. با توجه به مطالعات اولیه در زمینه مفهوم اعتماد توسط زند (۱۹۷۲) سه عامل بنیادین، صداقت<sup>۱</sup>، خیرخواهی<sup>۲</sup> و اعتبار<sup>۳</sup> برای اعتماد بیان شده است.

(Arnott, 2007, pp. 981-987)

این واقعیت که در کشورهای مختلف میزان اعتماد متفاوت است می تواند نشان دهنده نقش کیفیت ارائه خدمات مؤسسات دولتی و دولت ها به عنوان بازیگران اصلی جامعه باشد. مطالعات در مورد اعتماد در جامعه نشان می دهد که عوامل مختلفی مانند ویژگی های فردی، ویژگی های گروه ها و نهادهایی که فرد در آن ها عضویت دارد و ویژگی های جامعه بر اعتماد به دولت تأثیرگذارند. (Sun & Wang, 2012, pp. 447-457) این نکته قابل ذکر است که در برخورد با افراد با اطمینان نمی توان گفت که میزان اعتماد آن ها چقدر است (Fischer, 2008, pp. 56-59) آلسینا و فررا<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) پنج عامل را در اعتماد افراد مؤثر می دانند:

۱- ویژگی های فردی<sup>۵</sup>

۲- مدت زمانی که فرد در جامعه مورد نظر زندگی کرده<sup>۶</sup>

۳- آخرین مشکلاتی که برای فرد پیش آمده<sup>۷</sup>

۴- ادراک فرد در مورد بخشی از گروهی که تفکیک شده<sup>۱</sup>

---

1 Integrity

2 Benevolence

3 Credibility

4 Alesina and Ferrara

5 individual characteristics

6 How long an individual has lived in a community

7 recent personal history of misfortune

۵- یکی از ویژگی‌های جامعه، از جمله ناهمگونی نژادی و درآمد آن‌ها<sup>۲</sup>  
(Sun & Wang, 2012, pp. 447-457)

### اعتماد کارکردی و غیر کارکردی

سطح متوسط و معقولی از اعتماد می‌تواند سازنده باشد و اعتماد بیش‌ازحد و احساسی به دولت و مدیران مانع نقد عملکرد آن‌ها می‌شود، و کاهش میزان اعتماد مشروعیت نظام سیاسی را از بین می‌برد.

۱- شکاکی و انتقاد نسبت به فعالیت‌های دولت و سازمان‌های دولتی باعث اصلاح آن‌ها می‌شود. به همین دلیل مردم نباید کورکورانه و به دلایل مختلف مانند ارزش‌های دینی و تعلقات به شخص رهبر یا دولتمردان به دولت و فعالیت‌های آن اعتماد کنند. این اعتماد افراطی باعث حرکت کشور به سمت جامعه دولت‌محور و شخص‌محور می‌شود و ارزش‌های دموکراتیک خدشه‌دار می‌شوند.

۲- شکاکی و افراط بیش‌ازحد هم باعث کارشکنی در فعالیت‌های دولت و سازمان‌های دولتی می‌شود. نباید این شکاکی آن‌قدر عمیق و گسترده شود که مردم به کلی اعتماد خود به دولت را از دست دهند. زیرا در این فضا دولت‌ها اگر بخواهند هم نمی‌توانند در جهت منافع مردم و جامعه حرکت کنند. اثر بخشی سازمان‌های دولتی درگرو اعتماد متقابل بین مردم و دولت است. اگر اعتماد متقابل بین رهبران جوامع و مردم از بین برود دیگر فرصتی برای تبادل نظرات نخواهد بود و جامعه رو به سوی افول می‌گذارد.

←

1 the perception of being part of a discriminated group

2 one's community characteristics, including its racial and income heterogeneity

### انواع اعتماد عمومی<sup>۱</sup>

۱- اعتماد اعتباری<sup>۲</sup>: از این نوع اعتماد با عنوان اعتماد یک طرفه هم یاد می‌شود. زیرا در این نوع اعتماد یک طرف باید به طرف دیگر اعتماد کند هرچند که ساختارهای نظارتی و کنترلی هم بر رفتار آن‌ها وجود نداشته باشد مانند رابطه بین پزشک و بیمار، بیمار مجبور است برای درمان به پزشک اعتماد کند و یا رابطه اصیل و وکیل، اصیل به وکیل اعتماد می‌کند هرچند نتواند به صورت دقیق بر عملکرد او نظارت داشته باشد در این نوع اعتماد تعهد اخلاقی نقش مهمی ایفا می‌کند. در برخی مواقع مردم مجبورند به دولت و دولتمردان اعتماد کنند هرچند ساختارها به گونه‌ای نباشد که بتوانند به طور دقیق بر رفتار آن‌ها کنترل و نظارت داشته باشند. به عنوان مثال بعد از رأی دادن به نمایندگان مجلس مردم دیگر کنترلی بر رفتار آن‌ها و تصمیم‌گیری و انتخاب آن‌ها در تصویب قوانین ندارند اما باید به آن‌ها اعتماد کنند.

۲- اعتماد متقابل<sup>۳</sup>: این نوع اعتماد با اعتماد اعتباری از این جهت تفاوت دارد که در اعتماد متقابل دو فرد مطرح هستند یعنی همان اعتماد بین فردی، در این نوع اعتماد دو طرف می‌توانند بر رفتار طرف مقابل کنترل داشته و اعتماد کنند، اعتماد متقابل می‌تواند راه‌کاری جهت افزایش اعتماد اعتباری باشد. همان‌طور که در توضیح اعتماد اعتباری گفته شد در نوع اعتباری یک طرف، فرد و یک طرف دولت است که اعتماد یک طرفه صورت می‌گیرد. دولت‌ها در سطح اجرایی و محلی و یا همان بوروکرات‌های عملیاتی می‌توانند اعتماد را ایجاد کنند. مردم و بوروکرات‌های محلی که نماینده دولت هستند

---

1 Public trust

2 Fiduciary trust

3 Mutual trust

می‌توانند به صورت متقابل به یکدیگر اعتماد کنند و این اعتماد متقابل بین مردم و بوروکرات های محلی باعث افزایش اعتماد مردم به دولت و افزایش اعتماد اعتباری می‌شود.

۳- اعتماد اجتماعی<sup>۱</sup>: این نوع اعتماد ناشی از سرمایه اجتماعی است. به همین دلیل از مفهوم اعتماد اجتماعی جهت متمایز کردن جوامع با سرمایه اجتماعی بالا و پایین استفاده می‌شود.

(Reeskens & Hooghe, 2008, pp. 515-532)

اعتماد اجتماعی از شبکه‌های موجود در امور اجتماعی، مدنی و هنجارهای روابط متقابل ناشی می‌شود. این نوع اعتماد در گذر زمان و از تعاملات بین اشخاص شکل می‌گیرد و به تدریج به صورت همه‌گیر و عام می‌شود. اگرچه اعتماد اجتماعی به صورت کلی ایجاد می‌شود ولی نمی‌تواند به طور واضح از اعتماد متقابل یا اعتماد اعتباری تمیز داده شود. این نوع اعتماد تنها به افرادی که با هم در تعامل هستند و میانشان روابط چهره به چهره برقرار است محدود نمی‌شود. مرزهای خانوادگی، قومی و محلی را کنار می‌گذارد و در سطح ملی گسترش می‌یابد. (الوانی & دانایی‌فرد، ۱۳۸۰، ص. ۵-۲۷)

از نظر زومکا اعتماد امری نسبی است و اعتماد کردن به صورت مطلق امر مثبتی نیست. و اعتماد و یا بی‌اعتمادی بسته به این که مناسب و یا نامناسب باشد دارای کارکردهای به شرح جدول زیر است. (بختیاری، ۱۳۸۹، ص. ۲۴).

شفافیت اطلاعاتی دولت و تاثیر آن بر افزایش اعتماد عمومی ۱۶۱

کارکردهای بی اعتمادی	کارکردهای اعتماد	کارکردهای اعتماد و بی اعتمادی
باعث مصونیت از خطرات احتمالی می شود.	۱- باعث تراکم اخلاقی می شود. ۲- باعث افزایش مشروعیت حکومت می شود. ۳- پذیرش و درک دیگران را میسر می کند. ۴- احساس امنیت افراد را افزایش می دهد. ۵- کشش جمعی را افزایش می دهد. ۶- هویت جمعی را تقویت می کند.	<b>مناسب</b>
۱- باعث فرسایش سرمایه اجتماعی می شود. ۲- غفلت و تجاهل جمعی را افزایش می دهد. ۳- موجب بیگانگی فرد از هویت واقعی می شود. ۴- موجب بیگانگی فرد از هویت واقعی می شود. ۵- ایجاد رقابت بیشتر و دوباره بی اعتمادی می شود. ۶- فرد را از فواید احتمالی و سودمند محروم می کند.	زمینه ساز سوء استفاده و بهره کشی می شود.	<b>نا مناسب</b>

جدول شماره ۱ : کارکردهای اعتماد و بی اعتمادی

(بختیاری، ۱۳۸۹، ص. ۲۴)

## شفافیت

شفافیت دولت توسط بسیاری به عنوان عامل کلیدی تحقق حکومت بهتر در نظر گرفته شده است. شفافیت مانع فساد<sup>۱</sup> می شود، به افزایش مشروعیت<sup>۲</sup> کمک می کند، با افزایش اثربخشی عملکرد دولت را بهبود می بخشد و باعث ترویج اصول حکمرانی خوب<sup>۳</sup> می شود. (Hood, 2010, pp. 989-1009) (Holsen & Pasquier, 2012)

شفافیت نه تنها به عنوان ابزار رسیدن به اهداف خاص در نظر گرفته می شود بلکه خود به عنوان هدف مطرح است. با توجه به گفته های برخی از اندیشمندان شفافیت باید به عنوان یک حق اساسی انسان در نظر گرفته شود. (Hood, 2010, pp. 989-1009) اکثر تعاریف درباره شفافیت، آن را میزان دسترسی افراد به اطلاعات در نحوه تصمیم گیری و مراحل آن و نحوه عملکرد نهادها می دانند. (Marklund, 2014, p. 237) (Neudorfer & Neudorfer, 2014, p. pju035)

امانوئل کانت در تعریفی، شفافیت را به عنوان آزمونی برای مشروعیت معرفی کرده است. از نظر کانت، هر سیاستی برای آنکه عادلانه باشد، باید تاب قرار گرفتن در دیدگان مردم را داشته باشد، به اعتقاد او سیاستی که نتوان آن را علنی کرد و یا با علنی گشتن اثر آن از بین برود و مورد مخالفت مردم قرار گیرد، ناعادلانه است. (Patrick Lee, 2007, pp. 187-207)

استیگلیتز شفافیت را باز بودن فضای جامعه و وجود چندصدایی می داند (Stiglitz, 1999)

این تعاریف متنوع که از حوزه های مختلف می آید، روشن می سازد که شفافیت همیشه رابطه نزدیکی با پاسخگویی دارد. هدف از درخواست شفافیت اجازه دادن به

---

1 Corruption

2 Legitimacy

3 Good governance



شهروندان، بازارها یا دولت‌ها است تا سایرین را در قبال سیاست‌ها و عملکردهایشان پاسخگو نگه‌دارند. بنابراین شفافیت را می‌توان به‌منزله اطلاعاتی دانست که توسط نهادها منتشر می‌شوند و مربوط به ارزیابی این نهادها است.

ظاهراً امروزه شفافیت یک اصطلاح رایج در تمام حوزه‌ها شده است و نقل محافل علمی و سیاسی است اما به‌ندرت با دقت و موشکافی تعریف می‌شود. از چه کسی باید اطلاعات بخواهیم؟ چه اطلاعاتی، برای چه اهدافی باید تهیه شود؟ یکی از دلایل وجود چنین ابهامی کاربرد گسترده این اصطلاح در حوزه‌های مختلف است. شفافیت، در دولت که به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های حکمرانی خوب مطرح شده است، شفافیت بازارهای مالی و دیگر حوزه‌ها کاربرد گسترده یافته است. ( Oikonomidis, Bruce, & Johnson, 2015) (Ruppert, 2015, pp. 1-18)

شفافیت راه‌حلی برای مسائل مختلف مانند فساد، پول‌شویی، نوسانات بازارهای مالی و حوزه‌های دیگر شناخته شده است. اما شفافیت اطلاعات مخالفان بسیاری دارد، مخصوصاً کسانی که مورد نظارت و بازرسی قرار می‌گیرند. در حوزه سیاست، شفافیت می‌تواند قدرت را از گروهی گرفته و به گروه دیگر منتقل کند به همین دلیل مقاومت‌های بسیاری جهت رسیدن به شفافیت از سوی بسیاری از گروه‌ها مشاهده می‌شود.

### شفافیت یکی از مؤلفه‌های حکمرانی خوب

مفهوم حکمرانی خوب اخیراً در حوزه‌های علوم سیاسی، مدیریت دولتی و مدیریت توسعه مطرح و مورد استفاده قرار گرفته است

( Mohammad Moghimi, Alaei Ardakani, Seyyed Amiri, & Dastourian, 2013, pp. 501-514)

بانک جهانی مفهوم حکمرانی خوب را با شش ویژگی زیر مطرح کرده است :

۱- حق اظهار نظر، پاسخگویی و حساب پس دهی

۲- ثبات سیاسی و مهار خشونت

۳- اثربخشی و کارآمدی

۴- پالایش مقررات اضافی

۵- قانون مداری

۶- مهار فساد

همچنین بانک جهانی تأکید می‌کند که لازمه حکمرانی خوب، حساب پس دهی و پاسخگویی حکام است و این امر درگرو شفافیت مالی است. بنابراین مقدمه تحقق حکمرانی خوب، شفافیت امور مالی و توزیع عادلانه اطلاعات است

(پور عزت، ۱۳۸۷، ص. ۲۸۰-۲۸۹) (Weiss, 2000, pp. 795-814) (Esty, ) (2006, pp. 1490-1562).

### شفافیت و نقش حکومت‌های محلی

حکومت‌های محلی لایه‌ای از ساختار دولت و حکومت هستند که به‌طور مستقیم با مردم عادی در ارتباط‌اند مانند ادارات دولتی، آموزش و پرورش، شوراها و شهرداری‌ها که می‌توان گفت واحدهای اجرایی و مجری سیاست‌های دولت در سطح محلی هستند. در تحقیقاتی مشخص شده که بیشترین بازدیدها در وبسایت‌های دولتی مربوط به صفحات شهرداری‌ها می‌باشد که یکی از نزدیک‌ترین ارگان‌ها به مردم می‌باشند که بیشترین تأثیر را در زندگی آن‌ها دارند.

(Van Dijk, Peters, & ) (Pina, Torres, & Royo, 2007, pp. 449-472)

(Ebbbers, 2008, pp. 379-399)

با توجه به توضیحات مطرح شده می‌توان به این نتیجه رسید که مردم بیشتر از این‌که خواستار شفافیت در سیاست‌های کلان دولت و حکومت باشند به دنبال مطلع شدن از سیاست‌های خرد و سطوح پایین هستند که تأثیرگذاری این سیاست‌ها در زندگی آن‌ها مشهود و ملموس‌تر است.

### عوامل مؤثر در تقاضا برای شفافیت

#### ۱- جهانی شدن<sup>۱</sup>

جهانی شدن فرآیندی است که باعث از بین رفتن مرزهای سیاسی، همگرایی بیشتر بین جوامع و سازمان‌ها، افزایش سرعت و سهولت ارسال و دریافت اطلاعات، حذف تعلق به زمان و مکان شده است. همچنین به‌عنوان نیروی محرک اقتصاد، سیاست و سایر حوزه‌ها مطرح است. (Dookhony, 2015, p. 144)

(Rasiah, McFarlane, & Kuruvilla, 2015, pp. 2-13)

جهانی شدن زمینه تغییر ساختارهای سنتی دولت را به ساختارهای جدید فراهم کرده و حرکت به سمت دولت مجازی که همه‌جا در دسترس مردم است می‌باشد.

#### ۲- توسعه الکترونیک

به نظر می‌رسد که گذار از حکومت سنتی به حکومت الکترونیک در بسیاری از کشورهای جهان اجتناب‌ناپذیر باشد. به‌ویژه با توجه به توسعه و نفوذ تجارت الکترونیک در اقتصاد جهانی، طی سال‌های ۱۹۹۵ الی ۲۰۰۸، این انتظار وجود دارد که حکومت الکترونیک نیز توسعه یابد. این توسعه تا حدودی با نهضت مدیریت دولتی نوین هم‌راستا به نظر می‌رسد. گویا هدف این نهضت آن است که واحدهای اداری را به‌گونه‌ای شهروند

---

1 globalization

محور نموده، حکومت را حساب پس ده ساخته، و شهروند را همچون مشتری در نظر آورد. (پور عزت، ۱۳۸۷، ص. ۲۸۰-۲۸۹)

توسعه الکترونیسم و حکومت الکترونیک باعث افزایش حساب پس دهی دولت‌ها و ارائه اطلاعات به‌روز در زمینه سیاست‌ها و بهبود ارزش‌های جامعه‌ی دموکراتیک شده است. (Muñoz & Raquel Garde, 2015, pp. 1-23)

با توجه به گفته‌های دیویسون و همکاران (۲۰۰۵) به نظر می‌رسد که با توسعه روزافزون دسترسی به اطلاعات از طریق حکومت الکترونیک، شهروندان بتوانند تأثیر مثبتی بر فراگردهای اداره و حساب پس ده ساختن حکومت‌ها داشته باشند تا بدین ترتیب، با افزایش رهنمودها، قوانین، رفتارها و راه‌های حساب پس دهی و افزایش دسترسی عامه به حکومت، شفافیت عملکرد حکومت‌ها نیز افزایش یابد.

**کیفیت اطلاعاتی که در وبسایت‌های دولتی ارائه می‌شود در گرو سه**

**ویژگی است:**

#### ۱- کامل بودن اطلاعات<sup>۱</sup>

این مفهوم اشاره به جامعیت اطلاعاتی دارد که در دسترس افراد قرار می‌گیرد. کامل بودن اطلاعات به معنای ارائه حجم بالای اطلاعات نیست. به‌عنوان مثال ممکن است دولت مقدار زیادی از اطلاعات که شاید بسیاری از آن‌ها گمراه‌کننده باشند را در وبسایت خود قرار دهد اما این حجم از اطلاعات در شفاف‌سازی فعالیت‌هایش تأثیری نداشته باشند اما اگر اطلاعات مختصر و دقیق باشند می‌توانند شفافیت را در پی داشته باشند.

بنتام یکی از متفکرین انگلیسی طرفدار مفهوم شفافیت بیان می‌کند که مردم اطلاعات ارائه‌شده از طرف دولت و حکومت را به‌رحال مورد قضاوت قرار می‌دهند

---

1 completeness

و ارائه اطلاعات غیر قابل استفاده برای عموم مردم باعث قضاوت‌های اشتباه نسبت به فعالیت‌های دولت می‌شود. (Ward, 2014, p. 45) (Bauhr & Grimes, 2014, pp. 291-320)

## ۲-رنگ<sup>۱</sup>

مفهوم رنگ در ارائه اطلاعات (اطلاعات رنگی) اشاره به غربال کردن اطلاعات از سوی دولت‌ها یا سازمان‌های ارائه‌دهنده دارد. به‌عنوان مثال ممکن است دولت سعی کند اطلاعاتی در زمینه فعالیت‌های مثبت خود و کارکنانش ارائه دهد.

## ۳-قابلیت استفاده<sup>۲</sup>

مفهوم قابلیت استفاده اطلاعات به این موضوع اشاره دارد که فقط ارائه اطلاعات منجر به شفافیت نخواهد شد. در ارائه اطلاعات باید توانایی افرادی که از این اطلاعات استفاده می‌کنند در نظر گرفته و در چهارچوبی قابل‌درک ارائه شود. همه مزایای توسعه حکومت الکترونیک در گرو توسعه و ترویج زبان دسترسی و ادبیات ویژه حکومت الکترونیک در میان عامه مردم است. در غیر این صورت به‌هیچ‌وجه فراگردهای حساب پس دهی و شفافیت در امر حکومت، به‌طور واقعی تقویت نخواهد شد.

معمولاً دو واژه شفافیت و دسترسی به اطلاعات رسمی با یکدیگر خلط می‌شوند، اما شفافیت مفهومی وسیع و گسترده‌تر از دسترسی به اطلاعات است، و علاوه بر باز بودن حکومت، شامل مفاهیمی چون سادگی و جامعیت هم می‌شود. (Grimmelikhuijsen, Porumbescu, Hong, & Im, 2013, pp. 575-586)

---

1 color

2 usability

## گسترش مردم‌سالاری و توسعه جامعه مدنی در سطوح ملی و

### جهانی

گسترش نهادهای غیردولتی و تقویت جامعه مدنی از جمله راه‌هایی است که تمرکز قدرت را کنترل می‌کند و امکان مشارکت همگانی را در مراقبت از ساختار و کارکردهای قدرت در جامعه را به وجود می‌آورد. بنابراین، تقویت جامعه مدنی ابزار قوی در جهت اجرای اصلاحات اجتماعی و حمایت از مردم‌سالاری محسوب می‌شود. گسترش سازمان‌های غیردولتی و تقویت جامعه مدنی نه تنها بر شفافیت عملکرد دولت می‌افزاید یا دست‌کم دولت را به این جهت هدایت می‌کند بلکه حق مردم را برای دانستن همه‌چیز، محترم می‌شمارد و بر آن تأکید می‌کند. در این شرایط شهروندان بیش‌ازپیش با حقوق خود آشنا می‌شوند و می‌توانند آن‌ها را با ابزار حقوقی مناسب تضمین کنند. از به‌کارگیری خشونت بپرهیزند و با گفت‌وگوی مؤثر، حقوق شهروندی خود را دنبال کنند، بر کاهش انحصارات مختلف اقتصادی و ... فائق آیند و دولت را به‌سوی پاسخگویی، شفافیت و پرهیز از اعمال راهبردها و راهکارهای غیررقابتی سوق دهند. (سرکار آرانی & معدن‌دار آرانی، ۱۳۹۰)

### مراحل خط‌مشی‌گذاری عمومی و شفافیت

خط‌مشی عمومی عبارت است از مجموعه تصمیمات و سیاست‌هایی که مراجع مختلف بخش عمومی مانند مجلس، دولت و قوه قضاییه که نماینده حفظ منافع عمومی جامعه‌اند اتخاذ می‌کنند. (قلی پور، ۱۳۹۱)

دولت‌ها می‌توانند اطلاعات مربوط به هر یک از مراحل تدوین خط‌مشی عمومی و یا اطلاعات کامل را در اختیار شهروندان بگذارند. ارائه اطلاعات مربوط به هر یک از مراحل خط‌مشی اثرات متفاوتی می‌توانند بر رفتار آن‌ها بگذارد. (Grimmelikhuijsen S, 2010, pp. 5-35)

مدل‌های مختلفی در مورد نوع و مراحل مختلف ارائه اطلاعات توسط دولت مطرح شده است یکی از این مدل‌ها، مدلی است که افشای اطلاعات در فرآیند سیاست‌گذاری را مطرح می‌کند.

### شفافیت فنی<sup>۱</sup>

#### • شفافیت در فرآیند تصمیم‌گیری<sup>۲</sup>: شفافیت در فرآیند

تصمیم‌گیری همان میزان باز بودن و قابل مشاهده بودن مراحل مختلف این فرآیند و فکر و منطق تصمیم‌گیری است. شفافیت تصمیم‌گیری دموکراتیک همواره سنگ بنای پاسخگویی بوده است. شفافیت در مراحل تصمیم‌گیری شرایطی را برای شهروندان فراهم می‌کند که در مورد قابل قبول بودن و مطابقت تصمیم‌های اتخاذ شده با فرهنگ و ارزش‌های خود و همچنین با وعده‌های داده شده از سوی دولت مقایسه‌ای را صورت دهند. برگزاری جلسات مجلس به صورت علنی نمونه‌ای از این نوع شفافیت است.

#### • شفافیت در محتوای سیاست<sup>۳</sup>: شفافیت در محتوای

سیاست دولت همان افشای اطلاعات در مورد سیاست اتخاذ شده از سوی دولت است. این که چه اقداماتی برای حل مشکلات اتخاذ شده، چگونه آن‌ها را اجرا خواهند کرد و چه پیامدهایی برای شهروندان خواهد داشت. به عنوان مثال برخی از دولت‌ها در وبسایت‌های رسمی سیاست‌هایشان برای مبارزه با مواد مخدر و مقابله با آلودگی هوا را

---

1 Technical transparency

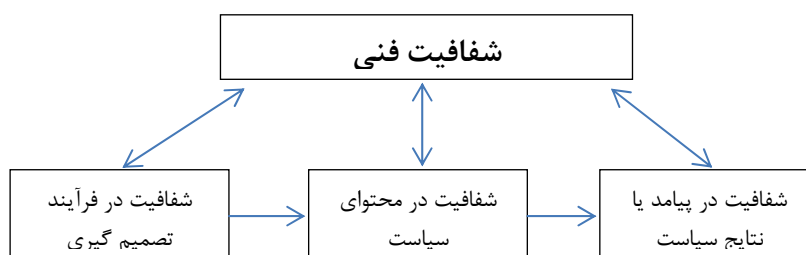
2 Transparency of Decision making process

3 Transparency of Policy info

درج می‌کنند و نظرات مردم در مورد سیاست‌های اتخاذ شده را جویا می‌شوند. شفافیت در سیاست مرحله بعد از شفافیت در تصمیم‌گیری است.

• **شفافیت در نتایج سیاست<sup>۱</sup>**: شفافیت در نتایج سیاست مرحله بعد از شفافیت در سیاست است، به‌طورکلی این سه مرحله مانند قطاری به یکدیگر پیوستگی دارند. به‌عنوان مثال پس از نشان دادن سیاست‌های اتخاذ شده برای مبارزه با مواد مخدر و مقابله با آلودگی هوا نتایج حاصل از به‌کارگیری این سیاست‌ها هم در وبسایت رسمی درج شود.

(Grimmelikhuijsen S. 2010, pp. 5-35)  
(Grimmelikhuijsen, Porumbescu, Hong, & Im, 2013, pp. 575-586)



نمودار شماره ۱: شفافیت فنی

(Grimmelikhuijsen S. , 2010, pp. 5-35)



### آیا شفافیت منجر به اعتماد می‌شود؟

در بسیاری از مقالات و یافته‌ها تأکید بسیاری بر تأثیرگذاری شفافیت در اعتمادسازی عمومی در سطح دولت شده است اما آیا می‌توان یک رابطه علت و معلولی بین افزایش شفافیت در سطح دولت و افزایش اعتماد مردم متصور شد، با توجه به یافته‌های برخی افراد در مقالات و نشریات که در سال‌های اخیر منتشر شده می‌توان دریافت که متصور شدن یک رابطه علت و معلولی و مستقیم بین این دو پدیده نمی‌تواند صحیح باشد و همچنین در برخی شواهد به‌دست‌آمده رابطه عکس بین این دو پدیده مشاهده شده است.

در برخی نوشته‌ها و محافل علمی شفافیت را به‌عنوان یک عامل کلیدی برای افزایش اعتماد به‌طور گسترده مطرح کرده‌اند. فرض آن‌ها بر این است که اگر سازمان‌های دولتی اطلاعات خود را به‌صورت باز در اختیار مردم قرار دهند یعنی این‌که چه تصمیماتی گرفته می‌شود و نتایج آن‌ها چیست به‌طور خودکار اعتماد مردم افزایش می‌یابد.

طبق مطالعه‌ای که با عنوان افشای آنلاین و اعتماد عمومی در دولت در دانشگاه اوترخت که به‌صورت تجربی و فراتر از یک روش همبستگی ساده انجام‌شده چند مؤلفه از شفافیت و چند بعد از اطلاعات در سه آزمایش موردبررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌های حاصل از این تحقیق نشان داد که شفافیت صرفاً یک عامل بهداشت روانی است و نه تنها افزایش شفافیت باعث ارتقا به سطوح بالاتری از اعتماد نمی‌شود بلکه اگر این شفافیت باعث ناامیدی از فعالیت‌های دولت شود باعث کاهش سطح اعتماد عمومی خواهد شد. این یافته منجر به چالش در مفروضات بیش‌ازحد خوش‌بینانه در مورد اثر شفافیت بر اعتماد شده است. (Grimmelikhuisen & Meijer, 2012, p. mus048)

مطالعه‌ای دیگری با عنوان «اثرات منفی شفافیت در تصمیم‌گیری، بر مشروعیت» انجام شده است، در این مقاله بر اساس مفهوم شفافیت به‌عنوان یک ارزش قوی دموکراتیک و تئوری عدالت رویه‌ای یک آزمون تجربی اکتشافی با این سؤال - آیا شفافیت در تصمیم‌گیری ممکن است به افزایش مشروعیت از نظر پذیرش تصمیم‌گیری و اعتماد منجر شود؟ - انجام شده است. در این مطالعه افرادی را به دو گروه تقسیم‌بندی کردند، گروهی که شفافیت در تصمیم‌گیری برای آن‌ها صفر بود (گروه کنترل) و گروهی دیگر که اطلاعات در مورد تصمیم‌های اتخاذ شده در اختیار آن‌ها قرار می‌گرفت. گروه دوم به شش گروه تقسیم‌بندی شده بودند که به گروهی اطلاعات مثبت درباره مراحل تصمیم‌گیری داده می‌شد و به گروه دیگر اطلاعات منفی، البته نتایج حاکی از این بود که شفافیت در تصمیم‌گیری می‌تواند باعث کاهش مشروعیت و اعتماد عمومی شود. البته میزان اعتماد و مشروعیت به محیط، چهارچوب و یا فرهنگ افراد و همچنین ادراک آن‌ها از اطلاعات ارائه شده بستگی دارد. (De Fine Licht, 2011, pp. 183-201)

مطالعه دیگری با عنوان «تأثیر شفافیت بر اعتمادسازی دولت» انجام شده که به مطالعه موردی در دو کشور هلند و کره جنوبی پرداخته است. با توجه به نتایج حاصل از این مطالعه تفاوت‌هایی بین دو کشور هلند و کره جنوبی به دلیل زمینه‌های فرهنگی متفاوت آن‌ها در شفافیت و اعتمادسازی وجود دارد. اما نتیجه مشابهی که از هر دو کشور می‌توان استنباط کرد این واقعیت است که رابطه کم و یا معکوس بین شفافیت و اعتماد وجود دارد.

در این مطالعه دو کشور هلند و کره جنوبی با توجه به دو بعد فرهنگی هافستد، فاصله قدرت و جهت‌گیری بلندمدت باهم مقایسه شده‌اند. هلند کشوری با فاصله قدرت ۳۸ و جهت‌گیری بلندمدت ۴۴ و کره جنوبی کشوری با فاصله قدرت ۶۰ و رویکرد بلندمدت ۷۵ است.

### این مطالعه در سه آزمایش انجام گرفت :

- ۱- یک گروه به عنوان گروه کنترل و گروه دیگر با اطلاعات کامل
- ۲- یک گروه به عنوان گروه کنترل و گروه دیگر با اطلاعات متوسط
- ۳- یک گروه به عنوان گروه کنترل، یک گروه با اطلاعات منفی، یک گروه با

#### اطلاعات مثبت

نتایج حاصل از این مطالعات و آزمایش‌ها نشان داد که به احتمال زیاد تأثیر میزان شفافیت بر اعتماد در شهروندان به بافت فرهنگی آن‌ها وابسته است. اگرچه شفافیت می‌تواند نشان‌دهنده صداقت دولت در برابر شهروندان باشد اما تأثیر شفافیت بر اعتماد شهروندان در هر دو کشور معنی‌دار نبود، اما تأثیر شفافیت بر رفتار شهروندان در کره جنوبی که کشوری با فاصله قدرت بیشتر و رویکرد بلندمدت است بیشتر مشهود بود زیرا در این کشور و یا به‌طور کلی در کشورهایی با فاصله قدرت بالا مردم بیشتر خود را وابسته به فعالیت‌های دولت می‌دانند و حساسیت آن‌ها نسبت به اطلاعات ارائه‌شده از سوی دولت بیشتر خواهد بود. در کشوری مانند هلند که از ارزش‌های دموکراتیک بالا، روزنامه‌ها و مطبوعات آزاد برخوردار است ارائه اطلاعات جدید از سوی دولت مبنی بر شفافیت، حساسیت و عکس‌العمل کم‌تری را در پی خواهد داشت.

مطالعه‌ای که توسط آقای بوکات (۲۰۰۶) انجام شد نشان‌گر این واقعیت بود که ارائه اطلاعات مثبت تأثیر کم‌تری بر رفتار شهروندان نسبت به ارائه اطلاعات منفی دارد، یعنی میزان اعتمادی که ممکن است از ارائه اطلاعات مثبت نسبت به دولت کسب شود کم‌تر از میزان اعتمادی است که در صورت ارائه اطلاعات منفی از بین می‌رود. یک جمله در مورد این واقعیت مطرح شده که «اعتماد با پا می‌آید و سوار بر اسب می‌رود». علاوه بر ابعاد فرهنگی متغیرهای دیگری مانند جنسیت، اولویت‌های سیاسی، میزان تحصیلات، سن انگیزه‌های شهروندان در کسب اطلاعات جدید، ظرفیت شناختی

و صفات شخصی بر میزان اعتماد شهروندان می‌توانند مؤثر باشند. (Grimmelikhuijsen, Porumbescu, Hong, & Im, 2013, pp. 575-586)

در مطالعه‌ای که توسط آقای چونگ (۲۰۱۱) با عنوان اثر افشاگری فساد موجود در میزان مشارکت و نتایج انتخابات انجام شد نتایج از این قرار است که افشاگری اطلاعات درباره فساد موجود در بین گروه‌ها نه تنها باعث افزایش مشارکت شهروندان نمی‌شود بلکه میزان مشارکت آن‌ها کاهش می‌یابد. شاید در نگاه اول به نظر برسد که این کار نشان‌دهنده پاسخگویی دولت است اما افشاگری فساد باعث کاهش میزان اعتماد شهروندان می‌شود.

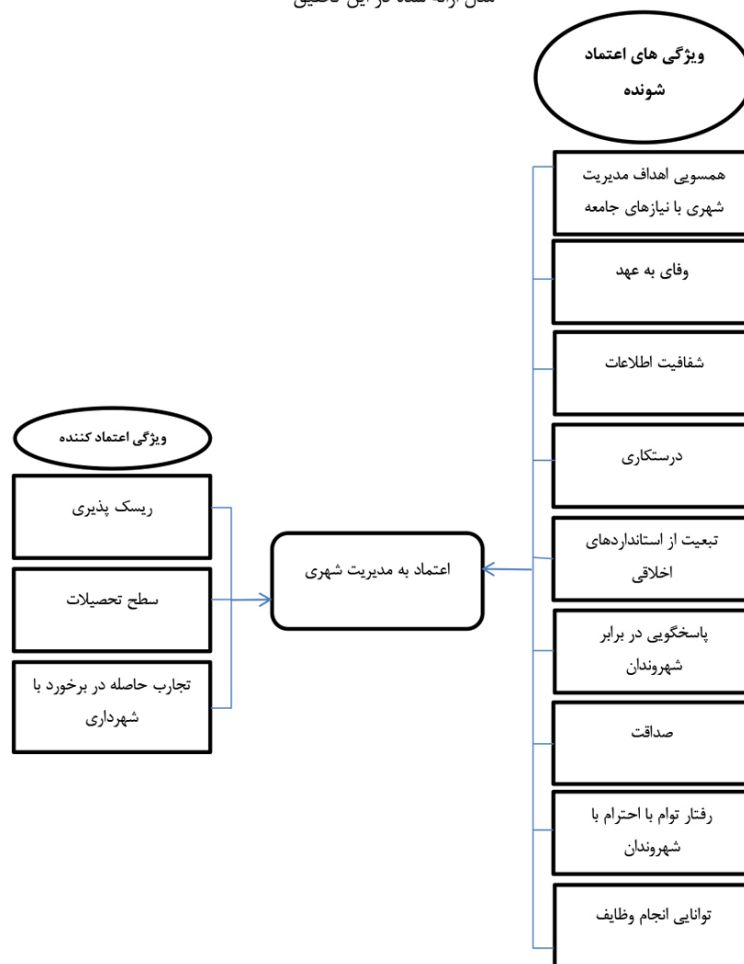
(Chong, De La, Ana, Karlan, & Wantchekon, 2011)

در مطالعه موردی که توسط دکتر حسن عابدی جعفری و همکاران (۱۳۸۹) که با عنوان سنجش عوامل مؤثر بر اعتماد شهروندان به مدیریت شهری انجام گرفته تأثیر ۱۲ متغیر بر اعتماد شهروندان به مدیریت شهری مورد بررسی قرار گرفته است.

در این مدل ۳ متغیر از سوی شهروندان (اعتماد کنندگان) و ۹ متغیر از سوی مدیریت شهری (اعتماد شونده) مطرح شده است. با توجه به نتایج مطالعه انجام شده تأثیر متغیرهای مدیریت شهری بر اعتماد شهروندان ۵ برابر تأثیر متغیرهای شهروندان است.

## رتبه‌بندی متغیرهای اعتماد شونده از جهت میزان اهمیت و تأثیرگذاری آن‌ها بر اعتماد:

مدل ارائه شده در این تحقیق



نمودار شماره ۲: مولفه های تأثیر گذار بر اعتماد

(عابدی جعفری، طالقانی، تنعمی، & عابدی جعفری، ۱۳۸۹، ص. ۴۳-۵۲)

- ۱- توانایی مدیریت شهری در انجام وظایف
  - ۲- احترام مدیریت شهری به شهروندان
  - ۳- پاسخگویی مدیریت شهری به شهروندان
  - ۴- هماهنگی اهداف مدیریت شهری با نیازهای شهروندان
  - ۵- پایبندی به اخلاق مدیریت شهری
  - ۶- درستکاری مدیریت شهری
  - ۷- صداقت مدیریت شهری
  - ۸- میزان دسترسی شهروندان به اطلاعات مدیریت شهری (شفافیت اطلاعات)
  - ۹- وفای به عهد مدیریت شهری
- با توجه به نتایج به دست آمده از این مطالعه و رتبه بندی صورت گرفته مشاهده می شود که میزان تأثیرگذاری شفافیت بر اعتماد شهروندان در جایگاه پایینی نسبت به متغیرهای دیگر قرار دارد. (عابدی جعفری, طالقانی, تنعمی, & عابدی جعفری, ۱۳۸۹, ص. ۴۳-۵۲).

### نتیجه‌گیری:

با توجه به نتایج تحقیقاتی که در چند سال اخیر در زمینه تأثیر شفافیت اطلاعات بر میزان اعتماد انجام شده می‌توان به این واقعیت پی برد که شفافیت در اطلاعات می‌تواند اثر مثبت و هم اثر منفی در میزان اعتماد شهروندان به دولت داشته باشد. برای پی بردن به رابطه بین این دو مؤلفه، نباید آن‌ها را به صورت مجرد و بدون در نظر گرفتن سایر عوامل مورد بررسی قرارداد. نحوه نگرش، ادراک از اطلاعات، فرهنگ مردم یک کشور و شیوه ارائه اطلاعات توسط دولت در رابطه بین شفافیت اطلاعات و اعتماد عمومی مؤثر است. به عنوان مثال در کشوری که مردم آن تجربه چندانی در زمینه ارزش‌های دموکراتیک، مطبوعات و رسانه‌های آزاد نداشته‌اند، فاصله قدرت در آن‌ها زیاد و تمرکزگرایی بالا است عکس‌العمل در برابر اطلاعات ارائه شده بیشتر از سایر کشورها خواهد بود. البته اگر اطلاعات منفی در زمینه فعالیت‌های دولت ارائه شده باشد ممکن است میزان اعتماد عمومی نه تنها افزایش نیابد بلکه باعث کاهش میزان اعتماد به فعالیت‌های دولت شود. پس می‌توان نتیجه گرفت ارائه اطلاعات بدون منطق و در نظر نگرفتن مخاطبانی که اطلاعات در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد می‌تواند به ضرر دولت و فضای اعتماد در جامعه تمام شود. دولت‌ها باید با توجه به ارزش‌های حاکم، فضای موجود در جامعه، مخاطبان و گروه‌هایی که اطلاعات در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد به افشا و آشکارسازی اطلاعات بپردازند. افشای اطلاعات توسط احزاب و گروه‌ها و نشان دادن فعالیت‌ها و فسادهای موجود در احزاب مخالف خود، در رسانه‌های عمومی باعث کاهش اعتماد مردم به گروه‌ها، احزاب و دولت می‌شود. اطلاعات باید دسته‌بندی شده و برای هر قشر از جامعه نوعی از اطلاعات به شیوه خاص بیان شود، به گونه‌ای که برای هر طبقه از جامعه با توجه به فرهنگ و میزان تحصیلات اطلاعات ارائه شده قابل فهم و استفاده باشند.

### منابع و مآخذ :

۱. الوانی، سید مهدی؛ دانایی فرد، حسن، ۱۳۸۰، مدیریت دولتی و اعتماد عمومی ویژه نامه مدیریت دولتی، ۵۵، ۵-۲۷.
۲. بختیاری، مهدی، ۱۳۸۹، بررسی اعتماد اجتماعی و برخی عوامل مؤثر بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی (ص. ۲۴). در دانشگاه اصفهان.
۳. پور عزت، علی اصغر، ۱۳۸۷، مبانی دانش اداره دولت و حکومت، تهران، سمت.
۴. سرکار آرانی، محمدرضا، و معدن دار آرانی، عباس، ۱۳۹۰، چشم/نداز جهانی توسعه پایدار، تهران، همشهری آنلاین.
۵. عابدی جعفری، حسن؛ طالقانی، غلامرضا؛ تنعمی، محمدمهدی؛ عابدی جعفری، عابد، ۱۳۸۹، سنجش عوامل مؤثر بر اعتماد (مطالعه موردی شهر تهران)، نشریه علمی پژوهشی مدیریت فردا، ۲۴، ۴۳-۵۲.
۶. قلی پور، رحمت الله، ۱۳۹۱، تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران، انتشارات سمت.

7. Arnott, D. (2007) . Trust--current thinking and future research. *European Journal of Marketing*, 41, 981-987.

8. Arrow, K. (1972) . Gifts and exchanges. *Philosophy \& Public Affairs*, 343-362.



9. Bauhr, M. , & Grimes, M. (2014) . Indignation or resignation: the implications of transparency for societal accountability. *Governance*, 27, 291-320.

10. Buchan, N. , Croson, R. , & Dawes, R. (2002) . Swift Neighbors and Persistent Strangers: A Cross-Cultural Investigation of Trust and Reciprocity in Social Exchange<sup>1</sup>. *American Journal of Sociology*, 108, 168-206.

11. Chong, A. , De La, O. , Ana, L. , Karlan, D. , & Wantchekon, L. (2011) . Looking beyond the incumbent: The effects of exposing corruption on electoral outcomes.

12. Cook, F. , Jacobs, L. , & Kim, D. (2010) . Trusting what you know: Information, knowledge, and confidence in social security. *The Journal of Politics*, 72, 397-412.

13. De Fine Licht, J. (2011) . Do we really want to know? The potentially negative effect of transparency in decision making on perceived legitimacy. *Scandinavian Political Studies*, 183-201.

14. Dookhony, M. (2015) . IMPACT OF GLOBALIZATION ON MAURITIUS: A SUCCESS STORY. *IMPACT OF GLOBALIZATION ON RURAL DEVELOPMENT IN AFRO-ASIAN COUNTRIES*, 144.

15. Esty, D. (2006) . Good governance at the supranational scale: globalizing administrative law. *The Yale Law Journal*, 1490-1562.

16. Fischer, J. (2008) . Is competition good for trust? Cross-country evidence using micro-data. *Economics Letters*, 100, 56-59.
17. Fudenberg, D. , Levine, D. , & Maskin, E. (1994) . The folk theorem with imperfect public information. *Econometrica: Journal of the Econometric Society*, 997-1039.
18. Grimmelikhuijsen, S. (2010) . Transparency of Public Decision-Making: Towards Trust in Local Government? *Policy \& Internet*, 5-35.
19. Grimmelikhuijsen, S. , & Meijer, A. (2012) . The effects of transparency on the perceived trustworthiness of a government organization: Evidence from an online experiment. *Journal of Public Administration Research and Theory*.
20. Grimmelikhuijsen, S. , Porumbescu, G. , Hong, B. , & Im, T. (2013) . The Effect of Transparency on Trust in Government: A Cross-National Comparative Experiment. *Public Administration Review*, 73, 575-586.
21. Holsen, S. , & Pasquier, M. (2012) . Insight on Oversight: The Role of Information Commissioners in the Implementation of Access to Information Policies. *Journal of Information Policy*, 2.
22. Hood, C. (2010) . Accountability and Transparency: Siamese Twins, Matching Parts, Awkward Couple? *West European Politics*, 33, 989-1009.

23. Ma, D. , & Yang, F. (2014) . Authoritarian Orientations and Political Trust in East Asian Societies. *East Asia*, 31, 323-341.

24. Marklund, C. (2014) . From Promise to Compromise: Nordic Openness in a World of Global Transparency. *The Paradox of Openness: Transparency and Participation in Nordic Cultures of Consensus*, 237.

25. Mohammad Moghimi, s. , Alaei Ardakani, m. , Seyyed Amiri, n. , & Dastourian, b. (2013) . Electronic government and good governance in Iran. *African Journal of Business Management*, 7, 501-514.

26. Muñoz, L. , & Raquel Garde , S. (2015) . Implementation of E-Government and Reforms in Public Administrations in Crisis Periods: A Scientometrics Approach. *International Journal of Public Administration in the Digital Age (IJPADA)* , 2, 1-23.

27. Neudorfer, B. , & Neudorfer, N. (2014) . Decentralization and Political Corruption: Disaggregating Regional Authority. *Publius: The Journal of Federalism*, pju035.

28. Nye, J. , Zelikow, P. , & King, D. (1997) . *Why people don't trust government*. Harvard University Press.

29. Oikonomidis, A. , Bruce, A. , & Johnson, J. (2015) . Does transparency imply efficiency? The case of the European soccer betting market. *Economics Letters*.

30. Patrick Lee, P. (2007) . Transparency: An assessment of the Kantian roots of a key element in media ethics practice. *Journal of Mass Media Ethics*, 22, 187-207.
31. Pina, V. , Torres, L. , & Royo, S. (2007) . Are ICTs improving transparency and accountability in the EU regional and local governments? An empirical study. *Public Administration*, 85, 449-472.
32. Putnam, R. (2000) . *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Simon and Schuster.
33. Rasiah, R. , McFarlane, B. , & Kuruvilla, S. (2015) . Globalization, industrialization and labour markets. *Journal of the Asia Pacific Economy*, 20, 2-13.
34. Reeskens, T. , & Hooghe, M. (2008) . Cross-cultural measurement equivalence of generalized trust. Evidence from the European Social Survey (2002 and 2004) . *Social Indicators Research*, 85, 515-532.
35. Ruppert, E. (2015) . Doing the Transparent State: open government data as performance indicators. 1-18.
36. Stiglitz, J. . (۱۹۹۹) Participation and Development Perspectives from the Comprehensive Development Paradigm, Remarks at the International Conference on Democracy, Market Economy and Development, Seoul. *Korea, February*. (ص) , . (۱۹۹۹ Seoul.

37. Sun, W. , & Wang, X. (2012) . Do government actions affect social trust? Cross-city evidence in China. *The Social Science Journal*, 49, 447-457.

38. Tolbert, C. , & Karen, M. (2006) . Th e Eff ects of E-Government on. *Public Administration Review*, 66, 69-354.

39. Van Dijk, J. , Peters, O. , & Ebbers, W. (2008) . Explaining the acceptance and use of government Internet services: A multivariate analysis of 2006 survey data in the Netherlands. *Government Information Quarterly*, 25, 379-399.

40. Ward, S. (2014) . The magical concept of transparency. *Ethics for Digital Journalists: Emerging Best Practices*, 45.

41. Weiss, T. (2000) . Governance, good governance and global governance: conceptual and actual challenges. *Third world quarterly*, 21, 795-814.

42. Welch, E. , Hinnant, C. , & Moon, M. (2005) . Linking citizen satisfaction with e-government and trust in government. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 15, 371-391.

43. Zak, P. , & Knack, S. (2001) . Trust and growth. *The economic journal*, 295-321.

44. Zakaria, N. , & Yusof, S. (2015) . Can We Count on You at a Distance? The Impact of Culture on Formation of Swift Trust Within Global Virtual Teams. *Leading Global Teams*, 253-268.



## خروج نخبگان؛ علل و راهکارها

سید مجتبی حسینی فرد<sup>۱</sup>

علی پور بهروزان<sup>۲</sup>

دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۰ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۰۵

### چکیده

با توجه به اهمیت، نقش، و جایگاه انسان‌های نخبه و استعداد‌های برتر در توسعه کشورها، به‌خصوص در زمینه تولید علم، هنر و فناوری، مدیریت نخبگان امری ضروری است. در واقع، امروزه منابع دانش و به تبع آن نظام‌های منابع انسانی دانش‌بنیان، به‌عنوان مهم‌ترین سرمایه‌های یک کشور محسوب می‌شوند. مدیریت نخبگان کشور باید در قالب سیستمی منسجم قرار گیرد که در آن نظام، کشف و شناسایی، جذب و انتخاب، حمایت و پشتیبانی، تربیت و شکوفاسازی، حفظ، به‌کارگیری و هدایت به‌صورت یکپارچه و هم‌افزا به کار گرفته شود. در این مقاله پس از تعریف جامعی از نخبه به دلایل چهارگانه خروج نخبگان از کشور که شامل دلایل سیاسی-مدیریتی، اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی و علمی-تخصصی می‌شود پرداخته و در نهایت راهکارهای جلوگیری از این امر پیشنهاد می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** نخبگان، استعداد‌های برتر، خروج نخبگان

۱ دانشجوی دکتری رفتار سازمانی، دانشگاه پیام نور تهران

۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی، پردیس فارابی دانشگاه تهران

## مقدمه

با توجه به اهمیت، نقش و جایگاه انسان‌های برتر و نخبه در توسعه کشور، به‌خصوص درزمینهٔ تولید علم، هنر و فناوری، مدیریت نخبگان امری ضروری است. مدیریت نخبگان در جذب و بهره‌برداری از این سرمایه‌های انسانی، موضوعی نسبتاً پیچیده است. نخبگان ازجمله اجزای نرم‌افزاری نظام هر جامعه هستند که عملکرد آن‌ها کل نظام اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور را متأثر می‌سازد (پور صادق و رنجبر، ۱۳۸۹: ۲ - ۱).

بنابراین برای کشورهای درحال توسعه‌ای چون ایران، که در مرحله رشد و خیز اقتصادی قرار دارند، توسعه منابع انسانی نخبه و به‌کارگیری متخصصان علمی و فنی نقش حیاتی دارد (پور صادق و رنجبر، ۱۳۸۹: ۳).

آنچه که آمارهای بین‌المللی نشان می‌دهد (پیوست شماره ۱)، موج مهاجرت نخبگان ایرانی به کشورهای اروپایی، ایالات متحده آمریکا و اخیراً کشورهای حاشیه خلیج فارس هنوز مهار نشده است. با توجه به اینکه نخبگان یک کشور سرمایه‌های معنوی آن جامعه‌اند، مدیریت نخبگان کشور باید در قالب سیستمی منسجم قرار گیرد که در آن نظام، کشف و شناسایی، جذب و انتخاب، حمایت و پشتیبانی، تربیت و شکوفاسازی، حفظ، به‌کارگیری و هدایت به‌صورت یکپارچه و هم‌افزا به کار گرفته شود تا این سرمایه‌ها درجایی استفاده شوند که کارایی و بهره‌وری بالاتری داشته باشند (گلستانی فرد، ۱۳۸۰: ۱۹).

از سویی جمهوری اسلامی ایران که سعی در اجرای برنامه پنجم توسعه و رسیدن به اهداف چشم‌انداز بیست‌ساله (۱۴۰۴)، و در نتیجه کسب جایگاه اول اقتصادی، علمی



و فناوری (در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر) را دارد؛ از این‌رو جذب نخبگان و مدیریت صحیح در نگهداری، توسعه، حمایت و هدایت آن‌ها، به‌عنوان موضوعی (اقدام یا فعالیت) است که برای حرکت در این مسیر ضروری می‌باشد

(سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، ۱۳۸۲: ۱).

«نخبه‌گرایی» در حقیقت خواهان گردش نخبگان است که بر مبنای آن نخبگان شناسایی‌شده، و توانایی‌های آنان سنجیده می‌شود و آنگاه در مسیر مطلوب و با چارچوب‌های فکری و ایدئولوژیک مشخص پرورش داده می‌شوند. نخبه پروری مقدمه‌ای برای حاکمیت شایستگان و تحقق اصل شایسته‌سالاری نیز هست (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۱).

بنیاد ملی نخبگان مرجعی است برای شناسایی، جذب و حمایت مادی و معنوی از نخبگان که با حمایت خاص مقام معظم رهبری توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تأسیس و به مرکزی تبدیل‌شده است که اولویت اول آن جذب، حفظ و به‌کارگیری نخبگان و پشتیبانی از آن‌ها در راستای ارتقای تولید علم، فناوری و پیشبرد توسعه فرهنگی و علمی کشور می‌باشد (آشنایی با ضوابط و آیین‌نامه‌های بنیاد ملی نخبگان، اسفند ۱۳۸۹: ۱).

آسیب‌شناسی، فرآیند به‌کارگیری مفاهیم و روش‌های علوم رفتاری، به‌منظور توصیف وضعیت موجود سازمان‌ها و یافتن راه‌هایی برای ارتقای اثربخشی آن‌ها است (Harrison, 1998: 1). و حیطه آسیب‌شناسی شامل رسیدگی دقیق به تمام سیستم‌ها تا بررسی تک‌تک مشکلات است. معمولاً از طریق آسیب‌شناسی، مشکلات و مسائل سازمان تشخیص داده‌شده و سپس بررسی می‌شوند (مانزینی، ۱۳۸۵: ۸).

**الف. اهمیت و ضرورت نظری (فواید نظری)**

با توجه به اینکه نخبگان یک کشور سرمایه‌های معنوی یک جامعه هستند؛ بسیاری از سازمان‌ها طی سال‌های اخیر توان زیادی را صرف شناخت و جذب نیروهای نخبه می‌نمایند. همچنین سازمان‌هایی مانند آی. بی. ام و مایکروسافت، نظام‌های پیشرفته‌ای برای جذب کارکنان کارآمد و پرتوان و برای رهایی از دست کارکنان معمولی و کم‌توان دارند، که متفکران مدیریت به‌طور گسترده از این رویکرد حمایت کرده‌اند (Huselid, 2007: 23 - 41).

فقدان مسؤولیت شایستگان آثار خود را حتی در لایه‌های بعدی جامعه نیز بر جای می‌نهد و نوعی بی‌اعتمادی و بی‌انگیزگی را در محیط بسط می‌دهد. تردیدی نیست که برای پرهیز از آسیب‌های حاکمیت ناشایستگان، برقراری نظام مبتنی بر نخبه‌گرایی و شایسته‌سالاری که از امیدها و شعارهای همیشگی نظام اسلامی بوده ضرورت تام می‌یابد (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۳).

همچنین حفظ نخبگان از جنبه‌های مختلفی نیز منافع زیادی برای کشور دارد و در مقابل اگر نخبگان حفظ نشوند و از آن‌ها حمایت نشود و در بخش‌های مختلف به کار گرفته نشوند، منجر به خروج آنان از کشور و سکونت در کشورهای غیر خواهد شد. خروج این سرمایه‌ها که به اصطلاح «فرار مغزها» نامیده می‌شود، کشور را دچار آسیب‌هایی به شرح زیر می‌کند:

• **علمی و فنی:** خروج نخبگان، کشور را با کمبود متخصص و ضعف

علمی و فنی مواجه می‌کند؛

• **اقتصادی:** هزینه‌هایی که دولت برای تحصیل هر فرد از مقاطع

ابتدایی تا سطوح عالی متقبل می‌شود. و از سویی محرومیت از کسب برخی

منافع اقتصادی با حضور مسئولین شایسته؛

- **سیاسی:** مشوش ساختن افکار اجتماعی و علمی بین‌المللی با خروج هر نخبه از کشور، و طرح این سؤال در فضای بین‌المللی، که «علت خروج نخبگان (آن‌هم به تعداد زیاد) چیست؟»؛
- **اجتماعی - فرهنگی:** فضای کشور را متشنج ساخته و سایر جوانان ترغیب به رفتن می‌شوند.

### ب. اهمیت و ضرورت کاربردی (فواید عملی)

همچنین هر جامعه‌ای که به بقا و پیشرفت خود می‌اندیشد استعداد‌های خود را در کانون توجه قرار می‌دهد. به‌طور کلی سال‌هاست که یک حرکت جهانی شروع شده و به سمت توجه ویژه به نخبگان و تیزهوشان جهت‌گیری کرده است. کشورهایی که خود را با این حرکت همگام نمی‌کنند، نه فقط در حال توقف هستند، بلکه روزبه‌روز سیر قهقرایی را می‌پیمایند و فاصله بسیار زیادی را با این کاروان می‌گیرند (ملکیان بهابادی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲۲).

همچنین مطالعات انجام‌شده در ایران مؤید ضرورت انجام این پژوهش است؛ زیرا عدم بهره‌وری بالای برخی سازمان‌های ایرانی، ریشه در عدم شناخت و جذب افراد متخصص و نخبه دارد (فلاحی و منوریان، ۱۳۸۷ / ریاحی، ۱۳۸۵).

بنابراین، تبیین ضرورت پژوهش با توجه به دو مؤلفه «زمان» و «مکان» (جامعه هدف) صورت گرفته است و با توجه به مباحث ذکرشده، ضروری‌ترین موضوع درزمینه نخبگان (در این زمان) را می‌توان خروج نخبگان (فرار مغزها) از کشور، و همچنین تأکیدات مستمر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و سایر مسؤولین و متولیان امر درباره توجه و رسیدگی به نخبگان برای جلوگیری از خروج این سرمایه‌های ملی دانست. بنابراین با توجه به اینکه مسئول اصلی رسیدگی به این مسئله (خروج نخبگان)، بنیاد ملی نخبگان است، این بنیاد تصمیماتی مبنی بر آسیب‌شناسی برنامه‌های موجود

در حوزه‌های «شناخت و جذب»، «حمایت و پشتیبانی» و «هدایت و به‌کارگیری» استعداد‌های برتر و نخبگان را اتخاذ کرده است و این مقاله درصدد شناسایی، و دسته‌بندی آسیب‌های این آیین‌نامه‌ها، و ارائه آیین‌نامه‌های اصلاحی است.

### واژه کاوی نخبه

واژه نخبه که معادل انگلیسی آن Elite است در اصل از معادل لاتین electus و elegere گرفته شده است. این واژه Élite در قرن هفدهم برای توصیف کالاهای با مرغوبیت خاص به کار می‌رفت و بعدها کاربرد آن برای اشاره به گروه‌های اجتماعی برتر مانند واحدهای ضربت نظامی یا مراتب عالی اشرافیت تعمیم یافت (تی‌بی‌باتامور، ۱۳۶۹: ۲). اما در یک سیر تطور واژه‌ای به مفهومی مبدل شد که امروزه از آن استفاده می‌شود. به‌رحال از نظر معناشناسی (Semantics) این اصطلاح تغییر و تحولات معنایی وسیعی پیدا کرده است (گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۸۳۵). قدیمی‌ترین کاربرد شناخته شده واژه نخبه (Élite) در زبان انگلیسی بر طبق نوشته فرهنگ انگلیسی آکسفورد در سال ۱۸۲۳ و برای اشاره به گروه‌های اجتماعی بوده است. اما این اصطلاح در نوشته‌های سیاسی و اجتماعی اروپا تا اواخر قرن نوزدهم و در بریتانیا و آمریکا تا دهه ۱۹۳۰ کاربرد گسترده‌ای پیدا نکرد (باتامور، ۱۹۹۲: ۲). از دهه ۱۹۳۰ به بعد اصطلاح نخبه در مورد جامعه‌شناسان به‌خصوص «ویلفردور پاره تو» قرار گرفت. شاید بتوان ساده‌ترین تعریف نخبه را افراد تحصیل کرده و کارگران ماهر دانست. بنابراین مهاجرت نخبگان زمانی صورت می‌گیرد که ارتباط فرد متخصص با کشور خود به‌طور کامل قطع می‌شود و کشور مبدأ به‌هیچ‌عنوان از دانش و مهارت فرد موردنظر استفاده نمی‌نماید (Wikipedia, 2005).

بر اساس دو ملاک اقتدار و نفوذ، می‌توان نخبگان را به شش دسته تقسیم کرد: نخبگان سنتی و مذهبی، نخبگان تکنوکراتیک، نخبگان مالکیت، نخبگان کاریزمایی،

نخبگان ایدئولوژیک و نخبگان سمبولیک. البته هریک از نخبگان مذکور، ممکن است به تناسب نظام اجتماعی در جوامع خاصی مطرح شوند.

نکته قابل توجه، تفاوتی است که می‌توان بین مهاجرت متخصصان، روشنفکران، و نخبگان قائل شد. مهاجرت سه گروه فوق‌الذکر از همه انواع مهاجرت مهم‌تر است. منظور از متخصصان و تحصیل‌کرده‌ها افرادی بودند که تحصیلات دانشگاهی و مشاغل علمی را به دست آورده بودند که شامل افراد شاغل علمی، فنی و مدیریت‌های سطح بالا و اقشار پایین‌تر مرکب از شاغلان حرفه‌های عادی‌تر دفتری و اجرایی می‌شد. درحالی‌که روشنفکران را معمولاً متشکل از گروه‌های بسیار کوچک‌تری از افراد می‌دانند که در آفرینش، انتقال و نقادی محصولات فرهنگی و اندیشه‌ها نقش مستقیمی دارند (شبیری، ۱۳۸۰). بنابراین به نظر می‌رسد که روشنفکران را تقریباً در همه جوامع می‌توان یافت (Weber, 1949).

لازم است ذکر شود که در این مقاله منظور از نخبگان، نخبگان علمی است که به نظر می‌رسد با آنچه در خصوص نخبگان تکنوکراتیک ارائه شده است، قرابت مفهومی بیشتری داشته باشد.

### مفهوم‌شناسی نخبه

مفهوم، نخبه شخصیتی برگزیده، ممتاز، دانا و واجد استعداد و توانایی ذهنی فوق‌العاده است. این توانایی و استعداد ممکن است کلی یا استعدادی خاص نظیر استعداد موسیقی یا ریاضی باشد. عملکرد این شخصیت ممکن است در زمینه مختلفی همچون توانایی‌های کامل هوشی، استعدادی خاص، تفکر مولد (سازنده) و خلاق و توانمندی‌های رهبری فراتر از معمول باشد (Castelano, 2003).

از دیرباز مفهوم واژه «نخبه» توسط اندیشمندان و فلاسفه بسیاری مورد توجه قرار گرفته و با ملاک‌ها و معیارهای گوناگون به این مقوله پرداخته‌اند و همین امر به پیدایش سلسله نظریاتی تحت عنوان «نخبه‌گرایی» (Elitism) انجامیده است.

#### واژه نخبگان دو معنای عمومی را به دست می‌دهد:

۱. گروهی از افراد که در حقیقت در موقعیت و لایه‌های بالایی جامعه (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و مذهبی) قرار داشته و یا اینکه این گروه‌ها را رهبری می‌کنند. به صورت عموم از این گروه به مثابه نخبگان سیاسی - اقتصادی نام برده می‌شود.

۲. معنای دیگر، گروه‌ها و یا اشخاص بر اساس موهبت و نعمات اختصاصی ماورای طبیعی و ریشه‌های اجتماعی، خود را در موقعیت نخبگی قرار داده‌اند. آن‌ها از اجرای وظایفی که دیگران مکلف به اجرای آن‌ها بوده‌اند، خودداری می‌کنند. این گروه از نخبگان نظریات، اندیشه‌ها و مطالباتی را پیش می‌کشند که بر بنیاد آن به موقعیت برازندگی آن‌ها مشروعیت بخشد.

نشانگرها	توصیف کلی	خصیصه
فرد در پیگیری یا تکمیل کارهای انتخابی پافشاری می‌کند. این موضوع در فعالیت‌های درسی و غیردرسی وی مشاهده می‌شود. این افراد یادگیرانی علاقه‌مند و مشتاق‌اند و برای رشد و انجام کار تلاش می‌کنند.	برخوردار از سلايق درونی یا قوت قلبی است که رفتار فردی یا گروهی را برای دستیابی به یک نیاز دارد و نیز هدفی را آغاز، هدایت یا پیگیری می‌کند.	انگیزش
فرد علايق، موضوعات و فعالیت‌های غیرمعمول یا دور از ذهن را انتخاب می‌کند. خودکار است؛ فراتر از گروه و بی‌وقفه امور را پیگیری می‌کند.	برای فعالیت‌ها، سرگرمی‌ها و موضوعات بالارزش و مهم اهمیت ویژه‌ای قایل است.	علاقتمندی‌ها
توانمندی ارتباطی غیرمعمول (کلامی، غیرکلامی، فیزیکی، هنرمندانه و نمادین) دارد. به‌ویژه از مثال‌ها، اشکال و توضیحات مناسب استفاده می‌کند.	توانایی انتقال و دریافت علايم یا معانی را از طریق نظام‌های نمادین (رمزها، ژست‌ها، زبان و اعداد) داراست.	مهارت‌های ارتباطی
از توانایی‌های غیرمعمول برای به‌کارگیری یا منطبق کردن راهبردی نظام‌مند برای حل مسایل برخوردار است و اگر این راهبرد به نتیجه نرسد، روش‌های جدیدی را برای این منظور ابداع می‌کند. به‌عبارتی ابداع‌کننده است.	از توانایی بالایی در پردازش گزینه‌های متوالی به‌شکل صحیح، که موجبات رسیدن به اهداف مورد نظر یا تکمیل موفقیت‌آمیز تکالیف می‌شود، برخوردار است.	توانایی حل‌مسأله
آگاه است و تنها با یک یا دو بار تکرار، مطالب را فرا می‌گیرد. درباره موضوعات درسی و عمومی اطلاعات زیادی دارد. به جزئیات توجه می‌کند. به‌طور ماهرانه‌ای اطلاعات را دستکاری می‌کند.	از توانایی فوق‌العاده‌ای در حفظ و بازیابی اطلاعات برخوردار است.	حافظه
سؤالات استثنایی مطرح می‌کند. ایده‌ها را به چالش می‌کشد. رفتارهای کاوش‌گرانه گسترده‌ای برای روشن ساختن اطلاعات درباره مواد، ابزارها یا موقعیت‌ها دارد.	به‌طور نظام‌مندی به پردازش و شناخت دانش یا اطلاعات می‌پردازد.	کنجکاوی
تیزبین است و از توانایی استثنایی و بالا در استدلال و استنتاج، حدس زدن و نیز در فهمیدن ارتباط‌های متنوع و غیرعادی و تلفیق نظرها و شیوه‌ها برخوردار است.	با استفاده از روش آزمایش و خطا به کشف غیرمنتظره راه‌حل‌های مناسب می‌پردازد. عناصر جداگانه را با روش‌های غیرقابل پیش‌بینی و در کنار یکدیگر قرار می‌دهد.	بصیرت
از قدرت تعمیم بخشیدن و استفاده از استعاره‌ها و تمثیل‌ها برخوردار است. قادر به تفکر به شیوه‌ای منطقی درباره موضوعات است. تفکری نقادانه دارد. به موضوعات مختلف اشراف دارد و می‌تواند به پاسخی مناسب دست یابد.	دارای اندیشه‌ای خودآگاه، هدفمند، کنترل شده، فعال و آینده‌نگر است.	استدلال

<p>از اطلاعات معمولی مبتکرانه استفاده می‌کند. به شدت تیزبین بوده و دارای ایده‌های غیرمعمول است که احتمالاً به‌نظر می‌رسد. باورهایی انعطاف‌پذیر و سلیس دارد و بسیار کنجکاو است.</p>	<p>به تصاویر ذهنی درباره موضوعها، کیفیتها، موقعیتها و ایجاد ارتباط میان مؤلفه‌های مختلف که به آسانی در حوزه آگاهی قرار نمی‌گیرند، شکل داده و پردازش می‌کند. این افراد با روش‌های غیرمعمول ذهنی حل مسأله می‌کنند.</p>	<p><b>تصویرسازی / خلاقیت</b></p>
<p>شوخ طبیعی را با ظرافت یا کنایه‌آمیز نشان می‌دهد. دارای انباشتی از اطلاعات درباره هیجانانگیز است. ژرفای هیجانانگیز متداول نیست. با رویدادها آزاداندیشانه برخورد می‌کند. داده‌های حسی را به‌خوبی دریافت می‌کند.</p>	<p>در موقعیت‌های پیچیده، ایده‌ها یا مسایل کلیدی را با شوخ طبیعی ترکیب می‌کند. از توانایی استثنایی برای استفاده به‌موقع از واژه‌ها و حرکات بیانگر برخوردار است.</p>	<p><b>شوخ طبیعی</b></p>
<p>علاقه شدیدی به تجربه کردن موضوعات مهیج دارد. عواطفی قدرتمند دارد. به‌دنبال محرک‌های ذهنی است. تجربیات حسی واکنش‌های شدید او را برمی‌انگیزاند. حرکات یا ژست‌های تکراری و ثابتی دارد. خیال پرداز است.</p>	<p>به محرک‌ها در پنج قلمرو هیجانی، فکری، حسی، روانی - حرکتی و تصویرسازی شدیداً واکنش نشان می‌دهد.</p>	<p><b>تحریک‌پذیری بالا</b></p>
<p>بسیار بخشنده و عدالت‌خواه است. همدلی می‌کند. پای‌بند اخلاقیات است. در جامعه فردی متفاوت است. نگرانی‌های وجودی دارد. اغلب اوقات به‌شدت خود را نقد می‌کند.</p>	<p>در برابر رویدادها و وضعیت‌های اجتماعی واکنش‌هایی فراتر از معمول نشان می‌دهد.</p>	<p><b>حساسیت</b></p>

جدول شماره ۱. ویژگی‌های نخبگان<sup>۱</sup>

1. Adapted from Colorado Department of Education (2004) . CDE adapted from National Research Center on the Gifted and Talented. Deaver Colorado.



### طبقه‌بندی نخبگان

گی‌روشه نخبگان را در کنار جنبش‌های اجتماعی و گروه‌های فشار به‌عنوان عاملان یا کارگزاران تغییر اجتماعی مورد بحث قرار می‌دهد. او نخبگان را به‌مثابه اشخاص یا گروه‌هایی تعریف می‌کند که در نتیجه قدرتی که به دست می‌آورند و تأثیری که بر جای می‌گذارند یا به‌وسیله تصمیماتی که می‌گیرند و همچنین ایده‌ها، احساسات یا هیجاناتی که به وجود می‌آورند، در کنش تاریخی جامعه‌ای مؤثر واقع می‌شوند. گی‌روشه برای طبقه‌بندی نخبگان، علاوه بر ملاک «اقتدار» ماکس وبر از معیار «نفوذ» نیز استفاده می‌کند و با این مبنای دوگانه، شش دسته از نخبگان را از همدیگر تمایز می‌دهد. بدین ترتیب، او علاوه بر «نخبگان قدرت - اقتدار» مورد نظر موسکا و میلز به «نخبگان نفوذ» نیز توجه می‌کند. در این طبقه‌بندی انواع نخبگان عبارت‌اند از:

۱. **نخبگان سنتی و مذهبی:** این نخبگان از قدرت یا نفوذی برخوردارند که ناشی از ساخت‌های اجتماعی، ایده‌ها و اعتقاداتی است که ریشه در راه و رسمی با گذشته‌ای دور دارد؛
۲. **نخبگان تکنوکراتیک:** این نخبگان به‌عنوان قشر برتر مدیران، در ساخت رسمی و اداری اعم از دولتی یا خصوصی از اقتدار عقلانی - قانونی برخوردارند و بر اساس شایستگی برگزیده می‌شوند؛
۳. **نخبگان مالکیت:** این گروه از نخبگان به دلایل اقتصادی، در دگرگونی‌ها یا جلوگیری از آن‌ها تأثیرگذار هستند؛
۴. **نخبگان کاریزماتیک (فرهمند):** اقتدار و نفوذ این نخبگان ریشه در ویژگی‌های شخصی آن‌ها دارد؛

۵. **نخبگان ایدئولوژیک:** این نخبگان به‌عنوان سازندگان، سخن‌گویان و اشاعه‌دهندگان بر محور ایدئولوژی‌ها متشکل می‌شوند. نخبگان ایدئولوژیک بدون اقتدار ولی بانفوذ، اغلب موجب دگرگونی‌های آینده هستند؛
۶. **نخبگان سمبولیک (نمادین):** اغلب نخبگان نقش نمادین دارند و تبلور ارزش‌ها، ایده‌ها و نمادها هستند، ولی نقش برخی از نخبگان به‌طور روشن‌تری نمادین است. برای مثال هنرمندان مردمی و ورزش‌کاران حرفه‌ای، اغلب نمونه‌های اصیل یا نماد جوانی، شادی، شجاعت و ... محسوب می‌شوند.

### علل خروج نخبه‌ها از کشور

لزوم نیاز به نخبه در سیستم اجتماعی و اقتصادی ایران احساس نمی‌شود. درآمد مردم از نفت می‌آید. در واقع مصرف مردم ایران از نفت است و این مهم است که در اقتصادهای پیشرفته، ارزش‌افزوده آن ناشی از تکنولوژی و فکر است اما در اقتصادهای عقب‌مانده و بیمار ناشی از سرمایه نفت است.

در ایران تولید افراد نخبه برابر با تولید افراد غیر نخبه است. اینجا توانایی، در کار و درآمد تأثیری ندارد، زیرا درآمد از طریق فکر توزیع نمی‌شود. آری، مسلم است افراد جایی خواهند رفت که ارزش‌افزوده به فکر تعلق پیدا می‌کند. سیستم اجتماعی و اقتصادی ایران، نه تنها مغزهای علمی، بلکه مغزهای اقتصادی را نیز فراری می‌دهد. تجارت‌های قانونی در ایران رشد نمی‌کند. هزینه مبادله کالا در این کشور بالاست. سرمایه‌دار ترجیح می‌دهد به جایی برود که مبادله کالا رونق دارد. در اینجا حتی سیستم بانکی و طریقه وام دادن هم اشکال دارد (بی‌نا، ۱۳۸۳، شماره ۲: ۴۴۰-۴۳۹).

**رییس مرکز دانشجویی وزارت بهداشت و درمان در خصوص علت عدم**

**بازگشت این افراد گفت:** «برخوردها و فشارهایی که به دلیل اظهارنظرهای علمی بر

یک محقق دانشمند صورت می‌گیرد، و نیز کمبود امکانات در کارهای پژوهشی عمده ترین دلایل عدم بازگشت این افراد است» (بی‌نا، ۱۳۸۳، شماره ۴: ۳۸۵ - ۳۸۴).  
در ادامه، علل خروج نخبگان که در پژوهش‌های مختلف ملی احصا شده است، در دسته‌بندی جدیدی ارائه می‌گردد.

### ۱. عوامل سیاسی - مدیریتی

احساس ناامنی سیاسی و فکری متخصصان، احساس بی‌ثباتی در مدیریت سیاسی، بحران‌های پی‌درپی و تغییرات پیاپی در قوانین و مقررات بوروکراسی اداری، ناکافی بودن حقوق سیاسی، ناکافی بودن آزادهای مدنی (شاه‌آبادی و دیگران، ۱۳۸۵: ۷۵-۷۴) و کمبود آزادی‌های سیاسی<sup>۱</sup>، شیوه اداری یا شیوه مدیریت (استفاده صحیح از استعدادها سهم اساسی داشته و در تعیین سرنوشت کشورهای در حال رشد در آینده نقش عمده‌ای خواهد داشت)، حاکمیت روابط بر ضوابط و شایسته‌سالاری به‌جای خویشاوند سالاری (بی‌تا، سال ۹، شماره ۴: ۴۰۲) و ضعف در چهره‌سازی از نخبگان، پراکندگی نخبگان، عدم برخورداری از ذهنیت راهبردی، نظام آموزش کمیت‌محور، فقدان ارتباط ارگانیک بین نهادهای درون نظام، برخوردهای سلبی و تنگ‌نظرانه، فقدان نظام جامع شناسایی نخبگان و شایسته‌گزینی (انصاری، ۱۳۸۶: ۲۰۰-۱۷۵) و عدم رعایت قوانین و مقررات، نبود سلامت اداری، نبود مشارکت سیاسی و مدنی افراد.

### راهکارها:

- مشارکت نخبگان در امور (به‌وسیله فراخوان گسترده متخصصان ایرانی داخل و خارج از کشور برای همفکری و همکاری در زمینه‌های مختلف آموزشی، پژوهشی و اجرایی).

---

۱. برخلاف واقع عامل اصلی مهاجرت نخبگان به‌حساب می‌آید، البته در بعضی از کشورها مثل امریکای جنوبی تزلزل سیاسی عامل اصلی مهاجرت نخبگان است و در کل عوامل سیاسی عامل قطعی در فرار مغزها نمی‌باشد.

- شایسته‌سالاری (با رویکرد جذب متخصصان نخبه برای تصدی مشاغل مدیریتی دستگاه‌ها و نهادهای توسعه‌ای و علمی کشور).
- گسترش آزادی‌های فردی - اجتماعی (فلاحی، منوریان، ۱۳۸۷: ۱۲۷).

## ۲. عوامل اقتصادی

نقش اقتصاد در پژوهش‌ها، نقش اقتصاد در زندگی فردی (علت تعیین‌کننده و نهایه‌ی در تصمیم‌گیری نیست) ، میزان درآمد اندک و احساس تبعیض اقتصادی، عدم تناسب درآمد با تخصص، کمبود فرصت‌های شغلی مناسب، ضعف امنیت شغلی متخصصان (بی‌تا، تابستان ۱۳۸۱، سال ۱۱، شماره ۲) ، بیکاری متخصصان و دانش‌آموختگان (از مؤثرترین عوامل) ، سطح پایین حقوق و دستمزد در ایران، تفاوت سطح رفاه ایران با اروپا (تولید ناخالص و توزیع درآمد) (از عوامل مهم و تعیین‌کننده) ، عوامل سیاسی - اجتماعی.

**عوامل اقتصادی که موجب ترغیب نخبگان برای مهاجرت از ایران**

**می‌شوند:**

وجود فرصت‌های شغلی مناسب، فضای مناسب کاری، تعادل هزینه و درآمد، امکانات رفاهی و اقتصادی، امکانات رفاهی، تسهیلات بهتر برای خانواده، بهداشت مناسب، استقلال در کار و آزادی، دستیابی به مسکن مناسب، داشتن وسیله نقلیه مناسب (فلاحی، منوریان، ۱۳۸۷: ۱۲۶) .

### راهکارها:

- تأمین و رفاه معیشتی نخبگان؛
- ایجاد رابطه مثبت میان سواد، تخصص و دارایی از طریق تلاش برای تنظیم و تناسب نسبت بین شغل، تحصیل و درآمد.

### ۳. عوامل فرهنگی - اجتماعی

این عوامل نقش بسزایی را در مهاجرت افراد داشته که بر خروج نخبگان نیز اثر مستقیم دارد.

وجود امنیت اجتماعی، محفوظ بودن جایگاه دانشمندان و عالمان، عدم وجود برخورد‌های اجتماعی ناپه‌نجان، عدم وجود فساد، تبعیض، تمایزات قومی و نژادی، پذیرش اجتماعی نظرات و دیدگاه‌ها، احترام به باورها و اعتقادات، وجود امکانات آموزش برای فرزندان، تأمین بودن آتیه فرزندان، جاذبه‌های متعدد در سایر کشورها، تأمین اجتماعی، پیشرفت شغلی، استقلال در کار، رعایت بهداشت و حفظ محیط‌زیست، وجدان کاری بالا، امکان فعالیت‌های ورزشی بیشتر، نظم اجتماعی، امنیت و ثبات اجتماعی، مصونیت از اعتیاد به مواد مخدر، یادگیری زبان جدید، ارضای حس جاه‌طلبی و بلندپروازی جوانان، امکان دسترسی به ابزارهای ارتباطی جدید، تشویق اقوام و دوستان به مهاجرت (دعوت به کشورهای موردنظر)؛ و فضای مناسب جهت پرداخت به هنر، ارزیابی مثبت از کشور مقصد (فلاحی، منوریان، ۱۳۸۷: ۱۲۶) و عدم اطمینان نسبت به آینده، احساس محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی، کم‌توجهی به ملاک‌های شایستگی در جذب و اشتغال، سلیقه‌ای بودن نظام‌گزینشی و اداری، مشکلات نظام‌وظیفه (بی‌نا، ۱۳۸۱، شماره ۲).

### راهکارها:

- ایجاد فضای مطلوب اجتماعی برای نخبگان (منزلت اجتماعی)؛
- ایجاد رابطه میان سواد و منزلت از طریق وضع قوانین و مقررات برای تأمین امنیت شغلی و اجتماعی استادان، متخصصان، پژوهشگران؛
- افزایش و تقویت حس تعهد ملی و مذهبی.

### ۴. عوامل علمی - تخصصی

این عامل بیشترین اهمیت را در فرار نخبگان دارد.

- سرمایه‌گذاری در امر پژوهشی و فراهم آوردن بستر لازم جهت استفاده هرچه بیشتر از نیروهای علمی و متخصص نه تنها باعث حفظ نیروی انسانی هر کشور و رشد علمی - اقتصادی آن می‌شود، بلکه باعث افزایش تمایل متخصصان و نخبگان سایر کشورها به مهاجرت به آن کشور نیز می‌شود که این امر موجب افزایش نیروی انسانی متخصص آن کشور شده و با توجه به آنچه در بخش‌های پیشین گفته شد حضور نیروی متخصص رشد و توسعه فزاینده کشور را در پی خواهد داشت.
- عدم استفاده از نخبگان در عرصه‌های علمی - تخصصی، عدم سرمایه‌گذاری در بخش پژوهشی کشور؛
- عدم تعادل و تناسب در تربیت نیروی متخصص و پژوهشگر موردنیاز کشور که این امر موجب کاهش فرصت‌های شغلی، کاهش درآمد و رضایت شغلی، تحقیر نخبگان و در نتیجه نارضایتی و تمایل به خروج از کشور خواهد شد؛
- فراهم نبودن امکانات علمی و پژوهشی جهت استادان و محققان و دانش‌پژوهان دانشگاه‌ها و مراکز علمی، و عدم دسترسی آسان به امکانات، وسایل آزمایشگاه، مواد، منابع، کتاب، مجلات و . . .؛

## خروج نخبگان؛ علل و راهکارها ۲۰۱

- عدم استقلال و آزادی عمل پژوهشگر که شرط لازم حیات علمی است موجب کندی روند پژوهش‌ها و ایجاد نارضایتی این قشر می‌شود.
- عدم توان به اجرا درآوردن یا علمی کردن کشفیات و تجارب آزمایشگاهی توسط پژوهشگران کشورهای در حال توسعه که عمدتاً یا به واسطه عدم وجود ارتباط مؤثر بین مراکز پژوهشی علمی با مراکز صنعتی است و یا به واسطه عدم توان پژوهشگران و مدیران سازمان‌دهی پژوهش‌ها و فعالیت‌های علمی کشور می‌باشد.
- عدم رعایت شأن علم و عالمان، عدم توجه به سطح علمی دانشگاه‌ها و عدم توازن در رشد کمی و رشد کیفی دانشگاه‌ها، ضعف مدیریت و فضای علمی در بخش‌های مختلف کشور، کمبود امکانات برای پژوهش؛
- غلبه حوزه‌های سیاسی بر حوزه‌های علمی و فرهنگی در اولویت‌گذاری‌ها و کم‌توجهی به شأن علم، عالم و مراکز علمی و دانشگاهی در سطح مسئولان و نظام برنامه‌ریزی کشور.
- امکان ادامه تحصیل، امکان فعالیت‌های علمی و پژوهشی، کیفیت بالای آموزش، توجه به استعدادها درخشان، وجود بانک‌های اطلاعاتی، ارزش بالای مشاغل علمی، کسب تخصص و امکان پیشرفت، سیستم آموزشی کارآمد (فلاحی، منوریان، ۱۳۸۷: ۱۲۶).

### راهکارها:

- ارتقا سطح علمی - پژوهشی کشور، تقویت زیرساخت‌های علمی؛
- ترویج فرهنگ علم باوری، اندیشه‌ورزی و پژوهشگری و تلاش برای نیل به جایگاه مناسب علمی در روند جهانی‌شدن؛

در پژوهشی که قلی پور و همکاران (۱۳۸۶) به انجام رسانیده‌اند، به این

نتیجه رسیدند که:

ضرورت عدالت‌گستری در بین نخبگان علمی جامعه را گوشزد می‌کند. در این پژوهش عدالت اجتماعی با ۴ بعد مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه کلی این بود که بیش از ۶۶٪ درصد به علت عدم وجود عدالت قصد خروج از کشور را دارند. میانگین عدالت توزیعی (تقسیم منابع مالی، فیزیکی، و اجتماعی) که عینیت و حساسیت بسیار بالایی در امر مدیریت مهاجرت نخبگان دارد، ۲/۱۹ از مقیاس ۵ نمره است.

عدالت احساسی و نیاز به ملاحظه و توجه در نخبگان جامعه را نشان می‌دهد و میانگین آن ۲/۰۱ از ۵ است. یعنی نخبگان وضع موجود را از لحاظ احساسی عادلانه نمی‌بینند و این بعد بیشترین تأثیر را بر قصد مهاجرت نخبگان دارد و استقرار آن از بقیه ابعاد عدالت بسیار مشکل‌تر است.

عدالت رویه‌ای نیازمند توجه کلیه اجزای حکومت است. میانگین این بعد ۲/۱۴ از ۵ است، یعنی قوانین، مقررات، و رویه‌های در مورد همه به‌طور یکسان اعمال نمی‌شود. عدالت اطلاعاتی در اقتصاد دانش‌محور برای نخبگان بسیار حساس است. میانگین ادراک عدالت اطلاعاتی ۱/۶۶ از ۵ است که از همه ابعاد پایین‌تر است ولی کمترین تأثیر را بر قصد مهاجرت نخبگان داشته است (قلی پور و دیگران، ۱۳۸۶، ۴۴-۴۲).

• برقراری امنیت اجتماعی و ایجاد فضای فکری دموکراتیک (چلبی و عباسی، ۱۳۸۳: ۳۰).

• این مسئله (مهاجرت نخبگان) که ارزشمندترین سرمایه‌های ملی را از مجموعه داشته‌های ما کسر می‌کند، بدون تقویت نهاد علم در ایران میسر نیست (ریاحی، ۱۳۸۵: ۱۰).



### نگرانی نخبگان در پژوهشی دیگر این گونه بیان شده است:

- نگرانی توقف رشد علمی، نگرانی از استفاده نشدن معلومات و دانش آن، نگرانی هدر رفتن تخصصشان، نگرانی از کسب و حفظ منزلت اجتماعی، تمایل به تأثیرگذار بودن، تمایل نداشتن به استخدام شدن (کارمندی)؛
- داشتن اطلاعات وسیع، اطلاع از کمیت و کیفیت کارها و فرصت‌های اختیار و شناخت امکانات و جانشین‌های متعدد؛
- آرمان‌خواهی و خطرپذیری؛ مشکل بودن اداره آنان، امکان نپذیرفتن پذیرش برخی از هنجارهای جامعه، توجه نکردن به عوامل صرف مالی در انتخاب شغل، توجه به جایگاه اجتماعی و پاسخگویی به نیازهای علمی و پژوهشی آنان، امکان پیشرفت در انتخاب‌های شغلی (قانعی راد، ۱۳۸۹: ۲۷۸-۲۷۷).

### راهکارهای جلوگیری از مهاجرت نخبگان

سازمان‌ها برای نگهداری نیروهای نخبه در آینده ناچارند این نیروها را شناسایی کرده و در تربیت و پرورش آن‌ها همت کنند، آن‌ها را به بازی بگیرند و به‌موقع آن‌ها را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند. باید علاوه بر حذف دیوان‌سالاری و ارائه فرصت‌های کارآفرینی، جداول قدیمی حقوق و دستمزد نیز تغییر کند. سازمان‌هایی که نتوانند در مدیریت منابع انسانی به‌گونه‌ای تجدیدنظر کنند که مطابق با بایدهای جهان فردا باشد در رقابت شکست خواهند خورد و کسانی که در این مبارزه موفق می‌شوند که بتوانند نیروهای نخبه و برجسته خود را در محیط رقابت جهانی حفظ کنند.

مهندس قرایی، مدیرکل بهره‌وری و تحول اداری وزارت نفت: «نیروهای نخبه در صورتی که در مکان مناسب قرار نگیرند، به‌سرعت دچار تغییر خواهند شد. این تغییر گاهی به‌صورت سرخوردگی از روزمرگی‌های کاری و پذیرفته نشدن از طرف افراد غیرکارا بروز می‌کند و گاه نیز به دلیل مقاومت محیط در برابر تغییر و پویایی، خود به

جزئی از روزمرگی‌های تبدیل می‌شود. با تخصیص مکان‌های مناسب به افراد ممتاز، می‌توان محیط رشد و بالندگی مناسبی فراهم کرد تا نخبگان با به روز کردن معلومات و امکان بروز خلاقیت، به کارآفرینی بپردازند» (بی‌نا، شماره ۴: ۳۹۴).

### دکتر کامبوزیا نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون آموزش و

تحقیقات مجلس: در پژوهشی که وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری اخیراً انجام داد، از مجموع چهارده هزار و سیصد نفر دانشجوی بورسیه که به‌طور عمده از سال‌های ۶۴ تا ۷۲ برای ادامه تحصیل به خارج از کشور اعزام شده‌اند، حدود ۱۲ درصد تا سال ۷۷ بازنگشته‌اند و از ۲۸ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی از سال ۶۹ تا ۷۷، ۱۵۱ عضو هیأت علمی با عناوین مختلف به خارج از کشور رفته‌اند و هرکدام بین ۲۰ تا ۲۴ ماه تأخیر دارند و برخی مراجعت نکردند (مجله استعدادهای درخشان، سال ۹، شماره ۴: ۴۱۶).

### راه‌حل‌های جلوگیری از خروج نخبگان:

جلوگیری از خروج نخبگان و تحصیل کردگان روش شکست‌خورده‌ای است. از سویی برای صدور مجوز خروج، کلیه هزینه تحصیل و یارانه‌های دولتی را که در طول زندگی پرداخت گردید، دریافت نمودن نیز شکست‌خورده است، زیرا ثابت شده که با پول نمی‌توان علم و دانش را جبران کرد. راه‌حل بازگشتی یعنی شرایط مادی به‌گونه‌ای فراهم آید تا افرادی که رفته‌اند، بازگردند. این راه‌حل کره جنوبی موفق بوده است. محل زندگی افراد نخبه از نظر مکانی اهمیت ندارد، بلکه باید از تخصص، مهارت و سرمایه آن‌ها استفاده نمود که این امر می‌تواند در ایران به کار گرفته شود. وجود انجمن‌های دانشجویی، گروه‌های تحصیل‌کرده داخل و خارج، برپایی سمینارها در دستیابی به این هدف بسیار مؤثر خواهد بود.

خروج نخبگان؛ علل و راهکارها ۲۰۵

پیشنهاد دهنده	پیشنهاد
	ایجاد انجمن‌های حمایت از نخبگان و قرار دادن تسهیلات رفاهی، امنیتی، علمی و پژوهشی برای آنان؛
آقایان صادقی و افقی (۱۳۸۴) این موارد پیشنهاد میکنند:	جلوگیری از مهاجرت نخبگان با فراهم نمودن امکانات بورس تحصیلی؛
	رسیدگی بیشتر به امور زیستی و معیشتی استادان دانشگاه؛
	فراهم کردن فرصت‌های مطالعاتی و فعالیت‌های علمی برای نخبگان؛
	تقویت روند چرخش نخبگان از طریق توسعه ارتباطات علمی بین‌المللی؛
آقایان فلاحي، منوریان (۱۳۸۷) نیز این موارد را پیشنهاد میکنند: «مغزها»؛	استفاده از تجربه‌های کشورهای دیگر در زمینه جذب نخبگان (چین و هند برنامهریزی منظمی درخصوص تعامل با نخبگان و بهره‌گیری از وضعیت «چرخه مغزها»؛
	هماهنگی و تناسب در تربیت نیروی متخصص و پژوهشگر مورد نیاز؛

جدول شماره ۲: راه‌کارهای نگه‌داری مغزها (بی‌تا، ۱۳۷۹، شماره ۱، ۶۷)

### راهکارهای بازگشت نخبگان در پژوهشی بدین شرح ذکر شده است:

- رفع عوامل دفعی در داخل کشور، مدیریت اعتبارات پژوهشی، رعایت شایسته‌گزینی و نخبه‌گزینی در انتصاب مدیران آموزشی و پژوهشی، تقویت حسن میهن‌پرستی در جوانان و نوجوانان، تأمین معیشت استادان و پژوهشگران؛
- تجهیزات علمی و پژوهشی، جلوگیری از سیاسی شدن بیش‌ازحد محیط‌های علمی و ایجاد تشنج در آنها؛
- گسترش کیفی دوره‌های دکتری و فراهم ساختن امکان اعزام بورسیه از میان استعدادهای درخشان دانشجویان دکتری و فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد بدون بهره‌گیری از روابط شخصی یا جناحی.
- ایجاد تسهیلات ویژه برای انجام فرصت مطالعاتی در داخل و شرکت در سمینارها و تدریس کوتاه‌مدت در دانشگاه‌های داخل برای ایرانیان مقیم خارج؛
- استمداد از نخبگان و متخصصان مقیم داخل و خارج برای شکل‌گیری قوی و متناسب قطب‌های علمی؛
- استفاده از استادان ایرانی مقیم خارج از کشور به‌عنوان استاد راهنما و مشاور در پایان‌نامه‌های تحصیلی و تمهید تسهیلات قانونی و مالی در این خصوص؛
- حل مشکلات مربوط به ادامه تحصیل و خدمت وظیفه عمومی فرزندان دانشجو و دانش‌آموز متخصصان ایرانی که خواستار بازگشت به میهن هستند.
- روان شدن تسهیلات رفت‌وآمد متخصصان مقیم خارج و رفع مشکلات کنونی آنان با کمک وزارتخانه‌های امور خارجه، اطلاعات و سازمان نظام‌وظیفه و اداره گذرنامه؛

خروج نخبگان؛ علل و راهکارها ۲۰۷

- ایجاد اداره و سازمان‌دهی شبکه‌های علمی مهاجران در قالب شبکه‌های دانشجویان، پژوهشگران، انجمن‌های محلی مهاجران متخصص در شبکه‌های جهانی اطلاع‌رسانی (اینترنت) و کشورهای خارجی؛
- استفاده از توان و تخصص نخبگان بدون نیاز به بازگرداندن دائم آن‌ها، استفاده از توانایی‌های نخبگان مهاجر از راه دور، استفاده از این محیط به‌عنوان مکمل دانشگاه‌های موجود کشور، ایجاد یک دانشگاه کاملاً الکترونیکی؛
- سازمان و تشکیلات مناسب (بی تا ۱۳۸۲، سال ۱۲، شماره ۳: ۳۲۹-۳۲۵).
- اعطای مجوز تأسیس به دانشگاه‌های خارجی در ایران (بی تا، ۱۳۸۸، شماره ۴: ۴۳۳).

### نتیجه‌گیری:

امروزه برتر بودن منبع انسانی سازمان‌ها نسبت به سایر منابع امری بدیهی قلمداد می‌شود لذا کشورها و سازمان‌ها در پی جذب و حفظ برترین استعدادها و نخبگان می‌باشند. در این شرایط، در کشور ما نسبت به امور نخبگان سهل‌انگاری می‌گردد و عوامل مختلفی باعث ترک کردن کشور توسط این افراد می‌شود.

در این مقاله ذکر شد که نخبگان با داشتن ویژگی‌هایی همچون انگیزش، مهارت، خلاقیت و تصویرسازی، مهارت‌های ارتباطی و توان حل مسئله و ... نقش بی‌بدیلی در پیشرفت کشور و گره‌گشایی از مشکلات آن می‌توانند داشته باشند از سوی دیگر نبود این افراد به معنای مدیریت ناشایستگان است و فقدان شایستگان آثار خود را حتی در لایه‌های بعدی جامعه نیز بر جای می‌نهد و نوعی بی‌اعتمادی و بی‌انگیزگی را در محیط بسط می‌دهد. از این رو پرداختن به هدف این مقاله یعنی پی بردن به علل خروج نخبگان و راهکارهای جلوگیری از آن رخ می‌نماید.

همچنین بیان گردید که عواملی چون عامل سیاسی همچون بی‌ثباتی در مدیریت سیاسی و ناکافی بودن آزادی‌های مدنی در کنار سه عامل دیگر از جمله عامل اقتصادی مانند سطح پایین حقوق و دستمزد و عامل فرهنگی اجتماعی مانند استقلال در کار و برخورد‌های اجتماعی ناپه‌نجان و عامل علمی تخصصی موجب خروج این نیروهای نخبه از کشور می‌شود که با ارائه راهکارهایی سعی گردید که راه‌حل برخورد با این مسئله یافت و پیشنهاد گردد.

### منابع و مأخذ:

۱. انصاری، محمدمهدی، اسفند ۱۳۸۶، *نخبه پروری سیاسی*، تهران: نشر دادگستر.
۲. انصاری، محمدمهدی، ۱۳۸۶، *مقدمه‌ای در باب ضرورت‌ها و راهکارها نخبه پروری سیاسی*، تهران: نشر دادگستر.
۳. باتامور، تام ب، ۱۹۹۲، *نخبگان و جامعه*، مترجم طیب، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. بی‌نا، ۱۳۸۲، *سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴*.
۵. بی‌نا، ۱۳۸۲، *سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴*.
۶. بی‌نا، اسفند ۱۳۸۹، *آشنایی با ضوابط و آیین‌نامه‌های بنیاد ملی نخبگان*، تهران: روابط عمومی بنیاد ملی نخبگان.
۷. بی‌نا، بهار ۱۳۷۹، *مجله استعدادهای درخشان*، سال ۹، شماره ۱.
۸. بی‌نا، تابستان ۱۳۸۱، *مجله استعدادهای درخشان*، سال ۱۱، شماره ۲.
۹. بی‌نا، زمستان ۱۳۸۸، *مجله استعدادهای درخشان*، سال ۱۳، شماره ۴.
۱۰. پور صادق، ناصر / رنجبر، آیدا، ۱۳۸۹، *آسیب‌شناسی نظام مدیریت نخبگان کشور و ارائه الگوی مفهومی مناسب*، اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، نوآوری و کارآفرینی، فارس.
۱۱. جبلی، مسعود/ عباسی، رسول، ۱۳۸۳، *تحلیلی تطبیقی فرار مغزها در سطوح خرد و کلان*، پژوهشگاه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۱.

۱۲. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۶، سخنرانی مقام معظم رهبری با نخبگان در اولین همایش نخبگان جوان.
۱۳. ریاحی، علی، خرداد ۱۳۸۵، تبیین وظایف و نقش دولت و نخبگان در مسیر چشم‌انداز توسعه، همایش آینده‌پژوهی، فناوری، و چشم‌انداز توسعه، تهران: دانشگاه امیرکبیر.
۱۴. شاه‌آبادی، ابوالفضل / کریم کشته، محمدحسین / محمودی، عبدالله، تابستان ۱۳۸۵، بررسی عوامل مؤثر بر فرار مغزها (مطالعه موردی: ایران)، فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی، شماره ۳۹، ۸۱-۳۹.
۱۵. شبیری، سید فخرالدین، ۱۳۸۰، خروج متخصصان و نخبگان علمی و فنی از کشور زیان جبران‌ناپذیری را در پی دارد، مجله ماشین، سال ششم، شماره ۲۲.
۱۶. فلاحی، کیومرث / منوریان، عباس، پاییز ۱۳۸۷، بررسی عوامل مهاجرت نخبگان (سرمایه‌های انسانی) و ارائه راهبردهای مناسب برای پیشگیری از این پدیده، مجله دانش و توسعه، سال ۱۵، شماره ۲۴: ۱۳۶-۱۰۷.
۱۷. قانعی راد، محمدامین، ۱۳۸۹، مشارکت سیاسی و اجتماعی نخبگان، تهران: راهدان، شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۸. قلی‌پور، آرین / فتاحی، مهدی / پیران‌نژاد، علی، تابستان ۱۳۸۶، تأثیر عدالت اجتماعی بر مهاجرت نخبگان، مجله رهیافت، شماره ۴۰: ۴۵-۳۵.
۱۹. گلستانی فرد، فرهاد، ۱۳۸۰، فرار مغزها، روزنامه ابرار اقتصادی.
۲۰. گولد، جولیوس / ل. کولب، ویلیام، ۱۳۸۴، فرهنگ علوم اجتماعی، محمدجواد زاهدی، تهران: مازیار.
۲۱. مانزینی، اندرو، ۱۳۸۵، مدیریت تحول سازمانی آسیب‌شناسی سازمانی با رویکرد کاربردی به حل مشکلات و بالندگی سازمانی.



۲۲. ملکبان بهابادی، محسن / محسنی ذنوزی، هاشم / کشاورز، محسن، پاییز ۱۳۸۸، کمال‌گرایی و عزت‌نفس در نخبگان علمی، ورزشی و افراد غیر نخبه در شهر تهران، مجله دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، شماره ۴۱: ۱۳۷-۱۱۹.

1. Adapted from Colorado Department of Education (2004)  
. CDE adapted from National Research Center on the Gifted
2. Castelano, J. Special, 2003, "Populations in Gifted Education: Working with Diverse Gifted Learners", Boston, MA: Pearson Education Inc.
3. Harrison, M. I, 1998, "Diagnosing Organization, methods, model, and process", by sage publication.
4. Huselid, M. A. Beatty, R. and Becker, B. E, 2007, "Harvard Business Review", pp: 23- 41.
5. Wikipedia, A. Free Encyclopedia Brain, Drain. U. K, 2005.



# بکارگیری مدل شبکه‌ی عصبی فازی در تعیین زمان خرید

## اوراق بهادار

محمد عظیم خدایاری<sup>۱</sup>

عباس صمدی<sup>۲</sup>

طیبه بیات<sup>۳</sup>

دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۰۴ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۲۶

### چکیده

امروزه، سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار، بخش مهمی از اقتصاد کشور را تشکیل می‌دهد و بی‌تردید بیشترین مقدار سرمایه از طریق بازارهای سهام در تمام جهان مبادله می‌شود. بازارهای بورس نه‌تنها از پارامترهای کلان، بلکه از هزاران عامل دیگر نیز متأثر می‌شوند. تعداد زیاد و ناشناخته بودن عوامل مؤثر بر قیمت سهام و همچنین پیچیده بودن رابطه بین این عوامل و قیمت سهام، موجب عدم اطمینان در زمینه سرمایه‌گذاری شده است. یکی از ابزارهای کاهش عدم اطمینان و از بحث‌های بسیار مهم سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار، تشخیص زمان مناسب برای اقدام به خرید یا فروش سهام است. در این مقاله، تلاش می‌شود تا شبکه‌های عصبی، ویژگی‌ها و انواع آن معرفی گردد. در پایان نیز یک مدل مفهومی جهت تعیین زمان مناسب برای خرید و فروش سهام معرفی می‌شود.

**واژگان کلیدی:** پیش‌بینی، قیمت سهام، شبکه عصبی فازی، منطق فازی، تحلیل و

شاخص‌های تکنیکال.

۱ عضو هیات علمی و مدیر گروه بازرگانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر

۲ عضو هیات علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان

۳ کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی گرایش مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر

## مقدمه

در عصر حاضر در بسیاری از موارد ماشین‌ها جایگزین انسان‌ها شده‌اند و بسیاری از کارهای فیزیکی که در گذشته توسط انسان‌ها انجام می‌گرفت، امروز به وسیله ماشین‌ها انجام می‌شود (هاشمی، ۱۳۸۷، ص ۳۹). در سال‌های اخیر شاهد حرکتی مستمر، از تحقیقات صرفاً تئوریک به تحقیقات کاربردی بخصوص در زمینه پردازش اطلاعات، برای مسائلی که برای آن‌ها راه‌حلی موجود نیست و یا به راحتی قابل حل نیستند بوده‌ایم (شهیدی، ۱۳۸۷، ص ۶۹). در این زمینه طی چند دهه اخیر تلاش‌های بسیار جدی جهت طراحی مدارات الکترونیکی که قادر باشند شبکه‌های عصبی زیستی<sup>۱</sup> را همانندسازی کنند صورت گرفته است. مغز انسان نمونه‌ای از این شبکه‌ها است. برخی از این مدل‌ها به گونه‌ای بسیار نزدیک عملکرد شبکه‌های زیستی را همانندسازی کرده‌اند و برخی دیگر تفاوت بسیاری دارند (کارتالوپولس، ۱۳۸۱، ص ۶۴). گروهی از مهندسان نیز سعی کرده‌اند از عملکرد مغز در فناوری استفاده کنند. بدین صورت که از شبکه‌های عصبی در مسائلی که اطلاعات دقیقی در دست نیست و یا پاسخ مورد نظر باید پاسخی حدودی باشد، استفاده می‌کنند (فرجی داور، ۱۳۸۶، ص ۷۲).

مغز قادر است برای شناسایی الگوها و تفکیک الگوهای ناقص آموزش ببیند. به علاوه شبکه آموزش داده شده با از دست دادن برخی نرون‌ها عملکرد خود را از دست نخواهند داد (کارتالوپولس، ۱۳۸۱، ص ۵).

با توجه به مطالب بیان شده می‌توان گفت، شبکه‌های عصبی مصنوعی<sup>۲</sup> تلاش می‌کنند ساختاری مشابه ساختار بیولوژیکی مغز انسان و شبکه اعصاب بدن ایجاد کنند تا همانند مغز قدرت یادگیری، تعمیم دهی، و تصمیم‌گیری داشته باشد. یک شبکه عصبی مصنوعی یک سیستم پردازش اطلاعات است که شاخصه‌های عملکردی ویژه‌ای

- 
1. Biological Neural Networks
  2. Artificial Neural Networks

بکارگیری مدل شبکه‌ی عصبی فازی در تعیین زمان خرید اوراق بهادار ۲۱۵

همانند شبکه‌های عصبی بیولوژیکی دارد (شهیدی، ۱۳۸۷، ص ۷۰). هدف شبکه‌های عصبی نگاشت یک ورودی به یک خروجی مطلوب است (Priddy, K. & Keller, P., 2005, p1). قدرت یادگیری و آموزش شبکه‌های عصبی، آن‌ها را برای کاربردهای وسیعی چون پردازش امواج (تشخیص الگو و طبقه‌بندی تصویر، صوت و داده‌ها)، کنترل (روبات‌ها، سیستم‌های قدرت، سیستم‌های مخابراتی و وسایل نقلیه موتوری هوشمند) و پیش‌بینی بسیار مناسب می‌سازد (کارتالوپولس، ۱۳۸۱، ص ۵). به‌موازات رشد و تکامل نظریه شبکه‌های عصبی، تئوری فازی یا منطق فازی<sup>۱</sup> نیز پدیدار شد. ابداعات مقدماتی پروفیسور لطفی زاده، به‌سرعت توجه محققینی را که در زمینه شبکه‌های عصبی مصنوعی کار می‌کردند به خود جلب کرد.

شبکه‌های عصبی مصنوعی و منطق فازی به‌خوبی باهم به کار می‌روند. این شبکه‌ها قوانین فازی را دسته‌بندی می‌کنند و یاد می‌گیرند. منطق فازی قادر است از پارامترهای نامعین شبکه‌های عصبی استنتاج کند. توانایی یادگیری سریع شبکه‌های عصبی مصنوعی، آن‌ها را قادر می‌سازد تا از داده‌های فازی یا پارامترهای فازی، پاسخ قطعی و هوشمندانه استخراج کنند و از محاسبات پیچیده وقت‌گیر اجتناب نمایند. ادغام قواعد منطق فازی در یک شبکه عصبی موجب افزایش انعطاف‌پذیری آن‌ها و ایجاد شبکه‌ای بسیار نیرومند خواهد شد (کارتالوپولس، ۱۳۸۱، ص ۶-۹).

به دو دلیل مجزا بازارهای بورس در کل دنیا کانون توجه پژوهش‌گران قرار گرفته‌اند. انگیزه‌های مادی فردی و جنبه‌های اقتصادی عمومی.

از اواسط دهه ۷۰ و به‌ویژه از سال ۱۹۸۰ تلاش‌های گسترده‌ای در زمینه قابلیت پیش‌بینی قیمت‌های سهام با استفاده از روش‌های ریاضی جدید، سری زمانی طولانی و ابزار پیشرفته‌تری مثل هوش مصنوعی آغاز شد و آزمون‌های زیادی بر روی اطلاعات قیمت و شاخص سهام در کشورهایی مثل انگلستان، آمریکا، کانادا، آلمان و ژاپن صورت

---

1. Fuzzy Theory or Fuzzy Logic

گرفت تا وجود یا فقدان ساختاری معین در اطلاعات قیمت سهام نشان داده شود و از این راه فرضیه گام‌های تصادفی را نقض کنند (pinches, 1970,54).

### ادبیات تحقیق

#### روش‌های سنتی تجزیه و تحلیل قیمت در بورس

قبل از وجود رایانه و استفاده از آن‌ها برای پیش‌بینی در بورس اوراق بهادار کار پیش‌بینی با روش‌های دیگری انجام می‌شده است. سرمایه‌گذاران از شیوه‌های مختلف پیش‌بینی برای حداکثر کردن بازده و حداقل کردن ریسک استفاده می‌کردند. روش‌های پیش‌بینی که در بازار بورس کاربرد داشته‌اند به روش‌های سنتی پیش‌بینی معروف بوده‌اند. این روش‌ها عبارت‌اند از تجزیه و تحلیل تکنیکی و تجزیه و تحلیل اساسی.

#### ۱. تجزیه و تحلیل تکنیکی

تجزیه و تحلیل تکنیکی شامل تکنیک‌های پیش‌بینی است که با اندازه‌گیری الگوهای تاریخی رفتار قیمت سهام و ویژگی‌های تاریخی سایر اطلاعات مالی به دست آمده است. تحلیل‌گر پس از بررسی عملکرد رفتار گذشته، اطلاعاتی جاری مربوط به قیمت سهام را مورد بررسی قرار می‌دهد تا دریابد که آیا هیچ‌گونه الگوی برقرار شده‌ای قابل اعمال هست یا خیر و اگر چنین باشد پیش‌بینی‌هایی می‌توان انجام داد.

ایده اصلی تجزیه و تحلیل تکنیکی این است که روند تغییرات قیمت سهام به وسیله تغییرات نگرش سرمایه‌گذاران که خود متأثر از عوامل متعددی است شکل می‌گیرد. با استفاده از قیمت، حجم و نرخ بهره تحلیل‌گران تکنیکی از نمودارهایی برای پیش‌بینی تغییرات آینده قیمت‌ها استفاده می‌کنند. تحلیل‌گران تکنیکی بر این عقیده‌اند که تاریخ خود را تکرار می‌کند و تغییرات آتی قیمت سهام می‌تواند با توجه به قیمت‌های پیشین سهام تعیین شوند (Robert, 1996,75).

در دهه ششم قرن بیستم با ظهور چارتیست‌ها مطالعات متعددی بر روی وجود همبستگی بین تغییرات قیمت در بورس‌ها متعدد جهان انجام شد که هدف این

مطالعات علاوه بر نشان دادن وجود همبستگی و روند در تغییرات قیمت‌ها رد فرضیه بازار کارا در سطح ضعیف بوده است.

## ۲. تجزیه و تحلیل اساسی

طرفداران این شیوه تجزیه و تحلیل تأکید دارند که در لحظه اوراق بهادار منفرد، ارزش ذاتی دارند و این ارزش با درآمد آن سهم ارتباط دارد. بدین ترتیب تحلیل‌گران ارزش ذاتی، قیمت‌های جاری را تابعی از ارزش تنزل شده جریان درآمدی آینده آن‌ها یا نسبت قیمت به درآمد می‌دانند.

بدین ترتیب آن‌ها با نرخ رشد درآمد و پیش‌بینی درآمد سال آینده، قیمت ذاتی سهام را برای دوره جاری تخمین زده و با مقایسه آن با قیمت‌های واقعی به انجام معاملات اقدام می‌کنند. درآمد بالقوه هر ورقه بهادار وابسته به عواملی نظیر عملکرد شرکت، موقعیت صنعت و وضعیت اقتصادی است؛ با مطالعه دقیق این عمل، تجزیه و تحلیل کنندگان می‌توانند تفاوت قیمت اوراق را از ارزش ذاتی آن‌ها محاسبه کرده و از این طریق منتفع شوند. بدین صورت که اگر قیمت بالاتر یا پایین‌تر از ارزش ذاتی باشد با انجام سفارشات فروش یا خرید سود زیادی عاید آن‌ها می‌شود. محققین در این زمان سعی کردند تأثیرگذاری عوامل کلان اقتصادی را بر روی قیمت‌ها در بورس نشان دهند.

توضیح این‌که در یک تقسیم‌بندی دیگر روش‌های سنتی تجزیه و تحلیل را به سه روش تجزیه و تحلیل تکنیکی؛ روش تحلیل بنیادی؛ روش تحلیل تصادفی تقسیم می‌کنند (Barber & Odean, 2001, 34).

## ۳. نظریه بازار کارا

ناتوانی در جهت پیش‌بینی قیمت سهام به دلیل عوامل متعدد تأثیرگذار بر آن باعث ارائه فرضیه کارایی بازار<sup>۱</sup> شد. فرضیه بازار کارا و تعیین قیمت اوراق بهادار در بازار را ناشی از واکنش خریداران و فروشندگان به جدیدترین اطلاعات و آینده شرکت می‌-

داند. فاما<sup>۱</sup> یکی از نظریه‌پردازان در کارایی بازار کارا را این‌گونه توصیف می‌کند: «بازار کارا بازار اوراق بهاداری است که در آن تعداد زیادی خریدار و فروشنده نسبت به اطلاعات موجود و دیدگاهی که نسبت به آینده شرکت‌هایی که اوراق بهادار آن‌ها در بازار معامله می‌شود عکس‌العمل نشان می‌دهند و بدین ترتیب باعث تعیین قیمت اوراق در بازار می‌شوند».

بررسی کارایی بازار اوراق بهادار تا دهه هشتم قرن بیستم اکثراً بر روی بازار بورس نیویورک و سایر بورس‌های آمریکا و بورس لندن متمرکز بود و سپس به دلیل اهمیتی که کارا بودن این بازارها رد سیاست‌های کلان اقتصادی و به دنبال آن رشد و توسعه اقتصادی داراست، دامنه این مطالعات به سایر بورس‌های جهان نیز کشانیده شد و علاوه بر آن روش‌های آزمون کارایی بازار نیز پیشرفت کرد و محققین سعی در به‌کارگیری روش‌های جدید آماری و غیر آماری پیشرفته، که بتواند آن‌ها را به نتایج صحیحی رهنمون سازد کردند (نمازی و شوشتریان، ۱۳۷۵، ۴۵).

### روش‌های مدرن تجزیه و تحلیل قیمت در بازار بورس

به دنبال تلاش‌های دانشمندان علوم ریاضی و سیستم‌های پویا روش‌های جدید برای پیش‌بینی قیمت‌ها در بازار بورس ایجاد شده است. کاربرد مدل‌های غیرخطی و هم‌چنین تکنیک‌های پیشرفته اگرچه سال‌های زیادی نیست که شروع شده است ولی در همین مدت‌زمان کم توانسته است، جایگاه خود را در علوم مختلف به‌ویژه در اقتصاد باز کند. بازارهای مالی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و متخصصین سیستم‌های غیرخطی سعی در توضیح رفتار قیمت سهام و پیش‌بینی آن از طریق روش‌های پیشرفته غیرخطی کرده‌اند. استفاده از نظریه آشوب و روش‌های هوش مصنوعی از زمره این‌گونه فعالیت‌ها هستند.

### نظریه آشوب

بنیان نظریه آشوب<sup>۲</sup> توسط ریاضی‌دانانی چون ادوارد لورنز و جیمز یورک<sup>۳</sup> در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۷۰ میلادی شکل گرفت. طرفداران این نظریه بر این باورند که در میان

---

1. Fama  
2. Chaos Theory  
3. Edward Lorenz & James Yorks



الگوهای ظاهراً تصادفی پدیده‌های مختلف - از سیستم‌های هواشناسی گرفته تا سازمان‌ها و بازارهای بورس - نوعی نظم وجود دارد (Weiss, 1992,63)، تلاش چالش‌برانگیز پژوهش‌گران سیستمی در این است که قواعدی را برای پیش‌بینی رفتار «سیستم‌های پیچیده و ظاهر غیرقابل‌پیش‌بینی» نامنظم کشف کنند. به عقیده مارگارت ویتلی<sup>۱</sup> هنگامی یک سیستم را غیرقابل‌پیش‌بینی می‌نامند که تعیین جایگاه بعدی آن غیرممکن باشد و هیچ‌گونه امکان پیش‌بینی در مورد آن وجود نداشته باشد. چنین سیستمی هرز دو بار در یک مکان فرود نمی‌آید. اما طبق نظریه آشوب اگر ما چنین سیستمی را برای مدت کافی تحت نظر بگیریم، با بررسی حالات سیستم در لحظات گوناگون زمان متوجه می‌شویم که سیستم یاد شده همواره نظم ذاتی خود را به نمایش می‌گذارد. حتی غیرقابل پیش‌بینی‌ترین (آشفته‌ترین) سیستم‌ها نیز همواره در محدوده مرزهای معینی حرکت می‌کنند و هرگز از آن خارج نمی‌شوند. معمولاً دورن بی‌نظمی و آشوب، الگوهایی از نظم وجود دارد که به‌طور شگفت‌انگیزی زیباست (رضاییان، ۱۳۹۰: ۶۰).

برای نشان دادن رفتار آشوبناک قیمت در بازار سهام از مدل دی وهانگ<sup>۲</sup> استفاده می‌شود. این مدل تلاش می‌کند که توضیح دهد چگونه بازارهای پررونق ناگهان تنزل می‌یابند و رفتار آن‌ها تصادفی به نظر می‌رسد. دو گروه از سرمایه‌گذاران در ای مدل دخیل هستند؛ گروه اول سرمایه‌گذاران مطلع<sup>۳</sup> یا گروه a، این گروه منابعی از اطلاعات را در اختیار دارند که می‌توانند ارزش ذاتی (PO) یک سهم را تعیین کنند. گروه دوم سرمایه‌گذاران گروه B هستند، این گروه برخلاف گروه اول درگیر جمع‌آوری اطلاعات از شرکت نمی‌شوند. این گروه بر اساس اطلاعات افشا شده از طریق گروه a و تخمینی که از اختلاف بین  $P_T$  (قیمت حال) و  $P_0$  (ارزش ذاتی) می‌زنند قیمت آینده ورقه بهادار را برآورد می‌کنند. دی وهانگ با بررسی جزء به جزء رفتار دو گروه سرمایه‌گذار a و B هیچ جزء تصادفی را مشاهده نمی‌کنند و اثبات می‌کنند که تغییرات قیمت سهام کاملاً تعیین شده است.

---

1. Margaret Wheatey  
2. Day & hang  
3. Informed Investors

سرلیتین و شینتانی<sup>۱</sup> (Serletin & Shintani, 2003, ۹۶) به بررسی روند گشت تصادفی و آشوبناک در شاخص دواجونز<sup>۲</sup> در بورس سهام آمریکا اقدام کردند، نتیجه این پژوهش نشان داد که شواهد بیشتری وجود دارد که روند حرکت این شاخص را تصادفی بنامیم تا این که آن را دارای روند آشوبناک بدانیم، داده‌های این تحقیق از سال ۱۹۲۸ تا سال ۲۰۰۰ به صورت روزانه بود. آن‌ها روند آشوبی را با استفاده از توان لیاپانف آزمون کردند.

### هوش مصنوعی<sup>۳</sup>

دانشمندان و محققان در دهه آخر قرن بیستم عمدتاً به این اصل معتقدند شدند که فرض منطقی بودن سرمایه‌گذاری که اصل غیرقابل‌اغماض در سرمایه‌گذاری مدرن مالی است و یکی از مفروضات اصلی در بازار کارا و یا مدل بازار است با توجه به عوامل پیچیده‌ای که در بازارهای سهام دخیل هستند، واقعی نیست. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که بازار سرمایه دارای نظم مشخصی نیست و استفاده از ریاضیات پیچیده در سیستم‌های غیرخطی و پویا می‌تواند مدل‌هایی را ایجاد کند که نظریه‌های گذشته را باطل کند (خالوزاده، ۱۳۷۷).

در سال‌های اخیر در پی پیشرفت‌هایی که در زمینه رایانه و هوش مصنوعی و هم‌چنین کشف روابط آشوبی در سری‌های زمانی غیرخطی پدید آمد، فعالیت‌هایی در جهت پیش‌بینی قیمت در بورس اوراق بهادار در کشورهای مختلف انجام شد. تکنیک‌های هوش مصنوعی که شامل شبکه‌های عصبی، الگوریتم ژنتیک و منطق فازی است نتایج موفقیت‌آمیزی در زمینه حل مسائل پیچیده به دست آورده‌اند.

اولین بار وایت<sup>۴</sup> (Schwartz & Whitcimb, 1977) از شبکه‌های عصبی برای پیش‌بینی در بازار بورس استفاده کرد او به دنبال این پرسش بود که آیا شبکه‌های عصبی قادرند قواعد غیرخطی در سری‌های زمانی و قواعد ناشناخته در حرکات قیمت دارایی‌ها و تغییرات قیمت سهام را شناسایی کنند؟ هدف وایت از ارائه این مقاله نشان

- 
1. Seretin and shintani
  2. Dow jones
  3. Artificial Intelligence
  4. White

دادن این مطلب بود که چگونه یک شبکه عصبی پیشداد قادر به انجام این کار است. او با ارائه یک مثال از قیمت‌های روزانه IBM این مطلب را ثابت کرد.

### شبکه‌ی عصبی

در طی چند دهه‌ی اخیر شاهد شبکه‌های عصبی مصنوعی حضور موفق‌تری در مباحث مدیریت و مالی داشته‌اند و مقالات بسیاری در این زمینه ارائه شده و ایده‌ی آموزش برای حل مسائل شناسایی الگوهای پیچیده با استفاده از دیدگاه عامل‌های داده هوشمند برای محققان دانشگاهی بسیار چالش برانگیز شده است. شبکه‌های عصبی یک ابزار ارزشمند برای دامنه‌ی گسترده‌ای از حوزه‌های مدیریت است که به عنوان یک جزء حیاتی اغلب سیستم‌های داده‌کاوی، باعث تغییر روش نگاه سازمان به ارتباط بین داده‌ها و استراتژی شرکت می‌شود (لیسو،<sup>۱</sup> ۲۰۰۰، ۳۸).

به هر حال عملکرد مغز و اعصاب انسان با توجه به میلیون‌ها سال تکامل می‌تواند به عنوان کامل‌ترین و کارآمدترین الگو برای تشخیص وقایع پیرامون خود باشد. طی سال‌ها عصب‌شناسان و روان‌شناسان تلاش کردند که بفهمند مغز بشر چگونه کار می‌کند. این تلاش منجر به ایجاد هوش مصنوعی<sup>۲</sup> شد (منهاج، ۱۳۷۹، ۹۳).

تحقیقات و علاقه‌مندی به شبکه‌های عصبی مصنوعی از زمانی شروع شد که مغز به عنوان یک سیستم دینامیکی با ساختار موازی و پردازشگری کاملاً مغایر با پردازشگرهای متداول شناخته شد. نگرش نوین در مورد کارکرد مغز نتیجه‌ی تفکراتی بود که در اوایل قرن بیستم در مورد ساختار مغز به عنوان اجتماعی از اجزای محاسباتی کوچک به نام نرون<sup>۳</sup> شکل گرفت. مغز انسان از حدود ۱۰<sup>۱۱</sup> (یکصد میلیارد) نرون تشکیل شده است که بین آن‌ها تقریباً ۱۰<sup>۱۴</sup> تا ۱۰<sup>۱۵</sup> ارتباط تصور می‌شود، یعنی یک شبکه‌ی بسیار پیچیده‌ی ارتباطی وجود دارد که باعث می‌شود مغز انسان به عنوان یک پردازشگر موازی عمل کند (بیل و جکسون ۱۳۸۰، ۵۷).

---

1. Lisbo  
2. Artificial Intelligence (AI)  
3. Neron

### شبکه‌های عصبی بیولوژیکی

تحقیقات و علاقه‌مندی به شبکه‌های عصبی زمانی شروع شد که مغز انسان به‌عنوان یک سیستم دینامیکی با ساختار موازی و پردازشگری کاملاً مغایر با پردازشگرهای متداول شناخته شد. نگرش نوین در مورد مغز از اوایل قرن بیستم توسط رامون سگال آغاز شد که مغز را به‌عنوان اجتماعی از اجزای محاسباتی کوچک به نام نرون<sup>۱</sup> تشریح کرد (Dybowski, R. & Gant, V. , 2007, p1).

نرون عنصر اصلی مغز است و به‌تنهایی مانند یک واحد پردازش منطقی عمل می‌کند. مغز به‌عنوان یک سیستم پردازش اطلاعاتی با ساختار موازی از ۱۰۰ تریلیون (۱۰<sup>۱۱</sup>) نرون‌های به هم مرتبط با تعداد ۱۰<sup>۱۶</sup> ارتباط تشکیل شده است. در واقع نرون‌ها ساده‌ترین واحد ساختاری سیستم‌های عصبی هستند (سینایی و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۷۰). ساختمان هر یک از نرون‌ها نیز به‌تنهایی بسیار پیچیده است. هر نرون از بخش‌ها و زیرسیستم‌های زیادی تشکیل شده است که از مکانیسم‌های کنترلی پیچیده‌ای استفاده می‌کنند. سلول‌های عصبی می‌توانند از طریق مکانیسم‌های الکتروشیمیایی اطلاعات را انتقال دهند. برحسب مکانیسم‌های به‌کاررفته در ساختار نرون‌ها، آن‌ها را به بیش از یک‌صدگونه متفاوت طبقه‌بندی می‌کنند.

بیشترین تعداد نرون‌ها در مغز و باقی در نخاع و سیستم‌های عصبی جانبی تمرکز یافته‌اند. اگرچه همه آن‌ها کارکرد یکسانی دارند، ولی اندازه و شکل آن‌ها بستگی به محل استقرار آن‌ها در سیستم عصبی دارد. باوجود این تنوع، بیشتر نرون‌ها از سه قسمت اساسی تشکیل شده‌اند (Priddy, K. & Keller, 2005, p2):

بکار گیری مدل شبکه‌ی عصبی فازی در تعیین زمان خرید اوراق بهادار ۲۲۳

- بدن سلول (که شامل هسته و قسمت‌های حفاظتی دیگر می‌باشد) ؛
- دندریت<sup>۱</sup> (بخش ورودی) ؛
- اکسون<sup>۲</sup> و سیناپس<sup>۳</sup> (بخش خروجی) .



شکل شماره ۱. نمایی از اجزای یک نرون عصبی (Priddy, K & Keller, P, 2005, p3)

دندریت‌ها نقش کانال‌های ارتباطی را برای انتقال دادن سیگنال‌های الکتریکی به مرکز سلول بر عهده دارند. در حقیقت دندریت‌ها به‌عنوان مناطق دریافت سیگنال‌های الکتریکی، شبکه‌های تشکیل یافته از فیبرهای سلولی هستند که دارای سطح نامنظم و شاخه‌های انشعابی بی‌شمار می‌باشند، به همین علت آن‌ها را شبکه‌های دریافتی «درخت گونه» گویند. آن‌ها سیگنال‌های الکتریکی را به هسته سلول منتقل می‌کنند.

بدنه سلول یا «سوما» که مرکز تصمیم‌گیری سلول است. و اکسون به شکل لوله‌بندی است که به شاخه‌های طولانی که هرکدام انتهایی پیاپی‌شکل دارند، تقسیم می‌شود. برخلاف دندریت از سطح هموارتر و تعداد شاخه‌های کمتری برخوردار هست. آن‌ها طول بیشتری دارند و سیگنال الکتروشیمیایی دریافتی از هسته سلول را به نرون‌های دیگر منتقل می‌کنند.

در انتهای نرون، ساختار بیولوژیکی ویژه‌ای بنام سیناپس واقع شده است که نقش دروازه‌های اتصالی کانال‌های ارتباطی را ایفا می‌کند. درواقع سیگنال‌های گوناگون از

- 
1. Dendrites
  2. Axon
  3. Synapse

طریق سیناپس‌ها و دندریت‌ها به مرکز سلول منتقل می‌شوند و در آنجا با یکدیگر ترکیب می‌شوند.

سیناپس محل تلاقی یک اکسون از یک سلول به دندریت سلول دیگر است. سیناپس‌ها واحدهای ساختاری کوچک تابعی هستند که ارتباط بین نرون‌ها را برقرار می‌سازند. تمام فعل‌وانفعالات سلول‌ها با یکدیگر، در سیناپس انجام می‌شود. یک نرون منفرد می‌تواند دارای ۱۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سیناپس باشد و با ۱۰۰۰ نرون دیگر ارتباط برقرار کند (کارتالوپولس، ۱۳۸۱، ص ۱۴).

سیناپس‌ها انواع مختلفی دارند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، سیناپس‌های شیمیایی هستند. طرز کار این نوع سیناپس‌ها به این صورت است که پس از رسیدن یک پتانسیل تحریک به انتهای یک اکسون، موجب آزاد شدن یک ماده شیمیایی به نام «انتقال‌دهنده الکترونی» از انتهای اکسون می‌شود و پس از نفوذ در سیناپس‌ها، گیرنده‌های سلول‌های مجاور را فعال می‌کند (شهیدی، ۱۳۸۷، ص ۷۴).

### شبکه‌ی عصبی فازی

باوجود این که شبکه‌های عصبی مصنوعی و سیستم‌های فازی از نظر ساختاری تا حد زیادی با یکدیگر متفاوت هستند، اما با توجه به نقاط ضعف و قوت آن‌ها، می‌توان گفت این دو سیستم، دارای ماهیت مکمل نسبت به یکدیگر هستند. با ایجاد شبکه‌ی عصبی فازی، استفاده از عبارات به کار گرفته‌شده در زبان طبیعی برای تشریح مفاهیمی که معمولاً دارای ابهام و عدم قطعیت هستند در اجزای شبکه عصبی مصنوعی (ورودی، خروجی، نرون و ...) محقق می‌شود. انجام این امر با تغییراتی ویژه در اجزای شبکه‌ی عصبی مصنوعی رخ می‌دهد؛ برای مثال درحالی‌که شبکه‌های عصبی معمولی از نرون‌ها یکسان و مشابه هم تشکیل شده‌اند، نرون‌های تشکیل‌دهنده‌ی شبکه‌های عصبی فازی، معمولاً نامتجانس هستند و شبکه‌های عصبی فازی از نرون‌های متنوع که ویژگی‌های محاسباتی آن‌ها مختلف است (مانند OR و AND تشکیل می‌شوند (فضل‌اللهی و آلیو، ۲۰۰۴). در این مقاله امکان ترکیب سیستم‌های فازی و شبکه‌های عصبی مصنوعی

بکارگیری مدل شبکه‌ی عصبی فازی در تعیین زمان خرید اوراق بهادار ۲۲۵

بررسی می‌شود و تلاش می‌شود که قابلیت‌های یادگیری شبکه‌های عصبی وارد سیستم‌های فازی شود.

### شبکه‌های عصبی مصنوعی

شبکه‌های عصبی<sup>۱</sup> یکی از پویاترین حوزه‌های پژوهش در دوران معاصر است که افراد متعددی از رشته‌های گوناگون علمی را به خود جلب کرده است. زیست‌شناسان، شبکه‌های عصبی بیولوژیکی<sup>۲</sup> را طی سالیان متمادی مطالعه کرده‌اند که مغز انسان، نمونه‌ای از این شبکه‌هاست. دستیابی به روش کار مغز، تلاش بی‌وقفه‌ای بوده است که بیش از ۲۰۰۰ سال پیش توسط ارسطو و هراکلیتوس آغاز شد و با تحقیقات دانشمندان دیگری چون رامنی کاجال، کلگی و هب<sup>۳</sup> ادامه داشته است.

نرون عنصر اصلی مغز است و به‌تنهایی مانند یک واحد پردازش منطقی عمل می‌کند. مغز به‌عنوان یک سیستم پردازش اطلاعاتی با ساختار موازی از ۱۰۰ تریلیون (۱۰<sup>۱۱</sup>) نرون‌های به هم مرتبط با تعداد کل ۱۰<sup>۱۶</sup> ارتباط تشکیل شده است. نرون‌ها ساده‌ترین واحد ساختاری سیستم‌های عصبی هستند. بافت‌هایی که عصب نامیده می‌شوند اجتماعی از نرون‌ها می‌باشند. این نرون‌ها، اطلاعات و پیام‌ها را از یک قسمت بدون به قسمت دیگر منتقل می‌کنند. پیام‌ها از نوع ایمپاس‌های<sup>۴</sup> الکتروشیمیایی هستند (جکسون و بیل، ۱۳۸۰، ۸۳).

پیام‌های عصبی تنها به‌صورت یک‌طرفه حرکت می‌کنند. از دندریت‌ها به بدنه سلول و سپس به آکسون می‌روند. طی چند سال اخیر، تلاش‌های بسیار جدی برای مدل کردن یک نرون طبیعی صورت گرفته و پیشرفت قابل‌ملاحظه‌ای در این راستا حاصل شده است.

- 
1. Neural networks
  2. Biological neural networks
  3. Romeny Cajal, Colgi & Hebb
  4. Impulse

برای مدل‌سازی یک شبکه عصبی مصنوعی، می‌توان از یک مدل ریاضی که خصوصیات یک سیستم بیولوژیکی را توصیف کند، استفاده کرد. مدل‌سازی شبکه‌های عصبی به شکل مدل‌های سازمان‌یافته لایه‌ای، و با توجه به پردازش موازی یک تصویر در مغز انسان، انجام می‌گیرد.

یک شبکه عصبی مصنوعی از تعداد زیادی گره و پاره‌خط‌های جهت‌دار که گره‌ها را به هم ارتباط می‌دهند تشکیل شده است. گره‌هایی که در لایه ورودی هستند گره‌های حسی<sup>۱</sup> و گره‌های لایه خروجی، گره‌های پاسخ‌دهنده<sup>۲</sup> نامیده می‌شوند. بین نرون‌های ورودی و خروجی نیز نرون‌های پنهان<sup>۳</sup> قرار دارند.

اطلاعات از طریق گره‌های ورودی به شبکه وارد می‌شوند، سپس از طریق اتصالات به لایه‌های پنهان متصل شده، در نهایت خروجی شبکه از گره‌های لایه خروجی به دست می‌آیند. این مراحل مشابه شبکه عصبی بیولوژیکی انسان است.

### مدل‌سازی شبکه‌های عصبی مصنوعی

طی صدسال اخیر تلاش‌های بسیار جدی برای مدل کردن یک نرون طبیعی صورت گرفته و پیشرفت فراوانی در این راستا انجام شده است. برای مدل‌سازی یک شبکه عصبی مصنوعی، می‌توان از یک مدل ریاضی که خصوصیات یک سیستم بیولوژیکی را توصیف کند، استفاده کرد (کارتالوپولس، ۱۳۸۱، ص ۶۶).

اولین سلول عصبی مصنوعی در سال ۱۹۴۳ به وسیله یک عصب‌شناس<sup>۴</sup> به نام وارن مک کلوک<sup>۵</sup> و یک منطق دان به نام والتر پیتس<sup>۶</sup> ساخته شد. اما محدودیت‌های

- 
1. Sensory
  2. Responding
  3. Hidden
  4. Neurophysiologist
  5. Warren McCulloch
  6. Walter Pits



بکارگیری مدل شبکه‌ی عصبی فازی در تعیین زمان خرید اوراق بهادار ۲۲۷

تکنولوژی در آن زمان اجازه کار بیشتر به آن‌ها نداد. شبکه‌های عصبی از سال‌های دهه ۱۹۶۰ در تلاش هستند تا مغز انسان را مدل‌سازی کنند. سیر تاریخی فعالیت در این شاخه از علم را در شکل زیر آمده است (شهیدی، ۱۳۸۷، ص ۷۴).

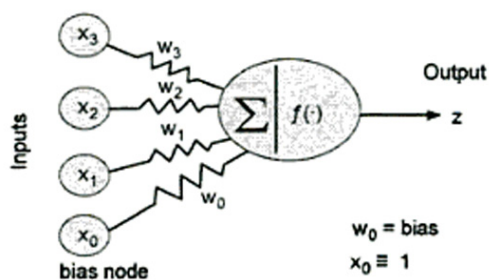


شکل شماره ۲. مسیر فعالیت در زمینه شبکه‌های عصبی مصنوعی (شهیدی، ۱۳۸۷، ص ۷۵)

به هنگام مدل‌سازی نرون‌های مصنوعی، پیچیدگی نرون‌های واقعی تا حد زیادی کاهش می‌یابد. این نرون‌ها شامل داده‌هایی (همانند سیناپس‌ها) هستند که در وزن‌هایی  $W_i$   $i=0,1,2,\dots,n$  که نشان‌دهنده قدرت سیگنال‌های مربوطه هستند ضرب شده و توسط تابعی که به‌عنوان تابع فعال‌سازی<sup>۱</sup> نرون عمل می‌کند، عملیاتی محاسباتی بر روی آن‌ها صورت می‌گیرد. تابع دیگری که ممکن است همان تابع فعال‌سازی باشد، ستاده نرون عصبی را محاسبه می‌کند (که ممکن است به حد حساسیت بستگی داشته باشد). شبکه‌های عصبی مصنوعی از ترکیب نرون‌های مصنوعی برای پردازش اطلاعات استفاده می‌کنند.

---

## 1. Activation Function



شکل شماره ۳. گره (نرون) مصنوعی (Priddy, K & Keller, P, 2005, p4)

وزن بالاتر به این معناست که داده‌ها در عدد بزرگ‌تری ضرب خواهند شد. وزن‌ها، منفی نیز می‌توانند باشند. در این حالت گفته می‌شود سیگنال توسط وزن منفی سرکوب<sup>۱</sup> شده است. محاسبات نرون‌ها بر اساس وزن‌ها مختلف خواهد بود. با تنظیم وزن‌های یک نرون مصنوعی، خروجی دلخواه را به دست می‌آوریم. اما هنگامی که یک شبکه عصبی مصنوعی شامل صدها یا هزاران نرون داریم، پیدا کردن وزن‌های ضروری بسیار پیچیده خواهد بود. در این حالت از الگوریتم‌های خاصی برای محاسبه وزن‌های دلخواه استفاده می‌کنیم. فرآیند تنظیم وزن‌ها، یادگیری<sup>۲</sup> یا آموزش<sup>۳</sup> نامیده می‌شود (غضنفری، ۱۳۸۲، ۶۲).

- 
1. Inhibited
  2. Learning
  3. Training

## آموزش و یادگیری

شیوه فراگیری یا آموزش در شبکه‌های عصبی، موضوع بسیار مهمی است که در حال حاضر، پژوهش‌های زیادی در مورد آن در حال انجام است. به‌طور کلی آموزش فرایندی است که به‌وسیله آن، شبکه عصبی خود را برای یک محرک سازگار می‌کند؛ به‌نحوی که بعد از تعدیل مناسب پارامترهای شبکه، پاسخ مطلوب را ارائه دهد. همچنین شبکه عصبی در حین آموزش، وظیفه دسته‌بندی هر یک از محرک‌ها را به عهده دارد. یعنی وقتی که یک محرک به شبکه اعمال می‌شود، آیا آن را تشخیص داده و در دسته‌های موجود قرار می‌دهد و یا دسته جدیدی به وجود می‌آورد (کارتالوپولس، ۱۳۸۱، ص ۷۱).

در این شبکه‌ها یادگیری از طریق مثال<sup>۱</sup> انجام می‌شود. بدین معنی که در برخی از مدل‌های یادگیری مجموعه‌ای از ورودی و خروجی‌های درست به شبکه عصبی داده می‌شود و شبکه عصبی با استفاده از این مثال‌ها، وزن ارتباطات خود را به‌گونه‌ای تغییر می‌دهد که در صورت دادن ورودی‌های جدید پاسخ‌های درستی را تولید کند. در واقع دانش شبکه عصبی در وزن ارتباطات آن ذخیره می‌شود (شهیدی، ۱۳۸۷، ص ۷۶).

آموزش شبکه‌های عصبی به شیوه‌های گوناگونی انجام می‌شود. این شیوه‌ها به نحوه اتصالات نرون‌های مصنوعی برای نمونه‌های مختلفی که تاکنون ارائه شده است، بستگی دارد. همان‌طور که شیوه آموزش خاصی برای افراد معینی مناسب است، برای شبکه عصبی مصنوعی نیز روش‌های خاصی مناسب است (کارتالوپولس، ۱۳۸۱، ص ۷۲).

### ویژگی‌های شبکه‌های عصبی مصنوعی

شبکه‌های عصبی یک ابزار ارزشمند برای دامنه‌ی گسترده‌ای از حوزه‌های مدیریت است که به‌عنوان یک جزء حیاتی اغلب سیستم‌های داده‌کاوی، باعث تغییر روش نگاه سازمان به ارتباط بین داده‌ها و استراتژی شرکت می‌شود (لیسبو،<sup>۱</sup> ۲۰۰۰، ۳۵).

شبکه عصبی مصنوعی روشی عملی برای یادگیری توابع گوناگون نظیر توابع با مقادیر حقیقی، توابع با مقادیر گسسته و توابع با مقادیر برداری می‌باشد. یادگیری شبکه عصبی در برابر خطاهای داده‌های آموزشی مصون بوده و این‌گونه شبکه‌ها با موفقیت به مسائلی نظیر شناسایی گفتار، شناسایی و تعبیر تصاویر، و یادگیری ربات اعمال شده است. شبکه‌های عصبی، با قابلیت قابل توجه آن‌ها در استنتاج معانی از داده‌های پیچیده یا مبهم، می‌تواند برای استخراج الگوها و شناسایی روش‌هایی که آگاهی از آن‌ها برای انسان و دیگر تکنیک‌های کامپیوتری بسیار پیچیده و دشوار است به کار گرفته شود. یک شبکه عصبی تربیت‌یافته می‌تواند به‌عنوان یک متخصص در مقوله اطلاعاتی که برای تجزیه و تحلیل به آن داده شده به حساب آید. از این متخصص می‌توان برای برآورد وضعیت‌های دلخواه جدید و جواب سؤال‌های «چه می‌شد اگر» استفاده کرد. به‌طور کلی مزیت‌های آن را می‌توان به‌صورت زیر دسته‌بندی کرد:

۱. **یادگیری انطباق پذیر:** قابلیت یادگیری نحوه انجام وظایف بر پایه اطلاعات داده‌شده برای تمرین و تجربه‌های مقدماتی. استخراج یک نگاشت غیرخطی که با چند مثال مشخص شده است، کار ساده‌ای نیست. پیاده‌سازی این نتایج با یک الگوریتم معمولی و بدون قابلیت یادگیری، نیاز به دقت و مراقبت زیادی دارد. در چنین حالتی سیستمی که بتواند خود این رابطه را استخراج کند،

بکارگیری مدل شبکه‌ی عصبی فازی در تعیین زمان خرید اوراق بهادار ۲۳۱

بسیار سودمند به نظر می‌رسد. (منهاج، ۱۳۷۹)، (فضل‌اللهی و آلیو، ۲۰۰۴)<sup>۱</sup>، (ییم، ۲۰۰۲)<sup>۲</sup>، (ریفنز، زاپرانیس و فراندیس<sup>۳</sup>، ۱۹۹۴، ۶۸).

۲. **قابلیت تعمیم<sup>۴</sup>**: پس از آن‌که مثال‌های اولیه به شبکه آموزش داده شد، شبکه می‌تواند در مقابل یک ورودی آموزش داده نشده قرار گیرد و یک خروجی مناسب ارائه نماید. این خروجی بر اساس مکانیم تعمیم که همان فرآیند درونیابی است، به دست می‌آید.

۳. **پراکندگی اطلاعات**: آنچه شبکه یاد می‌گیرد شامل اطلاعات و دانش شبکه می‌شود که در وزن‌های سیناپسی در شبکه به صورت توزیع شده مستتر می‌شوند و رابطه یک‌به‌یک میان هیچ وزن سیناپسی و ورودی وجود ندارد بلکه هر نرون در شبکه از کل نرون‌های شبکه متأثر می‌شود.

۴. **پردازش موازی<sup>۵</sup> (قابلیت بالا بودن سرعت)**: محاسبات شبکه عصبی می‌تواند به صورت موازی انجام شود هم‌اکنون نیز سخت‌افزارهای مخصوصی طراحی و ساخته شده است که می‌تواند از این قابلیت استفاده کند. مانند چندپردازنده‌ها<sup>۶</sup>.

۵. **مقاوم بودن (قابلیت تحمل آسیب، قابلیت ترمیم، تحمل‌پذیری خطاها)**: در یک شبکه‌ی عصبی هر سلول به‌طور مستقل عمل می‌کند و رفتار کلی شبکه، برآیند رفتارهای محلی سلول‌های متعدد است. این ویژگی باعث می‌شود تا خطاهای محلی از چشم خروجی نهایی درو بمانند. به عبارتی دیگر، سلول‌ها

- 
1. Fazlollahi and Aliev
  2. Yim
  3. Refrnes, Zapranis and Frandis
  4. Generalization
  5. Parallel process
  6. Multiprocessors

در یک‌روند همکاری، خطاهای محلی یکدیگر را تصحیح می‌کنند. این خصوصیت باعث افزایش قابلیت مقاوم بودن در سیستم می‌شود (منهاج، ۱۳۷۹)، (فضل‌اللهی و آلیو،<sup>۱</sup> ۲۰۰۴)، (ییم،<sup>۲</sup> ۲۰۰۲).

۶. در یک دسته‌بندی دیگر مهم‌ترین ویژگی‌های شبکه‌های عصبی مغز انسان عبارت‌اند از: **تحمل آسیب** (از بین رفتن سلول‌های عصبی تأثیر بسزایی بر عملکرد شبکه نخواهد داشت)، **انعطاف‌پذیری** (شبکه به‌صورت خودکار و بدون استفاده از هیچ دستورات عمل برنامه‌ریزی شده‌ای با محیط جدید سازگار می‌شود)، **توانایی کار کردن با داده‌های گوناگون**، (شبکه‌ها می‌توانند با اطلاعات فازی، احتمالی، دارای نویز و متناقض کار کنند)، **محاسبات جمعی**: شبکه به‌طور معمول عملیات بسیاری را به‌صورت موازی انجام می‌دهد و همچنین یک وظیفه معین را به‌صورت توزیع‌شده انجام می‌دهد (Yegnanarayana, 2006, p16).

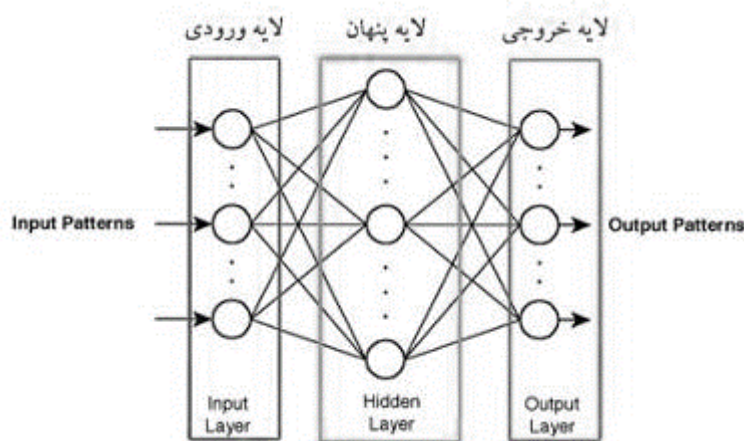
### ساختار شبکه‌های عصبی مصنوعی

مدل‌های شبکه مصنوعی انواع مختلفی دارند، اما ساختار کلی آن‌ها مشابه هست. یک شبکه عصبی مصنوعی معمولاً از بخش‌های زیر تشکیل شده است که در شکل زیر نشان داده شده است.

---

1. Fazlollahi and Aliev

2. Yim



شکل شماره ۴. ساختار کلی شبکه‌های عصبی (Sivanandam & Deepa, 2006, p4)

#### • لایه‌های شبکه

۱. لایه ورودی: در این لایه به تعداد متغیرهای توضیحی مدل، واحدهایی وجود دارند که هر یک از آن‌ها داده‌های مربوط به یک متغیر توضیحی را شامل می‌شوند. در واقع، این لایه مشابه بردار متغیرهای توضیحی در مدل رگرسیون است و تعداد واحدهای این لایه ارتباطی با متغیرهای برون‌زای مدل ندارد.

۲. لایه میانی (پنهان): در این لایه پردازشگر اطلاعات قرار دارد که نقش بسیار مؤثری در فرآیند یادگیری (برآورد) صحیح مدل بازی می‌کنند. یک مسئله ضروری و مهم در طراحی یک شبکه تعیین تعداد واحدهای پنهان است. اما متأسفانه هیچ جواب واحدی برای تعیین تعداد این لایه‌ها وجود ندارد. اما تعداد

این لایه‌ها و واحدهای پردازشگر آن‌ها طوری باید انتخاب شوند که در آموزش و پیش‌بینی، دچار بیش‌برازش<sup>۱</sup> و یا حفظ کردن<sup>۲</sup> و فرآیند ناقص نشویم.

۳. لایه خروجی: در این لایه عمل پردازش بر روی اطلاعات ارسال شده از لایه پنهان صورت می‌گیرد. تعداد واحدهای این لایه به اندازه تعداد متغیرهای درون‌زای<sup>۳</sup> مدل می‌باشند. این لایه مشابه بردار متغیرهای وابسته در مدل رگرسیون است.

#### • واحد پردازش

پردازشگرها واحدهایی هستند که در لایه‌های پنهان و خروجی قرار دارند و با استفاده از توابع فعال‌سازی یا تبدیل، اطلاعات را پردازش می‌کنند و لایه بعدی را ارسال می‌نمایند. این واحدها جنبه‌های مختلف یک الگو را یکجا در نظر گرفته و از فرآیند پردازش توزیع شده موازی<sup>۴</sup> استفاده می‌نمایند، با اغراق می‌توان گفت عمل این نرون‌ها همانند عمل نرون‌ها در شبکه‌های عصبی طبیعی هستند (قاسمی، اسدپور، شاصادقی، ۱۳۷۹، ۵۸).

#### • توابع فعال‌سازی (تبدیل)

تابع فعال‌سازی برای محاسبه پاسخ خروجی یک نرون استفاده می‌شود. هر یک از واحدهای پردازشگر (نرون) در لایه‌های پنهان و خروجی برای پردازش اطلاعات از توابع ریاضی معینی استفاده می‌کنند. این توابع می‌توانند خطی یا غیرخطی باشند. توابع غیرخطی در شبکه‌های چندلایه مورد استفاده قرار می‌گیرند (Sivanandam &

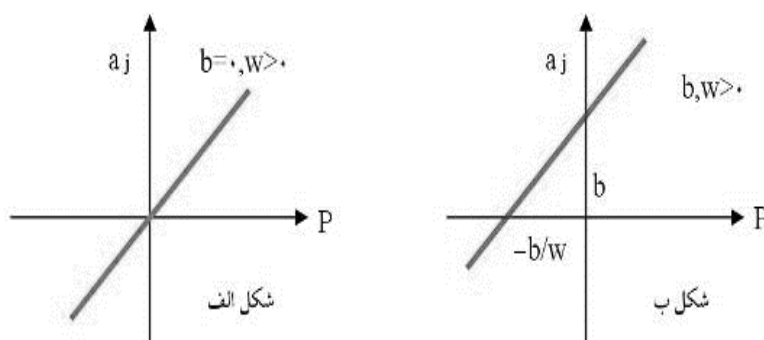
- 
1. Overestimate
  2. Memorization
  3. Endogenous variable
  4. Parallel Distributed (DP)



بکار گیری مدل شبکه‌ی عصبی فازی در تعیین زمان خرید اوراق بهادار ۲۳۵

(Deepa, 2006, p23). در زیر برخی از توابع مورد استفاده در مدل‌های شبکه‌های

عصبی را مرور می‌کنیم:



شکل شماره ۵. تأثیر تابع فعال‌ساز در عملیات یک نرون

الف. تابع خطی یا همانی<sup>۱</sup>: این تابع با فرمول  $a_j = f(net_j) = net_j$  برای نرون

$z$  که در آن  $net_j = \sum_{i=1}^m p_i w_{j,i}$  مجموع ورودی‌ها و وزن‌های مربوطه است. در این

فعال‌ساز ورودی برابر خروجی می‌باشد و تأثیر  $bias = w_j = b$  را در تفاوت میان

شکل‌های الف و ب زیر نمایش داده‌ایم (غضنفری، ۱۳۸۲، ۹۳).

شکل شماره ۶. تابع همانی (الف) و اثر بایس در آن (ب)

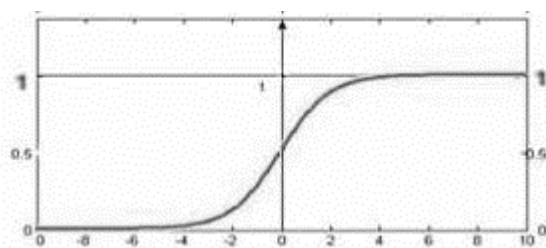
ب. تابع سیگموئیدی<sup>۲</sup>: معروف‌ترین تابع فعال‌ساز غیرخطی، تابع سیگموئیدی است

و تابع آن بدین صورت تعریف می‌شود:

- 
1. Linear
  2. Sigmoid

داریم  
عصبی شبکه برای عبارت  $f = \frac{1}{1 + e^{-\lambda x}}$  و به عبارتی

$$a = f_s(n) = \frac{1}{1 + e^{-cn}}, c > 0.$$

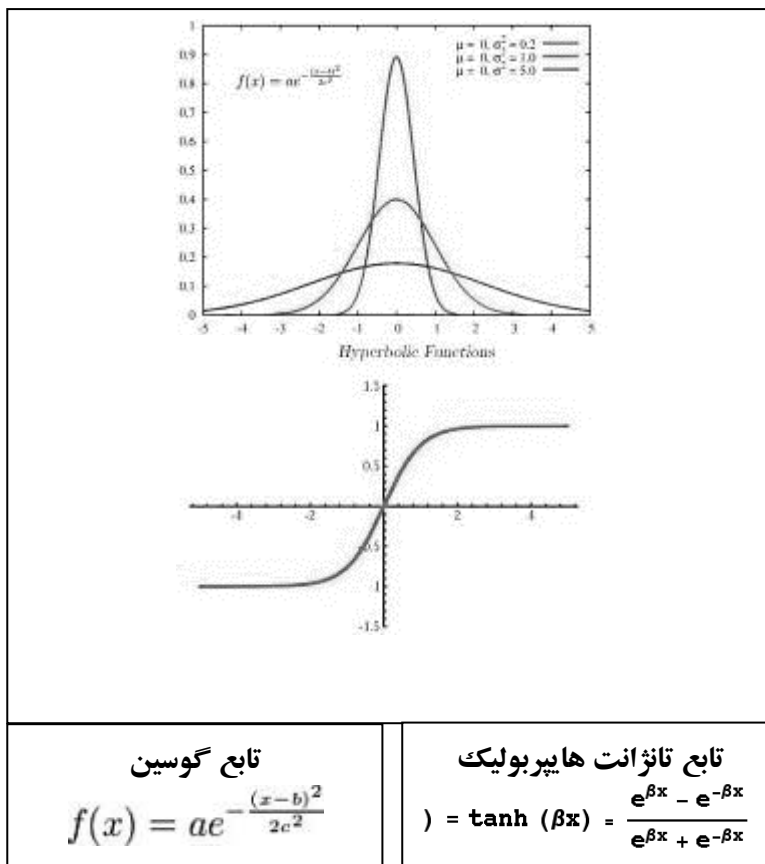


شکل شماره ۷. تابع فعال‌ساز سیگموئیدی (غضنفری، ۱۳۸۲، ۶۱)

چرا از تابع فعال‌ساز سیگموئیدی استفاده می‌شود؟ زیرا این تابع یک رفتار غیرخطی، یک رفتار منحنی خطی و یک رفتار ثابت را نمایش می‌دهد. با توجه به ارزش و مقدار ورودی در اطراف دامنه مرکز ورودی تابع رفتار تقریباً خطی دارد. به موازات دور شدن از مرکز تابع به یک منحنی خطی تبدیل شده و در مقادیر حدی یک تابع ثابت می‌شود. هر گام ارتقاء در ورودی‌ها، ارتقای متفاوتی را در خروجی‌ها سبب می‌شود. در مرکز رفتار خروجی تقریباً شبیه به ورودی است. در حدها ارتقای زیاد ورودی ارتقای ناچیزی را برای خروجی سبب می‌شود.

بکار گیری مدل شبکه‌ی عصبی فازی در تعیین زمان خرید اوراق بهادار ۲۳۷

می‌توان گفت مهم‌ترین توابع تبدیل مورد استفاده در مدل‌های شبکه‌های عصبی تابع سیگموئید و تابع تانژانت هایپربولیک<sup>۱</sup> می‌باشند. توابع دیگری نظیر تابع گوسین<sup>۲</sup>، تابع آستانه‌ای<sup>۳</sup> و تابع خطی همانی نیز استفاده می‌شوند (غضنفری، ۱۳۸۲، ۳۹).



شکل شماره ۸. اشکال ریاضی دو تابع فعال‌ساز در شبکه‌های عصبی (غضنفری، ۱۳۸۲، ۶۴).

1. Tangent Hyperbolic
2. Gaussian
3. Threshold

### انواع شبکه‌های عصبی

تعداد انواع ساختارهای مطرح در شبکه‌های عصبی بسیار زیاد می‌باشد. از زمان ابداع اولین مدل توسط مک کولچ و پیتس (۱۹۴۳)، صدها گونه مختلف شبکه‌های عصبی شناخته شده‌اند. تفاوت بین این شبکه‌ها ممکن است در توابع، مقادیر پذیرفته شده، توپولوژی و الگوریتم‌های یادگیری باشد. مدل‌های هیبرید (دورگه) فراوانی نیز وجود دارند که در آن‌ها هر نرون از ویژگی‌های بیشتری نسبت به آنچه در اینجا مطالعه می‌کنیم برخوردار است.

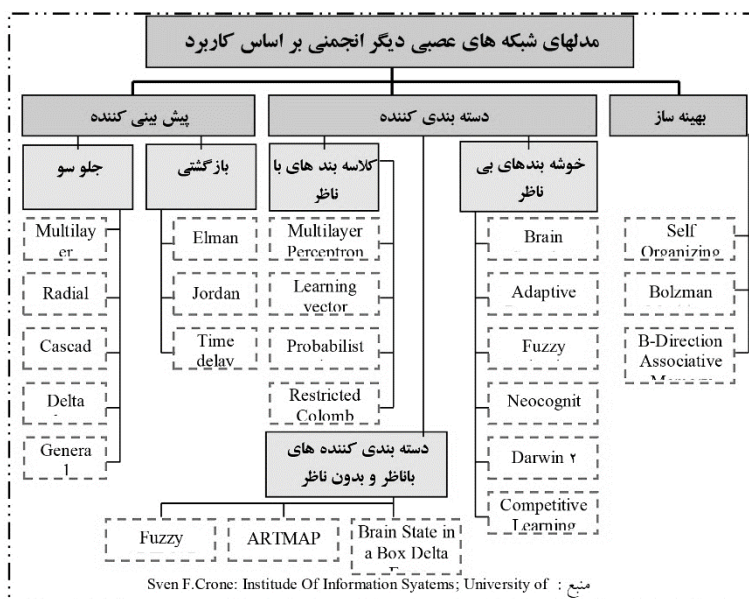
با توجه به معماری‌های شبکه‌های عصبی و نوع کاربرد آن‌ها و المان‌های دیگر می‌توان طبقه‌های مختلف برای شبکه‌های عصبی مصنوعی تعریف کرد، به صورت خلاصه: شبکه‌های پرسپترون چندلایه<sup>۱</sup>، کوهونن، هاپفیلد ... که این شبکه‌ها نیز خود با روش‌های مختلفی آموزش می‌بینند مانند روش پس‌خورد خطا<sup>۲</sup>.

می‌توان شبکه‌های عصبی را بر اساس شیوه پردازش اطلاعات در آن‌ها، به دو گروه شبکه‌های جلو سو (پیش‌خور)<sup>۳</sup> و نیز شبکه‌های بازگشتی<sup>۴</sup> (که در آن‌ها از فیدبک خروجی استفاده شده است) تقسیم کرد. شبکه‌های عصبی جلوسو کاملاً برای داده‌های نویزدار کارا هستند. عمده کاربرد این شبکه‌های در تخمین، رگرسیون، طبقه‌بندی و پیش‌بینی داده‌هاست.

نوع یادگیری در این شبکه‌های نیز می‌تواند یک معیار برای دسته‌بندی آن‌ها باشد. یادگیری در برخی از این شبکه‌ها با نظارت<sup>۵</sup> می‌باشد و در برخی دیگر به صورت خود سازمانده<sup>۶</sup>. در ادامه به شرح هر یک از این مفاهیم خواهیم پرداخت. در اینجا شبکه‌هایی

- 
1. Multilayer Perceptron (MLP)
  2. Error Back propagation
  3. Feed Forward
  4. Recurrent
  5. Supervised
  6. Self-Organizing

را بررسی می‌کنیم که از الگوریتم بازگشتی برای یادگیری وزن‌های خود استفاده می‌کند، چراکه این الگوریتم، عمومی‌ترین الگوریتم مورداستفاده در شبکه‌های عصبی بوده و مدل‌های بسیار دیگری نیز بر این مبنا پایه‌ریزی شده‌اند (غضنفری، ۱۳۸۲، ۷۶). از آنجائی که کاربرد شبکه‌های عصبی در پردازش اطلاعات هست، این شبکه‌ها در زمینه‌های مرتبط با این موضوع به کار می‌روند. گستره وسیعی از این شبکه‌های عصبی مصنوعی برای مدل‌سازی شبکه‌های عصبی واقعی و مطالعه رفتار و نحوه کنترل حیوانات و ماشین‌ها به کار می‌رود. همچنین شبکه‌های عصبی مصنوعی نیز وجود دارند که برای منظورهای مهندسی همانند شناخت الگو، پیش‌بینی و فشرده‌سازی داده‌ها و بهینه‌سازی مورداستفاده قرار می‌گیرند.



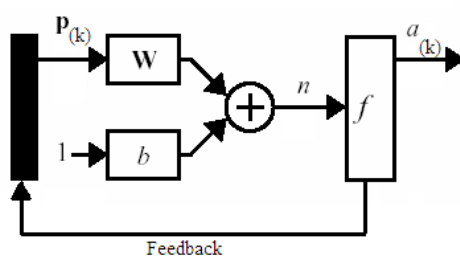
شکل شماره ۹. انواع مدل‌های شبکه عصبی مصنوعی

### • شبکه‌های عصبی جلوسو

شبکه‌های جلوسو به سیگنال‌ها اجازه می‌دهند تنها از مسیر یک‌طرفه عبور کنند، یعنی از ورودی تا خروجی. بنابراین بازخوردی (حلقه‌ای) وجود ندارد و به این معنی که خروجی هر لایه تأثیری بر همان لایه ندارد. این‌گونه سازمان‌دهی از پایین به بالا و از بالا به پایین هم نام‌برده می‌شوند.

### • شبکه‌های عصبی بازگشتی

شبکه‌های بازگشتی (بازخوردی) می‌توانند سیگنال‌هایی داشته باشند که در هر دو مسیر با استفاده از حلقه‌های درست‌شده، حرکت کنند. شبکه‌های بازخوردی قدرتمند هستند و می‌توانند به‌شدت پیچیده شوند. شبکه‌های بازخوردی پویا هستند، وضعیت آن‌ها پیوسته در حال تغییر است تا به یک نقطه تعادل برسند. آن‌ها در این وضعیت تعادل باقی می‌مانند تا زمانی که ورودی تغییر کند و نیاز باشد تا تعادل تازه‌ای پیدا شود.



شکل شماره ۹. نمای یک شبکه عصبی بازگشتی (Matlab software R2011b).

بکارگیری مدل شبکه‌ی عصبی فازی در تعیین زمان خرید اوراق بهادار ۲۴۱

معماری‌های بازخوردی، برهم‌کنشی<sup>۱</sup> و بازگشت‌کننده هم‌نامیده می‌شوند، اگرچه این لفظ اخیر بیشتر برای مشخص کردن اتصالات بازخوردی در سازمان‌دهی‌های تک‌لایه به کار می‌رود.

### شبکه‌های عصبی فازی

باوجود این که شبکه‌های عصبی مصنوعی و سیستم‌های فازی از نظر ساختاری تا حد زیادی با یکدیگر متفاوت هستند، اما با توجه به نقاط ضعف و قوت آن‌ها، می‌توان گفت این دو سیستم، دارای ماهیت مکمل نسبت به یکدیگر هستند. با ایجاد شبکه‌ی عصبی فازی، استفاده از عبارات به کار گرفته‌شده در زبان طبیعی برای تشریح مفاهیمی که معمولاً دارای ابهام و عدم قطعیت هستند در اجزای شبکه عصبی مصنوعی (ورودی، خروجی، نرون و ...) محقق می‌شود. انجام این امر با تغییراتی ویژه در اجزای شبکه‌ی عصبی مصنوعی رخ می‌دهد (فضل‌اللهی و آلیو، ۲۰۰۴، ۲۶).

هر کدام از شبکه‌های عصبی و سیستم‌های فازی، دارای نواقص مربوط به خود هستند. وقتی سیستمی تنها با شبکه‌های عصبی طراحی می‌شود، شبکه به صورت جعبه سیاهی است که احتیاج به تعریف شدن دارد. این مسئله یک فرایند شدیداً محاسباتی و سنگین است. از طرف دیگر، در طراحی سیستم‌های فازی نیاز به فهم عمیقی از متغیرهای فازی و توابع عضویت، روابط ورودی - خروجی، و به‌علاوه تشخیص درست در انتخاب قوانین فازی دارد. اگر عملکردهای منطق فازی را در شبکه‌های عصبی و یادگیری شرکت دهیم و طبقه‌بندی کردن شبکه‌های عصبی را در سیستم‌های فازی شریک گردانیم، آنگاه نواقص شبکه‌های عصبی و سیستم‌های فازی را می‌توان پوشش

داد. نتیجه این کار، یک شبکه عصبی مصنوعی - فازی<sup>۱</sup> خواهد بود (کارتالوپولس، ۱۳۸۱، ص ۲۱۷-۲۱۸).

سیستم عصبی فازی را می‌توان به‌عنوان ترکیبی از ANN<sup>۲</sup> و سیستم استنباط فازی FIS<sup>۳</sup> تعریف کرد. به این ترتیب الگوریتم‌های یادگیری شبکه‌های عصبی برای

جدول شماره ۱. مقایسه میان شبکه‌های عصبی و سیستم استنتاج فازی

شبکه عصبی	سیستم استنتاج فازی
دانش بر پایه قاعده و قانون نمی‌تواند بکار گرفته شود	دانش می‌تواند بر پایه قواعد به کار گرفته شود
یادگیری از طریق مرور الگو	یادگیری ندارد (از دانش زبانی بهره می‌برد)
جعبه سیاه	ساختار قابل تفسیر (اگر-آنگاه)
الگوریتم‌های پیچیده یادگیری	تفسیرهای ساده و پیاده‌سازی آن‌ها
به‌سختی می‌توان از آن دانش استخراج کرد	دانش آن باید در دسترس باشد

تعیین شاخص‌های سیستم استنتاج فازی استفاده می‌شود. یک جنبه مهم این است که سیستم، درباره قوانین «اگر-آنگاه» فازی، تفسیر بیشتری ارائه دهد، زیرا بر اساس سیستم فازی، برگرداننده مفاهیم علمی مبهم<sup>۴</sup> است.

برای مقایسه بهتر میان شبکه‌های عصبی و سیستم‌های فازی برخی از تفاوت‌های اصلی آن‌ها را در جدول شماره ۲ آمده است (شهیدی، ۱۳۸۷، ۱۳۲).

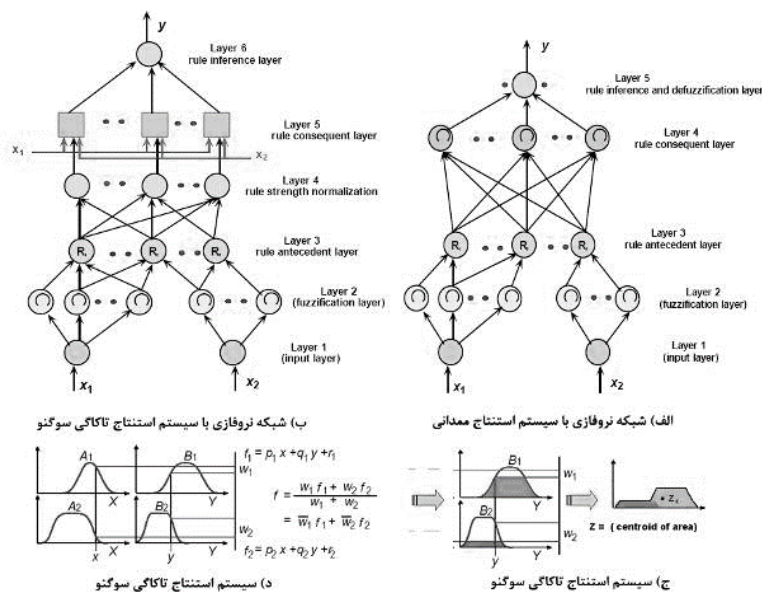
در ترکیب شبکه عصبی مصنوعی با سیستم استنتاج فازی، بسته به نوع سیستم استنتاج فازی مورد استفاده، می‌توان سیستم‌های نروفازی یکپارچه را به انواع مختلفی

- 
1. Fuzzy Artificial Neural Network (FANN)
  2. Artificial Neural Network
  3. Fuzzy Inference System
  4. Vague



بکار گیری مدل شبکه‌ی عصبی فازی در تعیین زمان خرید اوراق بهادار ۲۴۳

تقسیم کرد. در اینجا دو نوع اصلی سیستم‌های نروفازی که سیستم‌های استنتاج ممدانی و تاکاگی سوگنو را بکار می‌برند، معرفی می‌شوند.



شکل شماره ۱۰. دو نوع ساختار عمومی از سیستم‌های نروفازی (کاسکو، ۱۳۷۷، ۷۳)

### مدل مفهومی پژوهش

در پژوهش حاضر تلاش شده است از یافته‌های دانشمندان در حوزه‌های سیستم‌های فازی و عصبی بهره برده شود، تا مدلی برای پیش‌بینی زمان مناسب خرید و فروش سهام طراحی شود. همان‌طور که در فصل دوم بیان شد، یکی از کاربردهای وسیع شبکه‌های عصبی خصوصاً در حوزه مالی، پیش‌بینی است. از سوی دیگر گفته شد که شاخص‌های تکنیکال (نوسان نماها)، با تعیین سطوح اشباع خرید و اشباع فروش سعی در تعیین زمان مناسب برای خرید و فروش سهام دارند.

بنابراین برای طراحی مدل مناسب از شبکه‌های عصبی فازی به‌عنوان موتور پیش‌بینی کننده استفاده شد و پس از بررسی مهم‌ترین شاخص‌های تکنیکال (بیش از ۱۰ شاخص)، ۴ شاخص RSI، ROC، Stochastic Oscillator (KD) و SMI به‌عنوان ورودی شبکه عصبی انتخاب شدند. مبنای انتخاب این شاخص‌ها، تحقیقات پیشین و میزان همبستگی آن‌ها با شاخص خروجی بود.

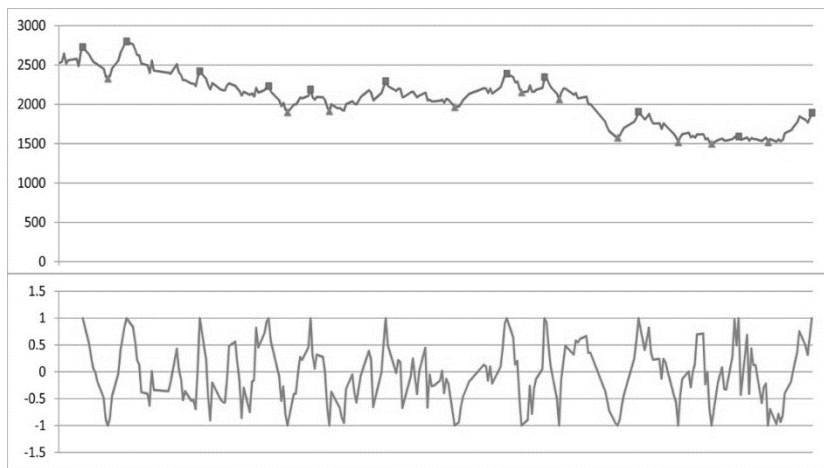
برای محاسبه شاخص خروجی، با بررسی انواع شاخص‌های تکنیکال فرمول زیر ابداع گردید. تفاوت این شاخص، با شاخص‌های معمول تکنیکال در این است که برای محاسبه آن در روز  $N$  نیازمند اطلاعات قیمت، در چند روز قبل از روز  $N$  و چند روز پس‌از آن هستیم اما سایر شاخص‌های تکنیکال با استفاده از اطلاعات گذشته محاسبه می‌شوند؛ زیرا اطلاعات آینده در دسترس نیست. چون این شاخص، به‌عنوان خروجی شبکه عصبی قرار خواهد گرفت و شبکه بر اساس آن و شاخص‌های ورودی آموزش خواهد دید، در مرحله آموزش، اطلاعات موردنیاز برای روزهای آینده وجود دارد.

$$\begin{aligned} & \text{شاخص خروجی در روز } N \\ & = 2 \\ & \times \frac{(\text{بالاترین قیمت پایانی در بازه } N - i \text{ تا } N + j) - (\text{قیمت پایانی روز } N)}{(\text{پایین ترین قیمت پایانی در بازه } N - i \text{ تا } N + j) - (\text{بالاترین قیمت پایانی در بازه } N - i \text{ تا } N + j)} \\ & + 1 \end{aligned}$$

حاصل فرمول فوق عددی بین  $-1$  تا  $+1$  است. در صورتی که قیمت پایانی روز  $N$ ، در بازه  $(i, j)$  در اوج قرار داشته باشد (زمان مناسب برای فروش)، حاصل شاخص خروجی عدد  $+1$  و در صورتی که قیمت پایانی روز  $N$  در بازه  $(i, j)$  در کف قرار داشته باشد (زمان مناسب برای خرید)، حاصل شاخص عدد  $-1$  است. در سایر قیمت‌ها، شاخص خروجی بین  $-1$  تا  $+1$  حرکت می‌کند.

بکار گیری مدل شبکه‌ی عصبی فازی در تعیین زمان خرید اوراق بهادار ۲۴۵

برای مثال در شکل شماره ۳۶، نمودار قیمت سهام صنایع لاستیکی سهند به همراه شاخص خروجی ترسیم شده است. در این شکل، قیمت هایی که در آنها مقدار شاخص خروجی ۱- یا ۱+ بوده است با علامت‌های مربع و مثلث روی نمودار قیمت مشخص گردیده است.

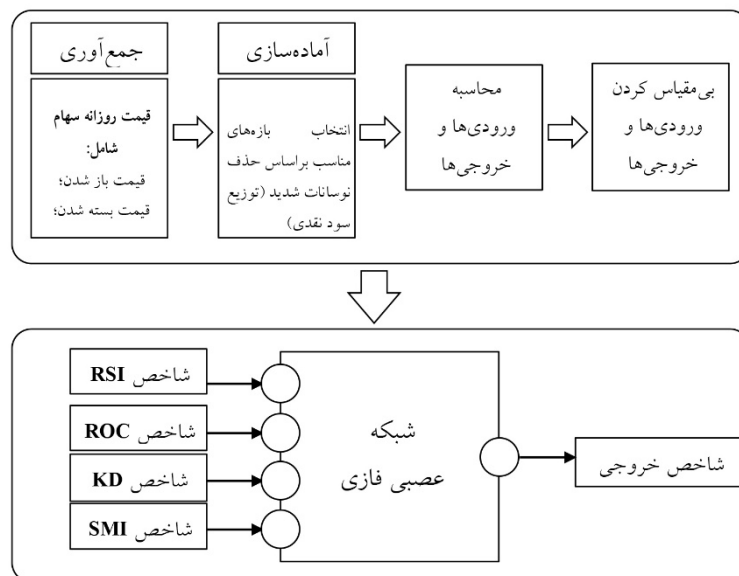


شکل شماره ۱۱. نمودار قیمت سهام صنایع لاستیکی سهند به همراه شاخص خروجی

با توجه به مطالب گفته شده، مدل مفهومی پژوهش در شکل شماره ۳۷ نشان داده شده است.

سیگنال‌های خرید و فروش بر اساس این مدل با در نظر گرفتن یک حد آستانه در خروجی شبکه آموزش دیده، ایجاد خواهند شد. به عبارت دیگر هنگامی که خروجی شبکه از یک مقدار معینی (مثلاً  $+0.7$ ) بیشتر شود، سیگنال فروش صادر و هنگامی که از یک مقدار معینی (مثلاً  $-0.7$ ) کمتر شود سیگنال خرید صادر می‌شود. علت در نظر گرفتن این حد آستانه‌ای این است که خروجی شبکه عصبی از دقت کافی برخوردار نیست و در نتیجه قدرت لازم برای نوسان از ۱- تا ۱+ را ندارد.

قاعده در نظر گرفته شده دیگر این است که سیگنال‌های مشابه پشت سر هم تولید نخواهند شد. به‌عنوان مثال اگر مقدار شاخص از  $-0.7$  کمتر شود، یک سیگنال خرید صادر می‌شود. از این‌پس تا هنگامی که مقدار شاخص از  $+0.7$  بیشتر نشده است (صدور سیگنال فروش)، به مقادیر کمتر از  $-0.7$  توجهی نمی‌شود و سیگنال خرید مجدد صادر نمی‌گردد.



مدل مفهومی پژوهش (با اقتباس از دهقان اشکذری)

### نتیجه‌گیری:

شبکه‌های عصبی مصنوعی در اقتصاد کاربردهای خود را تاکنون در بخش‌های مختلف نشان داده است. یکی از این کاربردها پیش‌بینی است. امروزه، سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار، بخش مهمی از اقتصاد کشور را تشکیل می‌دهد و بی‌تردید بیشترین مقدار سرمایه از طریق بازارهای سهام در تمام جهان مبادله می‌شود. بازار سهام به‌عنوان یک ابزار سرمایه‌گذاری در دسترس، هم برای سرمایه‌گذار و هم برای پذیرنده سرمایه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این ویژگی بازار سهام، یعنی دسترسی آسان، باعث شده است تا عموم مردم نیز، علاوه بر سرمایه‌گذاران کلان، به آن متمایل شده و سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار به یک شیوه همگانی و رایج سرمایه‌گذاری تبدیل شود. بازارهای بورس نه‌تنها از پارامترهای کلان، بلکه از هزاران عامل دیگر نیز متأثر می‌شوند. تعداد زیاد و ناشناخته بودن عوامل مؤثر بر قیمت سهام و همچنین پیچیده بودن رابطه بین این عوامل و قیمت سهام، موجب عدم اطمینان درزمینه سرمایه‌گذاری شده است. یکی از ابزارهای کاهش عدم اطمینان و از بحث‌های بسیار مهم سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار، تشخیص زمان مناسب برای اقدام به خرید یا فروش سهام است. در این تحقیق، تلاش شد تا با استفاده از توانایی شبکه‌های عصبی فازی در ایجاد رابطه بین متغیرهای مختلف، و با کمک شاخص‌های تکنیکال، مدلی طراحی شود تا بتوان بر اساس آن زمان مناسب برای خرید و فروش سهام را پیش‌بینی کرد. البته نتایج میدانی این پژوهش در شماره بعد به چاپ خواهد رسید.

## منابع و مأخذ:

۱. تهرانی، رضا؛ مرادپور، سعید، ۱۳۹۱، پیش‌بینی بازده شاخص بورس اوراق بهادار با استفاده از مدل‌های شبکه‌ها عصبی مصنوعی شعاع پایه، مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار (مدیریت پرتفوی)، دوره ۳، شماره ۱۰۹۲ - ۷۵.
۲. جکسون، تی و بیل آر، ۱۳۸۰، آشنایی با شبکه‌های عصبی مصنوعی، مترجم: محمود البرزی، تهران موسسه انتشارات علمی.
۳. خالوزاده، حمید، ۱۳۷۷، مدل‌سازی غیرخطی و پیش‌بینی رفتار قیمت سهام در بازار بورس تهران، رساله دکتری مهندسی برق، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده فنی و مهندسی.
۴. دهقان اشکذری، محمدجواد، ۱۳۹۲، پیش‌بینی زمان مناسب برای خرید و فروش سهام با استفاده از شبکه‌های عصبی فازی، دانشگاه تهران.
۵. رضاییان، علی، ۱۳۹۰، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، انتشارات سمت، صص ۶۱-۶۰.
۶. زرآنزاد، منصور؛ شهرام، حمید، ۱۳۸۸، پیش‌بینی نرخ تورم در اقتصاد ایران با استفاده از شبکه‌های عصبی مصنوعی پویا (دیدگاه زمانی)، اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، ۶ (۱): ۱۶۷-۱۴۵.
۷. سینایی، حسنعلی و دیگران، ۱۳۸۴، پیش‌بینی شاخص بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از شبکه‌های عصبی مصنوعی، بررسی حسابداری و حسابرسی.
۸. شهیدی شادکام، سید امیر، ۱۳۸۷، مدلی برای پیش‌بینی قیمت اوراق بهادار در بازار بورس با رویکرد شبکه عصبی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.

بکار گیری مدل شبکه‌ی عصبی فازی در تعیین زمان خرید اوراق بهادار ۲۴۹

۹. عبدالرسول، قاسمی و دیگران، ۱۳۷۹، کاربرد شبکه عصبی در پیش‌بینی سری‌های زمانی و مقایسه آن با مدل *ARIMA*، پژوهشنامه بازرگانی، ۱۲۰ - ۸۷.

۱۰. غضنفری، مهدی؛ کاظمی، زهره، ۱۳۸۲، اصول و مبانی سیستم‌های خبره، تهران مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت.

۱۱. منجمی، سید امیر حسن و دیگران، ۱۳۸۸، پیش‌بینی قیمت سهام در بازار بورس اوراق بهادار با استفاده از شبکه‌ی عصبی فازی و الگوریتم‌های ژنتیک و مقایسه آن با شبکه عصبی مصنوعی، اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، ۶ (۳) : ۲۶ - ۱.

۱۲. منهج، محمدباقر، ۱۳۷۹، هوش محاسباتی: مبانی شبکه‌های عصبی، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

۱۳. نمازی، محمد، شوشتریان، زکیه، ۱۳۷۵، بررسی کارایی بازار بورس اوراق بهادار/ایران، تحقیقات مالی، شماره ۷ و ۸.

14. pinches, G, E. 1970. "The Randon Walk. Hypothesis and Technical Analysis", Financial Analysis Journal. Pp. 104- 110.

15. Robert J. & Van Eyden, 1996. "The Application of Neural Networks in the Forecasting of Sgare Prices", Finance and Technology Publishing pp. 47- 72

16. Barber, B. M. , Odean, T. 2001, "Boys will be boys: Gender, overconfidence, and common stock investment. "Quarterly Journal of Economics: 261- 292.

17. Kim, M. J, Nelson , C. R, starts, R. (1991) , "Mean Reversion in stock price? A. Reappraisal of the empirical Evidence". Review of Economic studies, Vol 58 (3) , No. 195. Pp. 515- 528.

18. Stengos, T. , Panas, E. (1992) . "Testing the efficiency of the Athens stock exchange: Some results from the Banking Sector", *Empirical Economics*, No. 17 (2) , pp. 239- 252.
19. Sounders, E. M. (1994) . "Testing the efficient market Hypothesis without Assumptions", *Journal of portfolio management*, No 20 (4) . Pp. 28- 30
20. Serletin. A. and Shintani, M. (2003) . "No evidence of chaos but some evidence of dependence in US stock market", *Chaos, solitonis and fractals* 17. Pp. 449- 459
21. R. A. Schwartz and D. L. Whitcimb (1977) . "Evidence on the Presence and Causes of Serial Correlation in Market Model Residuals", *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, pp. 291- 313.
22. Yim, J. A. (2002) . Comparison of Neural Networks with Time Series models for Forecasting Returns on a Stock Market. *LectureNotes in Computer Science*, , Berlin: Springer, 2358: 4-7.
23. Fazlollahi, B. & R. A. Aliev. (2004) . *Doft Computong and its Application in Business and Economics*, New York: Springer: 215- 222.
24. Lendasse, A. , et al. (2000) . "Non- Linear financial time series forecasting application to Bell 20 stock market Index", *European Journal of Economic and social system*, 14, No 1, pp. 81- 91.
25. Eakins, S. G. , Stansell, S. R. 2003, "Can value – based stock selection criteria yield superior risk – adjusted returns: An



application of neural networks?" International Review of Financial Analysis, 83- 97.

26. Ellis, C. Wilson, P. J. 2005, "Can a neural network Property portfolio selection process. "Journal of Real Estate Portfolio Management: 105- 121.

27. Kamruzzaman, Joarder, Rezaul Begg, and Ruhul Sarker. 2006, "Artificial Neural networks: Applications in Finance and manufacturing. " IDEA GROUP PUBLISHING.

28. Shapiro, Arnold f. 2003, "Capital market applications of neural networks, fuzzy logic and genetic algorithms. "Penn state university.

29. Shiller, R. J. 2003, "From efficient market theory to behavioral finance. "Journal of Economic Perspectives: 83- 104.

30. Chambers, L. (2000) . The Practical Handbook of Genetic Algorithm. London, Champan & Hall: 113- 119.

31. Han, I. & K. Kim. (2000) . Genetic Algorithm Approach to Feature Discretization in Artificial Neural Networks for the Prediction of Stock Price Index. Expert System with Applications, 19 (2) ; 125- 132.

32. Kim, K. (2006) . Artificial Neural Network with Evolutionary Instance Selection for Financial Forecasting, Expert systems with application, 30 (3) : 519- 526.

33. Kuo. R. J. C. H. Chen & Y. C. Hwang. (2001) . An Intelligent Stock Trading Decision Support System Through Integration of Genetic Algorithm Based Fuzzy Neural Network

and Artificial Neural Network. Fuzzy sets and systems, 118 (1) : 21- 45.

34. Lisboa, P. (2000) . Business Applications Of Neural Networks: The State- of the Art of Real World Applications, Singapore: World Scientific: 64- 66.

35. Heng, C. (2002) . Genetic Algorithm and Genetic Programming in Computational Finance, Springer Kluwer Academic Publications, New York; USA: 90- 102.

36. Souto- Maior, C. (2006) . Forecasting IBOVESPA Index With Fuzzy Logic. Msc Thesis, University Pompeu Fabra, Brazil: 185- 192.

چکیده های  
عربی و انگلیسی



سال پنجم، شماره سوم، تابستان ۹۴

### ممتلكات لغير في جرائم الأموال

المخلص:

ممتلكات لغير عنصر مشترك لجميع جرائم ضدّ الأموال و قد أثارت القوانين الجنائية و حقوقيه الايران بحث امتلاك لغير في بعض المجالات منها أحكام المجازاه الاسلاميه حول السرقة، الحيل، الخيانه في الأمانه و ايضا نرى مفهوم هذا الامتلاك لغير بطريقه في مواد مثل: ٣٥، ٥٨٢، ٥٨٣. و لانّ تعريف امتلاك المال لغير مفهوم سهل ممتنع يستطيع أن يشمل أنواع التصرفات لقد حاول الباحث في هذا البحث أن يبين هذا المفهوم مع العوده الى القوانين الجمهوريه الاسلاميه و آراء المحكمه العليا.

الكلمات الرئيسيّه: التعلق، الامتلاك، التصرف، الثروه، السرقة، الحيل



سال پنجم، شماره سوم، تابستان ۹۴

### **Property belonging to the other**

**Abstract:**

Property belonging to the other, the common element of all crimes against property Criminal law and the rights of the cases discussed owned property other have raised the matter of the Penal Code of theft, fraud and betrayal of trust and the law also means belonging to non-typical in cases like material 35 and 582 and 583 reads Note that the definition of property belonging to non-permissive abstention concept and can encompass land ownership and types In this article Referring to Iran's rules and judgments of the Supreme Court has attempted to clarify the meaning of this article .

**Keyword:**

Belonging, Ownership, Possession, Property, theft, Fraudulent



سال پنجم، شماره سوم، تابستان ۹۴

### واقعة الطف بين ألفية الشريف الرضى و (دوازده بند) لمحتشم الكاشاني دراسة مقارنة

#### المخلص

الشريف الرضى هو أحد شعراء الشيعة فى العالم العربى ملقب بالسيد الرضى و محتشم كاشانى من الأدب الفارسى الذى لديه شهرة خاصة فى هذا الصعيد، وتحاول هذه المقالة أن تبيّن أوجه التشابه والفروق لنظرة الشريف الرضى و المحتشم حول عاشوراء و المضامين المشتركة فى مراثيهم الموجودة فى قصيدة الألفية للشريف الرضى و (( باز اين چه شورش است )) لمحتشم الكاشانى، فقد عرّف الرضى و محتشم يوم عاشوراء بمثابة القيامة الكبرى، ويشير الشريف الرضى فى جزء من قصيدته الى انحراف أمة الرسول عن دين الله كما يذكر محتشم أكثر صراحة للرضى الطغاة و الظالمين للواقعة عاشوراء، كذلك تتحدث المقالة عن كوارث عظيمة لكربلاء من وجهة نظر شريف الرضى و المحتشم.

الكلمات الرئيسية: شريف الرضى ، محتشم الكاشانى ، واقعة الطف ، دراسة مقارنة



سال پنجم، شماره سوم، تابستان ۹۴

## **A comparative study between of the Karbal in poetry of Razi & Mohtasham**

### **Abstract:**

One of the most important Shia poets in the Arab world, is the late Sharif Razi, a learned scholar known as Syed Razi. And in this context, Mohtasham Kashani has an unchallenged reputation in the Persian language. The present study aimed to investigate the similarities and differences in the point of view of these great poets of the great Ashura event, and to explore common themes in the lamentations of Sharif Razi in his "Alfieh" and Mohtasham Kashani in his "twelve paragraph" poem.

Both Sharif Razi and Mohtasham recognize Ashura as a resurrection, and each are seeking to implement this theme in their poetry, by their own expressions. Sharif Razi mentions the deviation of religion in a part of his ode. And Mohtasham also mentions the criminals and oppressors of Ashura more explicitly.

This article states the perspective of the great and painful event of Karbala, from the point of view of these two poems.

### **Key words:**

Sharif Razi, Mohtasham Kashani, Karbala event, comparative study



سال پنجم، شماره سوم، تابستان ۹۴

## تأثير اسباب العيش المحرمه على الانحراف و الاهمال

### المخلص

قد عدت في القوانين و الاحكام الاسلاميه للتسويه و مسح حقوق الاشخاص او الاجتماع او حق الله. اضافه الى الشذوذ و الفوض الاجتماعى عقوبات تفرض على المرتكب و ايضا يفرض لهذه الاعمال آثار تكوينيه من جانب الله. هذا البحث يبحث اولاً أن يبين موضع قطعه من المحرمات و منافذ دخوله فى الحياه و ثانياً أن يبين آثار أكل الحرام و الانحراف و جنوح الاشخاص. خاصة الاطفال. قد تناول هذا البحث بعد البحث عن مفاهيم نفسه قام باختيار المهنت المحرمه عن نظره الآيات و الروايات ثم تناول الاسباب العامه للجريمه و الوقايه عنها. ثم يتناول العوامل المؤثره على شخصيه الطفل و التأثير المحتمل من الغم غير قانونى على انحراف الطفل و فى النهايه مؤكدا على هذه النظرية التى أن لدغه ممنوعه جوده حتميه لاتقدر و لاتحصى فى الوراثة و التربيه و يسير الى أن لدغه ممنوعه و جرائم ارتكابها أشخاص ذو آثار كانت هناك اقتراحات و لانخفاض معدلات الجرمه و الانحرافات الاجتماعيه.

الكلمات الرئيسية: المال الحرام، الإنحراف الاجتماعى، الإهمال، الوقايه، التوارث و التربوه





سال پنجم، شماره سوم، تابستان ۹۴

## **Impact of unlawful livelihood on diversion and delinquency**

### **Abstract:**

In the laws and rules, in addition to social disorders, chaos and the subsequent penalties for the offenses involved, some developmental works is destined from Lord for distortion or suppression of the right of individuals, the community or the right of Allah. This research seeks to explain the role of pelf and it's entry to life, at first. And secondly; to study the impact of pelf on diversion and delinquency of individuals (especially children). The method used in this research is descriptive and analytical based on library resources. In this research, we will study:

First; implications for research.

Second; unlawful trades from perspective of Quran and Hadith.

Third; general causes of crime and its prevention.

Fourth; factors affecting the child's personality and potential impact of pelf on diversion of children.

In the end, with emphasis on the idea that the influence of pelf on heredity and upbringing is something qualitative and unmeasurable, it is noted that in Islam, the impact of pelf on deviation and crimes committed by persons is undeniable. And some proposals have been raised to reduce the number of crime and social deviance.

### **Key words:**

pelf, social deviance, delinquency, prevention, inheritance and upbringing



سال پنجم، شماره سوم، تابستان ۹۴

### **منهجية تأصيل الأصول الحاكمة على الأسرة بالاعتماد لمنهج «شهيد صدر»**

:المخلص

البحوث التي كتبت حتى الآن في مجال المبادئ الحاكمة على الأسرة قد كانت حول تبیین هذه المصاديق دون أن تبين هذه المبادئ عن وجهه نظر الآيات و الأحاديث منذ يحتاج كل استنباط الى شرح طريقه فنقوم في هذا البحث باستخدام القواعد و المبادئ عن منهج اكتشاف «شهيد صدر» في كتاب «اقتصادنا» الذي يحسب نظريه جديده بتبيين المناهج و اعمال البناء حول استنباط المبادئ الحاكمة على الأسرة من الآيات و الاحاديث. اهم اعمال البناء الذي فحص في هذه البحث هو: التكرار و تأكيد الشارع، بيان جماعي في استعمال الالفاظ العامه، أسس قواعد الاحكام و الطريقه الاستقراريه. التحقق من صحه أدوات هذا الاستنباط في مجال الأسرة يوجب بالاعتماد اكثر على المبادئ المكتشفه. اليوم هذه المبادئ مهمه جدا السياسات و التشريعات و اجرا المسائل حقوق الاسره الفقهيته

**الكلمات الرئيسية:**

الأصل، الحكومه، المبادئ الحاكمة على الأسرة، النظام الشامل لمعرفة الاسلام، طريقه الاكتشاف، شهيد

صدر



سال پنجم، شماره سوم، تابستان ۹۴

## **Methodological principles governing the interpretation of families relying on the method of “discovery” by Shahid Sadr**

### **Abstract:**

Studies that have been done on the basis of the family is often the defining issues, without explaining the original concept, governing and the implications of principles of scripture and tradition.

Each analytical method requires explanation, so in this study, using the rules and principles of “discovery” in Shahid Sadr’s “eqtesadana” which is considered as the new theory of economic development, we will explain the procedures and mechanisms to deduce the implications of ruling family based on scripture and tradition.

The most important mechanisms of “discovery” involved in the study include: repetition and emphasis by lawgiver, general addressing in using general terms, exploring criterions and induction.

Validation of the means of deduction of the family, will be accredited to the explored principles which are highly regarded today in policy, legislation and jurisprudence on family law.

### **Key words:**

principle, governing, principles governing the family, comprehensive knowledge of Islam, “discovery” method, Shahid Sadr



سال پنجم، شماره سوم، تابستان ۹۴

### المبادیان العقلیان للتفکر الأخلاقی من التعمیم لـ «هیر» حتی القاعدة الذهبیة لـ «گنسلر»

المخلص:

مازالت العلاقة بين العقلانيه و الأخلاق موضع نقاش الفلاسفه. يستطلع في هذا الأثناء أن تعين قواعد مقبوله للأخلاق و متوافقه العقل. بما فيه هي القاعدة الذهبية التي لها دور خاص في الأخلاق و الدين ايضا، اعترف بها الأديان الابراهيمية الى الحد الأدنى و حاولوا أن يلافتوا هذه القاعدة الى المؤمنين دائما في العصر الحاضر كان لـ "هرى ج گنسلر" اهتمام كبير بالنسبة الى هذه القاعدة و قد بذل كل جهده للتيين العقلاني حول هذه القاعدة وفقا لهجه تكون القاعدة الذهبية نموذج من الاتساق المنطقي. و ايضا امكانيه تعميم من جمله هذه القاعدة العقلانيه و ان استفاد «كانت» هذا الأصل في أمره المطلق و مع ذلك .

الكلمات الرئيسية: إمكانية تعميم، القاعدة الذهبية، أ.رام.هير، هرى ج گنسلر، القاعدة العقلانيه



سال پنجم، شماره سوم، تابستان ۹۴

## **Two Rational Maxims for ethical thinking; From Hare's Universalizability to Gensler's Golden Rule**

### **Abstract:**

Always philosophers disputed between rationality and ethics, and relevance of them. In this issue, we can select rules that both accepted by ethics and consistent with reason. Through these rational rules, we can point the Golden rule. Golden rule have special space in both of ethics and religion. Abrahamic religions mention golden rule and tried remember this rule to Religious. In the present days, Harry J. Gensler has Considerable attention to golden rule. He tried give description and rational explanation of this rule. On him approach, golden rule is the model of logical consistency.

Also, Universalizability is the rational rules too. Although Kant used this rule in him "Categorical Imperative"; nevertheless, Contemporary philosopher R. M. Hare has special attention to that. In this article, after expressing the introduction of the golden rule and summary of Hare's approach, we translated two entries of "Historical dictionary of ethics"; entry of R. M. Hare and Golden rule.

### **Keywords:**

Universalizability, Golden rule, R. M. Hare, Harry J. Gensler, Rational Rule/Maxim



سال پنجم، شماره سوم، تابستان ۹۴

### الشفافية المعلوماتية وتأثيرها على زيادة ثقة الجمهور

المخلص

قد تناول في البحث الحاضر تأثير شفافية المعلومات على زيادة ثقة الجمهور مع عنايه الى الموثوقية المكونه في المجتمع و عديد من المناطق بمافيه زياده رأس المال الاجتماعي و وفقا لبحوث تبحت عنها في البلاد المختلفه سنوات الأفيروه. و تعكس النتائج حقيقه أن زياده شفافية في المعلومات لا تودى الى تعزيز الثقة و يقدر أن تكون العديده من المتغيرات مؤثره في هذه المجال مثل: ثقافه المجتمع، تصوّر المعلومات، كيفيه عرض المعلومات .  
الكلمات الرئيسية: الثقة، الشفافيه، الحكومه، المعلومات



سال پنجم، شماره سوم، تابستان ۹۴

## **Transparency of government information and its impact on public confidence**

### **Abstract:**

In this study, considering the importance of trust in society and in many areas, such as the increase of social capital, The impact of information transparency on this component has been studied According to research conducted in recent years in different countries . The findings reflect the fact that increase transparency of information can not enhances trust and there are different variables such as: culture, perception of information, presentation of information and so on, in this regard can be effective.

### **Keyword:**

Confidence, Transparency, Government, Information



سال پنجم، شماره سوم، تابستان ۹۴

### خروج النخبه: أسبابها و حلولها

المخلص

وفقا لاهمّيته، دور و مقام الأشخاص النخبه في تنميه البلاد بالاخص في مجال انتاج العلم، الفنّ و التكنولوجيا اداره النخبه أمر ضروري. اليوم في الواقع تحسب منابع العلم و يتبعه أنظمه المنابع الانسانيه القائمه على المعرفه رأسماله بلد. يجب أن تكون اداره النخبه في شكل نظام متماسك يُستخدم في هذا النظام الكشف و التحديد، الجذب و الاختبار، حمايه و الدعم، التريبت، الحفظ، و التطبيق و الهدايه بشكل متكامله و التآزر. قام في هذا البحث بدلائله الاربعه حول خروج النخبه منها: سياسيه، اداريه، اقتصاديه، ثقافيه، اجتماعيه و علميه متخصصيه، بعد تعريف جامعه من نخبه و في النهايه تقترح حلول الوقايه من هذا الامر.

الكلمات الرئيسيه: النخبه المواهب الأفاضل، اداره المواهب، خروج النخبه





سال پنجم، شماره سوم، تابستان ۹۴

## Elites' departure; causes and solutions

### **Abstract:**

According to importance, role and status of elites and premier talents in developing the countries especially in the field of science, art and technology, management of these individuals is so important.

In fact, today knowledge resources and consequently the knowledge based human resources systems are considered as the most important capitals of a country.

The management of elites should be discussed in a coherent system in which system, discovery and identification, recruitment and selection, support, training and dehiscence, maintaining, application and guidance are used in an integrated and Synergistic way.

In this article, first we will define "elite" comprehensively and then discuss the four political-administrative, economic, socio-cultural and scientific-technical reasons of elites' departure and finally recommend some solutions to prevent this process.

### **Key words:**

top talents, elites' departure



سال پنجم، شماره سوم، تابستان ۹۴

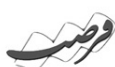
## الاستعمال من الشبكه العصبية الفازيه فى تعيين وقت شراء الاوراق الماليه

### المخلص

اليوم يشكّل الاستثمار فى البورصه قسما مهمّا من اقتصاد البلد و يبادل بلاشك اكثر صفقه الرأسمالى عن طريق اسواق الأسهم فى كلّ العالم مؤثر اسواق البورصه عن آلاف العوامل الأخرى اضافه الى المعلمات الكليات يوجب العدد الكثير و مجهوليه العوامل المؤثر الى سعر الاسهام و ايضا غامضيه العلاقه بين هذه العوامل و سعر الأسهم بعدم اطئنان فى مجال الرأسمال. تشخيص الوقت المناسب للقيام بشراء او بيع الأسهم احدى أداه تخصيص عدم الأطمئنان و هذا من مناقشات مهمّ الاستثمار فى البورصه يبذل الجهد فى هذا البحث حتى تعرّف الشبكات العصبية و أنواعها. سيعرّف فى الآخر ايضا نموذجا مفهوميّا لتعيين الوقت المناسب لشراء و بيع الاسهام .

### الكلمات لرئيسيه:

توقعات، سعر الاسهام، الشبكه العصبية الفازيه(الغامضيه)، المنطق الفازى(الضبابى)،التحليل التقنى، المؤشرات التقنيات



سال پنجم، شماره سوم، تابستان ۹۴

## The use of Neuro—Fuzzy Network to determine the time of purchase of securities

### Abstract:

Nowadays, investment in stock has an important role in economies and undoubtedly the maximum amount of capital exchanged from stocks in world. Stock markets not only are affected by macro parameters, but also by many other factors. Numerous and unknown factors and the complexity of relations between them and stock price, result in unreliability in investment. One of the tools of reducing unreliability that is a very important discussion in stock market is the determination of best time to dealing shares. This research try to development a model for forecasting suitable time to dealing (buy and sell) shares by using neuro-fuzzy networks ability in establishing relationship between differences variables and applying technical indicators. For testing this model stock price data of Sahand Rubber Industry Co. has been used. Results of analysis are promising and show that this model can forecast suitably the time to dealing shares. Also in the end of analyses according to results, a provisory strategy is suggested.

### Keywords:

Forecasting, Stock Price, Neuro—Fuzzy Network, Fuzzy Logic, Technical Analysis, Technical indicators.